

مداومت در اصول موسیقی ایران

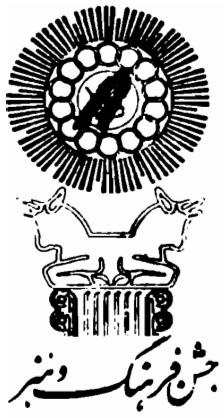
نمونه‌ای از فهرست آثار دانشمندان ایرانی و اسلامی

در عناء و موسیقی

تألیف

محمد تقی دانش‌پژوه

از انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر



مداومت در اصول موسیقی ایران

نمونه‌های زهرست آثار دانشمندان ایرانی و اسلامی

در عناء و موسیقی

تألیف

محمد تقی دانش‌پژوه

از انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر

بناست بخش فرهنگ و هنر

آبان‌ماه ۲۵۳۵

«روش کار»

در تدوین این فهرست کوچک نگارنده برای نسخه‌های عربی نخست به رائدالموسیقی العرییه از عبدالحمید العلوجی نگریستم و آنچه می‌بایست از آن یادداشت کرده‌ام سپس همه آنها را با آنچه که فارمر در Farrmer *The Sources of Arabian music* چاپ ۱۹۶۵ لندن آورده است سنجیده‌ام، آنگاه آنها را با آنچه که او در *A history of Arabian music* چاپ ۱۹۲۹ لندن نوشته است و با ترجمه آن از دکتر حسین نصار زیر نظر دکتر عبدالعزیز ال‌اهوانی بنام *تاریخ الموسیقی العرییه* چاپ ۱۳۷۵ (۱۹۵۶) سنجیده‌ام به رساله فارمر بنام *Oriental studies mainly musical* چاپ ۱۹۵۳ لندن و گفتارهای او بنام :

- 1 - The Jewish debt to Arabic writers on music.
- 2 - Greek Theorists of music in Arabic translation.

و ترجمه عربی مقاله او درباره نسخه‌های خطی موسیقی بادلیان در مجله مقتطف و ترجمه فارسی آن در گفتار آقای حسین علی ملاح در مجله

موسیقی همچنین گفتار فارمر در دایرةالمعارف اسلامی و در The New Oxford History of Music I Ancient and oriental چاپ ۱۹۶۰ لندن

فصل ۱۱ ص ۴۲۱ - ۴۷۶ بنام The music of Islam هم نگریستم.

تا توانستم منابع سرگذشت مغنیان و موسیقی دانها آنچه در دسترس داشته‌ام و دیباچه‌های چاپهای متون کندی و فارابی و ابن‌المنجم و ابن‌سینا و ابن‌زبیل و طوسی و مراغی و دیگران را خواندم فهرست بروکلن را هم پیش‌چشم داشتم. در نسخه‌های فارسی و نامه‌ها و مجموعه‌ها منابعی دیگر در دست داشتم که در جای خود از آنها یاد کرده‌ام و در هر دو بخش عربی و فارسی بسیاری از متون را خواندم. افسوس که فرصت سه ماهه‌ای که داشتم کافی نبود و به کارهای علمی دیگری هم ناگزیر بودم پردازم و نتوانستم به همه فهرستهای نسخه‌های عربی و فارسی و ترکی بنگرم و الاغانی اصفهانی و مانند آنها به دقت بخوانم.

با نگریستن به فهرست‌ها در چند جا که در فهرست فارمر برایم روشن نبود توانستم به گمان خود با آنچه درست است برسم (مانند رساله موسیقی شیروانی).

با خواندن متنهای کندی و ابن‌سینا و ابن‌زبیل و مراغی به نکته‌هایی برخورددم که پاره‌ای از آنها را در اینجا آوردم اگر همه فهرستها را میخواندم و همه نسخه‌ها را میدیدم گویا نکته‌ای برایم تاریک نمی‌ماند.

در پایان بیشتر سرگذشتها نشانه‌هایی گذاردم بدینگونه :

ف = فارمر (فهرست منابع موسیقی عربی).

ع = علوچی (رائد الموسیقی العربیة).

مل = حسین‌علی ملاح (ترجمه گفتار فارمر).

همایی = تاریخ ادبیات فارسی آقای همایی.

ش = الشعر والغناء فی المدینة ومكة لعصر بنی‌امیه از دکتر

شوقی ضیف، چاپ ۱۹۶۷ لبنان.

تاریخ = تاریخ موسیقی عربی فارمر.

ترجمه = ترجمه همین کتاب از نصار.

در پایان این نکته را بگویم که این کتاب پیش از سفرم به شوروی و اروپا و پیش از دوسفرم به آمریکا تدوین شده است. پس از این مقاله‌ای از نگارنده به عنوان موسیقی‌نامه‌ها در چهار زبان نشر شده و میشود که بسیاری از مطالب در آن روشن تر آمده و نسخه‌ها و کتابهای دیگری در آن شناخته میشود و باید این مطالب تازه را بر این کتاب افزود.

محمد تقی دانش‌پژوه

از دیهشت ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی

فهرست

	مقدمه	
۷- ۱		۱ - خنیاگران حجاز و شام و بغداد و ایران شهر
۱۸- ۹		مردان (۶۴ تن)
۲۲- ۱۸		زنان (۱۹ تن)
۲۴- ۲۳		۲ - خنیاگران اندلس (۱۴ نام)
۲۶- ۲۵		۳ - دیگر خنیاگرانی که در دربار خلفاء رفت و آمد داشته‌اند (۳۷ نام)
		۴ - فهرست کتابهایی که از یونانی و هندی به زبان عربی درآمده و دانشمندان موسیقی‌شناس اسلامی از آنها بهره برده‌اند (۲۴ عنوان)
۳۵- ۲۷		۵ - فهرست کتابهای عربی در موسیقی و سماع (۳۰۷ عنوان)
۱۲۸- ۳۷		۶ - آثار شناخته شده فارسی در موسیقی و سماع (۷۶ عنوان)
۱۸۱- ۱۲۹		۷ - نامه‌های فارسی (۱۵ طغرا)
۱۸۴- ۱۸۳		۸ - مجموعه عربی و فارسی (۱۶ نسخه)
۲۰۶- ۱۸۵		۹ - آثار گمنام فارسی در موسیقی هندی (۱۴ عنوان)
۲۱۰- ۲۰۷		۱۰ - آثار گمنام فارسی در موسیقی ایرانی (۴۳ عنوان)
۲۳۱- ۲۱۱		۱۱ - نتیجه
۲۳۴- ۲۳۳		۱۲ - تصحیحات
۲۳۵		

*

در این کتاب رویهم‌رفته از ۱۳۴ خنیاگر یادگشته و ۳۳۱ کتاب عربی و ۱۴۸ کتاب فارسی و ۱۵ مجموعه شناسانده شده است.

چهار

مقدمه

برای رواج موسیقی در ایران پس از اسلام و سرزمینهای شرقی و غربی اسلامی میتوان چندین انگیزه برشمرد :

۱ - مراسم عبادت دوران جاهلیت به ویژه در حج اعراب جاهلی که خواهیم از آن یاد کرد همچنین رسم و آیین زندگی جاهلی عربی در سوگ و سور و جنگ و آشتی .

۲ - آیین یهود و مراسم کنشت پیروان موسی و رسوم زندگی عادی آنان .

۳ - مراسم خواندن انجیل و کتابهای مقدس دیگر در کلیساها و دیرها و ناقوس مسیحیان .

۴ - مراسم مذهبی هندوها و بوداییها در نوبهارها و بتکدهها و آداب قرائت کتابهای هندی همچنین آوردن گوسانها و کولیها و جوکیها که در زمان بهرام گور ویزدگرد شهریار، نشان و سراغ آنها را داریم و داستان آنها را در سنی ملوک الارض والانبیاء حمزه اصفهانی (ص ۴۹ و ۵۵) و طبقات ناصری قاضی منهاج سراج (۱ : ۱۶۲) میخوانیم (هنر و مردم ۹۴ : ۲۴) .

۵ - مراسم اوستاخوانی آتشکدههای زردشتی که خود قواعدی از رهگذر تجوید و غناء داشته است .

۶ - تجوید قرائت قرآن کریم که ناگزیر با آوازی خوش دلنشین تر میشده و به مسلمانی رونق بیشتری میداده است. همچنین اذان نماز یا گلبانگ محمدی که در مئذنه و مناره یا گلدسته و جایگاه بلند میخوانده اند و در فقه اسلامی هم گفته اند که مؤذن خوب است که خوش آواز (صیّت) باشد . صلاح الدین منجد

کتابی دارد بنام «اذان الصلاة تاریخی و تطوراته و موسیقا» که در ۱۹۳۵ در قاهره چاپ شده است .

در رساله آداب آوازا و ذکرها (نسخه ۲/۲۸۳۰ ملک) آداب ذکرهای گلدسته را میخوانیم .

۷- مراسم تعزیت و سوگواری مذهبی که به ویژه از زمان صفویان به شکل روضه خوانی و شبیه خوانی بروز کرده است . همچنین شیوه فضایل خوانان سنی و مناقب خوانان شیعی و قصه پردازان قهوه خانه ها و شمایل گردانان و درویشان مدیحه خوان بیابان گرد که در روزگار صفوی از آنها برای ترویج مذهب بهره میبردند و کار آنان با نوعی موسیقی و غناء همراه بوده است . همچنین نقاره زنی که در برخی از آستانه ها (راهنمای طوس ۳۱۱) به پیروی از دربارهای پادشاهان اجراء میشده است خود نوعی از موسیقی است .

۸- سماع صوفیان که در زاویه ها و تکیه ها و خانقاه ها توأم با رقص و چرخ انجام میشده است و عارفان بزرگ از فوائد سماع در کتابهای خود یاد کرده اند .

۹- میل فطری توده مردم در سورها و سوگها به شنیدن آهنگها و آوازا و تصنیفها و ترانه های توأم با رقصها .

۱۰- توجه دربارهای خلفاء و پادشاهان و امیران و گرانمایگان به موسیقی و حمایت و رعایت و برکشیدن مغنیان و خنیاگران و رقاصان که داستان آنها را در دوران خلافت دراغانی اصفهانی و مانند آن میخوانیم .

۱۱- گذشته از این امور که موجب توجه مردم دیار اسلامی به غناء و موسیقی است انگیزه تحری و جستجوی علمی محض هم که در گروه دانشمندان است آنان را مانند ثامسطیوس و بطلمیوس و امی داشت که درباره این هنر اگرچه در عمل هم با آن سروکاری نداشته باشند بیندیشند و به رموز آن از همه جهات پی ببرند . شیخ بهائی میگوید «لامانع شرعاً من تعلم هذا العلم و کثیر من الفقهاء کان مبرزافیه . نعم الشریعة المطهرة . . . منعت من عمله . والکتب المصنفة فیه انما تفید امورا علمیه فقط» (الکشکول ص ۲۶۶) .

موسیقی در دیار اسلامی دارای دو جنبه است :

یکی علمی که بگواهی رساله ها و کتابهایی که از یونانی به عربی ترجمه شده است و خواهیم دید از فرهنگ یونانی گرفته شده است .

دوم جنبه علمی آن که از موسیقی ایرانی است، بگواهی نفوذ موسیقی ساسانی در زمان جاهلیت در میانه اعراب بطور مستقیم یا از راه حیرد که نامهای فارسی افزار موسیقی آن زمان نشانه آنست . این امر پس از اسلام روشن است چه نام بسیاری از مقامها و آهنگها و افزارها در کتابهای عربی تا امروز هم فارسی است . از این

گذشته بیشتر مغنیان و موسیقی‌شناسان از هنرمندان و دانشمندان ایرانند .
 پس در موسیقی اسلامی دو عنصر یونانی و ایرانی سخت مؤثر بوده است .
 عنصر عربی و موسیقی ابتدایی قبایل عرب در یمن و حجاز را هم نباید فراموش کرد و آن در پیدایش و رواج این هنر و تدوین این علم خواه و ناخواه مؤثر بوده است به‌ویژه آنکه زبان ادب و علم زبان عربی بوده و ناگزیر ساختمان این زبان و سبک و وزن شعر عربی در موسیقی اسلام اثر داشته است .
 عنصر دیگر در موسیقی اسلامی موسیقی هندی است که از زمان ساسانی مردم بآن آشنا شده بودند و چنانکه خواهیم دید کتابهایی در موسیقی هندی به فارسی داریم .
 عنصرهای دیگر موسیقی ترکی و مغولی و چینی است که در آثار عبدالقادر مراغی نشان آنها را می‌بایم .

چنانکه در قرآن کریم اشارت شده است^۱ نماز تازیان جاهلی در خانه خدای صغیر و دست‌زدن (تصفیق) بوده است و تلبیه و تهلیل حج آنان هم نوعی از غناء بشمار می‌آمده است . حداء (سرود خواندن برای شتران) و سرودها و اغنیه‌های جنگی و شعرهای حماسی و پهلوانی و رجز یا سرود هنگام برد هم داشته‌اند (شوقی ۵۵) نیز چندگونه چکامه که «نصب ، سِناد ، هزج» می‌نامیدند (ش ۷۰) و شهرهای مدینه و طائف و خیبر و وادی القری و دومة الجندل و یمامه معدن و کان غناء بوده است (ش ۵۶ و ۵۷) .

پس آیین بت‌پرستی بومی عربی که برخی از مظاهر آن در روزگار امویان دوباره زنده شده بود از یک سوی و تأثیر فرهنگ سوریا و دمشق که با یونان و رم پیوند داشته است از سوی دیگر و نفوذ فرهنگ ایرانی در زمان جاهلیت و به‌ویژه پس از اسلام از دگر سوی و آیین یهود و سرود و موسیقی آنان که در مدینه از دیر زمانی میزیسته‌اند و آیین ترسایان انجیل‌خوان انگیزه‌هایی بود که عربهای مسلمان را دوستار موسیقی و غناء کرده است به‌ویژه آنکه سوریایی‌ها و ابرانیها و یونانیها و افریقائیهای آزاد و برده به‌شهر مدینه و مکه ریخته بودند و از میان فارسیان و یونانیان سوریایی که در این شهرها بیگانه بشمار می‌آمدند خنیاگران و مغنیان و موسیقی‌دانانی پیدا شدند که گویا به یونانی یا فارسی هم آواز خوانی میکردند و جوقات و دسته‌هایی هم داشته‌اند . روایی بازار آنان بیشتر در روزگار امویان بوده است چه یزید (۶۱ - ۶۴ هـ / ۶۸۰ - ۶۸۳ م) شاعری بود طرب‌دوست و او نخستین بار به ملاحی و سرخوشی‌ها پرداخت و خنیاگران را پناه داد . پس از او خلفای دیگر اموی هم بدین کارها می‌پرداخته‌اند تا در روزگار عباسیان غناء و موسیقی گذشته از جنبه عملی که داشته بود راه علم را نیز پیش گرفت و نحله‌ها و روش‌های

۱ - وما كان صلاتهم عند البيت الا مكاء وتصدية (سوره ۸ آیه ۵۳) .

ابن‌جامع و اسحاق و زریاب پیدا شده بود .
 از میان خنیاگرانی که خواهیم شناخت چهارتن را به‌اختلاف روایات
 از پیشروان موسیقی اسلامی (اصول الغناء) برشمردند :
 بگفته یونس کاتب آنها ابن‌سریج ترك و ابن‌محرز ایرانی و غریض بربری
 و معبد زنگی‌اند و بگفته عبید بن حنین الحیری ابن‌سریج و غریض و معبد و حنینا الحیری
 و بگفته اسحاق موصلی ابن‌سریج و ابن‌محرز و معبد و مالک عربی هستند^۲ .
 یکی از اینها از حیره است و میدانیم که فرهنگ حیره در شاعران عرب
 مانند نابغه و طرفه و عمر بن کلثوم و عدی بن زید که دربار حیره آنها را گرامی
 داشته است خواه ناخواه می‌بایستی تأثیر کرده باشد و تازیان از راه حیره و عراق
 با ایرانیان پیوستگی داشته‌اند . این بود که اعشی نجرانی که به مداین رفته بود
 در شعرهای خود واژه‌های فارسی موسیقی بکار برده و خود چنگ میزد و صنایع العرب
 خوانده می‌شده است (همایی ۱۷۷ ، ترجمه ۹ و ۲۹) .

میگویند که یمنی‌ها دو گونه ایقاع داشته‌اند : یکی حمیری که باید از قبیله
 و خاندان آنها باشد . دومی حنفی که شاید از دین حنیف باشد . حجازیان همواره
 خنیاگران یمنی را از بهترین موسیقی‌دانها میدانستند (تاریخ ۳ ، ترجمه ۹) .

در فهرست ابن‌الندیم و الاغانی ابوالفرج اصفهانی و کتابهای ادب و تاریخ
 بنام بسیاری از موسیقی‌دانان و مغنیان و نوازندگان برمیخوریم و میتوانیم از روی
 آنها سرگذشت آنان را تدوین کنیم . دشواری کار در تدوین تاریخ موسیقی سده
 هشتم به بعد است که مدرک کافی در دست نیست جز اینکه مطالب پراکنده‌ای که
 در لابلای کتابها هست گرد بیاوریم و چنین تاریخی را بنویسیم، به مثل در اینجا من
 از چند مدرک نام می‌برم :

در روضة الصفا و حبيب السیر بنام چند موسیقی‌دان و خنیاگر برمیخوریم .
 در تحفه سامی از اینان یاد میشود :

۱ - بنائی هروی خوشنویس خوشخوان .
 ۲ - حافظ باباجان تربتی خوشنویس نقار استاد و زرافشاننده در استخوان
 و سازنده عود و شترغو .

۳ - حافظ مجلسی تبریزی خوشنویس نقار نوازنده قانون و شترغو .

۴ - استاد دوست محمد عودی سازنده هروی .

۵ - عاشقی ارنه‌ای سیستانی شاعر نقاش ادوار بند .

۶ - عشرتی قلندر صحاف آگاه به علم ادوار .

۲ - شوقی ۵۵ تا ۵۷ ، تاریخ ۴۴ و ۶۰ و ۸۰ و ۹۷ ، ترجمه ۱۲ و ۵۷ و ۷۵ و ۸۰

و ۹۲ و ۹۷ .

- ۷ - ملك قزوینی یا تبریزی خوشنویس شاعر موسیقی‌دان .
- ۸ - میرشریف هروی خوش آواز موسیقی‌دان .
- ۹ - حافظ خوگره فراقی تبریزی نقاش خواننده شاعر .
- ۱۰ - محب‌علی نای‌هروی خوشنویس .
- همچنین از چندین قصه‌خوان در آن یاد میشود (فهرست نامها) که از موسیقی نمی‌بایستی بیگانه باشند .
- در عالم آرای عباسی یاد میشود از :
- ۱ - استاد حسین شوشتری بلیانی سرنایی .
 - ۲ - استاد اسد سرنایی نقاره‌خانه همایون .
 - ۳ - حافظ احمد قزوینی .
 - ۴ - حافظ جلاجل .
 - ۵ - حافظ مظفر قمی عراقی خواننده بروش خراسانی .
 - ۶ - حافظ هاشم خواننده .
 - ۷ - میرزا کمانچه‌ای سازنده عودنواز .
 - ۸ - محمد مؤمن عودنواز سازنده .
 - ۹ - شاه‌سوار طنبوری چهارتارنواز .
 - ۱۰ - شمس شترغوهی مصنف .
 - ۱۱ - استاد معصوم کمانچه‌ای سازنده ورامین .
 - ۱۲ - استاد سلطان محمود طنبوره‌ای مشهدی .
 - ۱۳ - میرزا طنبوره‌ای نوازنده طنبور در عراق .
 - ۱۴ - استاد سلطان محمد چنگی .
 - ۱۵ - حیدر قصه‌خوان .
 - ۱۶ - محمد خورشید اصفهانی قصه‌خوان .
 - ۱۷ - فتحی شاهنامه‌خوان و خواننده برادرش .
- در جامع مفیدی (۳ : ۴۴۰) یاد میشود از :
- امیرسید علی میرصوتی .
- در بهجةالروح از چند موسیقی‌دان یاد میشود (فهرست نامها) مانند سعدالدین محیی‌آبادی ، شمس‌الدین ، کمال‌الدین کازرونی ، میرفخرالدین ، سید حسین اخلاطی ، شیخ نجم‌الدین مؤلف فصوص روحانی .
- در رستم‌التواریخ (ص ۳۴۰ و ۴۰۹ و ۴۱۰ و ۴۱۱) از هنرمندانی یاد شده که از میان آنها میتوان نام چند خواننده و خنیاگر را یافت .
- در طرایق‌الحقایق (۳ : ۱۹۳) آمده است که میرزا محمد مشتاق علی‌شاه

ترتبی خراسانی دکنی پسر میرزا مهدی ظهورعلی شاه اصفهانی و کشته در ۲۱ رمضان ۱۲۰۶ و رزش کار و موسیقی دان بوده و تار وحدت داشته است .

در فهرست نامهای مجلد نهم ذریعه (ص ۶ - ۱۴۴۵) هفتاد و هشت شاعر موسیقار (موسیقی دان) بر شمرده شده که سرگذشت آنان در این مجلد در جاهای خود آمده است .

آقای محمد محیط طباطبائی از جنگی یاد میکند که در آن سه رساله بوده و برداشته اند (مجله موسیقی س ۳ ش ۱۰ و ۱۱ ص ۲۲ - ۲۴) .

۱ - رساله فی الموسیقی لامیر صدرالدین القزوبنی (که پس از این خواهیم آنرا شناخت) .

۲ - رساله اخری للحسین بن محمد المنشی الجنابدی (گویا پسر مؤلف تذکره النغم که پس از این خواهیم دید) .

۳ - حل مشکلات دیوان انوری از میرزا الغ بیگ .
در این مجموعه نامه کوتاهی است از سلطان علی مشهدی به سلطان حسین میرزا که او را به باغ نورا خوانده بوده است .

در این نامه از این موسیقی دانها و هنرمندان یاد میشود که در آن باغ بوده اند: سید نجم الدین عودی ، شاه درویش نایی ، شهاب دمکش ، حافظ صابرقاق ، صاحب مصنف ، خواجه شادی شاه ، مولانا یقینی ، مولانا غیاث الدین مذهب ، خواجه عبدالله قاطع ، ماه پاره مجلد ، سید بابای افشانگر ، شکری چارتاری ، ایثار بیگینی از مقبولات ، خواجه ایغور وزیر ، قاسم بیگ برلاس ، امیرزاده ، طوفان بیگ بهادرخان ، سلطان خان جلایر ، حور نژاد شاه خانم مهر طلعت از محبوبان ، شاه ناز خاتون نغمه سرای ، حواماری صاحب صوت ، امیر شیخم سهیلی ، امیر ملک جوینی ، خورشید خانم بزم آرای .

در فهرست کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران (۱ : ۴۲۵) از عزیز نقاش موسیقی دان نام برده شده است .

در پایان اقبال نامه جهانگیری شریف خان شماره ۵۷۴۸ دانشگاه تهران از گویندگان زمان حضرت مانند حافظ نادعلی و استاد محمد نایی یاد شده است .

در المآثر والاثار از ریاست ارباب طرب : چالاپ چی خان ، آقا علی اکبر ، آقامطلب ، آقامحمد صادق خان مشارالدوله و نیز از «موسیقی اروپایی» یاد شده است . (ص ۲۵ و ۱۱۰) .

در باره کتابهای موسیقی ، نگارنده در فهرست دانشگاه (۳ : ۱۰۳) اندکی بررسی کرده ام .

در مجله موسیقی (۱۱۰ : ۱۵) مقاله ایست از آقای حسین علی ملاح

درباره نسخه‌های خطی رسالات عربی موسیقی کتابخانه بادلیان که از فهرست فارمر بهره برده است. ایشان در همین مجله (۱۱۶ : ۸ و ۱۱۷ : ۲۴) باز مقاله‌ای دارند درباره صاحبان رساله‌های موسیقی از روی سخنان فارمر و افزوده‌هایی از خود ایشان و در آن از گروهی موسیقی‌دانهای اسلامی که به عربی رساله نوشته‌اند یاد شده است.

آقای منوچهری باستانی در همین مجله (۵ : ۱۰۴ و ۲۹ : ۳۶) مقاله‌ای دارد و در آن از نسخه‌های شماره‌های ۱۴۲ و ۵۶۵ و ۲۹۱۱ و ۲۹۱۳ و ۲۹۳۱ و ۷۴۲۱ مدرسه سپهسالار و شماره‌های ۶۰۰ و ۶۲۶ و ۲۲۰۷ و ۲۲۱۱ و ۲۲۱۳ کتابخانه مجلس بررسی نموده است.

در یادداشتهای قزوینی (۷ : ۱۶۲ و ۲۲۹) نکاتی درباره موسیقی آمده است.

آقای جلال‌الدین همایی در تاریخ ادبیات ایران و آقای مهدی برکشلی در موسیقی دوره ساسانی و آقای محمدعلی امام‌شوشتری در هنر موسیقی روزگار اسلامی از خنیاگران و موسیقی‌دانان اسلامی بحثی کرده‌اند.

اینک از چند مغنی و موسیقی‌دان آغاز اسلام که آثار عملی داشته‌اند و در کتابهای اغانی و تواریخ نمونه‌هایی از آنها آمده‌است یاد می‌گردد.

خنیانگران حجاز و شام و بغداد و ایران شهر

مردان خنیانگر

۱ - الابدجر ابوطالب عبیدالله یا محمد پسر قاسم مولی کنانه که مکی بوده و به مدینه هم رفته و شاگرد غریض بوده است و تا زمان ولید زندگی میکرده است.

۲ - ابراهیم بن ماهان (میمون) ایرانی موصلی (کوفه ۱۲۵ - ۱۸۹) از خاندانی بزرگ و گرانمایه و پرورده تمیمیان . به موصل و ری رفته و موسیقی فراگرفته و سپس در بغداد از سیاط آموخته است . لحنها و آهنگهایی ساخت و ایقاع ماخوری از اوست . هم مغنی و خواننده بود و هم عارف و نوازنده . پسرش اسحاق و زلز و مخارق و علویه و ابوصافه و سلیم بن سلام و محمد بن حارث و محمد رف شاگردش بوده اند .

دسته و پیروان او در برابر گروه پیرو ابن جامع مانند مخارق و عقید بوده اند .

۳ - امیر ابواسحاق ابراهیم بن المهدی (۱۶۲ - ۲۲۵) برادر کوچک هارون که شاعر و دانشمند و فقیه و جدلی و محدث و موسیقی دان و مغنی و نوازنده و آشنای به افزارهای موسیقی و سرآمد در موسیقی بوده است . مادر او و مادر خواهرش علیه موسیقی دان هر دو دیلمی بوده اند .

او رهبر جنبش ابداعی رومانتیکی فارسی است در برابر نحلّه تقلیدی عربی کهن اسحاق موصلی .

۱ - شوقی ۸۰ ، تاریخ ۸۹ ، ترجمه ۱۰۷ .

۲ - تاریخ ۱۱۶ ، ترجمه ۱۳۸ .

۳ - تاریخ ۱۱۹ ، ترجمه ۱۴۱ .

۴ - ابن جامع ابوالقاسم اسماعیل سهمی قرشی عربی مکی ، فقیه و حافظ قرآن یکی از سه خنیاگر و مغنی برجسته و برگزیده روزگار هارون که با ابراهیم موصلی و فلیح آهنگها و سرودهای صدگانه (الاصوات المائة) را گرد آورده است. مادرش زن سیاط شده بود و او شاگرد وی و یحیی برمکی بوده است .

۵ - ابن سریج ابویحیی عبیدالله بن سریج ترک مکی (۱۳ - ۱۰۸) مولی بنی نوفل بن عبد مناف یا بنی الحارث بن عبدالمطلب یا بنی لیث یا بنی مخزوم که گندم گون و سرخ فام بوده و در خلافت عمر متولد شده و در خلافت هشام درگذشت. گویند که پس از کشته شدن ولید پسر یزید بمرد. شاگرد ابن مسجح بوده و به مدینه رفته و از طویس و نشیط فارسی آموخته است. او نخست مرثیه میخوانده و نوحه گری میکرد تا زمان پیداشدن غریض که در نوحه برتر از وی شده بود و او ناگزیر به غنا پرداخته است . او در مکه بلکه در سراسر حجاز سرآمد شده بود . او نخست نی میزد سپس عود و بربط مینواخت بروش فارسیان ، از بنایان ایرانی کعبه . و نخستین کسی است که در مکه در غناء عربی عود فارسی نواخته است . او به وزن هزج و رمل میخوانده است . به شام رفت و الحان رومی بربطی و اسطوخوسی فراگرفت . سپس به فارس رفت و غناء بسیاری آموخت و آنها را با غناء عربی سازگار ساخت . و نخستین بار به چنین کاری پرداخت و پس از او شاگردش و دیگران هم از او پیروی کرده اند . گویند که سرچشمه غناء از دومکی (ابن سریج و ابن محرز) و دومدنی (معبد و مالک) است . شصت و دونوا (صوت) از او مانده که ابراهیم موصلی و پسرش آنها را فرا گرفته بودند .

۶ - ابن عایشه ابوجعفر محمد مدنی مغنی عودنواز مادرش مولاة کثیر بن الصلت الکندی یا آل المطلب بن ابی وداعة سهمی ، آرایشگر و ماشطه بوده و خود غلام و برده مطلب بن ابی وداعة سهمی بوده و شاگرد معبد و مالک و جمیله و آواز و قرآن و شعر میخوانده است . در خلافت ولید پسر یزید گویا او را کشته اند .

۷ - ابن القصار ابوالفضل سلیمان بن علی که طنبوری خوبی بوده و معتز عباسی او را بسیار دوست میداشته است .

۸ - ابن محرز ، ابوالخطاب مسلم یا سلم یا عبدالله مکی در گذشته نزدیک ۹۷ مولی بنی عبدالدار یا بنی مخزوم که پدرش نژاد از ایران داشته و از سده

-
- ۴ - تاریخ ۱۱۵ ، ترجمه ۱۳۶ ، شوقی ۲۸۵ .
۵ - شوقی ۲۷۳ ، تاریخ ۷۹ ، ترجمه ۹۶ ، همایی ۳۳۴ .
۶ - شوقی ۸۱ ، همایی ۳۳۶ ، تاریخ ۸۲ ، ترجمه ۱۰۰ .
۷ - تاریخ ۱۶۰ ، ترجمه ۱۸۸ .
۸ - تاریخ ۷۸ ، ترجمه ۹۵ ، شوقی ۲۷۲ ، همایی ۳۴۰ .

ونگاہبانان کعبه بوده است . او شاگرد مسجح و عَزَّة المیلاء در مدینه بوده و به شام و فارس رفته لحنها و آهنگهای روم و فرس یاد گرفته و روش آنها را در غناء و سرود عربی بکار برده است . او سه ماه در مکه و سه ماه در مدینه و شش ماه دیگر در دیگر جاها میگذرانده است ، رمل و دوبیتی میخوانده و یکی از پنج قهرمان (فحل) حجاز در موسیقی بشمار میآمده و آهنگها را مانا به دلخواه هر کسی میخوانده است . او را صنّاج العرب یا چنگی تازیان می نامیده اند .

۹ - ابن مسجح ابو عثمان سعید سیاه مکی در گذشته نزدیک ۹۷ مولی بنی جمح یا بنی نوفل و آزاد شده و شاگرد ایرانیانی که به بنائی خانه کعبه می پرداخته اند . به سوریا و فارس رفته و غناء آموخته و به لحن و آهنگ فارسی میخوانده است . استاد ابن محرز و ابن سریج و معبد از مغنیان مکه بوده است . نخستین مغنی عربی زمان معاویه است و تا زمان عبدالملک و ولید زنده بوده است .

۱۰ - ابو جعفر احمد بن یحیی مکی در گذشته ۲۵۰ از راویان اغانی و اورا «ظنینا المکی» میخوانده اند . متوکل را دیده است . کتاب مجرد فی الاغانی پدر را برای محمد بن عبدالله بن طاهر پوشنگی گرد آورده است .

۱۱ - ابو حشیشه یا ابو جعفر محمد بن علی بن امیه طنپوری سرآمد و موسیقی دان و کاتب زمان مأمون تا معتمد .

۱۲ - ابو صدقة مسکین بن صدقة موسیقی دان مدنی که در دربار هارون داستان سرا و قصاص بوده است . پسرش صدقة و نوه اش احمد هم موسیقار بوده اند .

۱۳ - ابو عثمان مرزوق مکی : مولی بنی امیه استاد ابن جامع و ابراهیم موصلی و فلیح بن ابی العوراء و مؤلف کتاب فی الاغانی رئیس موسیقاران حجاز که در روزگار مهدی و امین و مأمون میزیسته است .

۱۴ - ابو کامل العزیزل دمشقی که در دربار ولید دوم (۱۲۶ - ۱۲۷) بوده است .

۱۵ - احمد بن اسامة همدانی نصیبی نژاد از عرب داشته و از خویشان اعشبی همدان در گذشته ۸۳ بوده و رفیق و یار او . مغنی طنپور زنی بوده و از زمان

۹ - تاریخ ۱۷۷ ، ترجمه ۹۴ ، شوقی ۲۷۰ ، همایی ۳۳۲ .

۱۰ - تاریخ ۱۱۴ ، ترجمه ۱۳۶ .

۱۱ - تاریخ ۱۵۸ ، ترجمه ۱۸۶ .

۱۲ - تاریخ ۱۲۲ ، ترجمه ۱۴۴ .

۱۳ - تاریخ ۱۱۳ ، ترجمه ۱۳۵ .

۱۴ - تاریخ ۸۹ ، ترجمه ۱۰۷ .

۱۵ - تاریخ ۶۵ ، ترجمه ۷۲ .

- راشدین تا زمان عبیدالله بن زیاد والی کوفه میزیسته است.
- ۱۶ - احمد بن صدقه بن ابی صدقه طنبوری خواننده رمل و هزج و آهنگ ماخوری که از زمان مأمون تا متوکل میزیسته است .
- ۱۷ - اسماعیل بن هرزد مولی بنی الزبیر بن العوام یا بنی کنانه که خیاگر دربار ولید دوم (۱۲۶ - ۱۲۷) بوده و تا زمان هارون میزیسته است .
- ۱۸ - اشعب طماع ابو العلاء شعیب بن جبیر از مادری حمیده ام خلدج یا ام جمیل نام کنیز اسماء ذات النطاقین دختر ابوبکر و پدرش با مختار خروج کرده بود، خود او گویا از موالی عثمان یا عبدالله بن زبیر بوده و گویا تا ۱۵۴ زندگی میکرده است مطرب و مغنی و بذله گو و مسخره و رقاص و طماع بوده است .
- ۱۹ - بدیع الملیح آزاد شده عبدالله بن جعفر در گذشته ۸۰، با نافع الخیر و نثوم الضحی همراه جمیله در حج بوده است. داستان این حج در تاریخ موسیقی فارمر (ص ۷۵، ترجمه ۹۵) هست .
- ۲۰ - برصومای نوازنده مزمار شاگرد ابراهیم موصلی بوده و زمان هارون میزیسته است .
- ۲۱ - بنان بن عمرو والحارث موسیقی دان سرآمد دربار متوکل و منتصر و معشوق فضل که زنی شاعر بوده است . منتصر او را دوست میداشته و برتر از دیگرانش میدانسته است .
- ۲۲ - جحظة برمکی ابو الحسن احمد بن جعفر بن موسی بن خالد بن برمک (۲۲۵ - ۳۲۷) دانشمند شاعر ادیب طنبوری مغنی سرآمد و برتر از دیگران .
- ۲۳ - جراب الدولة ابو العباس احمد بن محمد بن علویه سجزی طنبوری چیره دست و مؤلف ترویج الارواح و مفتاح السرور و الافراح .
- ۲۴ - حارث بن کلدة ثقفی که به ایران آمده و در جندی شاپور پزشکی فرا گرفته و بر بطن نوازی آموخته و آنرا در مدینه رواج داده بود .

۱۶ - تاریخ ۱۵۸ ، ترجمه ۱۸۶ .

۱۷ - تاریخ ۱۳۱ ، ترجمه ۱۵۴ .

۱۸ - تاریخ ۸۸ ، ترجمه ۱۰۶ ، همایی ۲۳۹ .

۱۹ - تاریخ ۵۸ ، ترجمه ۷۳ .

۲۰ - تاریخ ۱۳۱ ، ترجمه ۱۵۵ .

۲۱ - تاریخ ۱۵۸ ، ترجمه ۱۸۷ .

۲۲ - تاریخ ۱۶۱ ، ترجمه ۱۸۹ .

۲۳ - تاریخ ۱۵۹ ، ترجمه ۱۸۸ .

۲۴ - همایی ۳۲۷ .

- ۲۵ - ابوعلی حسن المسدود پسر بزکشی در بغداد ، خواننده و طنبورنواز بوده و نخستین طنبوری زمان خود و با احمد بن یحیی مکی (ظنینا) و دبیس در خانه ابو عیسی ابن المتوکل آواز میخواندند . در زمان واثق تا منتصر میزیسته است .
- ۲۶ - حکم الوادی ابو یحیی حکیم بن میمون الوادی که پدرش از مردم فارس و ایرانی و سلمانی و خود او مولی ولید (۸۶ - ۹۷) بوده و روغن زیت می فروخته است . در وادی القری متولد شده و در روزگار هارون در ۸۱ سالگی در گذشته است . شاگرد عمر الوادی بوده و هزج میخوانده است .
- ۲۷ - حنین حیری ابو کعب بن بلوغ نصرانی در گذشته نزدیک ۱۰۰ گل - فروش و عودنواز و مغنی و سناخوان و گویا عربی بود مسیحی از بنی حارث بن کعب . در زمان عثمان میزیسته است . شعری در وصف حیره دارد و در آن از نجف نام برده است .
- ۲۸ - دحمان اشقر عبدالرحمن بن عمرو خنیاگر نامور مدنی رقیب حکم الوادی که تا زمان فضل بن یحیی برمکی (سده ۲) زنده بوده است .
- ۲۹ - ابو یزید دلال نافذ مدنی آزاد کرده بنی فهم و شاگرد طویس که مانند او خود را به ساخت زنان در میآورد است . ابراهیم موصلی صد سالی پس از او نواها و اصوات او را میخوانده است .
- ۳۰ - زبیر بن دحمان مکی مولی بنی لیث بن بکر که پدرش خنیاگرامویان بوده و خود او بازرگانی میکرده و به موسیقی هم پرداخته است . در دربار هارون بوده و با برادرش عبدالله از خنیاگران درباری بشمار می آمدند و هردو از امیر ابراهیم بن المهدی پیروی میکردند . قلم الصالحیه از زنان خنیاگر شاگردش بوده است .
- ۳۱ - ابو منصور زلزله در گذشته ۱۷۵ که به ضرب آشنا بوده و عود می نواخته یار و داماد ابراهیم موصلی بوده و مخترع و تروزه سوم و عود شبوط بجای عود فارسی .
- ۳۲ - زنام مزمارنواز نامور که نای زنامی یا نای زلامی را نخستین بار

۲۵ - تاریخ ۱۵۸ ، ترجمه ۱۸۷ .

۲۶ - تاریخ ۱۱۲ ، ترجمه ۱۳۳ .

۲۷ - تاریخ ۵۵ ، ترجمه ۷۱ ، همایی ۳۳۵ .

۲۸ - تاریخ ۸۸ ، ترجمه ۱۰۷ ، شوقی ۶۸ .

۲۹ - تاریخ ۵۷ ، ترجمه ۷۳ ، شوقی ۶۸ .

۳۰ - تاریخ ۱۲۳ ، ترجمه ۱۴۶ .

۳۱ - تاریخ ۱۱۸ ، ترجمه ۱۴۰ .

۳۲ - تاریخ ۱۳۲ ، ترجمه ۱۵۵ .

ساخته است . در دربار هارون و معتصم و واثق بوده است .

۳۳ - سائب خاثر ابوجعفر بن یسار ایرانی مدنی لیشی از موالی عبدالله بن جعفر بن ابی طالب و در ۵۳ هجری او را کشته‌اند. او را «فیء کسری» نوشته‌اند و عبدالملک بن جعفر او را خریده و آزاد کرده است . الحان و آهنگهای نشیط را به عربی در آورده و غنای عربی بدو آموخته بود . هزج و رمل میخوانده و نخستین بار در مدینه عود ساخته و نواخته است . نخستین عود زن مدینه اش دانسته‌اند . استاد معبد و جمیله و عزة المیلاء بوده و پیشه بازرگانی داشته است .

۳۴ - سلمک : در زمان هارون وزن رمل را نخستین بار در میان ایرانیان روایی داده است .

در شفاء و ادوار از نغمه سلمکی و آواز سلمکی یاد شده است .

۳۵ - ابو عبدالله سلیم بن سلام کوفی دوست ابومسلم و ابراهیم موصلی و خوش آواز بوده است .

۳۶ - سیاط ابو وهب عبدالله بن وهب مکی مولی بنی خزاعه (۱۲۲-۱۶۲) شاگرد یونس کاتب و بردان شاگرد عزة المیلاء و شاگرد ابن محرز و ابن سریج و جمیله و معبد و استاد ابراهیم موصلی و ابن جامع ، مغنی بود عودنواز و آوازخوان و ملیح .

۳۷ - طویس ابو عبدالمنعم عیسی بن عبدالله الذائب مدنی از موالی بنی مخزوم که رفتار زنانه داشته و دف میزد و هزج و رمل میخوانده و نخستین بار در مدینه در غنا ایقاع وارد کرده و نخستین موسیقی دان دیار اسلامی است . شاگرد بردگان ایرانی که در مدینه کار میکردند و پیرو روش آنها و استاد دلال نافذ و نثوم الضحی و قند در مدینه و ابن سریج در مکه ، میگویند که اصل و پایه غناء مدینه از این گروه زن نمایان است که او یکی از آنها بوده است . او در روزگار عبدالملک در گذشته است .

۳۸ - عبدالله بن ابی العلاء موسیقی دان سامرا ، شاگرد اسحاق موصلی بوده و پسرش احمد نیز موسیقی دانی چیره دست و از درباریان معتضد و شاگرد مخارق و علویه .

۳۳ - تاریخ ۵۳ ، ترجمه ۶۸ ، شوقی ۷۸ ، همایی ۳۴۲ .

۳۴ - تاریخ ۱۰۶ و ۲۰۳ و ۲۰۴ ، ترجمه ۱۲۶ و ۱۴۱ و ۲۴۰ ، همایی ۳۴۱ .

۳۵ - تاریخ ۱۳۱ ، ترجمه ۱۵۴ .

۳۶ - تاریخ ۱۱۳ ، ترجمه ۱۳۴ .

۳۷ - تاریخ ۵۲ ، ترجمه ۵۸ ، شوقی ۷۷ .

۳۸ - تاریخ ۱۵۹ ، ترجمه ۱۸۸ .

- ۳۹ - عبدالله بن العباس بن الفضل بن الربيعی مغنی و شاعر و خواننده دربارها از هارون تا منتصر و متوکل شیفته او بوده و او روش اسحاق موصلی را بسیار می‌پسندید . دولحن و آهنگ او شهرت پیدا کرده بود .
- ۴۰ - عطرده ابوهارون مدنی مولی انصار ، زیباروی و خوش آواز وقاری قرآن و خنیاگر و مغنی ، شاگرد معبد بوده و از سرآمد بودنش در عده‌های شرعی و غناء مردم مدینه در شگفت بوده‌اند ، گویا تا زمان هارون زنده بوده و نزدیک به ۱۷۰ در گذشته است .
- ۴۱ - عکویه یا عکویه ابوالحسن علی بن عبدالله بن سیف مدنی مولی بنی‌امیه و نوۀ سیف موسیقی‌دان که شاگرد ابراهیم موصلی بوده و پیر و ابراهیم بن المهدی در نحلۀ ابداعی و رمانتیک او و مخالف نحلۀ تقلیدی اسحاق موصلی . او نغمه‌ها و آهنگهایی فارسی در موسیقی عربی آورده و همین سبب شد که پرده‌هایی از موسیقی عربی از میان برود . از زمان هارون تا مأمون و متوکل زنده بوده است .
- ۴۲ - عمرو بن بانه (عمرو بن محمد بن سلیمان بن راشد) در گذشته در سامرا در ۲۷۸ ، مولی یوسف عمر ثقفی ، پدرش کاتب برجسته دیوان خلافت ، مادرش « بانه » دختر روح کاتب و نویسنده سلمة الوصیف . شاگرد اسحاق موصلی و امیر ابراهیم ابن المهدی بوده از درباریان مأمون و معتصم و متوکل و پیر و نحلۀ امیر ابراهیم ، از او است کتاب مجرد الاغانی .
- ۴۳ - عمرو بن عثمان بن ابی‌الکنات همزمان ابن‌عایشه که آوازی غیر عادی داشت و در دسته و موکبی از حجاج آواز افسونگرانه‌اش مردم را بیهوش کرده بود .
- ۴۴ - عمرو و المیدانی بغدادی خنیاگر طنابوری نامور و برتر از ابو حشیشة و مسدود که در زمان خود در زدن طنابور از دیگران برتری داشته‌اند .
- ۴۵ - عمر الوادی پسر داور پسر زادن ایرانی مولی عمرو بن عثمان بن عفان مهندس و موسیقی‌دان و نخستین مغنی و خنیاگر وادی القری و او را « جامع-الذات » خوانده‌اند .
- ۴۶ - الغریض ابویزید یا ابومروان عبدالملک بربری مکی مولی ثریا

-
- ۳۹ - تاریخ ۱۶۰ ، ترجمه ۱۸۸ .
 ۴۰ - تاریخ ۸۵ ، ترجمه ۱۰۲ ، شوقی ۸۵ .
 ۴۱ - تاریخ ۱۲۳ ، ترجمه ۱۴۵ و ۱۷۵ .
 ۴۲ - تاریخ ۱۵۷ ، ترجمه ۱۸۶ .
 ۴۳ - تاریخ ۸۷ ، ترجمه ۱۰۵ .
 ۴۴ - تاریخ ۱۵۹ ، ترجمه ۱۸۸ .
 ۴۵ - تاریخ ۸۸ ، ترجمه ۱۰۶ ، همایی ۳۳۶ .
 ۴۶ - تاریخ ۸۰ ، ترجمه ۹۸ ، شوقی ۲۷۷ ، همایی ۳۳۴

صاحبه عمر بن ابی ربیعۃ یا خواهران معروف به «عبلات» در مکه، شاگرد و دست پرورده ابن سریج و نشیط فارسی. زنان مکه و مدینه دوستار او بودند و به خانه جمیله در مدینه میرفته است. در روزگار سلیمان بن عبدالملک در گذشته است.

۴۷ - فلیح بن ابی العوراء مکی مولی بنی مخزوم شاگرد یحیی ابن الملکی و از خنیاگران و مغنیان دربار مهدی عباسی که با ابن جامع و ابراهیم موصلی اغانی و سرودهایی برای هارون گرد آوردند. او استاد بذل و دنانیر بوده است.

۴۸ - قریص الجراحی المغنی در گذشته ۳۲۵، از موسیقی دانهای سرآمد و دانشمند زمان خود که به ترتیب الفبائی «کتاب صناعة الغناء و اخبار المغنین» نزدیک به هزار برگ نگاشته است.

۴۹ - قند، مدنی که در انجمن کاخ عبدالله بن جعفر باطویس و سائب خاثر و نشیط فارسی و نافح الخیر و بدیع الملیح و عَزَّة المیلاء می بوده است. آزاد کرده سعد بن ابی وقاص در گذشته ۵۰ و دوست عایشة ام المؤمنین بوده و تا زمان ولایت و فرمانروایی سعید بن العاص در مدینه (۵۲ - ۵۹) میزیسته است.

۵۰ - مالک طائی ابو الولید ابن ابی السمع مخزومی مدنی خنیاگر عرب نژاد پسر خوانده عبدالله بن جعفر در مدینه شاگرد جمیله و معبد بوده و در زمان منصور عباسی در گذشته است. یکی از خنیاگران چهارگانه سرآمد عربی که از پیش گامان بشمارند می باشد و نزدیک ۱۳۷ در گذشته است.

۵۱ - محمد بن احمد بن یحیی مکی مغنی نامور دربار معتمد که شاگردانش او را مشهور کرده اند.

۵۲ - ابو جعفر محمد بن الحارث بن بسخنر یا بسخنر رازی، در میان تازیان بیگانه، که پدرش قاضی دوستار موسیقی و دارای کنیزان خوش آواز (قیان) که در آن شهرت داشته است. او شاگرد ابراهیم موصلی و ابراهیم بن مهدی شده بود. تا زمان واثق (۲۲۸ - ۲۳۳) میزیسته است.

۵۳ - ابو جعفر محمد بن حمزة مولی منصور عباسی شاگرد ابراهیم موصلی بوده و سرآمد در موسیقی و آشنای به ضرب و راوی اغانی که در دربار هارون بسر می برده است.

۴۷ - تاریخ ۱۱۹، ترجمه ۱۴۱، شوقی ۲۷۵.

۴۸ - تاریخ ۱۶۰، ترجمه ۱۸۹.

۴۹ - تاریخ ۴۸ و ۵۷، ترجمه ۶۲ و ۷۲.

۵۰ - تاریخ ۸۴، ترجمه ۱۰۱، شوقی ۸۴، همایی ۳۳۶.

۵۱ - تاریخ ۱۶۰، ترجمه ۱۸۹.

۵۲ - تاریخ ۲۱، ترجمه ۱۴۴.

۵۳ - تاریخ ۱۳۱، ترجمه ۱۵۴.

۵۴ - محمد بن عباد کاتب مولی بنی مخزوم از خنیاگران خوب حجاز که استاد یونس کاتب بوده و با مالک بن انس در گذشته ۱۷۹ گفتگویی داشته و در زمان مهدی عباسی (۱۵۹ - ۱۶۹) میزیسته است .

۵۵ - محمد بن عمر الراف یا الزق کوفی و مولی بنی تمیم ، عودنواز چیره دست و پیرو ابراهیم موصلی در برابر دسته و گروه پیرو ابن جامع .

۵۶ - ابوالمهنه مخارق بن یحیی ، در گذشته نزدیک ۲۳۱ که عاتکه بنت شدای مغنی استادش بوده است . فضل برمکی او را خریده و به هارون فروخته بود و او شاگرد ابراهیم بن المهدی شده و هارون او را آزاد کرده است .

۵۷ - معبد بن وهب حبشی زنگی مدنی ، در گذشته ۱۲۶ ، مولی ابن قطن و آزاد کرده او . کار صیرفی و صرافی و بازرگانی و گوسفندچرانی داشته و شاگرد نشیط و سائب خاثر شده بود و استاد حکم الوادی و ابن عایشه و مالک بن ابی السمع طائی و یونس کاتب و دحمان و حبابه و سلامة القس . در زمان ولید بن یزید در دمشق میزیسته است . پیشوای مغنیان مدینه بوده و سرودها از او به یادگار مانده است . هفت سرود او « حصون معبد » یا « مدن معبد » نامیده می شده و پنج سرود او نام « معبدات » گرفته بود . او سه بیته میخوانده است . در پایان زندگی از موسیقی دست کشیده و محتسب شد .

۵۸ - نافع الخیر ابن طنبوره یمنی موسیقی دان هزج خوان زمان راشدین که در انجمن موسیقی کاخ عبدالله بن جعفر در پناه او بوده و عبدالله از او و دیگر خنیاگران نگاهداری میکرده است . او از خنیاگران دربار معاویه اول و یزید اول است .

۵۹ - نشیط فارسی مدنی ایرانی ، زرخریده و آزاد کرده عبدالله بن جعفر که در مدینه غناء فارسی میخوانده و آنرا به سائب خاثر آموخته و خود از او غناء عربی فرا گرفته و هر دو در این شهر سرود فارسی میخواندند . او را مردم می پسندیدند چه نغمه و آهنگ فارسی را دوست میداشتند . او استاد ابن سریج و معبد و جمیله و عزة المیلاء بوده و در انجمن موسیقی کاخ عبدالله بن جعفر از او و همکارانش نگاهداری می شده است . او در هفتاد سالگی بسال ۸۰ در گذشته است .

۵۴ - تاریخ ۸۷ ، ترجمه ۱۰۵ .

۵۵ - تاریخ ۱۳۲ ، ترجمه ۱۵۵ .

۵۶ - تاریخ ۱۲۱ ، ترجمه ۱۴۳ .

۵۷ - تاریخ ۸۱ ، ترجمه ۹۸ ، شوقی ۷۹ ، همایی ۳۳۶ .

۵۸ - شوقی ۹۰ ، تاریخ ۷۵ و ۸۵ ، ترجمه ۶۲ و ۱۰۵ .

۵۹ - تاریخ ۴۸ و ۵۵ ، ترجمه ۶۳ و ۷۰ ، شوقی ۷۱ ، همایی ۳۳۷ .

۶۰ - نصیب بن ریح نوبی مولی عبدالعزیز بن مروان شاعر غزل‌سرای که در حج جمیله همراه وی بوده است .

۶۱ - نضر بن الحارث بن کلدة عبیدی ، عود و بریط به آهنگ فارسی می‌نواخته و آنرا به مکیان آموخته بود .

۶۲ - الهذلی ابو عبدالرحمان سعید بن مسعود مکی سنگ‌تراش بوده و بر سنگهای کوه ابوقیسی کنده کاری و نقش میکرده است . در منا میزیسته و در آنجا و جمره‌العقبه و بطحاء برای جوانها میخوانده است و آنها در برابر بدو «وظیفه» میدادند از خوردنی و نوشیدنی و درهم و سنگها را از کوه برای او پایین میآوردند. آنان در پای کوه با وی می‌نشستند و می‌گساری میکردند و او تا شام برای آنان میخوانده است . او داماد ابن‌سریج شده و دخترش را بزنی گرفته و سرودهای پدرش را از وی آموخته بود . پسر او هم مغنی شده بود . او را به دربار ولید دوم هم برده بودند. در بازگشت جمیله از حج به مدینه او در این شهر بوده و در روز نخستین از سه روز که جمیله انجمن سرود و موسیقی داشته بود او هم از خوانندگان بوده است .

۶۳ - ابو خالد یزید حوراء مدنی بغدادی مولی لیث بن بکر شاگرد ابراهیم موصلی که در روزگار مهدی و هارون میزیسته است .

۶۴ - یونس کاتب ابوسلیمان فرزند سلیمان پسر کرد پسر شهریار از فرزندان هرمز ، مدنی و مولی عمرو بن زبیر بود و پدرش فقیه و خود دیوانی و کاتب و نویسنده و بازرگان و استاد ابن‌جامع و ابراهیم موصلی و شاگرد ابن‌سریج و ابن‌محرز و غریض و معبد و محمد بن عباد کاتب بوده است . نزدیک ۱۴۸ در گذشته است .

زنان خنیاگر

زنان خنیاگر (قینات و مغنیات) عصر طلایی اسلام از خوانندگان زن روزگار امویان بگواهی هزارویک شب (الف لیلة ولیلة) نامورتر بودند اگرچه در اغانی نه‌پایه‌الارب و مانند اینها نامی از آنها نیست (تاریخ ۱۳۲ ، ترجمه ۱۵۵). نام برخی از زنان خنیاگر چنین است : ظبی که در دربار سلیمان و ام‌عوف که در دربار یزید دوم بوده‌اند و شدای خنیاگر ولید اول و دخترش عاتکه که در عصر

۶۰ - همایی ۳۳۸ ، تاریخ ۷۴ ، ترجمه ۹۱ .

۶۱ - همایی ۳۲۷ .

۶۲ - شوقی ۲۸۱ ، تاریخ ۶۴ و ۷۵ و ۸۸ ، ترجمه ۸۰ و ۹۱ و ۱۰۷ .

۶۳ - تاریخ ۱۱۸ ، ترجمه ۱۳۹ .

۶۴ - تاریخ ۸۳ ، ترجمه ۱۰۰ ، شوقی ۸۳ ، همایی ۳۴۱ .

عباسی نامور شده بود و خلیفه و بلیله و لذة العیش و فرهه که در انجمنهای جمیله شرکت داشته‌اند و زریاب و اثقیه و صلفه خنیاگران عبدالله بن المعتز و ناجی که نزد عبیدالله بن عبدالله بن طاهر بوده‌است و حسنه و ریق و دمّن و وهبه و دفان و سمحه و قمریه که در بغداد بوده‌اند (تاریخ ۸۹ و ۱۳۶ ، ۱۴۸ و ۱۶۳ ، ترجمه ۱۰۷ و ۱۱۲ و ۱۶۰ و ۱۷۵) .

میگویند که عبدالله بن عمر والی عثمان در بصره چندین کنیز چنگ زن خریده و آنها را با خود به شهر مدینه آورده و آنها با او بوده و هر روز آدینه به نواختن و غناء می‌پرداختند و مردم می‌شنیدند و از آنها دیگران آموختند . در خانه گرانمایگان دیگر مدینه هم چنین زنان خواننده و نوازنده از زمان عثمان بوده‌اند (شوقی ۲) . اینک نام چند زن خنیاگر دیگر :

۱ - بذل مدنی زن خنیاگر که در دربارهای امین تا معتصم میزیسته‌است . جعفر بن هادی سپس امین خلیفه مالک او شدند . هنرمندی سرآمد بوده و فلیح ابن ابی العوراء یکی از استادانش ، سی هزار سرود بیاد میداشت و در زمان مأمون کتاب الاغانی برای علی بن هشام ساخته و در آن دوازده هزار بند سرود گذارده است .

۲ - بصبص کنیز دو رگه خنیاگر یحیی بن نفیس و از مدینه که در آنجا انجمنها و مجالس و حفلات داشته‌است . مهدی عباسی او را از یحیی در زمان امارتش هفده هزار دینار خریده بود . قریشیان او را می‌پرستیدند و شاعران به زیبایی و جمالش تغزل میکردند .

۳ - دنانیر برمکی کنیز یکی از مدنیها که او را به یحیی بن خالد برمکی فروخته‌است . با ادب و فرهنگ و شاعر و شاگرد ابراهیم موصلی و اسحاق موصلی و ابن جامع و فلیح و بذل بوده و نزد هارون سرود خوانده است . از اوست کتاب مجرد الاغانی .

۴ - جملیه مدنی در گذشته ۱۰۲ مولی بنی بهزاز بنی سلیم و شوهرش مولی بنی الحارث ابن الخزرج شاگرد خاثر و استاد معبد و ابن عایشه و حبابه و سلامه و عقیله و خلیده و ربیحه و ابن محرز و ابن سریج و غریض و ابن عایشه و مالک که به مجالس و انجمنهای او میرفته‌اند و خانه بزرگی داشت برای سرود و غناء و با موکبی باشکوه و گروهی بسیار از شاعران و موسیقادان زن و مرد و دوستاران آنها

۱ - تاریخ ۱۳۴ ، ترجمه ۱۵۸ .

۲ - تاریخ ۱۳۲ ، ترجمه ۱۵۶ .

۳ - تاریخ ۱۳۵ ، ترجمه ۱۵۸ .

۴ - تاریخ ۷۵ و ۸۵ ، ترجمه ۹۱ و ۱۰۳ ، شوقی ۷۴ و ۸۹ ، همایی ۳۳۷ .

به حج رفته بود و در بازگشت هم در مدینه سه روز انجمن کردند و به موسیقی پرداختند . معبد او را ریشه و پایه غنای خویش میداند .

جوقه و دسته‌ای داشت ۵۰ نفری با عودها و وترها (زدها) و خود کلاهی بزرگ بر سر و بردی یمانی بردوش میگذاشت و با هم می‌رقصیدند . بردگان نزد وی غناء می‌آموختند . تا زمان عبدالملك زنده بوده است .

۵ - حبابه عالیه زر خریدۀ یزید بن عبدالملك که او را «حبابه» نامیده است . خنیاگری بود سازنده و نوازنده . محبوبه یزید بود و او ویرا به چهارهزار درهم از ابن زبابه یا ابن مینا خریده بوده است . شاگرد غزاة المیلاء و جمیله و ابن محرز و ابن سریج و معبد و مالک بوده است .

۶ - ذات الخال که هارون او را به هفتاد هزار درهم خریده و به بنده محبوب خود حمویه بزنی داد . پس از مرگ شوهر باز در پناه هارون آمد و او با سحر و ضیاء از محبوبه‌های سه گانه هارونند که شاعران درباره آنها تغنی کرده‌اند .

۷ - سلامة الزرقاء مدنی زنی زیبا بود و شاگرد جمیله ، او را ابن رامین (گویا ایرانی) بازرگان کنیزان (تاجر القیان) در کوفه خریده بود و او ربیعه و سعه را نیز از مدینه خریده بوده است . سپس جعفر بن سلیمان فرمان‌روای مدینه او را به هشتاد هزار درهم خریده است .

او در روزگار یزید اول تا یزید دوم میزیسته است .

۸ - سلامة القس مدنی زنی بود خنیاگر و قینه و کنیز سهیل قرشی از خاندان بنی زهره . شاگرد جمیله و معبد و ابن عایشه و مالک بوده است . یزید بن عبدالملك او را به بیست هزار دینار خریده و از مدینه به شام برده است . تا پس از ولید زنده بوده است .

۹ - شاریه بصری پدرش از بنی سامه بن لؤی و مادرش از بنی زهره و او را به ابراهیم بن المهدی فروخت و او ویرا بدست بهترین کنیزان خواننده خود که «ریق» نامور از آنها است پرورد و بیاموخت و سپس ویرا به دختر خود میمونه بخشید و پس از این ویرا آزاد نمود و زن خویش کرد . پس از ابراهیم او به نزد معتصم رفته و در دربار چند خلیفه زیسته است . یکی از شاگردانش فریده است .

۵ - تاریخ ۸۶ ترجمه ۱۰۴ ، همایی ۳۳۸ .

۶ - تاریخ ۱۳۵ ، ترجمه ۱۵۹ .

۷ - تاریخ ۸۷ ، ترجمه ۱۰۵ ، شوقی ۹۲ .

۸ - تاریخ ۸۶ ، ترجمه ۱۰۴ ، شوقی ۹۰ ، همایی ۳۳۸ .

۹ - تاریخ ۱۳۴ ، ترجمه ۱۵۷ .

۱۰ - عاتکه بنت‌شذا زن خنیاگر نامور که مانند مادرش در غناء سرآمد بوده و در دربار هارون او را بسیار خواهان بوده‌اند . اسحاق موصلی و مخارق شاگردش بوده‌اند . مادرش در دربار ولید دوم غناء میکرده است .

۱۱ - عبیده طنبوری که زنی پیش‌رفته در ادب و هنر بوده‌است . نخست از زبیدی طنبوری که درخانه پدرش میزیسته است آموخته است . پس از پدر برای مردم آواز میخواند . دوشوهر کرد و خواننده و نوازنده خوبی بود .

۱۲ - عرب در گذشته ۲۲۷ زیباروی شاعر کاتب و موسیقی‌دان برجسته در آشنایی به نغمه و وترها که پس از کنیزان خواننده پیشین حجاز مانندش دیده نشده است ، همانند عزة المیلاء و جمیله بوده‌است ، بیست و یک هزار آهنگ مینواخته است . سید نخستین او عبدالله بن اسماعیل فرمانده دریایی هارون بوده ولی با دوست خود به بغداد گریخته و در باغهای عمومی آواز میخواند ، یافتندش و او را به سیدش برگرداندند . امین عباسی او را بدست آورد و پس از مرگش باز نزد آن سید برگشت و باز با دوست خود که او زنش شده بود گریخت . آنگاه مأمون او را مالک شد و نزدش پایگاهی پیدا کرد تا روزگار معتصم ماند . او دلها و خردهای مردم را با زیبایی و هنرهایش می‌ربود

۱۳ - عزة المیلاء مدنی دو رگه و از پدر و مادری از دو نژاد . نخست شاگرد رایقه پیرزن خنیاگر سپس نشیط فارسی و سائب خاثر در لحن و آهنگ فارسی ، نیز شاگرد شیرین و زرنب و خولة و رباب و سلمی از زنان خنیاگر پیشین . در شهر مدینه خانه‌ای داشته و به افزارهای نو و کهن از مزر و معزف آشنا بوده و آنها را میزده است . ابن سریج و ابن محرز در مکه و بردان در مدینه شاگرد او بوده‌اند . تا روزگار جمیله میزیسته و نزدیک ۸۷ در گذشته است .

اورا سیده‌المغنیات یا سرور زنان خنیاگر میدانستند .

۱۴ - عنان زن خنیاگری که هارون را ربوده بود . او نخست نزد ناطفی میزیسته و خلیفه شعری از او شنود که یکی از خوانندگان درباری میخوانده است و به خداوندش سوگند داد که او را بدو بفروشد . بهایش سی هزار درهم بوده‌است .

۱۵ - فریده نخست کنیز خواننده عمرو بن بانه بوده سپس به دربار واثق

۱۰ - تاریخ ۸۹ و ۱۳۵ ، ترجمه ۱۰۷ و ۱۵۹ .

۱۱ - تاریخ ۱۳۳ ، ترجمه ۱۵۷ .

۱۲ - تاریخ ۱۳۲ ، ترجمه ۱۵۶ .

۱۳ - تاریخ ۵۴ ، ترجمه ۶۹ ، شوقی ۸۸ .

۱۴ - تاریخ ۱۳۶ ، ترجمه ۱۶۰ .

۱۵ - تاریخ ۱۶۲ ، ترجمه ۱۹۱ .

و متوکل راه یافت و او را بسیار می‌پسندیدند . او شاگرد شاریه و دوستدار روش اسحاق موصلی بوده است .

۱۶ - قلم صالحیه کنیز خواننده صالح بن عبدالوهاب که هم خوب میخواند و هم خوب میزد . واثق او را از آن مرد به ده هزار دینار خریده بود .

۱۷ - متیم هاشمیه مولاة بصری که در سراسر زندگانی خود در بصره بوده است . از ابراهیم موصلی و اسحاق موصلی و بذل آموخته و مغنی و شاعری نامور شده است . علی بن هشام او را در ملک خود گرفته و او مادر فرزندانش شده بود . مأمون و معتصم غناء او را شنیده‌اند .

۱۸ - محبوبه مولده (دورگه) که در بصره متولد شده و در خانه مردی از طائف پرورده شده به ادب و فرهنگ خوب آشنا گشته و عودنواز خوبی بیار آمده و شاعری خوب هم شده بود . عبدالله بن طاهر او را خریده و به متوکل بخشید و او هم شیفته وی گشت و پس از او به وصیف ترکی رسید ولی او باز هم نسبت به متوکل وفادار ماند .

۱۹ - مؤنسه کنیز خواننده مأمون ، سپس محمد بن طاهر بوده و داستانی از او در مروج الذهب مسعودی هست .

-
- ۱۶ - تاریخ ۱۳۵ ، ترجمه ۱۵۹ .
۱۷ - تاریخ ۱۳۵ ، ترجمه ۱۵۹ .
۱۸ - تاریخ ۱۶۲ ، ترجمه ۱۹۱ .
۱۹ - تاریخ ۱۶۳ ، ترجمه ۱۹۲ .

خیاگران اندلس

۱ - انس القلوب از نامورترین خوانندگان کاخ «الزاهرة» عبدالرحمان

سوم .

۲ - بزيعة خياگر عثمان بن محمد (۲۳۸ - ۲۷۳) .

۳ - زرقون وعلون از مغنیان نخستین که از مشرق به اندلس رفته بودند در روزگار حکم بن هشام (۱۸۰ - ۲۰۶) ولی در برابر غناء زریاب مغلوب گشتند.

۴ - زریاب ابوالحسن علی بن نافع نامورترین موسیقی‌دان اندلس که نخست در بغداد مولی مهدی عباسی بوده و شاگرد اسحاق موصلی و نخستین بار در دربار هارون آشکار گشته و سرانجام بسال ۲۰۶ به اندلس رفته ، مغنی دربار حکم اول و عبدالرحمان دوم شده است. او به نجوم و جغرافیا هم آشنا بوده و گفتاری نیکو داشته و در عود پنجمین زه را افزوده است . گویا پس از محمد خلیفه اندلس (۲۳۸ - ۲۷۳) در گذشته است .

او را دو دختر بود ، یکی حمدونه که همسر هشام بن عبدالعزیز وزیر شده بود و در غناء برتر از خواهرش علیّه بوده است . پسرانش شش تن بودند .

۱ - تاریخ ۱۶۳ ، ترجمه ۱۹۳ .

۲ - تاریخ ۱۶۳ ، ترجمه ۱۹۳ .

۳ - تاریخ ۹۸ و ۱۳۱ ، ترجمه ۱۱۷ و ۱۵۴ .

۴ - تاریخ ۱۲۸ و ۱۳۰ و ۱۶۰ ، ترجمه ۱۵۱ و ۱۵۴ و ۱۸۹ .

عبدالرحمان که پیرو پدر بوده است و دارای هنر او ، عبدالله که از همه برتری داشته است ، یحیی ، جعفر ، محمد ، قاسم که در غناء از آنان بهتر و خوب هم بود در آن .

۵ - طرب خوش آواز که بازرگانی او را به منذر فرزند عبدالرحمان دوم بخشیده است .

۶ - عباس بن النسائی خنیاگر و مغنی نخستین دربار حکم یکم .

۷ - عَجَفَاء یا عَفْزَة ، بانوی عودنواز خنیاگر که عبدالرحمان اول (۱۳۹ - ۱۷۲) شیفته او بوده است . او را از مشرق به اندلس آورده بودند و او را خوش آوازترین کس میدانستند .

۸ - علون که در سرگذشت زرقون از او یاد کرده ایم .

۹ - فضل که از آن یکی از دختران هارون بوده ، سپس به مدینه رفته و از آنجا با یار خویش علم به اندلس رفت و در دربار عبدالرحمان دوم نامور گشت و گویند که در غناء سرآمد بوده است .

۱۰ - قلم خنیاگر که نزد عبدالرحمان دوم میزیسته و از کنیزانی بود که در یغما و چپاول بشکنس بدست آورده بودند ، شاگرد زریاب و ادیب و کاتب و راوی اشعار بوده حکایات و اخبار بیاد داشت و شیفته سماع بوده است .

۱۱ - قمر خنیاگر هنرمند دربار ابراهیم بن الحجاج در گذشته ۲۸۸ (۹۰۰ م) امیر اشبیلیه و قرمونه که به بهایی گران او را از ابو محمد عذری نحوی خریده بوده است .

۱۲ - متعه از شاگردان زریاب که چون بزرگ شده بود عبدالرحمن دوم را شیفته خود کرده است .

۱۳ - مصابیح کنیز خواننده ابو حفص عمر بن قلهیل اندلسی در موسیقی سرآمد بوده و آوازی خوش هم داشته است .

۱۴ - منصور یهودی که خنیاگری ارجمند در دربار حکم بوده و او را به بغداد فرستاده بودند تا زریاب را به قرطبه بخواند.

۵ و ۶ و ۷ - تاریخ ۶۸ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۶ و ۱۶۳ ، ترجمه ۱۱۷ و ۱۵۴ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۹۲ .

۸ تا ۱۳ - تاریخ ۱۳۶ و ۱۴۵ و ۱۶۳ ، ترجمه ۱۰۷ و ۱۶۰ و ۱۶۱ .

۱۴ - تاریخ ۹۸ و ۱۲۹ و ۱۳۱ ، ترجمه ۱۱۷ و ۱۵۲ و ۱۵۴ .

دیگر خنیاگرانی که در دربار خلفاء رفت و آمد داشته‌اند

- ۱ - ابراهیم بن حسن بن سهل .
- ۲ - ابن فیلاء طنپوری.
- ۳ - ابن مصعب طائفی که در حجاز میزیسته است.
- ۴ - ابورقعه شاعر موسیقار.
- ۵ - ابوزکار موسیقار برمکیان.
- ۶ و ۷ - ابو عیسیٰ مفضل بن هارون الموهوب که خلیفه از او غناء می‌شنیده است و احمد برادرش.
- ۸ - ابویزید مولی قائد که تا زمان عباسیان بوده است.
- ۹ - بردالفواد .
- ۱۰ - بردان آوازخوان موسیقی‌دان مدنی‌شاگرد جمیله و عَزَّة المیلاء .
- ۱۱ - بیدق انصاری مغنی روزگار یزید دوم.
- ۱۲ - جعفر طبال موسیقار برمکیان .
- ۱۳ - حسین بن محرز که به دربار هارون میرفته است.
- ۱۴ - رحمة الله که در حج جمیله بوده است.
- ۱۵ - زرزور کبیر.
- ۱۶ - زید بن الطلیس.
- ۱۷ - زید بن لیث .
- ۱۸ - سعید بن هارون .

- ۱۹ - سعید بن سوید دارمی شاعر ظریف مکه در روزگار عمر عبدالعزیز .
 ۲۰ - عبادل بن عصبه مولى قریش شاعر مغنی .
 ۲۱ - عبثر .
 ۲۲ - عبدالرحیم بن فضل دفزن در دربار هارون .
 ۲۳ - عبدالله بن مسلم بن جندب .
 ۲۴ و ۲۵ - عقیقه و عقیلة دو شاگرد جمیلة .
 ۲۶ - عمر الغزال دربار هارون .
 ۲۷ - عمیره مرة .
 ۲۸ - مالک بن حمامة .
 ۲۹ - محمد بن اشعث شاعر کاتب ظریف ادیب کوفی .
 ۳۰ - محمد بن داود بن اسماعیل .
 ۳۱ - محمد بن عمر الرومی .
 ۳۲ - معبد یقطینی موسیقار برمکیان .
 ۳۳ - نافع الخیر از دربار معاویة ۱ و یزید ۱ .
 ۳۴ - نثوم الضحی یا نومة الضحی شاگرد طویس .
 ۳۵ - هبة الله که در حج جمیلة بوده است .
 ۳۶ - یحیی قیل مولى خاندان عبلات المشهورات که ولید ۲ از او موسیقی می آموخته تا در راه حج هم .
 ۳۷ - یزید حوراء که تا زمان مهدی عباسی زنده بوده است.^۱

۱ - شوقی ۸۶ و ۸۷ ، همایی ۳۳۵ و ۳۳۷ تا ۳۳۹ ، تاریخ ۸۸ و ۸۹ و ۱۳۲ و ۱۶۱ ، ترجمه ۶۲ و ۶۸ و ۷۳ و ۹۱ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۱۲ و ۱۱۴ و ۱۱۶ و ۱۳۶ و ۱۵۵ و ۱۹۰ تا ۱۹۲ .

فهرست کتابهایی که از یونانی و هندی به زبان عربی در آمده و دانشمندان موسیقی شناس اسلامی از آنها بهره برده اند

- ۱- بنام هرمس پروردگار و رب النوع دانش و هنر که او را با اخنوخ و ادریس یکی می پنداشتند کتاب هرمس فی الموسیقی یاد کرده اند که گویا ترجمه سده سوم است . و شاید یکی از رسائل نحلّه هرمی است .
در بهجة الروح (نسخه بادلیان - ص ۱۷ چاپی) از آن یاد شده است .
- ۲- فیثاغورس که بگفته اریستکسنوس موسیقی را با ریاضی پیوسته است و بگفته اخوان الصفاء و امام فخر رازی و چلبی بنیادگذار و پدر هنر موسیقی است، به او «تألیف الموسیقی» یا «رسالة الموسیقی» نسبت داده اند و چنین کتابی در یونانی از او درست نیست و عنوان آنرا هم نمیدانیم در یونانی و عربی چه بوده است، آنرا بهترین کتاب در موسیقی بشمار آورده اند . ترجمه عربی گویا از سده سوم باشد . آرایه از او در موسیقی در آثار اسلامی دیده میشود . فارابی در موسیقی کبیر از پیروان فیثاغورس یاد کرده است .
- (قفطی ۲۵۹- خزرجی ۱ : ۳۷- طبقات ۲۲- گفتار فارم در ایسیس) .
- ۳- افلاطون که بنوشته قفطی در جوانی کتابی در موسیقی نوشته است

۲- ف ۸۵ ، مل ۲ ، تاریخ ۱۵۲ ، ترجمه ۱۸۰ .

۳- ف ۸۶ ، مل ۱ .

که اکنون در دست نیست، او در تیمائوس از موسیقی بحثی کرده است (۳۵ و ۳۶ و ۴۷ و ۶۷) این رساله را یوحنا بن بطریق در گذشته نزدیک ۲۰۰ و حنین بن اسحاق در گذشته ۲۶۰ ترجمه کرده‌اند. گزیده‌ای که جالینوس از او کرده است در لندن بسال ۱۹۶۰ چاپ شده است (فهرست ۲۴۶ - قفطی ۱۸ - خزرجی ۱ : ۵۳ ، گفتار فارمدرایسیس) .

کندی در رساله فی اللحن والنغم (ص ۱۹) مینویسد : قال افلاطون : «النفس تنکفی مع الموسیقی ای تألیف الالحن» .

۴ - ارسطاطالیس در کتاب النفس (۲ : ۱۴۹ پ ۴۲۱ ر) از آواز از رهگذر طبیعی و وظایف الاعضاء بحث کرده است .

در دفتر ۱۹ «کتاب المسائل» (پرلماتا) ی او از موسیقی بحث شده است .

آنها گویا حنین بن اسحاق ترجمه کرده است (قفطی ۴۱ و ۴۴ و ۴۶) .
کتاب قول الحکماء فی الموسیقی هموکه گویا مأخذ آداب الفلاسفه حنین باشد بخشی از آنها موسی بن طبون نزدیک ۶۶۳ از عربی به عبری در آورده است و نسخه عبری در مونیخ هست (ش ۲۷۵) .

در کتاب تناسل الحیوان او (دفتر ۵ از ۷۸۱ ر و پس از آن) . از وظیفه عضوی صوت و در کتاب الحیوان (دفتر ۴ بند ۵۳۵ آ) از آواز بحث شده است .
در کتاب الجدل او هم بندی است درباره موسیقی (نسخه ۲۳۴۶ مورخ ۴۱۸ پاریس) .

در کتاب الحاس والمحسوس او سه بند است درباره آواز (۴۴۶ آ) و درباره ابعاد (۴۳۹ ب و ۴۴۷ آ و ۴۴۸ آ) .

در الهی یا کتاب الحروف او در دفتر ۴ و ۹ و ۱۳ از موسیقی گفتگو شده است .

کتاب De audibilibus که به استرابون هم نسبت داده‌اند به عربی در آمده و اخوان الصفاء از آن بهره برده‌اند.

موضوعات طبیعی و تسمی تاسیس موسیقی (تسئیس موسیکائی) گویا «تاسیس فوسیتقا» باید خواند و ربطی به موسیقی ندارد و درباره طبیعی است .
(الفهرست ۲۴۹ و ۲۵۱ - قفطی ۴۲ و ۴۶) .

۵ - ارسطقسانس یا ارسطکسنوس یا اریستوکسنوس Aritoxenus فیلسوف

۴ - ف ۸۷ تا ۹۶ ، مل ۱۳ ، تاریخ ۲۷ و ۱۲۶ و ۱۵۰ و ۱۷۵ و ۲۰۲ ، ترجمه ۱۴۹ و ۱۷۸ و ۲۰۶ و ۲۶۵ ، ایسیس گفتار فارم ۱۳ : ۳۲۶ سال ۱۹۳۰ .
۵ - ف ۹۷ و ۹۸ ، مل ۴ ، هامش ص ۲۰۴ موسیقی کبیر، تاریخ ۱۵۲ ، ترجمه ۱۷۹ ، گفتار فارم درایسیس .

موسیقی‌دان یونانی زنده در ۳۲۰ و ۳۵۰ که شاگرد ارسطو بوده و در موسیقی به تجربه و احساس ارج می‌نهاد و پیروانش را Harmonistes par oreille میانمیده‌اند در برابر فیثاغورسیان که Harmonistes par calcule خوانده میشدند . گویند که فیثاغورس در تعریف مقادیر ابعاد صوت مبدء طبیعی را ملاک میدانسته ولی او نغمه‌ها را وابسته به نسبت محدود ریاضی می‌پنداشته است . فارابی هم در موسیقی کبیر (ص ۲۰۴) میان پیروان ایندو جدایی نهاده است . از او تنها کتاب «آرمونیکا استوئی‌خیا» (Element Harmonique) یا اصول النغم مانده است که گویا همان کتاب الریموس یا کتاب الرئوس (آرخائی استوئی‌خیا) باشد که ابن ندیم در فهرست (ص ۲۷۰) از آن یاد کرده و میگوید که آن دریک مقاله است و این کهن‌ترین کتاب موسیقی است که شناخته شده است.

از کتاب الايقاع Sur le rythme اوپاره‌ای هست - کتاب الریموس ابن ندیم گویا کتاب الروثموس باشد و از آن همین کتاب الايقاع خواسته شده باشد و او این یکی را دریک مقاله میداند. به کتاب او نام عام «پری موسیکن» هم داده‌اند.

۶ - ارشمیدس کتاب ساعات آلات الماء یا کتاب فی عمل البنکامات دارد ، (فهرست ۲۶۶) که آنرا کارادوو در ۱۸۹۱ به فرانسه تلخیص کرده و ویدمان در ۱۹۱۸ به آلمانی درآورده است.

* پاریس ۲۴۶۸ مورخ ۹۰۶ برگ ۲۹ و پس از آن .

* موزه بریتانیا Add 33391 برگ ۱ - ۲۰ .

۷ - اقلیدس را کتاب القانون (کاتاتومی کانونس) است که ابن سینا در جوامع الموسیقی شفاء (ص ۳۳) از آن نام برده و پیداست که آنرا درست داشته است. ابن هیثم «کتاب مقالات فی شرح قانون اقلیدس» ساخته است گویا برخی از آن به زبان عبری درآمده و گویا ترجمه از عربی بنام «الهیقانون» از ربی ایشعیاه بن اسحاق که در ۱۸۸۷ چاپ شده است باشد . رساله فی قسمة القانون کندی گویا شرح این کتاب باشد.

نیز بنام اوست «کتاب النغم» که گویا همان «ایساگوگه آرمونیکی» منسوب به کلثونیدس باشد . شرحی دارد از ابن هیثم . ابن سینا هم گویا این دو را شرح کرده باشد.

نیز قول اقلیدس علی اللحن و صنعة المعازف و مخارج الحروف که در آن چنین آمده است: «وهذا المدخل من المداخل مرضی و مستقصی و سهل فی الاختصار مسلم وان كان لم يحط بالكنه ولم يصنع المدرک وقد كتبنا تألیفین متشاکلین احدهما

۶ - ف ۱۰۹ .

۷ - ف ۱۰۲ و ۱۰۳ ، مل ۱۳ ، تاریخ ۱۵۲ ، ترجمه ۱۷۹ .

محیط بكل ما وضعنا باستقصاء والثانی سهل الماخذ علی من ابتداء فی طلب العلم ومجیب الیه ادراك ما بعده كالتدریج .

و «وضعت هذا المدخل تعمدًا علی مجرى المسائل والجواب» .
زکریا یوسف آنرا در مؤلفات الکندی الموسیقیة (ش ۴) در بغداد در ۱۹۶۲ بنام «مختصر الموسیقی فی تألیف النغم وصنعة العود» بنام کندی از روی نسخه ۵۵۳۱ برلین (۲۲ ر - ۲۴ پ) چاپ کرده است. سپس نسخه مغنیا ۱۷۰۵ در ۳۵ ص ۱۷ سطر (فیلم ۲۶۲ دانشگاه ص ۴۴۵ فهرست) را دیده و دریافت که از کندی نیست و دوباره در دیباچه رساله الکندی فی اللحن والنغم (چاپ ۱۹۶۵ بغداد ص ۴) نوشته است که آن از اقلیدس است و شاید ترجمه کندی باشد. آنچه که چاپ شده است ۱ ص ۱۲ س در آغاز و ۱۲ ص و ۹ س در انجام کم دارد.

آغاز: قول اقلیدس علی اللحن و صنعة المعازف و مخارج الحروف اما مسالك الاحادیث وجد اول الحکماء و نحو النحویین فقد وصفنا و الان نصف فی کتابنا هذا استقصاء معرفة اللحن من اجل انها طبعیة رافعة للمتعلمین مؤلفة للحیة ویؤلف الی المؤلف الفة لمصیر هذا الکل نواعیا لابناء الفلسفة الی تادیب ما کتبنا .

انجام: و هذا السبعة (التسعة خ) تتمزج خمس مرات و نحن متمثلون صورة لقسم القسم و ترکیب التریب و الاصوات المبسوطة و النغم المركبة بالكلامات حتی یدرک جمیع ما وصفنا و یفهم ان شاء الله تعالی. تم الكتاب و الحمد لله و علی نبیہ الصلوة و السلام . قوبل الكتاب بالاصل المنتسخ منه و كان سقیما جدا و له الحمد .

در آن جستجو شده است از لحن و صوت و موسیقی و گفته شده که شاگرد و آموزنده آن نخست باید چهار چیز بداند: حرفهای بی صدا و باصدا را بشناسد و بیتهای شعر را درست ادا کند و مخارج حروف را باز شناسد و بافزارهای موسیقی آشنا باشد. آنگاه از مخارج حروف سخن بمیان میآید و گفته میشود که در هر یک از نحو و لحن باید شش چیز را دانست، سپس از سمع و صوت بحث میشود و یاد میشود که شعر یونانی دوازده نغمه دارد و بیست طنین . در پایان گفته می شود که چرا باینکه افزار آواز درهمه مردم یکنواخت است آوازهها گوناگون است . در پایان کتاب گویا شکلی باید باشد که ترکیبات طنینها و نغمهها را نشان دهد که در نسخه دیده نمیشود.

۸ - بطلمیوس ریاضی دان کتاب الموسیقی یا کتاب آرمونیکی دارد که در سده سوم ترجمه شده و فارابی (ص ۱۰۳ الموسیقی الکبیر) و کندی از آن بهره برده اند. فارابی مینویسد: «مثل بطلمیوس التعالیمی فانه ذکر فی کتابه فی الموسیقی انه لا یحس بکثیر من ملائمت النغم و انه اذا اراد امتحانها امر الموسیقی الحاذق

المرتاض بامتحانه له .

(التنبیه ص ۱۲۸ - طبقات ۲۹ - العقد الفرید ۳ : ۱۸۶ - اخوان الصفاء
۱ : ۱۰۲ - المكتبة الجغرافية العربية ۸ : ۱۲۹) .

۹ - اسکندر افرویدی که تلخیص کتاب النفس دارد و در آن هم از شنوایی
و آواز سخن بمیان میآید. این کتاب در صد برگ بوده است. در فهرست (۲۵۱)
و تاریخ الحکماء قفطی (۴۱ و ۵۴) از آن یاد شده است (نقل فلسفه یونانی به جهان
عربی از بدوی به فرانسه ص ۹۹ - ارسطاطالیس عربی از پتر Peter به انگلیسی
ص ۴۲) .

۱۰ - ثامسطیوس که شرح کتاب النفس ارسطو دارد و آنرا اسحاق بن حنین
در گذشته نزدیک ۲۹۸ به عربی برگردانده است در آن مانند متن کتاب از سمع و شنوایی
و آواز بحث میشود (فهرست ۳ - ۲۵۱) .

فارابی در موسیقی کبیر (ص ۱۰۳) از او بسیار ستوده و از موسیقی شناسی او
یاد کرده و گفته که او گرچه در فلسفه از سرامدان بوده است ولی خود اعتراف میکند
که در هنر موسیقی ورزیدگی ندارم و از راه ریاضی و تعالیم بدان آشنا هستم.

۱۱ - نیکوماخوس اسطاغاریایی جهراسینی (نیکوماخوس گراسانی)
Nicomachus grasenus را کتاب الموسیقی الکبیر یا کتاب النغم است که در سده سوم
ترجمه شده است و مختصر فی الموسیقی و کتاب الارثماطیقی یا کتاب المدخل الی
علم العدد که ثابت بن قره در گذشته ۲۸۸ آنرا ترجمه کرده است. در آن از نسبت
مؤلفه و موسیقی بحث شده است. کارپینسکی Karpinski آنرا به انگلیسی در ۱۹۲۶
در نیویورک نشر کرده است. ولهم کوتس یسوعی متن آنرا در ۱۹۵۹ در بیروت چاپ
کرده است. نسخه آن در موزه بریتانیا ش Add. 7473 (فهرست ۴۲۶) مورخ
۶۳۹ هست. در شرح الادوار فتح الله شروانی که بنام محمد بن مراد ساخته است از
آن یاد شده است.

۱۲ - جالینوس را کتاب الصوت است که در آن از رهگذر طبیعی و
وظایف الاعضاء (فیزیک و فیزیولوژی) بحث کرده است. آنرا حنین بن اسحاق
در گذشته ۲۶۰ برای محمد بن عبدالملک الزیّات وزیر در گذشته ۲۳۳ در چهار مقاله
به عربی در آورده است و کندی گویا از آن بهره برده باشد. اصل یونانی آن در دست
نیست. در سده هفتم آنرا از عربی به لاتینی در آورده اند و این لاتینی در جزو آثار

۹- ف ۱۰۸ ، مل ۱۴ .

۱۰- ف ۱۰۷ ، مل ۱۴ .

۱۱- ف ۹۹ تا ۱۰۱ ، مل ۵ ، تاریخ ۱۵۲ و ۲۰۲ ، ترجمه ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۲۳۷ .

۱۲- ف ۱۰۵ و ۱۰۶ ، مل ۷ ، تاریخ ۱۲۷ و ۱۵۱ ، ترجمه ۱۴۹ و ۱۷۸ .

- جالینوس در ونیز سال ۵ - ۱۵۴۱ چاپ شده است. (ج ۱) .
- نیز از کتاب فی تشریح آلات الصوت که حنین گویا از سریانی به عربی در آورده است، متن یونانی این هم نیست و پاره‌ای از ترجمه لاتینی آن هست.
- (فهرست ۲۰۰ - قفطی ۱۳۰ - خزرجی ۱ : ۹۵ و ۱۰۵) .
- ۱۳ - مورسطوس Muristus که از او در فهرست دو کتاب یاد شده است:
- ۱ - کتاب فی الآلات المصوتة المسمی بالارغنون البوقی والارغنون الزمری .
- ۲ - کتاب الالة المصوتة تسمع علی ستین میلا .
- در تاریخ الحکماء چنین آمده است: «کتاب فی الالة المصوتة المسمی بالارغنون البوقی والارغنون الزمری یسمع علی ستین میلا» .
- این رساله را شیخو در المشرق در ۱۹۰۶ ص ۳۱-۳۳ چاپ کرده و ویدمان آنرا در ۱۹۱۸ به آلمانی و فارمر در ۱۹۳۱ در لندن به انگلیسی در آورده است.
- * ایاصوفیا ۲۴۰۷ و ۱۴۵۵
- * بیروت ۱ : ۲۴۴ از سده ۱۴ و ۲ : ۳۶۴ از سده ۹ .
- * موزه بریتانیا Or. 9649 برگ ۶ پ - ۱۱ در آن از آلت زمری و بوقی و از سومی بحث میشود .
- در فهرست (۲۷۰) و تاریخ الحکماء قفطی (۳۲۲) و مختار الحکم (۱۵۶) و کتاب السیاسة فی اسرار الریاسة منسوب به ارسطو (گویا ترجمه ۱۸۴) و رسائل اخوان الصفاء از رساله صنعة الارغن البوقی یاد شده است که باید در سده سوم ترجمه شده باشد و آن درباره سازی است ترساننده دشمن و گویا یکی از رساله‌های نایافته کتسیبیوس همین بوده است.
- لوئیس شیخو آنرا در المشرق در ۱۹۰۹ ص ۳۱-۳۳ چاپ کرده و ویدمان ترجمه آلمانی آنرا در لایپزیک در ۱۹۱۸ ص ۱۶۴ - ۱۶۶ نشر کرده است .
- ترجمه فرانسوی کارادوو در مجله مطالعات یونانی در ۱۹۰۸ نشر شده است.
- * ایاصوفیا ۲۴۰۷ و ۲۶۵۵ .
- * بیروت ۱ : ۲۲۴ (رساله فی الارغنون) .
- * بیروت ۲ : ۳۶۴ ص ۱۰ - ۱۱ (عمل الالة التی . . . یذهب صوتها ستین میلا) .
- * موزه بریتانیا Or. 9649 برگ ۱ پ - ۵ .
- در فهرست ابن الندیم (ص ۲۸۵) از «کتاب آلة الزمر البوقی و کتاب آلة الزمر الریحی» یاد شده است.
- ۱۴ - به آلیپیوس Alypius - هم کتاب Semia رانست داده اند، همچنین

از پلوتارخوس دروغین و باکخیوس Bacchius و ثاون (ثون) و سیمپلیقیوس آثاری در دست بوده است که شاید به عربی درآمده باشد.

فارمر در تاریخ موسیقی عربی و منابع موسیقی عربی و موسیقی‌شناسان یونانی در ترجمه‌های عربی (مجله ایسیس Isis ۱۳/۲ ص ۳۲۵ - ۳۳۳ سال ۳۰ - ۱۹۲۹) از اینها بحث کرده است .

۱۵ - آپلونیوس پرگایی را صنعة الزامر یا صنعة الزمر و عمل آلات الزمر است . آنرا کارادوو در روزنامه آسیایی JA در ۱۸۹۱ در پاریس به فرانسه گزین کرده و ویدمان در ۱۹۱۸ در لایپزیک به آلمانی درآورده و فارمر در ۱۹۳۱ به انگلیسی گزین کرده است.

* بیروت ۱ : ۲۳۳ بر گ ۲۹ - ۱۲۵ .

* پاریس ۲۴۶۸ .

* موزه بریتانیا Add. 23391

۱۶ - فیلون را کتاب فی الخیال الروحانية و مخانيقا الماء است که در سده سوم ترجمه شده و کارادوو آنرا در پاریس در ۱۹۰۲ با ترجمه فرانسه چاپ کرده است .
* بادلیان ۶۶۹ مارش .

۱۷ - فیلمون بابلی که نامش را فیلمان و « قیطوان » و « قنطوان » و « قیطوار » هم نوشته اند کتاب الايقاع دارد . او از بابل عراق یا میان رودان پایتخت ایران شهر است ، یا از بابلیون مصر کهن و نوشته اند که او را در میانه راه کشته اند .
(الفهرست ۲۷۰ - تاریخ الحكماء ۲۶۴) .

۱۸ - فینداروس رومی که شاید همان پینداروس بوزنطیایی باشد و نامش را « فندروس ، قندروس ، قندروس ، پرنوس » هم نوشته اند (شاید هم درست آن تئودوروس باشد) و شاید همان پنداروس موسیقی‌دان که ابوالفرج ابن العبری غریغوریوس در تاریخ سالانه خود « تاریخ الدول » (ص ۳۴) یاد کرده و در مروج الذهب مسعودی در گذشته ۳۴۵ (۸ : ۸۱) و آداب الفلاسفة حنین بن اسحاق هم از آن یاد گشته است . پیدا است که او بندار رازی نخواهد بود چنانکه فارمر احتمال داده است .

۱۹ - اریستیدس کوئینتیلیانوس Aristides Quintilianus « فی الموسیقی »

۱۵ - ف ۱۱۲ ، مل ۹ .

۱۶ - ف ۱۱۱ .

۱۷ - ف ۱۱۷ .

۱۸ - ف ۱۱۸ ، مل ۱۵ .

۱۹ - ف ۱۲۲ .

دارد که در سده سوم به عربی درآمده است و گفته اند که فارابی از آن بهره برده است (گفتار فارم در ایسیس).

۲۰ - عیرون یا هرون را کتاب الخیال الروحانية Pneumatica است به عربی و مخانیقا که قسطابن لوقا در گذشته ۳۰۰ آنرا ترجمه کرده است. آنرا کارادو در ۱۸۹۴ در روزنامه آسیایی JA به فرانسه و نیکس Nix در ۱۹۰۰ به آلمانی در آورده اند.

۲۱ - سعطوس یا ساتوس یا سعماطوس قدیم را «کتاب الججلج الصیاح» یا «رسالة صنعة الججلج الصیاح» است که در سده سوم ترجمه شده است. آنرا شیخو در المشرق در ۱۹۰۶ ص ۲۶ - ۲۸ چاپ کرده و ویدمان در ۱۹۱۸ به آلمانی در آورده است (ص ۱۶۴ و پس از آن).

* ایصوفیا ۲۴۰۷ و ۲۷۵۵ .

* بیروت ۲ : ۳۶۴ ص ۱۲۰ - ۱۲۲ .

* موزة بریتانیا Or. 9649 برگ ۱۱ پ - ۱۳ .

۲۲ - بولس که از او «عنصر الموسيقى» و ما فترقت علیه الفلاسفة من ترکیبه و مائینه «به نقل اسحاق بن حنین در دست هست و او در آن از امونیوس و بوسطوس و روطیروس و اوقلیدوس و ثوفرسطس و افلیلیس و اسکندر و ارماوس و ارسطو - طالیس و سولن و ارقاوس و سویطرس رومی و افلاطون و هرمس و قندرس سخنانی در موسیقی آورده است. رساله کوتاهی است و همین سخنان است و بس. در آن عبارت «دست بند عقل» دیده میشود.

او باید همان پولس ایرانی مؤلف رساله منطق برای انوشروان باشد که مشکویه رازی از او در ترتیب السعادات یاد کرده است.

* مغنيسا گنل ۱۷۰۵ (فیلم ۲۶۲ دانشگاه ص ۴۴۵) در ۱۵ ص .

آغاز : کتاب عنصر الموسيقى و ما فترقت علیه الفلاسفة من ترکیبه و مائینه تألیف بولس و نقل اسحق بن حنین قال امونیوس اولم هرقل علی ولده فجمع الفلاسفة . انجام : فان کل منطق موزون عذب شجی تام. تم کتاب اسحق فی الموسيقى و کان اصله سقیما .

۲۳ - رساله فی الموسيقى که در آن مانند کتاب عنصر الموسيقى بولس و فصل ۴ مقاله ۲ رساله فی اجزاء خبریة فی الموسيقى کندی و رساله موسیقی اخوان الصفاء سخنان فیلسوفان یونانی درباره منافع و خواص موسیقی آمده است. در آن یاد شده است از اسکندر و فوئاغورس و هرمس و افنیطون و نیقوماخوس

۲۰ - ف ۱۱۰ .

۲۱ - ف ۱۱۵ و ۱۱۶ .

و افلاطون و کتاب سیاست و طیمائوس و السنن و الاداب او و از لحن «اسفندناقون» و افزار «لورا»، نیز در آن آمده است «معنی الموسيقى تأليف الالحن وانا اشتق لها هذا الاسم من اسم الفلك الاعلى الذى يدعا باليونانية موسيقان لعلو هذه الصناعة ولان دوايرها مستقيمة كاستقامة دواير الفلك الاعظم» مانند آنچه که مراغی از احمد مداینی نقل کرده است.

آغاز: سالت اطال الله بقأك شرح معنى صناعة الموسيقى و ذكرت تشوقك الى النظر فيما ذكرته الفلاسفة منها فتكلفت اجابتك عما سالت و شرحت لك ما و قفت عليه من قولهم ايثارا لما قطعت اليه نفسك الشريفة من فضائل هذه الصناعة اذ كانت احد العلوم الاربعة الرياضية التى تختص بها النفس .

انجام: و كان افلاطون اذا جلس على الشراب قال للموسيقاة غنيانى ثلاثة اشياء فى الخير الاول وفى الاقتداء به وفى ايضاح الامور.*

* نسخه دكتور يحيى مهدوى مورخ ۵۹۰ در ۱۲ ص .

(فيلم ۲۴۴۳ دانشگاه) .

۴۴ - كتاب البيافر يا ميوه دانش درباره موسيقى ، اين نامى است كه هن هندی و سعيداندلسى در گذشته ۶۳ از آن بنام «نفير» يا «يفير» ياد کرده و گویا به عربى در آمده است ، در طبقات (۱۴) نام « نفير » آمده است و « يافير » هم خوانده اند (قضى ۲۶۶) .

ژ ، فراند G. Ferrand ميگويد كه درست آن بيافر Biyafar بايد باشد، گویا گرفته از ابهينه و بهارتى Abhinava Bharati در شرح ناتياشسترا Natia Shastra جاحظ در گذشته ۲۵۵ از كينكله ياد ميکند كه گویا كينارى Kinnari باشد و مانند كينور عربى و كناره عربى .

* در عنصر الموسيقى بولس اين سخن را ثوفرسطس از افلاطون نقل کرده است (۱۳۱ عكس) .

۲۴ - ف ۱۲۴ و ۲۱۶ و ص ۴۰ ، مل ۴۴ .

فهرست کتابهای عربی در موسیقی و سماع

۱ - یونس بن سلیمان بن کردبن شهریار کاتب مولی عمرو بن زبیر در گذشته نزدیک ۱۴۸ پدرش فقیهی ایرانی و خودش در آغانی آمده است که به کتابت و دبیری می‌پرداخته و نخستین کسی است که غناء را تدوین کرده و اغنیه‌ها و سرودهای عربی را گرد آورده و پاره‌ای از اخبار و سرگذشتهای مغنیان را در «کتاب فی الاغانی» خود گذارده است. او کتاب مجرد الاغانی هم دارد و گویا در آن مانند کتاب فی الاغانی فن «موسیقی» نباشد. کتاب القیان او از کهن‌ترین کتابها در این باره است. کتاب النغم او گویا نخستین رساله عربی است از مدرسه قدیم موسیقی اسلامی درباره موسیقی نظری.

۲ - خلیل بن احمد فراهیدی نیشابوری بصری لغوی عروضی (۱۰۲) - (۱۷۵) مؤلف کتاب العین را جمله آلات الطرب (ایاصوفیا) و کتاب النغم و کتاب الايقاع است.

۳ - یوحنا بن بطریق مترجم مسیحی که از یونانی یا سریانی به عربی ترجمه

- ۱ - ف ۱ - ۴ ، ع ۲۶۴ و ۶۳۰ و ۶۳۱ و ۸۵۸ ، الفهرست ۱۴۵ ، آغانی ۴ : ۱۱۳ ، تاریخ ۴ - ۸۳ ، ترجمه ۹۲ و ۱۰۰ ، محفوظ ۱۴۴ ، مؤلفات الکندی ص ۳۷ .
- ۲ - ف ۵ و ۶ ، ع ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۹۶۹ ، تاریخ ۱۰۵ و ۱۲۶ و ۱۵۱ و ۱۷۰ ، ترجمه ۱۲۶ و ۱۴۸ و ۱۷۸ و ۲۰۰ ، تراث الاسلام فارمر ص ۵۰ هامش ش ۲۶ ترجمه عربی ، فهرست ۴۳ ، یاقوت ۴ : ۱۸۲ .
- ۳ - ف ۷ .

می‌کرده و نزدیک ۲۰۰ در گذشته است.

او در ترجمه کتاب السياسة منسوب به ارسطو از افزاری که با آواز آن دشمن را می‌ترسانده‌اند یاد کرده است.

۴ - ابواسحق ابراهیم بن ماهان ندیم ارجانی موصلی (۱۲۵ - ۱۸۸) که نسب و لائی تمیمی دارد. به دستور هارون رشید (در گذشته ۱۹۳) «المئة الصوت المختارة للرشید» ساخته است از سرودهای خود و فلیح بن ابی العوراء مخزومی مکی و ابوالقاسم اسماعیل بن جامع در گذشته نزدیک ۱۸۹ و در آن از موسیقی بحثی نکرده ولی گویا به ایقاع و لحن آنها اشارتی کرده باشد. او را است نزدیک به چهل کتاب که در الفهرست یاد شده است و از آنها است: اخبار الغریض درباره ابو مروان عبدالملک غریض مغنی معاصر و رقیب ابن سریح که عود می‌نواخته و دف می‌زده و در زمان عبدالملک در گذشته است. لحن و آواز جمیلة کنیز بنی سلیم و استاد معبد و ابن عایشة و سلامة که همگان حکم او را می‌پذیرفتند و کسی از آنها دعوی همسری او نمی‌کرده است، در شعر احوص هم یکی از سروده‌های همین «المئة المختارة» است.

از همین صد سرود برگزیده (الاصوات المئاة المختارة) است در روایت علی بن یحیی در گذشته ۲۷۵، سرود ابن سریح ابویحیی عبید بن سریح مغنی مولی بنی نوفل بن عبدمناف که در زمان هشام بن عبدالملک در گذشته است (هامش ص ۵۷ الموسیقی الکبیر) و آن سرودی است که او در لحن ثقیل ثانی از شعر عمر بن ابی ربیعة می‌خوانده است و آن با دولحن: ابو عباد معبد بن وهب زنگی مدنی در گذشته ۱۲۶ از شعر ابن قطیفة در خفیف الثقیل و ابن محرز از شعر نصیب نیز در ثقیل ثانی عبارتند از «الثلاثة اصوات المختارة» که مغنیان بدستور هارون رشید از میان سرودهای خوانندگان برگزیده و به اجماع این سه را برتر از همه دانسته‌اند.

۵ - ابو عثمان یحیی بن مرزوق مکی در گذشته نزدیک ۲۰۵ «کتاب فی الاغانی» دارد مانند یونس کاتب و بسیاری از آن در اغانی ابوالفرج آمده است.

۶ - ابن المنجم ابو احمد یحیی بن ابی منصور موصلی از سده سوم (۲۴۱ - ۳۰۰) «کتاب الاغانی» ساخته است به ترتیب تهجی و «مجموع اغانی عرب» و العود و الملاهی.

۴ - ف ۸، ع ۴۵۸ و ۴۶۰ و ۴۶۱، تاریخ ۱۱۵ تا ۱۱۹، ترجمه ۱۳۸ - ۱۴۱، محفوظ ۱۴۰ و ۱۴۲، مؤلفات الکندی ۳۸، هامش ص ۶۰ الموسیقی الکبیر.
۵ - ف ۹، ع ۶۸۹، مل ۶.
۶ - ف ۱۰ و ۱۱، ع ۲۰ و ۴۶۹ و ۴۷۰ و ۹۵۴، چلبی.

نامش یحیی بن علی بن یحیی بن ابی منصور منجم است و معروف است به ندیم و ادیب است و مغنی و موسیقی دان و شاعر و ایرانی .

رسالة فی الموسيقى یا کتاب النغم او را محمد بهجة الاثری در بغداد بسال ۱۳۶۹ (۱۹۵۰) و زکریا یوسف در قاهره در ۱۹۶۴ از روی نسخه Or. 2361 موزه بریتانیا مورخ ۱۰۷۴ و نسخه رضا در رامپور مورخ ۱۰۷۳ چاپ کرده اند . سرگذشت او و وصف این نسخه ها در دیباچه این دو چاپ هست .

۷- ابواسحاق ابراهیم بن المهدی الخلیفة (۱۶۴ - ۲۲۴) خلیفه زاده ورهبر روش رمانتیک ابداعی ایرانی در موسیقی در برابر نحلّه رسمی تقلیدی اسحاق موصلی « کتاب الاغانی » دارد که پس از اغانی یونس نخستین کتاب است در این زمینه و در اغانی اصفهانی بسیار از آن یاد شده است . او موسیقی را از مادر دیلمی خود به ارث برده است و خواهرش علیّه هم از مادر دیگری دیلمی بوده و موسیقی دان .

۸- ابو محمد اسحاق بن ابراهیم بن ماهان (میمون) بن نسک ارجانی رازی موصلی تمیمی (۱۷۲-۲۵۵) از بزرگترین موسیقی دانها و خنیاگران ایرانی دوران اسلامی که نزدیک به چهل کتاب ساخته است . از اوست کتاب الاختیار من الاغانی للوائق الخلیفة (در گذشته ۲۳۲) و کتاب الاغانی الکبیر که سندی بن علی آنرا گرد آورده و دیباچه ای بنام اسحاق بر آن گذارده است و آن منبعی است مهم برای اغانی اصفهانی ، نیز اغانی معبد (در گذشته ۱۲۶) و « کتاب اغانیه التی غنی بها » و « کتاب النغم و الاریقاع » و « کتاب الرقص و الزفن » و « کتاب قیان الحجاز » و « اخبار القیان » و « اخبار الندماء » و « اخبار المغنین المکیین » نیز « کتاب اخبار : الابجر (خواننده زمان امویان) ، حنین الحیری النصرانی (در گذشته نزدیک ۱۰۱) ، الدلال نافذ ابویزید (زنده در ۶۶ - ۸۶) ، سعید بن مسجح (در گذشته نزدیک ۹۷) ، طویس (در گذشته ۸۶) ، الغریض ابویزید عبدالملک (۸۱ - ۱۰۲) ، ابوجعفر محمد بن عایشه (در گذشته نزدیک ۱۲۶) ، معبد و ابن سریح (در گذشته نزدیک ۱۰۸) .

فارابی در رساله الایقاع و الموسيقى الکبیر (ص ۵۸ و ۶۰) از او یاد کرده است .

۹- احمد بن جعفر مدائنی حداد ، « لوازم الموسيقى » دارد که گویا به عربی

۷- ف ۱۲ ، ع ۴۵۷ ، مل ۸ ، تاریخ ۱۱۹ - ۱۲۱ ، ترجمه ۱۴۱ - ۱۴۳ ، چلبی فهرست ۱۱۶ .

۸- ف ۱۳ تا ۳۱ ، ع ۴۰ و ۴۹۱ تا ۴۹۴ و ۷۴۴ و ۷۸۷ تا ۷۹۸ ، مل ۱۳ ، تاریخ ۱۲۴ ، ترجمه ۱۴۶ ، فهرست ۱۴۱ ، یاقوت .

است و بندی از آن در جامع‌الالخان و در مقاصدالالخان (ص ۱۳۸) و در شرح فارسی مراغی بر ادواریادیا نقل شده است. مراغی او را پس از خلفاء و امرا و وزراء که به هنر موسیقی می‌پرداخته‌اند همراه با اسحاق موصلی و باربد می‌آورد. او در فائدهٔ چهارم پایان شرح ادوار می‌نویسد: «اما احمد بن جعفر الحداد المدائنی در کتاب «لوازم الموسیقی» ذکر اصناف طرایق بسیار کرده است و در این باب بیان کل‌الضروب و کل‌النغم کرده و طرایق توالف آنها را باز نموده و براییات و اشعار عربی تصانیف به اصلاح اصابع سته ساخته و آنها را در کنز‌الالخان ذکر کرده‌ایم».

۱۰ - ابن حمدون احمد بن حمدون بن اسماعیل بن داود کاتب زنده در ۲۳۵ از درباریان متوکل عباسی (۲۳۲ - ۲۴۷) نگارندهٔ کتاب‌الندماء و الجلساء .

۱۱ - زریاب ابوالحسن علی بن نافع در گذشتهٔ نزدیک ۲۴۶ مولی مهدی خلیفه و شاگرد اسحاق موصلی و موسیقی‌دان دانشمند عودنواز دربار هارونی و دربار مغرب یا افریقای شمالی و دربار عبدالرحمان دوم در اندلس که در سال ۸۲۱ م موسیقی خاوری را به اندلس برده بود. ده هزار سرود را با لحن آنها میدانست و این شماره بگفتهٔ بطلمیوس واضع و مؤلف موسیقی شمارهٔ نهائی است .

بنام اوست کتاب فی‌اغانی زریاب که اسلم بن عبدالعزیز یا اسلم بن احمد بن سعید با حمدونه دختر زریاب آنرا گرد آورده‌اند.

۱۲ - سندی بن علی وراق در گذشتهٔ نزدیک ۲۳۵ « کتاب اخبار‌الاغانی الکبیر » که اسحاق موصلی مقدمهٔ آنرا نوشته و بدو اجازهٔ این گردآوری را داده بود و مواد آن از آثار دیگر اسحاق برگزیده شده است و آنرا « کتاب‌الشركة » خوانده‌اند.

۱۳ - حسن بن موسی نصیبی در گذشتهٔ نزدیک ۲۴۶ برای متوکل عباسی کتاب‌الاغانی علی‌الحروف ساخته که نخستین کتابی است بدینگونه در زبان عربی . ابن‌الندیم از آن می‌ستاید که در آن اخباری است دربارهٔ اغانی که اسحاق موصلی و عمرو بن بانه نیاورده‌اند و نام زن و مرد مغنی جاهلی و اسلامی هر دو در آن آمده است همچنین از او است کتاب مجردات‌المغنین .

۱۰ - ف ۳۲ ، فهرست ۱۴۴ ، یاقوت ۲ : ۲۲۳ .

۱۱ - ف ۳۳ و ۸۴ ، ع ۴۹۸ ، مل ۹ و ۲۰ ، تاریخ ۳۰ - ۱۲۸ ، ترجمه ۱۵۱ ، محفوظ

۱۳۰ ، بغیة‌المتلمس مقری ۲۲۴ .

۱۲ - ف ۳۴ ، ع ۶۷۰ ، تاریخ ۱۲۶ ، ترجمه ۱۴۸ ، فهرست ۱۴۱ ، یاقوت ۲ : ۲۲۳ .

۱۳ - ف ۳۵ و ۳۶ ، ع ۲ - ۸۶۱ ، مل ۱۰ و ۲۷ ، تاریخ ۱۵۳ و ۱۷۰ ، ترجمه ۱۸۱

و ۲۰۰ .

۱۴ - ابو جعفر احمد بن یحیی بن مرزوق مکی در گذشته ۲۵۰ که به «زین» یا «ظینا المکی» معروف است از درباریان معتصم در گذشته ۲۲۷ و از سرامدان درغنا و خنیاگری است و در دربار مأمون هم بوده است.

از او است «تصحیح کتاب اغانی لیحیی بن المکی» که اغانی پدر خود را در آن تصحیح نموده است. نیز کتاب مجرد الاغانی که برای محمد بن عبدالله بن طاهر خراسانی ساخته و در آن نزدیک به چهارده هزار اغنیه و سرود گذارده بی آنکه خبر و ترجمه و سرگذشتی از کسی در آن یاد کرده باشد.

۱۵ - ابو عثمان عمرو بن بحر جاحظ بصری دانشمند در گذشته ۲۵۵ را طبقات المغنین است (مکتبه السید عبدالحی الکتانی بالمغرب - موزه بریتانیا Or 3138 گ ۴۹ ر - ۵۱ پ) که در مجموعه رسائل او چاپ قاهره در ۱۹۰۸ (ص ۱۸۶ - ۱۹۰) و در حاشیه الکامل مبرد چاپ قاهره در ۱۹۰۵ (۱ : ۱۲۰ - ۱۲۳) آمده است. نیز رساله القیان (داماد ابراهیم استانبول ۱۴/۹۴۹) که یاقوت (۶ : ۷۶) از آن یاد کرده و در ثلاث رسائل چاپ فونکل (Funkel) در ۱۹۲۶ ص ۳۵ - ۷۵ دیده میشود. در کتاب المحاسن والاضداد او هم «طبقات المغنین» هست. در التاج منسوب به او نیز طبقات الندماء المغنین عند الفرس وفي الاسلام آمده است (ص ۲۲- ۲۶) «محاسن الوصائف المغنیات» هم در المحاسن و الاضداد او دیده میشود (چاپ قاهره ۱۳۲۴ ص ۲۹۱ - ۲۹۶ و چاپ لیدن در ۱۸۹۸) در مجله الفکر تونس گفتاری است از طه حاجری (مارس ۱۹۵۸ س ۳ ص ۲۱ - ۲۹) و احمد مختار وزیر (اکتبر ۱۹۵۷ ، س ۳ ش ۱) درباره همین رساله القیان .

۱۶ - از فرزندان «موسی بن شاکر خوارزمی» یکی را «الاله التی ترمز بنفسها» است که در کتابخانه الكلية الارثوذكسية الاغريقية «الاقمار الثلاثة» مجموعه ۳۶۴ (ص ۶۸-۸۶) هست (بیروت ۱/۲۲۳) کولانژت (Collangettes) ولویس شیخو آنرا در المشرق (س ۱۶ ص ۴۴۴ - ۴۵۸ سال ۱۹۰۶) چاپ کردند و ویدمان (Wiedmann) آنرا در ۱۹۰۹ به آلمانی در آورده و فارمر در ۹۰۳۱ در لندن آنرا به انگلیسی برگردانده است.

نام مؤلف را «احمد» در گذشته ۲۵۹ نوشته اند ولی گویا همان «محمد» باشد که «الحیل» هم از اوست و نسخه آن در برلین هست (ش ۵۵۶۲) در فهرست سپهسالار (۴ : ۳۵۴ - ۳۵۸) بحثی درباره آن دیده میشود.

۱۴ - ف ۳۷ و ۳۸ ، ع ۸ - ۶۷ ، مل ۱۱ ، تاریخ ۱۳۶ ترجمه ۱۱۴ ، اغانی ۶ : ۱۶ و ۱۵ : ۶۳ .

۱۵ - ف ۳۹ - ۴۲ ، ع ۸۰۸ - ۸۱۰ و ۸۱۲ و ۸۶۳ ، مل ۱۲ .

۱۶ - ف ۴۳ ، ع ۹۵۷ ، تاریخ ۱۲۸ ، ترجمه ۱۵۰ .

۱۷ - ابویوسف یعقوب بن اسحق کندی فیلسوف در گذشته ۲۶۰ را چندین کتاب در موسیقی است . ابن الندیم هفت رساله و قفطی شش رساله و ابن ابی اصیبعه هشت رساله از او یاد کرده اند . نام همه اینها در تاریخ و فهرست فارمر و دیباچه حفنی بر موسیقی شفا و دیباچه زکریا یوسف و راندا الموسیقی العربیة علوجی و الموسیقی العراقیة عزوی آمده است . چهار رساله او را زکریا یوسف در مؤلفات الکندی الموسیقیة در ۱۹۶۲ در بغداد و رساله الکندی فی اللحن والنغم در ۱۹۶۵ در بغداد نشر کرده است :

۱ - رساله فی خبر صناعة التألیف

- * موزة بریتانیا Or. 2361 گ ۱۶۵ ر - ۱۶۸ ر .
- چنین است مطالب آن :
- ۱ - الابعاد .
- ۲ - الاجناس .
- ۳ - الجموع .
- ۴ - المقامات .
- ۵ - الانتقال .
- ۶ - تألیف اللحن .
- ۷ - انواع البناء اللحنی .

کندی در آن میگوید که ما در « کتابنا الاعظم فی التألیف » از تألیف به کمال بحث کردیم و از موسیقی ریاضی و ابقاع در « الاقاویل العددیة والنسب الزمانیة سخن داشته ایم » و در اینجا نمونه ای از آنها را میآوریم .
این رساله را روبرت لاخمان و محمود حفنی با ترجمه آلمانی بنام « رساله فی خبر تألیف الالحان » در لایپزیک سال ۱۹۳۱ چاپ کرده اند .

۲ - المصنوبات الوتریة من ذات الواحد الی ذات العشرة الاوتار .

- * بادلیان ۱۶/۶۶۳ مارش گویا مورخ ۶۳۱ و نوشته ابراهیم بن عبدالله عمری ص ۲۲۶ - ۲۳۸ و ۲۰۳ و ۲۰۴ .
- رساله در پنج فصل یا مقاله باید باشد و مقاله یکم و دوم و برخی از سوم در آن هست و از این مطالب در آن بحث میشود :
- ۱ - الاسباب الفلسفیة لعدد الاوتار فی الالات الموسیقیة .

۱۷ - ف ۴۵ تا ۵۶ ، ع ۲۷۳ تا ۲۸۷ و ۹۷۱ و ۹۷۲ ، مل ۴ .

- ۲ - تأثیر الالحان فی الانسان والحيوان .
 - ۳ - مايلزم الموسيقى ان ياخذ به عند تقديم الموسيقى .
 - ۴ - تأليف اللحن وتأثيرها في النفس .
 - ۵ - الايقاعات و تأثيرها في النفس .
 - ۶ - قوانين الانتقال من ايقاع الى آخر .
 - ۷ - نغمات اوتار العود و مشاكلها للافلاك .
 - ۸ - مزج نغمات الاوتار وتأثير ذلك في الطبايع البشرية .
 - ۹ - بعض الاشعار والايقاعات التي لحنتم بها .
- این عنوانها در نسخه دیده میشود :

- المقالة الاولى ذكر الالات الصوتية وسائر اعداد الاوتار .
- المقالة الثانية (في تأليف اللحن) .
- المقالة الثالثة في مشاكلة الاوتار .
- في كيفية اظهار الاوتار اخلاق النفس .
- التركيب .
- في العشرة اوتار .

از این سخن کندی: «فالموسيقى الباهر الفيلسوف يعرف ما يشاكل كل من يلتمس اطرا به من صنوف الايقاع والنغم والشعر، مثل حاجة الطبيب الفيلسوف الى ان يعرف احوال من يلتمس علاجه او حفظ صحته» پیداست که به جنبه علمی و عملی موسیقی هردو می‌نگرد. در اینجا است که او از افزار یک‌زهی هندوان بنام کنگه و افزار دوزهی خراسانیان که ایرانیان دوگانه‌گرای هستند و افزار سه‌زهی رومیان که در جهان هستی چیزها را سه‌گانه می‌بینند و افزار چهارزهی و پنج‌زهی تا هشت زهی آنها هم نظر به تعبیرات فلسفی دیگر که از امور جهان شده است یاد کرده و نیز گفته که افزار چهار زهی را برخی از یونان میدانند و بابلیان آن را از خود می‌پندارند و فارسیان می‌گویند که در کشور انوشیروان کودکی بنام «فلهوذ» پیدا شده که کسی بر او در روشی که داشت پیشی نگرفته بود و او افزارهائی طرب‌انگیز به جز عود ساخته بود.

این «فلهوذ» که کندی می‌گوید همانست که فارابی بنام «فلهید» یاد کرده و گفته که او در زمان خسرو پرویز پسر هرمز پادشاه فارس بوده است.

کندی از آثار اخلاقی و دینی موسیقی بحث کرده و یاد کرده از ارتباط آن با اوضاع آسمانی و تأثیر آهنگها در حالات انسانی همچنین از دهدهی بودن اجزاء جهان و در پایان آن از چندبیت عربی ذی‌الرمه و اعشی و سلمی کنیز محمود و راق و از قصائد احمدیات و ايقاع ماخوری در شعر عربی .

افسوس که نسخه ناقص است و درمیانه هم افتادگی دارد.

۳ - رساله فی اجزاء خبریة فی الموسیقی که در عیون الانباء نزدیک به همین نام یاد شده است .

* برلین ۵۵۰۳ گک ۳۱ ر - ۳۵ ر .

در دو مقاله است هریک در چهار فصل:

مقاله ۱ :

فصل ۱ - فی ایقاعات .

فصل ۲ - فی کیفیة الانتقالات من ایقاع الی ایقاع .

فصل ۳ - فی کسوة الموسیقی ای ایقاعات المرتبة لای الاشعار المشاکلة .

فصل ۴ - فی کیفیة استعمال الموسیقی للایقاعات والاوزان الشریعة علی

حسب الازمان الواجب ذلك فیها .

مقاله ۲ :

فصل ۱ - فی مشاکلة الاوتار لارباع الفلك و ارباع البروج و ارباع القمر و

ارکان العناصر و صب الرياح و فصول السنة و ارباع الشهر و ارباع الیوم و ارکان البدن

و ارباع عمر الانسان و قوی النفس المنبعثة فی الراس و قواها .

فصل ۲ - فی مزاجات الالوان .

فصل ۳ - فی مزاجات الاراییح .

فصل ۴ - فی نوادر الفلاسفة فی الموسیقی .

پس در این رساله بحث میشود از ایقاعها و چگونگی انتقال از ایقاعی به ایقاع

دیگر و تناسب ایقاعات با اشعار و زمان آنها و تناسب لحنها با آسمانها و برجها و اثر

نفسانی آنها و از رنگها و آمیختگی آنها و بویها و آمیختگی آنها و سخنان نادر

فیلسوفان در موسیقی که رساله در اینجا ناقص است و در چاپی از روی رساله موسیقی

اخوان الصفاء تا اندازه ای کامل شده است. بحث کندی از رنگها که در فن رسم سودمند

است و بویها و آمیختن آنها تازگی دارد.

این رساله را محمود احمد حفنی هم در قاهره با تحقیقی چاپ کرده است .

بخشی از آن را فارمر در مقاله خود درباره سعد یا گائون در لندن در ۱۹۴۳ چاپ

کرده است.

۴ - رساله الکندی فی اللحن و النغم الفها لاحمد بن المعتصم که همان

«مختصر الموسیقی فی تألیف النغم و صنعة العود» است که ابن ابی اصیبعه (۱ : ۲۱۰)

گفته که او آن را برای احمد بن المعتصم ساخته است.

* برلین ۵۵۳۰ گک ۲۵ ر - ۳۱ ر .

* مغنیا ۱۷۰۵ گک ۱۱۰ پ - ۱۲۳ ر .

آنرا زکریا یوسف یکبار از روی نسخه ناقص برلین بنام الرسالة الکبری فی التألیف در مؤلفات الکندی الموسیقیة در ۱۹۶۲ در بغداد و باره دیگر از روی هر دو نسخه به نام یادشده در بالا در ۱۹۶۵ در بغداد چاپ کرده است .

در آن سه مطلب مهم است :

۱ - کیفیت صناعة العود .

۲ - تسویات العود .

۳ - تمرین للضرب علی العود .

کندی میگوید که موسیقی یا تألیف الالحان سه فن است:

۱ - شناختن اندازه بعدها در ترکیب و درازا و پهنا و ژرفای آنها و زهه

و دستانها .

۲ - نسبت زهها و اوتار بایکدیگر و اندازه آنها و چندی نغمهها و سازگاری

و ناسازگاری آنها .

۳ - جنبش انگشتان روی دستانها و زهها .

شاگرد باید ایقاع را بشناسد و نغمهها را برگزیند و آنها را باهم بیاموزد

و سامانی بدانها دهد و آنچه را که یاد گرفته است بکاربرد .

چنین است فهرست مطلبهای آن :

(الفن الاول) القول فی ترکیب العود .

قسمة الدساتین .

القول الثانی فی معرفه الاوتار و النغم .

التسوية العظمی .

القول فی النغم .

صفة النغم السبع الاوائل و تبیین نظیر کل واحدة منها من السبع الاواخر

ذکر کل نغمة من المتناسبة .

العلل النجومية التي ذکرت الفلاسفة ان العود وضع علیها .

الفن الثالث فی ریاضة الیدین لذلك .

ذکر طرق من جس الاوتار .

کندی در این رساله از علل نجومی عود یاد کرده است و از ماندگی دستگاه

موسیقی با دستگاه جهان .

او یاد کرده است از «زیر و بم» و از اختلاف عرب و روم و فرس و خزر

و حبشه و دیگران در خوی و خرد و اندیشه و شهوت و دین و موسیقی و از سغد که در

موسیقی مانند زبان و آهنگ خود روشی دارند همچنین ترك و دیلم و خزر و دیگر

زبانها . نیز گفته که همه اینها همان لحنهای هشتگانه روم را بکار می برند . همچنین

گفته که فرس در موسیقی سبکی و شتاب بکار می‌برند مانند « نسیم و ایزن و اسفرایس و سندان و نیروزی و مهرجانی » و روم را لحنهای هشتگانه « اسطوخسیه » است .

در پایان می‌نویسد که تعلیم چندین فن است مانند عربی و فارسی و رومی و جزاینها که اگر بخواهیم همه اینها را بیاوریم بدرازا خواهد کشید و کار دشوار خواهد شد هنرمندان آنها را میدانند و آموختن آنها آسانتر است.

از آثار کندی « المدخل الی صناعة الموسيقى » است و بولس سباط (فهرست، قاهره ۱۹۳۸ قسم ۱ ص ۱۴) گفته که نسخه‌ای از آن در حلب نزد بازماندگان رزق‌الله باسیل هست ولی زکریا یوسف جستجو کرده و آنرا نیافته است.

خود کندی چنانکه یاد کرده‌ام از « کتابنا الاعظم فی تألیف اللحن » نام برده است (Or. 2361 گ ۱۶۵ پ و ۱۶۶ ر و ۱۶۷ ر ، ص ۵۲ و ۵۷ و ۴۶ چاپی) . شاگردش سرخسی هم کتاب الموسيقى الكبير دارد، چنانکه فارابی را هم چنین کتابی هست و برای هر سه هم « المدخل الی علم الموسيقى یا المدخل الی صناعة الموسيقى » یاد کرده‌اند. آیا کندی و سرخسی و فارابی از الموسيقى الكبير و مختصر فی الموسيقى نیکوماخوس بهره نبرده‌اند ؟

از « رساله الايقاع » کندی گویا ابن‌زبیله بهره برده و آنچه در کافی خود از او آورده است شاید از همین رساله باشد.

سعدی‌گائون آنچه در الامانات والاعتقادات خود آورده (چاپ ۱۹۴۳ ص ۷ - ۸) گویا از رساله فی ترتیب النغم الدالة علی الطابع والاشخاص العالیة و تشابه التألیف کندی باشد .

رساله فی قسمة القانون کندی گویا شرح کتاب القانون Sectio Canonis اقلیدس است.

از کندی رساله فی صناعة الشعر (فهرست) و کتاب فی اتحاد الموسيقى والشعر (بهروایت روانه) و کتاب فی خبر صناعة الشعراء (قفطی وابن ابی‌اصیبعه) هم یاد کرده‌اند (ابن‌ندیم ۲۵۶ - قفطی ۳۷۶ تا ۳۷۹ - ابن‌ابی‌اصیبعه ۱ : ۱۲۰).

۱۸ - ابوزید حنین بن اسحاق عبادی حیری (۱۹۶ - ۲۶۴) را آداب الفلاسفة است که در آن گزیده‌ها ایست از دانشمندان درباره موسیقی که در جاهای دیگر دیده نمیشود. در دیباچه مختار الحکم ابن فاتک (چاپ بدوی در ۱۹۵۸ در مادرید) و در فهرست دانشگاه (ش ۲۱۶۵ و ۲۱۰۳) از آن و آداب الفلاسفة منسوب به پسرش ابویعقوب اسحاق که در آنهم از موسیقی و نغمه بحث شده است سخن بمیان آمده است.

- ۱۹ - ابن فرناس ابوالقاسم عباس بن فرناس در گذشته ۲۷۵ نخستین موسیقی‌دان اندلس است و مخترع منقله که کتابی از او یاد نکرده‌اند .
- ۲۰ - ابوالحسن علی بن یحیی بن ابی منصور منجم ایرانی در گذشته ۲۷۵ کتاب اخبار اسحاق بن ابراهیم الموصلی دارد .
- مجموع آغانی عریب (در گذشته ۲۲۷) را هم با ونسبت داده‌اند که بنوشته اصفهانی در آغانی باید از پسرش یحیی باشد. در فهرست (۱۴۳) و تاریخ ابن خلکان (۱ : ۵۰۷) و آغانی (۱۳ : ۱۷۶) سرگذشت او هست .
- ۲۱ - ابو حشیشه ابوجعفر محمد بن علی بن امیه در گذشته نزدیک ۲۷۷ موسیقی‌دان طنبوری ادیب را کتاب اخبار الطنبوریین و کتاب المغنی المجید است (الفهرست ۱۴۵) .
- ۲۲ - عمرو بن بانه یا عمرو بن محمد بن سلیمان بن راشد در گذشته ۲۷۸ که از موالی یوسف بن عمر ثقفی بوده و خود کاتب زاده و شاگرد اسحاق موصلی و امیر ابراهیم بن المهدی، از او است کتاب فی الاغانی و کتاب مجرد الاغانی که در آن به «اصبع و ایقاع» اشارتی نمیشود. (ابن الندیم ۱۴۵ - ابوالفرج اصفهانی ۱۴ : ۵۰ - تاریخ ابن خلکان ۱ : ۵۵۷) .
- ۲۳ - ابوالعباس محمد بن ابراهیم ضمیری در گذشته نزدیک ۲۷۹ کتاب الطنبیلین دارد (فهرست ۱۵۲) .
- ۲۴ - ابن ابی الدنیا ابوبکر عبید (عبد) الله بن محمد بن ابی الدنیا (۲۱۰ - ۲۸۱) استاد مکتفی خلیفه را کتاب ذم الملامی است .
- روبسون Robson آن را در مقالات عن سماع الموسیقی با ترجمه انگلیسی در لندن بسال ۱۹۳۸ چاپ کرده است .
- * برلین ۵۵۰۴ و ۵۵۰۵ .
- ۲۵ - ابوالفرج یا ابوالعباس احمد بن محمد بن مروان الطیب سرخسی شاگرد

-
- ۱۹ - ف ۵۷ ، تاریخ ۱۴۴ و ۱۷۰ ، ترجمه ۱۷۱ و ۱۹۹ .
- ۲۰ - ف ۵۸ و ۵۹ ، ع ۴۷۰ و ۸۴۵ ، مل ۷ ، تاریخ ۱۲۶ و ۱۶۷ ، ترجمه ۱۴۸ و ۱۹۶ .
- ۲۱ - ف ۶۰ و ۶۱ ، ع ۷۷۸ و ۷۷۹ ، مل ۱۵ ، تاریخ ۱۵۸ ، ترجمه ۱۸۶ .
- ۲۲ - ف ۶۲ و ۶۳ ، ع ۶۱۸ ، مل ۱۶ ، تاریخ ۱۵۸ ، ترجمه ۱۸۵ .
- ۲۳ - ف ۶۴ ، ع ۸۳۵ ، مل ۱۷ .
- ۲۴ - ف ۶۴ م ، ع ۸۹۶ ، تاریخ ۱۴۶ و ۱۹۴ ، ترجمه ۱۷۳ و ۲۲۹ .
- ۲۵ - ف ۶۵ تا ۷۰ ، ع ۱۵۷ تا ۱۵۹ و ۵۷۲ و ۸۳۲ و ۹۶۳ ، مل ۱۸ ، تاریخ ۱۴۲ و ۱۵۲ و ۱۷۲ ، ترجمه ۱۶۷ و ۱۸۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ - تراث الاسلام (گفتار فارمر) ترجمه جرجیس فتح الله ۱ : ۷۷ .

کندی که معتضد خلیفه شاگردش بوده و سرانجام او را به زندان انداخته و اموالش را به غارت برده و او را در ۲۸۶ کشته است.

سرگذشت این دانشمند فیلسوف در فهرست (۲۶۲ و ۱۴۹) و تاریخ الحکماء قفطی (۷۸) و مروج الذهب مسعودی (۸ : ۱۷۹) و عیون الانباء ابن ابی اصیبعه (۱ : ۲۱۵) و آغانی اصفهانی (۸ : ۵۴ و ۱۹ : ۱۳۶) و نشوار المحاضرة تنوخی (۶۱) و فهرست های چلبی و اهلورث ش ۲/۵۵۳۶ و کازیری (۱ : ۳۰۶) و بروکلمن (۱ : ۴۰۴) آمده است.

رزنتال چند مقاله و کتاب درباره او دارد و آنچه می بایست درباره او نوشته است.

از اوست:

۱ - آداب الملوك وذوی الالباب که در فصل ۳۱ آن از غناء دربار خلفاء بحث کرده و از این فصل بر می آید که اوراست کتاب المجالسات (هنر و مردم ۱۰۱ : ۴۶).

۲ - المدخل الى علم الموسيقى .

۳ - الموسيقى الكبير در دو مقاله که بزرگترین کتاب است در این زمینه .

۴ - الموسيقى الصغير .

۵ - كتاب اللهو والملاهي في الغناء والمغنين .

۶ - كتاب القيان .

۷ - كتاب الدلالة على اسرار الغناء .

۸ - كتاب المفكر الساهي في اللهو والملاهي .

۳۶ - بذل الكبرى بانوی خنیاگر مدینه در سده سوم از درباریان امین تا معتصم . کنیز بود و شاگرد فلیح بن ابی العوراء و سرانجام از توانگران شده بود . اوراست کتاب فی الاغانی المنسوب الاصوات در دو اوازده هزار بند که برای علی بن هشام گرد آورده است.

سرگذشت او در آغانی (۷ : ۳۱ - ۳۸ و ۱۵ : ۷ - ۱۴۴) و نهایتاً الارب نویری (۵ : ۸۵) هست.

۳۷ - دنانیر برمکیه کنیز یکی از مدنیها که او را به خالد برمکی فروخته و او ویرا آزاد کرده است (از سده سوم) شاگرد اسحاق موصلی و ابراهیم موصلی و فلیح و بذل بوده و شعر میسروده و نزد هارون غناء و سرود خوانده است. عقیل

۲۶ - ف ۷۱ ، ع ۵۰۶ ، تاریخ ۱۱۹ و ۱۳۴ و ۱۴۸ ، ترجمه ۱۴۱ و ۱۵۸ و ۱۵۹

و ۱۷۵ .

۲۷ - ف ۷۲ ، ع ۵۰۷ ، تاریخ ۱۱۹ و ۱۳۴ و ۱۳۵ ، ترجمه ۱۴۱ و ۱۵۸ .

معنی دربار خلافت او را خواسته بود ولی او نپذیرفت چه ویرا نوازنده درجه دوم می‌دانست.

سرگذشت او در اغانی اصفهانی (۱۶ : ۹ - ۱۳۶) و نهایتاً الارب نویری (۵ : ۹۰) هست.

از اوست کتاب مجرد فی الاغانی .

۳۸ - ابوالعباس احمد بن محمد بن علویه جراب‌الدوله سجزی طنبوری ماهر درباری سده سوم مؤلف ترویج الارواح و مفتاح السرور و الافراح درباره نکته‌های نادر خنده‌آور که گویا موسیقی و سرود هم در آن هست (فهرست ۱۳۵) .

۳۹ - ابویوب سلیمان بن ایوب بن محمد مدینی از سده سوم از ظرفاء و ادباء و موسیقی‌شناس و مؤلف کتاب : ابن سريج، ابن مسجح، اخبار : ابن عایشه، حنین الحیری، عزة المیلاء، الغریض، قیان الحجاز، قیان مکة، المنادمین، طبقات المغنین، از اوست کتاب النغم والایقاع .

(الفهرست ۱۴۸ - یاقوت ۴ : ۲۲۰ و ۲۵۰) .

۴۰ - اسلم بن عبدالعزیز یا اسلم بن احمد بن سعید مؤلف کتاب فی اغانی زریاب که با کمک حمدونه دختر اسلم گرد آورده است (بغیة المتلس ۲۲۴ - طوق الحمامة ابن حزم ۱۰۸) .

۴۱ - حماد بن اسحاق بن ابراهیم موصلی در گذشته شاعر ادیب موسیقی‌دان و نویسنده سرگذشت شاعران شاگرد ابو عبیده و اصمعی و شاگرد پدر خود در موسیقی و همکار او در بیشتر سماعهای او، نیایش نیز موسیقی‌دان بوده است. کتابهای او بیشتر درباره سرگذشت سرایندگان است. از او است : کتاب مختار غناء ابراهیم (در گذشته ۱۸۸) و کتاب اخبار الندماء مانند کتاب پدرش (فهرست ۱۴۳) .

۴۲ - ابوالحسن ثابت بن قره بن هارون بن زهرون بن ثابت بن کرایابن مارینوس بن مالاغریوس حرانی صائبی (۲۲۳ - ۲۸۸) که پس از کندی و سرخسی موسیقی نظری یونانی را در برابر موسیقی متداول کشورهای اسلامی دنبال کرده است . به زبان یونانی و جبر نیز آشنا بوده است .

۲۸ - ف ۷۳ ، تاریخ ۱۵۹ ، ترجمه ۱۸۸ .

۲۹ - ف ۷۴ ، ۸۲ ، ع ۷۶۹ - ۷۷۷ ، مل ۱۹ ، تاریخ ۱۵۳ و ۱۷۱ ، ترجمه ۱۸۱

و ۲۰۱ .

۳۰ - ف ۸۴ و ۳۲ ، ع ۴۹۸ ، مل ۲۰ .

۳۱ - ف ۱۲۵ و ۱۲۶ ، ع ۵۳۱ و ۸۱۹ ، مل ۲۱ ، تاریخ ۹۷ و ۱۲۶ و ۱۷۱ ، ترجمه

۱۱۵ و ۱۴۸ و ۲۰۰ .

۳۲ - ف ۱۲۷ تا ۱۳۵ ، ع ۶۱ ، مل ۲۲ ، تاریخ ۱۵۲ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۲۶ ، ترجمه

۱۸۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۵۶ .

از او است : رساله من امور الموسيقى در پاسخ پرسشها که از او کرده اند گویا همان کتاب من ابواب علم الموسيقى که در پاسخ نامه های علی بن یحیی بن منصور است. مقاله فی الموسيقى و مساله فی الموسيقى و کتاب فی علم الموسيقى که به نوشته قفطی نزدیک به پانصد صفحه و به نوشته چلبی در پانزده فصل است و مختصر فی فن الموسيقى (کتابخانه هندی کلکته ۱۸۴۹ ص ۹۳) و مقاله فی الانغام بروش یونانی (الدرالنظیم گ ۴۳ پ) و کتاب فی آلات الزمر مانند رساله مورسطوس و کتاب فی آلات الساعات التي تسمى رخامات (همان صفارات) .

(الفهرست ۱۴۳ و ۲۷۲ - قفطی ۱۱۵ و ۱۱۷ تا ۱۲۰ - خزر جی ۱ : ۲۱۶ و ۲۱۹ تا ۲۲۰ معجم الادباء ۱ : ۲۸۸ چلبی - فهرست اسکوریال از کازیری ۱ : ۳۹۰ فهرست برلین ۳/۵۵۳۶) .

همین ثابت بن قره حرائی برای محمد بن موسی منجم در ۶۴ باب با عنوان های «لم صار ... لان» جوامع کتاب الحيوان لارسطاطاليس ساخته و در بابهای ۳۶ تا ۳۸ آن از آواز سخن داشته است.

* نسخه دکتر یحیی مهدی مورخ رمضان ۵۹۰ ، فیلم ۲۴۴۳ دانشگاه (ص ۶۹۳ فهرست) .

هم از او است مسئله فی الموسيقى که در آن کلمات فارسی بم وزیرودستان آمده و از «التسوية الفارسية» که برخی آن را «الزلزلية» می نامند و از قانون یاد شده و بحث درباره آواز عود است.

آغاز: مسئله فی الموسيقى لثابت بن قره ما بالنا نجد حذاق المغنين كثيرا ما يخالفون في صيحات الغناء واسجاعاتها ما يساويها من اوتار العود فيصيحون في المثالث والبيوم ويتيحون في الزيرة والمثاني وكان اشبه ان يحاذوا بصياح الصوت صياح الوتر وبغلظه غلظه .

انجام : و برهانها انما يعلم من شيء يسمى القانون يوزن به كل نغمة حتى يعرف مقدارها وهوشى يطول وصفه والله تعالى اعلم بالصواب. تمت مسئله الموسيقى لثابت بن قره الحرائی کتبه ابن القونى كله فى التاريخ المذكور آخره واكثر الكتاب كان بخط مكرمط غير صحيح بالكتابة واصلحنا بعضه بقدر الطاقة والله المنة .

* مغنيسا گنل ۱۷۰۵ در ۶ ص (فیلم ۲۶۲ دانشگاه) .

۳۳ - De Ortu Scientiarum از متن عربی آن نشانی نیست و تنها ترجمه لاتینی آن هست و منسوب به ارسطو و فارابی و ثابت بن قره و ابن سینا و گندیسالیوس مترجم از عربی و گویا مؤلف آن همان ثابت بن قره باشد . مترجم آن یحیی اشیلی Journes Hispalensis است و کلمنس باور Clemens Baur آن را چاپ کرده

وبخش موسیقی آنرا فارمر در آثار عربی و لاتینی فارابی درباره موسیقی در گلاسکو سال ۱۹۳۱ با ترجمه انگلیسی نشر نموده است.

۳۴ - ابوطالب مفضل بن سلمة بن عاصم ضبی نحوی لغوی در گذشته ۲۹۰ مؤلف الفاخر (ص ۲۸ عزاوی) از اوست العود والملاهی که کهن ترین کتابی است که در این زمینه بما رسیده و در آن از رهگذر دینی و لغوی از غناء بحث شده است. او در آغاز آن از روی اخبار نبوی غناء را روا میدارد و از شیرین مغنی که پیامبر غناء او را شنیده است یاد میکند. نسخه ای از آن در طوب قیوسرای به خط یاقوت مستعصمی در گذشته ۶۹۸ هست. 7423 A 2286 در ۲۲ برگ و عکسی از آن (ش ۵۳۳ ف ج) در قاهره هست. جیمس روبسون آنرا با ترجمه انگلیسی و دیباچه فارمر در JRAS در ۱۹۳۸ ص ۲۳۱ و ۲۴۹ چاپ کرده است، نیز خود فارمر باره دوم در گلاسکو در ۱۹۳۸ و نیز عزاوی در الموسیقی العراقیة در ۱۹۵۱.

در تاریخ موسیقی فارمر (ص ۱۷۱، ترجمه ۲۰۱) از ابن الضبی ابوطیب محمد بن المفضل بن سلمة شافعی بغدادی لغوی در گذشته ۳۰۸ و شاگرد ابن الاعرابی و العود والملاهی او (نسخه قاهره) یاد شده است.

۳۵ - ابن المعتز پسر معتز خلیفه و در گذشته ۲۹۶ که از ادیبان است، از او است کتاب البدیع و کتاب اخبار شاریه و اخبار عرب (در گذشته ۱۹۹) و کتاب المجامع فی الغناء (الفهرست ۱۱۶ - لغانی ۱۳: ۱۲ و ۱۷۶ و ۱۵: ۱۰۵).

۳۶ - منصور بن طلحة بن طاهر بن الحسین الطاهری در گذشته نزدیک ۲۹۸ کتاب المونس دارد که استادش کندی فیلسوف آن را خوانده و گفته: «هومونس کاسماه صاحبه» (الفهرست ۱۱۷) فارابی در رساله موسیقی از او یاد کرده همچنین صاعداندلسی (ص ۵۲ چاپ بیروت).

۳۷ - ابن المنجم ابواحمد یحیی بن علی بن یحیی بن ابی منصور منجم ندیم ایرانی (۲۴۱ - ۳۰۰) آشنای به آثار یونانی که شاعری بود موسیقی دان و معتزلی ندیم موفق و مکتفی*، از اوست الباهر فی اخبار الشعراء المولدین و کتاب فی اخبار اسحاق بن ابراهیم الموصلی و مجموعة اغانی عربی و کتاب الاغانی یا کتاب فی

۳۴ - ف ۱۳۷، ع ۹۷۵، مل ۲۳.

۳۵ - ف ۱۳۸ تا ۱۴۱، ع ۴۶۵ و ۷۶۸، مل ۲۴.

۳۶ - ف XIII و ۵۴ و ۱۴۲، ع ۲۸۵ و ۳۲۸، مل ۲۵، تاریخ ۱۶۹، ترجمه

۱۹۹.

۳۷ - ف ۱۴۳ و ۱۴۴، ع ۲۰ و ۴۶۹ و ۴۷۰ و ۹۵۴، مل ۲۶، تاریخ ۱۶۷،

ترجمه ۱۹۷.

* - پدرش علی شاعر و موسیقی دان و شاگرد اسحاق موصلی و نیایش یحیی مولی منصور و منجم و بنیادگذار بیت الحکمة برای مأمون بوده است (زکریا یوسف).

اوصاف المغنی و رجال الغناء و شروطها و کتاب العود و الملهی که اصفهانی در اغانی آنرا ارجمند و مهم دانسته است و کتاب النغم که کامل ترین متن علمی و عملی کهن در زبان عربی است و از کتاب النغم اسحاق موصلی باید گرفته شده باشد. همچنین رساله فی الموسیقی که گویا بخشی است از همین کتاب النغم و در آن از موسیقی اسلامی و یونانی و جدایی آندو بنام اصحاب الغناء العربی و اصحاب الموسیقی بحث شده است. در آن از قدماء مانند اسحاق موصلی و عبیدالله طاهری و دیگران یاد شده است. محمد بهجة اثری در بغداد بسال ۱۹۵۰ و زکریا یوسف در قاهره بسال ۱۹۶۴ این یکی را چاپ کرده اند. فارمر آنرا با ترجمه انگلیسی آماده چاپ کرده است. نسخه آن در مجموعه اش Or. 2361 موزه بریتانیا (۲۳۶ ر - ۲۳۸ ر) هست (ش ۸۲۳/۹ فهرست ریو) و مورخ روز پنجشنبه ۲ ج ۱۰۷۳/۱ است و مقابله شده در کشمیر در روز چهارشنبه ۲۵ محرم ۱۰۷۴ با اصل، نسخه دیگر در مجموعه ش ۳۰۹۷ رامپور هند است، در بر گهای ۲۵ ر - ۲۸ پ (۱ : ۴۱۴ ش ۳۴ فهرست) عکسی از آن در معهد المخطوطات هست.

(مروج الذهب مسعودی ۸ : ۲۰۶ و ۲۲۲ و ۲۳۸) .

۳۸ - ابن طاهر ابواحمد عبیدالله بن عبدالله بن طاهر بن الحسین از خاندان طاهریان پوشنگی در گذشته ۳۰۰ ندیم معتضد و مکتفی و رئیس شرطه بغداد فیلسوفی موسیقی دان بوده است و از او است کتاب فی النغم و علل الاغانی المشتمه یا الاداب الرفیعه. میان او و خاندان حمدون نامه نگاری بوده و در اینکه تغییر برخی از نغمه های غناء قدیم رواست یا نه بهمدیگر نامه نوشته اند. (اغانی ۸ : ۴۴ تا ۴۶ و ۵۴ و ۹ : ۱۴۱) .

۳۹ - قسطابن لوقا بعلبکی مسیحی ملکانی در گذشته نزدیک ۳۰۰، دانشمندی است آشنای به پزشکی و هندسه و اعداد و فلسفه و موسیقی که از زبان یونانی ترجمه میکرده است. به او کتاب الموسیقی نسبت داده اند که باید همان کتاب قرسطون باشد که درباره ترانو است نه موسیقی (فهرست اسکوریال از کاریری ۱ : ۴۲۰) .

۴۰ - ابن خرداذبه ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله بن به خرداذبه خراسانی مجوسی نژاد (زاده ۳۱۱ و در گذشته نزدیک ۳۰۰) جغرافیادان ایرانی را کتاب طبقات المغنین است که در الغفران معری (۲ : ۷۹) از آن یاد شده است و ادب السماع (حبیب افندی زیات در اسکندریه) و کتاب اللهو و الملهی و کتاب الندماء

۳۸ - ف ۱۴۵ ، ع ۱۲ ، تاریخ ۱۶۸ و ۱۶۹ ، ترجمه ۱۶۷ و ۱۷۷ و ۱۹۲ و ۱۹۸

۳۹ - ف ۱۴۶ ، ۲۶۰ ، تاریخ ۱۵۲ و ۱۷۲ و ۱۷۳ ، ترجمه ۱۸۰ و ۲۰۱ و ۲۰۳ .

۴۰ - ف ۱۴۷ تا ۱۵۱ ، ع ۷۶۴ ، ۷۹۴ و ۹۰۰ و ۹۵۲ ، مل ۲۷ ، تاریخ ۴۹ و ۱۳۹

و ۱۴۱ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۶۶ و ۱۶۹ و ۱۷۰ ، ترجمه ۹ و ۵۶ و ۱۵۶ و ۱۶۴ و ۱۶۷ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۹۵ و ۱۹۹ .

والجلساء ، تنها از اللهو والملاهی او نسخه‌ای هست و پاره‌ای از آن درالموسیقی
العراقیه (چاپ ۱۳۷۰ بغداد) دیده میشود و اغناطیوس عبده خلیفه هم آن را بنام
مختارات من کتاب اللهو والملاهی در بیروت بسال ۱۹۶۱ در ۷۲ ص چاپ کرده
است (المشرق ، نیز ش ۳ س ۳ سال ۱۳۴۰ الدراسات الادبیه) .

او در آن از فندروس رومی و غناء فرس و روم و کرد و عرب (حداء)
و از رقص یاد کرده و نامهایی بفارسی آورده است.

(دیباچه دخویه برمسالك و ممالك - الهلال ۲۸ : ۲۱۴ سال ۱۹۳۲ -

الفهرست ۱۴۹ - مروج الذهب مسعودی - چلبی) .

۴۱ - ابوالحسن علی بن محمد بن بسام در گذشته ۳۰۳ را اخبار اسحاق بن

ابراهیم‌الندیم است (چلبی) .

۴۲ - ابوبکر محمد بن زکریا بن یحیی رازی در گذشته ۳۱۳ فیلسوف ،

پزشک و عودنواز شاگرد ابن رین طبری و جابر حیان صوفی را کتاب فی جمل
الموسیقی است .

۴۳ - ابوالطیب محمد بن اسحاق بن یحیی و شاء نحوی بغدادی در گذشته ۳۲۵

و مؤلف الفاضل من الادب الکامل را الموشی او الظرف والظرفاء است که در آن
« مایکتب علی العیدان و المضارب و السرنایات و الطبول و المعارف و الدفوف
والنایات » آمده است (ص ۲۴۹ و ۲۵۱ چاپ ۱۹۵۳ قاهره) همچنین قصیده فی
اسماء آلات الطرب که در مجموعه ۴۸۹ قاهره هست (معجم المؤلفین ۹ : ۴۴) .

۴۴ - قریص الجراحی المغنی بغدادی در گذشته ۳۲۶ را که موسیقی‌دانی

است هوشمند و نامور کتاب صناعة الغناء و اخبار المغنین است نزدیک به سه هزار برگ
و اغانی در آن به ترتیب هجائی آمده است ولی او نتوانست آن را کامل سازد
(فهرست ۱۵۶) .

۴۵ - ابن جزار ابوعلی الحسن المسدود بغدادی که معاصر واثق و متوکل

و منتصر بوده و در غناء سرآمد و طنبور میزده است و مورخ طنبوریان است.

۴۶ - جظه برمکی ابوالحسن احمد بن جعفر بن موسی بن خالد بن برمک

۴۱ - ف ۱۵۲ ، ع ۷۶۱ .

۴۲ - ف ۱۵۳ ، ع ۲۵ ، مل ۲۸ ، تاریخ ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۵۲ و ۱۷۲ و ۱۷۴ ، ترجمه

۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۸۰ ، ۲۰۱ و ۲۰۳ و ۲۰۴ .

۴۳ - ع ۹۸۱ و ۹۸۴ .

۴۴ - ف ۱۵۴ ، ع ۶۲۷ ، مل ۲۹ ، تاریخ ۱۵۳ و ۱۶۰ ، ترجمه ۱۸۱ و ۱۸۹ .

۴۵ - تاریخ ۱۵۸ ، ترجمه ۱۸۷ .

۴۶ - ف ۱۵۵ و ۱۵۶ ، ع ۸۰۲ و ۸۰۳ ، مل ۳۰ ، تاریخ ۵۷ و ۱۳۳ و ۱۴۳ و ۱۴۸-۹

و ۱۶۱ ، ترجمه ۷۲ و ۱۵۷ و ۱۸۶ و ۱۷۶ - ۱۸۱ و ۱۸۶ تا ۱۹۰ و ۱۹۴ ، محفوظ ۱۲۹ .

در گذشته ۳۲۸ مغنی بی‌مانند و سرآمد در طنبور و ادیبی فاضل و نحوی و لغوی شاگرد ابو حشیشه در تنبورزدن، از اوست کتاب الطنبوریین و کتاب الترنم و کتاب الندماء (الفهرست ۱۴۶ - آغانی ۹ : ۳۵۰).

۴۷ - سعدیا گائون سعید بن یوسف یهودی مصری (۲۲۸ - ۳۳۲ هـ ۸۹۲ - ۹۴۲ م) که الامانات والاعتقادات دارد به عربی و به خط عبری درده مقاله در پایان مقاله دهم آن از موسیقی از روی «رسالة فی اجزا خبریة الموسیقی» کندی بحث کرده است. این کتاب را یهودا ابن طبون در گذشته ۱۱۹۰ به عبری در آورده است، از متن عربی آن نسخه‌ای در اکسفورد (۱۴۸ پوکوک) ولنینگراد هست و آن را ژان گانیه Jean Gagnier در اکسفورد با ترجمه ابن طبون در ۱۷۱۷ بچاپ رسانده و در ۱۸۸۰ هم چاپ شده و عبری آن در ۱۸۶۴ هم چاپ شده است. فارمر در گفتار خود «سعدیا گائون در نفوذ موسیقی» چاپ ۱۹۴۳ لندن ترجمه عبری و انگلیسی این بحث را آورده است (ص ۲۸).

۴۸ - ابن عبدربه ابو عمر احمد بن محمد اندلسی در گذشته ۳۲۸ در فصل ۲۵ العقد الفرید خود عنوان «الیاقوتة الثانية فی الالحن والغناء و اخبار المغنین» گذارده و در آن از تحریم سماع و اصل غناء و سرگذشت مغنیان و جزاینها سخن داشته است (چاپ ۱۲۹۳ بولاق ۳ : ۲۲۹ - ۲۶۸) این بخش را فارمر در اسلامک کلچر سال ۱۷ و ۱۸ (۴ - ۱۹۴۳) نشر کرده و ترجمه انگلیسی آن را در «مجموعه الکتاب الشرقین عن الموسیقی» سال ۱۳۴۰ (۱۹۴۲) آورده است، در آن از کتاب العود یاد میشود که مؤلف آن شناخته نشده است.

۴۹ - ابونصر محمد بن محمد بن طرخان بن اوزنغ فارابی (۲۶۶۰-۳۲۹) فیلسوف دانشمند ایرانی که به زبانهای عربی و سغدی و فارسی و یونانی آشنایی داشته است (کتاب الحروف چاپ محسن مهدی در ۱۹۸۶ در بیروت فهرست کلمات) در رساله فی بیان ظهور الفلسفة او (نسخه ریاست مطبوعات افغانستان) چنین آمده است: «قال الخطابی ذکر ابونصران امر الفلسفة اشهر فی ایام ملوک الیونانییین... فقراء ابونصر الی آخر کتاب البرهان وبعد ذلك سافر الی بلاد یونان و اقام فی بلادهم ثمانية سنة الی ان اتم العلم و علم کتاب الحکمة و حکایتته معروفة والله اعلم» (فهرست ادبیات ۳ : ۷۲) از الموسیقی الکبیر او هم آشنائی به زبان یونانی پیدا است.

۴۷ - ف ۱۵۷، تاریخ ۱۷۴، ترجمه ۲۰۴، فارمر درباره دین یهود در برابر مؤلفان موسیقی عربی، گفتار نگارنده درباره سعدیا در دانشنامه.

۴۸ - ف ۱۵۸، ع ۷۶۶، تاریخ ۱۶۶، ترجمه ۱۹۶.

۴۹ - ف ۱۵۹ تا ۱۶۷ و ۳۷۱، ع ۲۳۶ تا ۲۴۳، محفوظ ۲۱۲، مل ۳۱، تاریخ ۱۷۵

تا ۱۷۷، ترجمه ۲۰۵ تا ۲۰۸.

اودر کتاب الاوسط به اصل منطق ارسطو بسیار نزدیک است و فهرستی دقیق هم برای آثار افلاطون و ارسطو نگاشته است. از همه اینها برمیآید که او اصول یونانی این علوم را در دسترس داشته و بدانها می‌نگریسته است.

مراغی هم در زبده الالحن می‌گوید که او موسیقی و برخی از علوم دیگر را از یونانی به عربی برگردانده است.

الموسیقی الکبیر او برای ابو جعفر محمد بن ابی القاسم کرخی وزیر راضی عباسی (۳۲۲ - ۳۲۹) درد و کتاب ساخته است: نخستین آن درد و جزو: المدخل الی صناعة الموسیقی درد و مقاله، صناعة الموسیقی درسه فن: اصول الصناعة والامور العامة، الالات المشهورة، اصناف الالحن الجزئية. دومین کتاب درباره آراء موسیقی‌دانهای مشهور و نقد آنها که باید در چهارمقاله باشد (آغاز) ولی درست نیست.

الموسیقی الکبیر با تحقیق غطاس عبدالملك و مراجعه و تصدیق دکتر محمود احمد حفنی در دارالکاتب العربی للطباعة والنشر بالقاهرة در ۱۲۰۹ ص در ۱۹۶۷ چاپ شده است.

کز گارتن Kosegarten در ۳ - ۱۸۴۰ بخشی از آن را که از افزار موسیقی بحث میکند با ترجمه لاتینی و آلمانی نشر کرده است لاند Land هم همین بخش را در کارنامه انجمن ششم خاورشناسان در ۱۸۸۳ در لیدن با ترجمه فرانسه چاپ نموده است و همچنین جداگانه در جستجویی درباره گام عربی در ۱۸۸۴ و او گزیده‌ای از آن را به آلمانی در آورده و در لیدن در ۱۸۸۰ نشر کرده است. سوریانو فوئرتس Soriano Fuertes در موسیقی عربی و اسپانیایی گزیده‌ای از آن را در ۱۸۵۳ در بارسلون (برشلونه) چاپ کرده است. منوبی سنوسی همه آن را به فرانسه در آورده و در موسیقی عربی در لائره ج ۱ در پاریس در ۱۹۳۰ چاپ کرده است.

* اسکوریال مادرید ش ۹۰۶ (۶۰۲) در ۱۳۸۱ برگ نوشته برای ابوالحسن ابن ابی کامل کردی از سده ششم و گفته‌اند که برای ابن‌باجه نوشته شده است. (فهرست ملی مادرید ص ۲۴۹).

* بیروت نسخه ناقص.

* پرینستون ۹۰۵۲ در ۱۲۹ گ، نسخ احمد مجد در ۱۴ ع ۱/۸۶۶، مقاله ۱ فن ۲ فی آلة العود را ندارد و با اختلاف ترتیب در صفحات، در خزانه مراد بارودی بوده و از آنجا به آمریکا رفته است.

* کوپرولو محمد در آستانه ۹۵۳ در ۴۶۴ گ، نسخ علی بن رستم کیشی در روز پنجشنبه ۱۱ ج ۲/۶۵۴ مقابله شده در روز دوشنبه ۱۲ ج

۶۵۵/۱ با یادداشت تملک ۷۴۸ و ۷۸۸ و ۹۳۸ (فیلم ۴۶۸ دانشگاه ص ۳۹۱ فهرست) .

* لیدن Cod. 651 (۱۴۲۷) در ۱۲۳ گک ، نوشته خلیل بن احمد بن خلیل در روز پنجشنبه ۴ محرم ۹۴۳ از روی نسخه نیمه رمضان ۴۸۲ .

* موزه بریتانیا Or. 2361/12 گک ۲۳۸ پ .

* میلان (آمبروزیانا) ۲۸۹ نوشته در ۷۸۴ در ۱۹۵ برگ .

نسخه‌های عکسی: قاهره ۴۳۰ ف ج از روی کوپرولو ، و مجمع‌العلمی العراقي ۲۱۲ و ۲۱۳ گویا از روی همین نسخه، و بغداد معهد الفنون الجميلة ۱۵۷۱ هم گویا از روی همین نسخه است . نسخه ۲۳۳۱ متحف عراقی بغداد هم عکس است .

در مجموعه Or. 43 دانشگاه کلمبیا در نیویورک (جولة فی دورالکتب الامیرکیة از گورگیس عواد ۹۲) «مسألة موسیقیة ذکرها الفارابی فی المقالة الاولى من الفن الاول فی الموسیقی» است که باید از همین کتاب باشد . این مجموعه از سده ۷ است دارای ۱۸ رساله و این یکی ۱۴ آن .

ترجمه‌ای که از آن به فرانسه شده و در موسیقی عربی در لائنه گذارده شده از روی نسخه‌های لیدن و میلان و بیروت و مادرید است.

هم‌ازاوست: کتاب احصاء الایقاع (خزرجی) و کتاب الایقاعات (قفطی) که باید همان الایقاع مانيسا گنل (مجموعه ۱۷۰۵) باشد (فهرست فیلمها ۴۴۵) .

نیز کتاب احصاء العلوم که چندبار چاپ شده و چندین ترجمه دارد و در آن از موسیقی بحث شده است.

نیز صناعة علم الموسیقی .

* قاهره ۵۱۲ ف ج .

نیز کلام فی الموسیقی (خزرجی) .

نیز کلام فی النقلة یا کلام فی النقرة مضافا الی الایقاع (خزرجی) .

نیز المدخل الی صناعة الموسیقی که مقدمه الموسیقی الكبير است .

او در موسیقی كبير (ص ۶۲) می‌نویسد که لحنها سه گونه است:

۱ - خوش آیند و گوش نواز و آرامش بخش .

۲ - پندار بخش و خیال‌انگیز و تصورانداز حکایت‌کننده مانند سخنان

شعری (ص ۶۷) مانند پیکره‌ها و مجسمه‌ها که آنها هم مانند لحن دو گونه‌اند : زیبا، یا نشان‌دهنده هیئتها و انفعالها و فعلها و خلقها و روشها مانند پیکره‌های خدایان

روزگار کهن چنانکه جالینوس گفته است و اکنون هم در سرزمینهای دور هند-چنین است .

۳ - لحنی که از انفعالات برمی‌خیزد و اندوه و شادی جانوران و مردمی را نشان میدهد .

آنچه که بسیاری از فیثاغورسیان و طبیعیان درباره لذت بخشی لحن میگویند نادرست است و ما در آنجا که از آراء آنها بررسی کرده‌ایم این را گفته‌ایم. او در جای دیگر هم از فیثاغورسیان یاد میکند (ص ۱۸۲) .

نیز میگوید (ص ۷۱ - ۹۲) که : صناعت‌های عملی موسیقی از فطرت و غریزت برخاسته است و برای این است که آسایش و خوشی و شادی بیار آورد و نگذارد که خستگیها احساس شوند و حالات و انفعالات بیالند و در درون انسان چیزی افزوده یا برداشته شود و دلجویی پیدا شود و خیالی برانگیخته یا چیزی دریافت گردد . مردمی پیدا شده بودند که از روی قریحت و فطرت ترنمهایی داشتند و این سه چیز را می‌خواستند .

او در اینجا از پیدایش موسیقی و افزارهای آن و رقص و ضرب شعر و موسیقی نیز بخوبی پی برده است .

باز می‌نویسد (ص ۱۰۸) که آزمایش شخصی در موسیقی بسنده نیست و باید احساس دیگران را نیز آزمود و دید که آنان چگونه گواهی میدهند . احساس طبیعی در موسیقی هم از آن کسانی است که در عرض جغرافیایی میان ۱۵ تا ۴۵ درجه میزنند به ویژه کشور عربی از سال ۱۲۰۰ تا ۴۰ اسکندری (۲۷۰ تا ۹۰۰) نیز کشور روم که خوردنی و نوشیدنی طبیعی دارد. زنگیان و سیاهان و ترک بیابان خاوری و صقلابهای باختری از طبیعت بیرونند. کشور عربی زمان ما (کشور اسلامی) همه مسکنهای طبیعی را در بر دارد به جز یونان و روم که از آنجا بوسیله مسافران و کتابهای قدامی یونانی در موسیقی نظری ما آگاه می‌شویم .

درباره روش خود در این کتاب می‌نویسد (ص ۲۰۵) : «وهوبین ان طریق التحلیل عکس طریق التركيب وطریق التركيب هو الذی استعملناه فی کتابنا فی الصناعة وطریق التحلیل هو الذی سلکناه هاهنا» .

نیز (ص ۸۶۹) : «وفیمارتبناه من الاجناس هاهنا کفایة و بلاغ فقدیمکن اذا حذی حذومانحونا هاهنا ان یرتب فیها اجناس آخر غیرمارتبناه نحن مما ذکرناه فی کتاب الاصول ، او قد یوجد منها فی کتب القدماء و من بعدهم ، او مذاقد یجوز ان یرتبها مستخرج وان لم یکن اثبت فی کتاب» .

درباره شاه‌رود چنین می‌نویسد (ص ۱۱۶) : ان التی وجدناها نحن بهذه الصفة من الالات المشهورة فی مملكة العرب هی الالة التی تسمى الشاه‌رود . وهذه انما

استنبطت في زماننا نحن ولم تكن تعرف فيما خلا من الزمان . و اول من استخراجها واستنبطها رجل من اهل صفد سمرقند يعرف بخليص (بحليم) بن آحوص واستخرجها اول ما استخراجها ببلاد الماء اى الجبل وذلك في سنة ١٢٨٨ الف وماتين و ثمان وعشرين من سنى الاسكندر وسنة ٣٠٦ ست و ثلاث مائة من سنى العرب . ثم حملها الى بلاد الصفد وبلاد الصفد هي قريبة من اقاصى البلدان التي هي في ناحية الشمال وقريبة من ان تدخل في الاقليم السادس وعرض او اخرها زائدة على خمسة وعشرين جزء او مائة من الوسط الى المشرق فاستعملت هناك وفيما تاخما من البلدان الى المشرق والشمال وسمعتها اهلها فلم ينافر ما فيها احد من اهل تلك البلدان . ثم حملها الى ارض بابل حيث كان بها اعظم ملوك العرب في ذلك الزمان . ثم ادخلها مدينة بغداد وسمع بها ما فيها من النغم ثم حملت الى بلاد مصر و ماورائها و سلك بها على بلدان الجزيرة و الشام وسمع منها جميع الالحان الموجودة في اهل هذه البلدان المختلفة القديمة منها والمحدثة فلم يكن شئ مما وجد من النغم منافر الا احد من الناس وهذه صوره الالة (ص ١١٨) .

درباره شاه رود و ابو حفص حكيم بن احوص سمرقندى سغدى و رارودى در المعجم فى معائير اشعار العجم شمس قيس رازى (٢٠١) از فارابى نقل شده و بايد از همين كتاب باشد يا از قصيده اسرار الحكمة و شرح آن از لوكرى از موسيقى فارابى (فهرست دانشگاه ج ٤ ص ٦٥ بازپسين سخن) .

از پيشينيان چنين ياد ميكند : « واما من تقدم من حذاق من زاول اعمال هذه الصناعة من العرب يوقعون هذا الاسم (الايقاع الماخورى) على خفيف الثقيل » (ص ١٠٥٣) .

نيز : « مثل ما كان فى اكثر المتقدمين من العرب من اهل تهامة والحجاز مثل ابن سريج والغريص وجميلة ومعبد و امثالهم وكذلك فى كثير من كان قبلهم فى الفرس مثل فهليذ الذى كان فى زمن كسرى ابرويز بن هرمز ملك فارس وفى كثير من متأخرى العرب ومن عداهم من اهل العراق مثل اسحق ومخارق (تلميذ ابراهيم الموصلى) ... مثل ما كان بلغه اسحق بن ابراهيم بن ميمون الموصلى » (ص ٥٧ و ٥٨ و ٦٠) .

نيز از علقمة بن عبدة شاعر كه شعر خود را بالحن و غناء نزد حارث بن ابى شمر پادشاه غسان خوانده است (ص ٧٣) .

نيز (ص ٨ - ١٣٧) : « والذين اثبتوا عدد القوى والنغم فى كتاب اوراموا احصاءها منهم قدماء اهل التعاليم من اليونانيين ومنهم الحدث الذين زمانهم قريب من زماننا ممن جرى فى مملكة العرب . فبعض هولاء راموا الاقتفاء بقدماء اليونانيين وبعضهم لم يقصدوا ان ينحوا نحو اهل التعاليم، ولكن كانوا مرتاضى السمع بالالحن، واكثرهم كانوا من مهرة المزاولين اعمال هذه الصناعة واثبتوا ما وجدوه بفطرتهم (مثل

اسحق بن ابراهيم الموصلى ومنصور زلزل العواد) ، او كما صح عندهم مما اضطرتهم الى استخراج تلك الغايات الثلاث التى ذكرناها فيما سلف» (ص ٧١) «فهولاء فيما قالوه واثبتوه اشد اقتفاء للحن ممن ينحوا من اهل زماننا نحو ما قاله ممن تقدمهم من اهل التعاليم. واما ما يتوله الحدوث ممن ينحوا نحو التدماء فى ذلك فاولئك لالهم ارتياض هولاء فى المحسوس منها ولا علم القدماء فهم اذا عدوا شيئا من هذه و اثبتوه فى كتاب به فقد يظهر انهم يثبتون ما لا يعرفون سببه ولا الامر الذى يوجب ان ما كتبوه كما اثبتوه، سوى حسن ظنهم بمن سلف من القدماء وقد بينا ما قاله كل واحد منهم فى كتابنا الذى لخصنا فيه آراء غير نامن وجدنا له شيئا فى هذه الصناعة مثبتا فى كتاب وبيننا فيه مقدار ما بلغه كل واحد منهم وما قصر عنه مما هو فى هذا العلم» (گويا اشاره به احصاء الايقاعات خودش است) .

از يونانيان بدین گونه یاد میکند (ص ٣٢٧) : «والا قدمون من القدماء كانوا يرون الذى بالكل والاربعة الجمع الكامل» .

نیز از جالينوس (٦٣) وفيثاغورس وطبيعيون (ص ٦٤ و ١٨٢) و «نظر آل ارسطقانس ونظر آل فيثاغورس» (ص ٢٠٤) .

نیز می نویسد (ص ١٦٧) : که بگفته زینون يك دانه گاورس هم که بروی زمین بیفتد باید آوازی داشته باشد اگرچه شنیده نمی شود .

همچنین می گوید (١٠٣) : «مثل بظلمیوس التعالیمی فانه ذکر فی کتابه فی الموسیقی انه لا يحس بكثير من ملائمت النغم، وانه اذا اراد امتحانها امر الموسیقی الحاذق المرتاض یا متحانه له . ثم تامسطيوس المشهور بالبراعة فى الفلسفة وهو احد اصحاب ارسطوطاليس و من المتبحرين فى مذهبه قال نصاه كذا : انى اعلم مما تعاطيت من التعاليم ان النعمة التى تسمى المفروضة موافقة لتسمى الوسطى ولا احس باتفاقها لقللة ارتياضى بهذا الباب . فالمفروضة مثل البم فى العود والوسطى هى نعمة السبابة المثنى . واتفاقهما هو اعظم الاتفاقات . وقل انسان الا وهو يحس باتفاقها . وقد خبرنا تامسطيوس انه لا يحس باتفاقهما و انه قد علم بالعلم النظرى اتفاقهما ولم يكن ذلك مما ينقصه فى العلم النظرى . وايضا فان ارسطوطاليس قد قال فى انالوطيقى الثانية ان كثيرا ممن يتعاطى النظر فى الكليات لا يحس بالجزئيات لان ذلك انما يحتاج فيه الى قوة اخرى غير قوة العلم بالكليات . مثال ذلك صاحب الموسيقى النظرى فانه ربما لم يكن عنده معرفة كثير مما فى علمه من طريق الحس وان كان قد عرفه فى علمه والسبيل الذى يصل به من لم يحس اشخاص هذه الى تصورها ... هو الذى يسمى طريق المقايسة و طريق المناسبة . و قد لخصناها نحن هذا الطريق فى مواضع اخر (ص ١٠٥) .

نیز : كتاب احصاء الايقاعات لافضل الفلاسفة الاسلاميين المعلم الثانى ابى نصر

محمد بن محمد بن الطرخان الفارابي كه گویا مانند كتاب دوم الموسيقى الكبير است.
* مانيسا گنل ۱۷۰۵ (فيلم ۲۶۲ دانشگاه تهران ص ۴۴۵ فهرست)
ش ۷ مجموعه .

چنين است آغاز آن « قصدنا في هذا الكتاب ان نحصى اصناف الايقاعات
ونخترعها على طريق الرسم ونجعل ما نعرف من احوالها على جهة الاقتصار فقط ونقتصر
في تصحيح ما نقصه منها على امتحانه بالحس واستشهاد ما يظهر بالفعل في الصنایع التي
شأنها استعمال الايقاع ونستعمل في العبارة عما نجد له اسما قديما اسمه القديم وما لم يتاد
الي ناله اسم عن احد ممن تقدمنا نقلنا اليه اسم اقرب الاشياء شبيها بها فسميناه به .

از اين عبارت روشن كار فارابی در اين رساله روشن است كه او :

۱ - ايقاعات را برمی شمرد و به « رسم » يا رموز و حروف نشان میدهد.

۲ - آنچه از ايقاعات كه ميشناسد آنها را می آزمايد.

۳ - در عبارت خود ميكوشد نامهای كهن پيشينيان را بكاربرد و اگر نباشد

آنچه را كه بدان مانده تر است.

او در چهار جای آن به « الكتاب الكبير » خود بازگردانده است. فارابی

در آن ياد میکند از:

ارسطاطاليس بدین گونه: « وهذا هو الذي يستعمل في المخاطبات المتبدلة
التي على طريق الخطا وهو احد ما وصي ارسطوطاليس باستعماله في الاقاويل الخطبية
التي لا يحتاج فيها الى الوزن وقد يستعمل كما هو وقد يستعمل مخلوطا بغيره .

« وهذا الضرب من المطويات في الثقل الثاني جعله اسحق هو الرمل ... وقد

ذهب ذلك على بن الموصلي مع حذقه بالالحن المسموعة وارتياضه ودرته بالصناعة
العلمية ولكن ذهب ذلك عليه كما يذهب على البادي بصناعة لم يسمع فيها شيئا قبله
وفانه اول من اثبت من العرب الايقاعات في كتاب ورام ان يجعل لها قوانين صناعية .
ولما ساعد بعد منصور بن طلحه صاحب كتاب المونس هذا الذي قلناه نحن جعل الفرق
بينهما انه جعل الذي ظن من هذين انه هو الرمل ... » .

« واما توصيل الايقاعات المنفصلة فانه ممكن ... وقد نجد انسانا بعد انسان

قد وقف بكذوقا بعد قوم قد وقفوا على شيء مما اثبتناه في هذا الكتاب ونحن نقتصر
ما وقفوا عليه منه و نذكرهم باسمائهم فمنهم اسحق الموصلي فانه ذكر في كتابه
تأليف النغم ان جميع الايقاعات تسعة . وان اولها ما نقراته واحدة واحدة محثوثات
متواليات بقدر واحد . وذكر ان هذا هو اصل جميع الايقاعات وانه لا اسم له ولا يعرفه
العامة وليس فيه شيء من الغناء ولان الثمانية الايقاعات انما يكون منه وهذا ما كتبناه
نحن ... فهذا الايقاع الذي ذكر وهو صوت من المتصل الاول ولا يستعمل في غناء
و الغناء الذي ذكره و صيره مثلا اذا امتحن وجد من مطويات الهزج الذي ذكرنا

مماطويت النقرة الرابعة منه واما الذى ذكره فليس يوجد اصلا فى شىء من الاغانى ولا فى لحن اصلا ولا فى خطبة ولا فى شعر...» (دراينجاو از اسحق سخت خرده ميگيرد).
نيز از كندى بدین گونه :

«و يعقوب بن اسحق الكندى هو احد من اثبت الايقاع فى كتاب بعد اسحق بن الموصلى راي ان يجعل لها قوانين و اوهم ان الذى كتبه هو اصناف الايقاعات الماخوذة عن قدماء فلاسفة اليونانيين و ذكر منها اصنافا كثيرة ركب كل صنف منها نقرات ذكرها ... و مرت له فى خلال ذلك هذه التى حكيناها عن اسحق فسامها بالاسماء التى سماها¹ اسحق و ذكر ان اهل زمانه يسمونها بها ثم ذكر انها فقط هى المستعملة عند اهل زمانه دون باقى الاصناف التى ذكرها ... و او هم فيها انها ايقاعات من غير التسعة التى يستعملها العرب وانها انما كانت فى القديم عند اليونانيين و ان اهل زماننا ليس يستعملونها و انت اذا تفقدت جعل ما كتبه لم يجد شيئا خارجا عمارسناه من اصناف الايقاعات المستعملة و اذا تأملت فى الالحن العربية و فى الاشعار العربية و جدتها كلها فيها مسموعة متداولة بين ملحنين العرب و قد ذكر الكندى انها غير مستعملة عند اهل زماننا و ان المستعمل عندهم هى التى ذكرها اسحق. و انت تعلم ان اسحق قد اخطأ فى بعضها بالكلية و ما اصاب فيه فانه انما ذكر صنف واحد فقط . فمن ذلك تبين ان يعقوب الكندى لم يتكلم بما تكلم به عن بصيرة نفسه بالايقاعات و انما تبع اسحق و قلده من غير ان يبحث عما قاله اسحق و من غير ان تمتحنه فى الالحن فظن انه لارمل و لاثقيل اول و لاثانى ثقيل و لاخفيف لشيء من هذه غير الذى قاله اسحق . و تبين ايضا انه لم يتأمل ما سواه فى شىء من الالحن العرب و لا فى اشعارهم فيقول فيها ببصيرة نفسه هل هى مستعملة اولا و انما ظن انها غير مستعملة عندهم اذ لم يجد اسحق ذكرها فى كتابه . و احسب مما قوى ظنه فى هذه الاشياء ايضا ما كتبه منصور بن طلحة الطاهرى فى كتابه الذى سماه المونس . فان منصور هذا كان بخراسان فى ايام الكندى و الكندى اذ ذاك ببغداد ، و قد عمل منصور كتابه هذا و انفذه الى بغداد و الى الكندى خاصة على ما بلغنى ليتعقب ما كتبه منصور فى كتابه . فان منصورا هذا تبع فى الايقاعات اسحق من غير ان يزيد علما اصلا و قد كان منصور هذا مرتاض السمع على ما يقولون فوثق به الكندى ، ولو تأمل الالحن بنفسه فضل تأمل لوجد جل تلك التى ذكرها معطلة مستعملة فى الالحن العربية و كثيرا من الخفيفة التى ذكرها معطلة مستعملة فى اشعارهم و انتم تعملون انه لم يحدث بعد الكندى لحن عربى استعمل فيه ايقاع آخر خارج عن الايقاعات التى يوجد الان فى الالحن القديمة التى كانت فى زمان الكندى و بل كانت الالحن القوية المفننة الايقاعات فى زمانه اكثر منها فى زماننا هذا الاسباب التى تعرفونها . و كذلك كانت التى ذكرناها نحن

١ - گویا برکها در نسخه پس و پیش شده است.

موجودة كلها في ذلك و في زمان اسحق . غير ان اسحق كان معذورا لانه ليس بصاحب منطق، ولا متفلسف ولا مقتف أثر الفلاسفة ولا قصدان ينحو نحوهم ولا كان سمع من مذاهبهم في الموسيقى شيا وانما كان انسانا جهد نفسه في ان يلتقط ما خيل اليه في النغم والايقاعات التي كان دربا جدا باستعمالها وسماعها، وكان الذي وقع في نفسه في النغم والايقاعات هو المقدار الذي اثبتته، وعلى انه اصابه في جل ما كتبه وفيما اخطأ فيه ، لم يبعد في اكثره من الصواب ذلك البعد كله بل بعدا يسيرا وهو مشكور على ما كتبه من ذلك راياله منسوب اليه يقبل منه الصواب ويجعله شاهدا لما اوجبه البرهان التعاليمي ويجعل ما لزمته من الاقاويل مستندة اليه ويصلح عليه الموضع الذي احل به وليس ينبغي ان يجعل ما كتبه الكندي في ذلك رايانا اذا كان تبع في جميع ذلك راي غيره من غير ان يكون فيه بصيرة نفسه اصلا ولا بوجه من الوجوه، اذا كان ذكر في بعضها انها مستعملة عند اهل زماننا في الالحن وليست هي مستعملة اصلا في زماننا ولا في غير زماننا ولا وحدها ولا مركبة الي غيرها وهي التي ذكرنا ان اسحق غلط فيها بالكلية وهي الخفيف والهزج وتبع فيها الكندي اسحق ، وذكر في بعضها انها غير مستعملة عند اهل زماننا وجلها مستعملة عندهم . وانت اذا كان لك فراغ فتامل في كتاب الكندي المشجر من ذلك فانك ستجد الامر وفيه على ما قلت لك .

تم كتاب الايقاع للمعلم الثاني الفيلسوف الافضل ابي بصر محمد بن محمد بن طرخان الفارابي . قوبل الكتاب ولله الحمد .

نيز در آن ميگويد :

« وانت اذا تأملت لغات الامم وجدت في كثير من الامم من لا ينطق في شيء اصلا ولا يخاطب في متبدل مخاطباته الا بالفاظ ذوات ايقاعات منتظمة ، ونجد كثيرا منهم في ذلك يلحن في مخاطباته بايقاعات يجري على انتظام بعضها بسيطة وبعضها مركبة. نيز در آن آمده است « يسميه اهل زماننا التمخير فلذلك سموا هذا الايقاع من بين ساير الايقاعات الماخري ... سموا ذلك الايقاع الممخري يريدون الذي يكلف فيه التمخير » .

دو كلمة تمخير وماخوري در موسيقى كبير (ص ٤ - ١٠٥٣) هم آمده است.

٥٠ - ابوبكر محمد بن يحيى بن عبدالله بن عباس بن محمد صولي شطرنجي

در گذشته ٣٣٦ را « اخبار ابراهيم بن المهدي واخته و اشعارهما » است و آن جزوي از الاوراق اوست که در ١٩٣٦ بنام اشعار اولاد الخلفاء چاپ شده است نسخه اي ماكدونالد Macdonald در هارتفورد امريكا دارد.

٥١ - ابوالحسن علي بن الحسين بن علي مسعودي در گذشته ٣٤٥ که در

٥٠ - ف ١٥٨ آ ، ع ٨٣٦ ، تاريخ ١٧١ ، ترجمه ٢٠٠ .

٥١ - ف ١٦٨ تا ١١٧ ، تاريخ ١٦٥ ، ترجمه ١٩٥ .

کتاب اخبارالزمان خود که در سی مجلد باید باشد و در ۳۳۲ نگاشته و پاره‌ای از آن مانده است از موسیقی و موسیقی‌دانها سخن داشته ، الكتاب الاوسط او هم از همین اخبارالزمان گرفته شده (بادلیان سلدن ۱۹/۳۱۵۲) در کتاب الزلف او هم بنوشته کلازت از موسیقی بحث شده است (مجله آسیایی ۱۹۵۴ ص ۳۸۲ - مروج الذهب ۲ : ۳۲/۲) .

در مروج الذهب ومعادن الجواهر او که در ۳۳۶ - ۳۴۶ ساخته است بندی است که در آن از ابن خردادبه یاد شده است و این بند را که در برلین هست (۸۵۰۲) فارمر در ۱۹۳۱ به انگلیسی در آورده است .

۵۲ - ابو الفتح محمد بن الحسين بن شاهک کشاجم در گذشته ۳۵۰ را ادب الندییم است چاپ ۱۲۹۸ بولاق و ادب الندماء و تألیف الظرفاء چاپ اسکندریه در ۱۳۲۹ .

۵۳ - ابو الحسن علی بن هارون بن علی بن یحیی بن ابی منصور منجم (۲۷۹-۳۵۲) متکلم ادیب و راوی اشعار و ندیم خلفاء را رساله فی الفرق بین ابراهیم بن المهدی و اسحاق الموصلی فی الغناء است (الفهرست ۱۴۴ - ابن خلکان ۱ : ۵۰۸) .

۵۴ - ابو الفرج علی بن حسین بن محمد بن احمد اصفهانی (۲۸۴-۳۵۶) را رساله فی الاغانی است (اغانی ۶ : ۵۳) و اخبار جحظة البرمکی (ابن خلکان) و اخبار القیان و کتاب القیان (الاعلان بالتویخ ممن ذم التاريخ از سخاوی ص ۱۰۶) و اخبار المغنین الممالیک (الاعلان ص ۱۰۶ و ۱۰۸) و کتاب الغلمان المغنین (ابن خلکان ، سخاوی) و ادب السماع (ابن ندیم ۱۱۵) و کتاب الاماء الشواعر و کتاب الحانات و کتاب النغم (اغانی ۹ : ۴۹ س ۴ از پایین چاپ بولاق) .

بهترین کتاب او الاغانی الکبیر اوست که آن را دیوان العرب نامیده‌اند و در شهر حلب در پنجاه سال بدان می‌پرداخته است. سیف الدوله حمدانی در برابر آن باو هزار دینار و حکم دوم خلیفه اندلس در برابر نسخه‌ای که برایش فرستاده است مانند آن داده است. در آن اغنیه‌ها و سرودها و ترانه‌های جاهلی عرب و دوران اسلامی است تا سده سوم بیاوردن نغمه‌ها و ایقاعات آنها و باسرگذشت مغنیان و خنیاگران و سرایندگان و سازنوازان .

کاترمر پاره‌ای از آن را به فرانسه در آورده (JA ۱۸۳۵) و گزگارتن به لاتینی (۳ - ۱۸۴۰) و فارمر در ۱۹۵۵ اثری به انگلیسی درباره آن دارد.

۵۲ - ف ۱۷۱ و ۱۷۲ .

۵۳ - ف ۱۷۴ ، ع ۸۴۴ ، مل ۳۲ ، تاریخ ۱۶۸ ، ترجمه ۱۹۸ .

۵۴ - ف ۱۷۵ تا ۱۸۵ ، ع ۲۹ و ۴۷۸ تا ۴۸۰ و ۷۸۰ تا ۷۸۳ و ۹۰۸ ، مل ۳۳ ،

تاریخ ۱۶۴ ، ترجمه ۱۹۳ .

متن آن در ۱۳۲۳ (۱۹۰۵) با فهرست چاپ شده و در بولاق سال ۱۲۸۵ (۱۸۶۸) که مجلد ۲۱ آن را برنو Brunnw درلیدن سال ۱۸۸۳ و فهرست آن را گوئیدی Guidi در همانجا سال ۱۸۹۵-۱۹۰۰ نشر کرده است. تصحیح الاغانی در قاهره در ۱۳۳۴ (۱۹۱۶) و مهذب الاغانی در هشت جزو به دست محمد خضری در مصر سال ۱۹۲۵ (ع ۵۳۹) و رنات المثلث والمثانی فی روایات الاغانی بدست احمد صالحانی در بیروت در ۱۸۸۸ و در ۱۹۲۳ چاپ شده است.

ابن منصور محمد بن مکرم افریقی در گذشته ۷۱۱ مختار الاغانی فی الاخبار والتهانی دارد به ترتیب تهجی با افزوده‌هایی از خود.

همچنین جمال‌الدین محمد بن سالم بن نصرالله بن واصل صموی در گذشته ۶۹۷ تجرید الاغانی من المثلث والمثانی دارد.

حدائق الفنون فی اختصار الاغانی در جامع زیتونه تونس هست و گزیده دیگری ناشناخته در الجزایر (۱ : ۹ - ۱۷۹۵).

(بروکلن ۱ : ۱۴۶ ترجمه عربی ۳ : ۶۹ - سزگین ۱ : ۳۷۸).

۵۵ - ابو عبدالله محمد بن یوسف خوارزمی در گذشته نزدیک ۳۷۰ مفاتیح العلوم دارد که باب هفتم مقاله دوم آن در سه فصل و در موسیقی است. او آنرا برای ابوالحسن عبیدالله عتبی وزیر نوح دوم پادشاه سامانی ساخته است. آنرا وان ولوتن Van Vloten در لیدن سال ۱۳۱۳ چاپ کرده و بخش موسیقی آنرا ویدمان در ۱۹۲۲ به آلمانی و فارمر در ۱۹۵۹ به انگلیسی در آورده است.

۵۶ - ابوبکر محمد ادفوی در گذشته ۳۸۸ الاقناع با حکام السماع دارد (چلبی).

۵۷ - ابوالفرج محمد بن اسحاق بن ابی یعقوب ابن الندیم وراق بغدادی شیعی را کتاب الفهرست است که شیخ طوسی در فهرست خود از آن بهره برده است. او در ۳۷۸ (۹۸۸م) در دارالروم بوده است. الفهرست او دو تحریر دارد هر دو با تاریخ ۳۷۷، او آنرا بر مبنای هنر وراقت خویش و شاید هم با نگریستن به یک کتابخانه‌ای از یکی خلفاء ساخته است. اصل آن بگواهی نسخه‌های چستربیتی و شهید علی پاشا (فهرست فیلمها ص ۳۶۲) بساخت سیاقی و دفتر دیوانی است که بسیاری از جاها را سفید گذارده و همواره آنهارا با آگاهیهای تازه‌ای که بدست می‌آورده است پرمیکرده است.

گویا بیشتر کتابهایی که در فهرست یاد شده است از میان رفته و شاید شش

-
- ۵۵ - ف ۱۸۶ ، ع ۱۲۲ ، تاریخ ۲۱۳ ، ترجمه ۲۳۶ و ۲۳۷ .
۵۶ - ف ۱۸۷ ، ع ۹۱۲ .
۵۷ - ف ۱۸۸ ، ع ۲۱ ، مل ۲۵ ، تاریخ ۲۵۴ ، ترجمه ۲۱۵ .

کتاب از صد کتاب موسیقی که او برشمرده است مانده باشد. هولاکو و تیمور و اکسیمنس Ximenes در سده ۱۳ و ۱۵ بسیاری از کتابخانه‌ها را تباہ و نابود ساختند که شاید نسخه‌هایی از آنها در اینها بوده است.

مقاله هفتم الفهرست را سوتر در تاریخ ریاضی‌دانان به آلمانی و مولر نهمین مقاله آنرا نیز به آلمانی و فارمر بخشی از مقاله‌های سوم و هفتم را در ۱۹۶۱ به انگلیسی در آورده است.

نگارنده در دیباچه بر تاریخ الحکماء (فرهنگ ایران زمین) از آن بحث کرده است.

۵۸ - ابو الوفاء محمد بن محمد بن محمد بن یحیی بن اسماعیل بوزجانی خراسانی بغدادی (۳۳۷ - ۳۸۷) از ریاضی‌دانان بزرگ جهان بشمار است.

از اوست مختصر فی فن الايقاع که اکفانی در ارشاد القاصد (مجموعه مکتبه هندیه ش ۱۸۴۹ ص ۹۳) دارای رساله‌های موسیقی فارابی و ابن سینا و صفی‌الدین عبدالمؤمن ارموی و ثابت بن قره از او یاد کرده و او در الدر المنظوم این رساله را مقاله فی الايقاع خوانده و از ارزنده‌ترین رساله‌ها دانسته است.

(مفتاح السعادة طاش کبری زاده ص ۳۱۱ - ابن خلکان ۳ : ۳۲۰ - قفطی ۲۸۷ - فهرست ۲۶۶ و ۲۸۳) .

۵۹ - ابو الحسن علی بن حسن بن طرخان ادیب مغنی سده ۴ را کتاب اخبار المغنین الطنبوریین است . در فهرست (۱۵۶) و نشوار المحاضرة تنوخی از او یاد شده است .

۶۰ - علی بن سعید اندلسی یا اقلیدسی (فهرست ۲۸۵) (گویا همان علی بن موسی سعید مغربی) از دانشمندان سده چهارم را رساله فی تألیف الالحن است (فهرست نسخه‌های شرقی خریداری شده برای دکتر لی Lee در ترکیه چاپ لندن در ۴۰ - ۱۸۳۱ - بروکلن : ۱ - ۳۱۳ و ۳۳۶) .

۶۱ - اخوان الصفاء و خالان الوفاء مؤلفان رسائل در سده چهارم که گزیده آنها الجامعة و جامعه الجامعة است. ابو الحکم عمر کرمانی قرطبی سرقسطی در گذشته ۴۵۹ (۱۰۶۶ م) ریاضی و طبیعی‌دان که در مشرق به‌ویژه در حران درس خوانده بود این رسائل را در اندلس میان مردم نشر داده بوده است.

رساله الموسیقی این رسائل در چهارده باب است. تاریخ تألیف آنها را ۳۵۰

۵۸ - ف ۱۸۹ ، ع ۳۰ ، مل ۳۶ ، تاریخ ۲۱۶ ، ترجمه ۲۵۵ .

۵۹ - ف ۱۹۰ ، ع ۷۶۵ ، مل ۳۷ ، تاریخ ۷۶۵ ، ترجمه ۲۰۱ .

۶۰ - ف ۱۹۱ ، ع ۲۳۰ ، تاریخ ۱۷۷ ، ترجمه ۲۰۸ .

۶۱ - ف ۱۹۲ ، ع ۳۴ ، مل ۳۸ ، تاریخ ۲۲۰ ، ترجمه ۲۶۰ .

(۱۹۶۱ م) نوشته‌اند.

نسخه‌های این رسائل فراوان است و موسیقی آن تنها در ملک هست مورخ
۱۲۶۵ (۶/۶۱۴۹).

۶۲ - سعید بن فتوح بن مکرم خمار سرقسطی از سده چهارم کتاب فی الموسیقی
دارد که در العقد الفرید از او یاد شده و گویا هم صاعد اندلسی از او نام برده باشد.
۶۳ - ابو عبد الله هارون بن علی بن هارون به یحیی بن ابی منصور منجم
در گذشته ۳۹۰ شاعر ادیب متکلم مغنی را کتاب مختار فی الاغانی است (فهرست
۱۴۴).

۶۴ - ابوالقاسم مسلمة بن احمد مجریطی در گذشته ۳۹۸ ستاره شناس
ریاضی دان که رسائل اخوان الصفاء بلکه الرسالة الجامعة را باو نسبت داده‌اند و از
آنها است رساله‌ای در موسیقی. گویا او به این رسائل اهتمام می‌ورزیده و آنها را
به اندلس برده است (مجله معهد المخطوطات ۶ : ۷۶).
چنین است نسخه‌های الرسالة الجامعة :

* پاریس ۲۳۰۸ .

* بادلیان ۲۹۶ هونت .

* ملك ۵۴۳۹ مورخ ۵۹۶ و ۱۲۸۰ از سده نهم (ص ۱۴۷ فهرست عربی).

* دهخدا ش ۱۶۶ از سده دهم (نشریه ۳ : ۵۵) .

* مجلس ش ۱۷۲۹ از سده ۱۱ (۵ : ۲۶۰) .

۶۵ - ابوالحسن علی بن (ابی) سعید عبدالرحمن بن یونس صدفی منجم
در گذشته ۳۹۹ را کتاب العقود و السعود فی اوصاف العود است (برلین
۵۵۳۶/۳۱) .

۶۶ - ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل راغب اصفهانی از دانشمندان
سده چهارم محاضرات الادباء و محاورات الشعراء دارد که در آن «الغناء والمغنون
والالات الموسیقیة» دیده میشود (چاپ قاهره ۱۲۸۷ ص ۹ - ۴۳۶ ج ۱) .

۶۷ - ابو حیان علی بن محمد بن عباس توحیدی در گذشته ۱۴۴ (شذالازار
۴۸۱) در المقابسات خود که موسوعه‌ایست دارای ۱۰۳ مطلب در مطلب نوزدهم

۶۲ - ف ۱۹۳ ، ع ۱۱۵ .

۶۳ - ف ۱۹۵ ، ع ۶۶۴ ، تاریخ ۱۶۸ ، ترجمه ۱۹۸ .

۶۴ - ف ۱۹۶ ، ع ۲۹۶ ، تاریخ ۲۱۱ و ۲۱۶ ، ترجمه ۲۳۶ و ۲۵۵ ، گفتار فارمر

در باره نسخه‌های موسیقی بادلیان که در مقتطف ترجمه شده است.

۶۵ - ف ۱۹۷ ، ع ۹۵۵ .

۶۶ - ف ۲۱۷ ، ع ۵۵۰ .

۶۷ - ف ۱۹۸ ، ع ۲۶ و ۴۷۶ .

از «السماع والغناء و اثر همافی النفس» سخن داشته (لیدن ۱۴۴۳ - چاپ بی تاریخ بمبئی و چاپ ۱۳۰۶ شیراز و چاپ ۱۳۴۷ هـ ۱۹۲۹ م سندوبی ص ۱۶۳ - ۱۶۵) و در الامتاع والموانسه از «الطرب و الغناء» گفتگو کرده است (چاپ ۱۹۴۲ قاهره ۲ : ۱۶۵ - ۱۸۳).

۶۸ - ابوالقاسم حسین بن علی بن محمد وزیر مغربی (۳۷۲ - ۴۱۸) از فرزندان بهرام گور بوده و در قاهره زاده و وزیر فخرالملك و مشرف الدوله بویه و بنی عقیل در موصل شده و حاکم خلیفه فاطمی مصر را خدمت کرده و در میافارقین در گذشته است. از اوست گزیده‌ای از الفهرست ابن‌الندیم و کتاب جامع الاغانی که باید گزیده اغانی اصفهانی باشد.

۶۹ - ابن سینا ابوعلی حسین بن عبدالله بخاری (۳۷۳ - ۴۲۸) در کتاب بزرگ خود که الشفاء است در فن سوم ریاضیات که فن دوازدهم کتاب است جوامع علم الموسیقی گذارده است.

او در پایان آن (ص ۱۵۲) با عبارت «وستجد فی کتاب اللواحق تفریعات و زیادات کثیرة ان شاء الله تعالی» نوید نوشتن کتاب مبسوط و گسترده تری می‌دهد که گویا نتوانست بنویسد.

در آغاز مقالت دوم آن آمده است (ص ۳۳) «واستحب لمن آثار ان ینظر فی هذه الاصول ان یضیف الی ذلك مطالعة ما اوردہ اقلیدس فی کتابه المعروف بالقانون وان احب محب ان یلحق ذلك الكتاب كما هو بهذا الموضع کان قاصدا قصد الصواب» پس او این کتاب را درست داشته است.

او از کندی و سرخسی و فارابی یادی نمی‌کند.

جوامع علم الموسیقی شفاء در قاهره سال ۱۳۷۶ (۱۹۵۶) با تحقیق زکریا یوسف و تصدیق و مراجعه احمد فواد اهوانی و محمود احمد الحنفی چاپ شده است.

* احمد ثالث ۳۲۶۳ گ ۴۹۶ - ۵۲۶ .

* احمد ثالث ۳۴۷۳ گ ۱۲۱ - ۱۴۰ .

* الازهر ۳۳۱ بخیت گ ۳۴۸ - ۳۵۵ .

* انجمن آسیایی همایونی لندن ۵۸ گ ۵۶۲ ر - ۵۶۶ ر از سده ۱۰ .

* اوپسالا ۳۴۴ .

۶۸ - ف ۱۹۹ ، ع ۶۸۵ ، تاریخ ۱۸۱ و ۲۱۱ و ۲۱۷ ، ترجمه ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۴۹ و ۲۵۷ .

۶۹ - ف ۲۰۲ تا ۲۰۷ ، ع ۶ تا ۱۰ ، مل ۳۹ ، تاریخ ۲۱۸ ، ترجمه ۲۵۷ ، گفتار فارمر درباره نسخه‌های موسیقی بادلیان و ترجمه عربی آن در مقتطف و فارسی آن از ملاح در مجله موسیقی ۱۱۰ .

- * ایاصوفیا ۲۴۴۲ گ ۲۸۰ - ۲۸۸ مورخ ۶۷۱ .
- * بادلیان ۱۰۹ پوکوک گ ۷۵ ر - ۱۲۹ ر . نوشته محمد بن علی بن الحسن در دهه دوم محرم ۶۰۴ (۴۷۶ یوری) .
- * بادلیان ۲۵۰ پوکوک ۷۴ پ - ۹۴ ر از سده نهم (شماره ترتیب ۴۳۶ و ۱۹۳) .
- * بانکیپور ۶ - ۲۲۲۳ .
- * برلین ۵۰۴۴ .
- * جارالله ۱۴۲۴ گ ۳۷۴ - ۴۸۴ نوشته ابوبکر عبدالله بن احمد بن عبدالله نساج تبریزی در ۶۹۳ برای قطب الدین شیرازی .
- * چستریتی گزیده ای از موسیقی ش ۳۳۲۵ مورخ رجب ۶۵۱ در ۴۵ برگ (ج ۲ فهرست) .
- * چستریتی ش ۳۹۸۳ دوره شفاء مورخ ع ۱/۱۰۰۲ (ج ۴ فهرست)، (بروکلمن ۱ : ۴۵۴ و ذیل ۱ : ۱۱۵) .
- * حکیم ملت ۸۵۷ گ ۸۲۱ - ۸۳۴ نوشته ۱۱۰۲ .
- * داماد ابراهیم ۸۲۲ گ ۳۵۴ - ۳۷۴ از سده ۸ گویا از روی خط خود شیخ مورخ ۴۲۰ و ۴۲۲ .
- * داماد ابراهیم ۸۲۳ گ ۴۹۴ - ۵۰۹ نوشته شهاب کرمانی در ۶۹۷ .
- * دانشگاه تهران ۲۴۳ گ ۴۷۸ پ - ۴۹۱ ر (۳ : ۴۹۰) .
- * دانشگاه تهران ۶۵۹۶ (۱۷ علوم) مورخ ۱۰۷۶ (دوره کامل) .
- * دیوان هند ۱۸۱۱ (۴۷۵۲) گ ۵۱۳ ر - ۵۷۵ نوشته محمدصادق بن حاجی عبدالحکیم در ۱۱۰۲ - مقابله شده با نسخه نوشته محمدحسینی در موصل در بامداد روز شنبه ۶ صفر ۶۵۲ ، ترجمه در لائره از روی این نسخه بوده است .
- * دیوان هند RB 114 .
- * دیوان هند ۴۷۴ - ۴۷۷ .
- * سپهسالار تهران ۱۴۳۸ به نستعلیق نوشته محمدحسین بن حسین خاتون آبادی در ۲۰ مجرم ۱۰۵۳ .
- * سپهسالار تهران ۱۴۳۹ به نسخ زین العابدین بن حاجی محمد رزاقی در ۲۹ ع ۱/۱۲۷۵ .
- * سپهسالار تهران ۸۳۳۱ نسخ فضل الله بن حسین نایینی الهی در ۱۰۵۵ (۵ : ۲۵۲) .
- * علی گره ۱۱۰/۳۰ .

- * عمومی بایزید ۳۹۶۹ .
- * فاتح ۲۳۱۱ .
- * فیض‌الله ۱۲۰۹ گ ۲۵ - ۱۱۲ مورخ ۱۰۹۳ .
- * قاهره ۶۷۵ فلسفه گ ۳۰۱ - ۳۱۷ نوشته ابوعلی بن الحسن کرمانی در ۱۱۷۷ .
- * قاهره ۸۹۴ فلسفه گ ۷۹۵ ر - ۸۱۴ ر .
- * لیدن ۵ - ۱۴۴ Or. 84 گ ۶۴۴ ر - ۶۴۸ ر نوشته فضل‌الله بن عبدالعزیز حافظ در روز سه‌شنبه ۸۸۱/۲۴ دارای خط دارنده نسخه محمد بن عبدالرزاق گرگانی در ۴ شعبان ۸۸۲ (فیلم ۱۶۷۸ دانشگاه ص ۳۴۹ فهرست) .
- * مجلس تهران نسخه نوشته احمد بن محمد در ۸ - ۸۹۷ از طبیعی تا الهی و موسیقی آن در آغاز محرم ۸۹۸ نوشته شده است (وحید ۴۳ : ۶۴۷) .
- * ملك ۱۲۴۵ نسخ ۸۵۳ .
- * ملك ۱۲۷۵ نسخ رفیع‌الدین محمد طبسی در ۱۱۱۶ .
- * ملی ۵۸۰ .
- * منچستر جان رایلندز John Rylands ۹ - ۳۷ گ ۱۳۹ ر - ۱۷۵ ر از سده ۱۱ .
- * موزه بریتانیا Or. 1190 مورخ ذق ۴۸۵ (ذی‌القعدة خمس وثمانین و اربعمائه) مقابله شده (عروض المکتوب منه) . (فیلم ۷۲۵ دانشگاه ص ۳۴۸ فهرست فیلمها) .
- * مهدوی ۸۶۱ از سده ۱۲ نشریه (۲ : ۱۶۰) .
- * نورعثمانی ۲۷۰۹ مورخ ۸۸۶ .
- * نورعثمانی ۲۷۱۰ گ ۲۷۷ - ۲۸۱ مورخ ۶۶۶ .
- * ینی‌جامع سلیمانیه ۷۷۲ مورخ شعبان ۶۲۸ (فیلم ۶۳۲ دانشگاه) .
- * ینی‌جامع سلیمانیه ۷۷۰ مورخ ۸۸۸ .
- منوبی سنوسی آن را به‌فرانسه درآورده و در مجلد ۲ موسیقی عربی در لائزه در ۱۹۳۵ بچاپ رسیده است . فارمر آن را در Studies in Oriental musical instruments II ص ۵ - ۵۴ درلندن با ترجمه بخشی از آن به‌انگلیسی چاپ کرده است.
- حاجی خلیفه می‌نویسد که موسیقی شفا تصویر آلات داشته است ولی گویا نسخه‌ای با تصویر نمانده است (فهرست فارمر ص ۳۶) .

کتاب جامع دیگر ابن سینا النجاة است که نتوانست بخش ریاضی آن را بنگارد و شاگردش جوزجانی چنانکه در دیباچه این بخش در نجات و دانشنامه می‌نویسد از کتابها و رساله‌های دیگر شیخ گرفته و بر آن افزوده است (فهرست مهدوی ص ۱۱۰ و ۲۳۴) موسیقی آن همان رساله موسیقی است که جوزجانی داشته و در آن گذارده است و این رساله در تسع رسائل فی الحکمة چاپ ۱ - ۱۸۸۰ استانبول و در مجموعه هفت رساله چاپ ۱۳۵۴ دکن دیده میشود، محمود حفنی آن را در برلین بسال ۱۹۳۱ با ترجمه آلمانی نشر کرده است، تدریس تدرسی Todros Todrosi آن را به عبری در آورده است (۱۳۳۰/۷۳۱) و نسخه آن در برلین هست (۲/۲۴۸) در ترجمه لاتین نجات موسیقی نیامده است.

در این رساله از: اصوات، ابعاد، اجناس، جموع، ایقاع و انتقال سخن بمیان می‌آید و از سازهای: صنج، شامزود، تنبور، مزمار، دستانهای بربط یاد میشود. در پایان آن از تألیف الحان یا آهنگسازی و شدود (دوازده مقام) و آوازات (شش آوازه) و شعب گفتگوشده است.

برخی از جمله‌های آن از موسیقی شفاء است.

* آستان قدس رضوی ۹۲۳ (۴: ۲۶۳ ش ۵ - ۱۰۵۴). مورخ ۵۲۴
سخن حسن بن ابی‌الفضل شاه بن حسن سامانی جنزی در پایان شعبان ۵۲۴، تصحیح و مقابله شده.

* احمد ثالث ش ۳۴۴۸ نسخ محمد بن عبدالله المتقال.

* اونیورسیتة استانبول ۶۷۸ مورخ ۱۰۶۲.

* بادلیان ۹۸۵ و ۱۰۲۶ (مارس ۱۶۱ و ۵۲۱).

* ایاصوفیا ۲۴۷۱ و ۴۱/۴۸۲۹.

* جارالله ۱۳۴۵ مورخ ۶۱۸ نسخ عبدالحمید بن عبدالواحد بن محمد نهاوندی.

* حراج چی اوغلو ۱۲۱۴ نوشته ابوالفضل فاخر بن محمد بن مسعود بن

اسعد هروی صاحبی ما بیژن آبادی در نیشابور در نیمه روز دوشنبه ۲۶

رمضان ۵۳۲ (فیلم ۶۹).

* حمیدیه ۱۴۴۸.

* دانشگاه تهران ۱۳۴۸ نوشته برای خزانه ابوکالیجار علاءالدوله

گرشاسب بن علی بن فرامرز زنده در ۵۱۳.

* سپه ۸۳۸۴ (۵: ۷۴).

* قاهره ۱۰۵/۶ (۲۵ فلسفه م).

* کوپرولی ۹۰۴ مورخ ۱۰۷۶.

* ملی ۸۷۳ .

* نور عثمانیه ۲۷۱۸ .

(فهرست فیلمها ص ۳۹۲ - فهرست قنواتی ومهدوی) .

ابن سینا برای علاءالدوله پسر کاکویه در شهر اصفهان میان سالهای ۴۱۴ و ۴۲۸ يك دوره فلسفه را به زبان فارسی در دانشنامه‌علائی یا حکمت‌علائی گذارده است. مگر اینکه بخش ریاضیات آن چنانکه عبدالواحدجوزجانی می‌نویسد گم وتباه شده و او رساله‌ای کوچک از استاد در اصول هندسه داشته که گزیده‌ای از کتاب اصول اقلیدس است و رساله دیگر در رصدهای کلی و افلاک مختصر از مجسطی و رساله‌ای در علم موسیقی ولی در ارثماتیقی چیزی از وی نداشته‌است، ناگزیر از شفا برگزیده آن اندازه‌ای که در موسیقی سودمند باشد . او این رساله‌ها را به فارسی در آورده و بدین کتاب پیوسته‌است، همه اینها به عربی بوده و او پیشها آنها را به نجات پیوسته بوده است (دیباچه دانشنامه ونجات) .

پس موسیقی دانشنامه ترجمه‌ای از موسیقی نجات خواهد بود (دیباچه ج ۲ ترجمه فرانسوی دانشنامه) و سبک او در این بخش جز روش استاد است در بخشهای الهی وطبیعی که میخواست است به فارسی سره بنویسد، ولی او لفظهای عربی بیشتر بکار برده است (همین دیباچه) .

در کتاب التحصیل بهمنیار که از روی دانشنامه ساخته شده و مقاصد الفلاسفة غزالی که ترجمه‌ایست آزاد از دانشنامه ، ریاضی وموسیقی نیست .
هانری ماسه Henri Massé ومحمد آشنا دانشنامه را به فرانسه در آوردند (در دو جلد چاپ ۸ - ۱۹۵۵ پاریس) .

* مجلس ۱۳۲ ص ۴۹۹ - ۵۲۵ (۲ : ۶۲) فیلم ۳۷۸۶ دانشگاه .

* ملك ۱۰۲۵ از سده ۱۱ و آراسته (ص ۲۴۱ فهرست فارسی) .

* ملی ۴۳ فردوسی .

* موزه بریتانیا Or. 2361 (ش ۸۲۳ فهرست) و

Add. 16659/3 و Add. 16830

ابن سینا در اقسام العلوم از موسیقی و در کتاب النفس شفاء و رسائل نفس دیگر از نیروی شنوایی مانند ارسطو در کتاب النفس سخن داشته است.

ابن ابی اصیبه در عیون الانباء (۳ : ۱۹) از المدخل فی صناعة الموسیقی او یاد کرده است . بندی از چنین کتابی که در نسخه شماره Or. 2361 موزه بریتانیا دیده میشود (۲۰۱ پ) از فارابی است نه او (نیز تاریخ الحکماء ص ۴۲۲) .

۷۰ - ابوالفرج عبدالله بن الطیب جاثلیق همدانی بغدادی در گذشته ۴۳۵
تحدید مبادی الاقوایل المفوظ بها وتعیدها دارد در ده باب و در آن از آواز و حرف

و کلمه از رهگذر طبیعی و نحوی و طبی سخن داشته و از جالینوس یاد کرده است.
* نسخه دکتر یحیی مهدوی، فیلم ۲۴۴۳ دانشگاه (ص ۶۹۳ فهرست).
۷۱ - ابن زبیله ابومنصور حسین بن محمد بن عمر بن زبیله اصفهانی فیلسوف
مهندس سرآمد در موسیقی و آشنای به علوم ادب و استیفاء که گویا مجوسی بوده
و در ۴۴۰ در گذشته است، الکافی فی الموسیقی نگاشته او است.

این کتاب در دنبال شفاء ابن سینا نوشته شده و گرفته از فارابی هم هست. او
بحثی از ایقاع کرده که تازگی دارد و در آثار پیشینیان دیده نمیشود. او در آن از کندی
(۵۴ و ۵۶ و ۶۰ و ۶۱) و از فارابی (۵۵ و ۵۷ و ۶۰ و ۶۱) یاد میکند و میگوید:
«اما الکندی و الفارابی و غیرهما من صنف فی الايقاع فلم یوفوه حق» (۵۳) عباراتی
از فارابی (ص ۶۲ - ۶۹ و ۷۴ و ۸۰ المدخل الکبیر) در آن آمده است (ص ۶۷ -
۶۹ تا ۷۲) همچنین از جوامع الموسیقی ابن سینا (ص ۴۵ و ۴۸) در آن (ص ۷۶
و ۲۶) دیده میشود.

در آن کلمه «راوسین» آمده است (ص ۶۶) در المدخل الکبیر فارابی
«رواشین فارسیه و خراسانیه» (ص ۶۹ و ۷۰) آمده و در کافی (۶۶) «دستانات-
خراسانیه اصفهانیه» می بینیم.

در آن آمده است (ص ۷۱) «صناعات آخر یضاف الی التی ذکرناها :
صناعة ضرب الدفوف والطبول والصنوج، صناعة التصفيق، صناعة الرقص، صناعة الزفن
(تحريك الاکتاف و الحواجب و الرؤس وماجانسها من الاعضاء)» که در المدخل
الکبیر فارابی (ص ۷۷) می بینیم.

در آن این عبارتها را میخوانیم (ص ۶۶).

«و من اصناف اللحون الرواسین و هی الحان توخذ و تستعمل فی الالات
والحلق من غیر ان یوجد بها اغان او الفاظ قسمت اجزائها علی اجزائها کما فی-
الضرب الاخر المسمى الدستانات و هی الحان حوزی بها الالفاظ و الاغانی و قسمت
اجزائها و ذلك كالدستانات الخراسانية والمعروفة بالاصفهانیه .

ولکل واحد من الصنفین اسامی معروفة عند مستعملیها :
فالضرب الاول مثل یورمنک و رویج کامکارو و وردنس و فیروز کرنا قوسه
و غیرها .

والضرب الثاني مثل اراخسین و مردات هوف و نام افرنک و خروسال و افرمورد
و غیر ذلك .

عنوانهای مطالب :

- ١ - تعريف الموسيقى .
- ٢ - حدود الصوت واسبابه .
- ٣ - تأثير الصوت فى النفس .
- ٤ - المتفق والمتنافر من النغم .
- ٥ - انواع الابعاد .
- ٦ - الجنس وانواعه .
- ٧ - جمع الابعاد وتفريقها .
- ٨ - الجمع .
- ٩ - الانتقال .
- ١٠ - الايقاع .
- ١١ - انواع الايقاعات .
- ١٢ - تأليف اللحن .
- ١٣ - انواع الالحن .
- ١٤ - الالات الموسيقية .
- ١٥ - تسوية العدد .
- ١٦ - الناي .

آغاز : بسملة كتاب الكافى فى الموسيقى لابى منصور بن زبلة قال الشيخ
ابومنصور الحسين ابن محمد بن عمر بن زبلة : علم الموسيقى يشتمل على بحثين .
احمد هما البحث عن احوال النغم من حيث تأتلف وتتنافر [ويسمى «علم
التأليف»] .

والثانى البحث عن مقادير الازمنة المتخللة بين النغم ويسمى «علم الايقاع»
فيحصل من هذين البحثين معرفه تأليف اللحن ولهذا العلم مبادئ و اصول مسلمة
يكون بياناتها فى صناعات آخر و تكون مقدمات مسلمة فى بيان مبادئ هذا العلم
ولنقدم الكلام عليها .

انجام : فان احتاج الزامر الى نغمة اخرى من نغم العود ولم يجدها فى الناي
عدل الى ضعفها الموجودة فيه، فاخذها من الناي بدل تلك النغمة فنابت عنها وقامت
مقامها الا فى نغمة لا يوجد لها ضعف فى الناي فيحتال فى النفخ وشدته وضعفه ويرفع
الاصبع عن الثقب الذى يتقارب تلك النغمة الى حد يخرج منه تلك النغمة التى يحتاج
اليها وتؤخذ سائر النغم بهذه الحيلة وهذا التدبير (تم الكتاب).

زكريا يوسف آن را در قاهره سال ١٩٦٤ در ٧٨ ص چاپ کرده است.

* رامپور مجموعه ٣٠٩٧ برگ ١ - ٢١ (I 417/57)

* موزه بریتانیا مجموعه Or. 2361 ش ١٠ برگ ٢٢٠ ر - ٢٣٧ پ

- (فهرست عربی ریو ش ۸۲۳ ص ۵۵۹) .
- ۲ (بروکلن ۱ : ۸۲۹ و ذیل ۲ : ۱۰۳۶ - ابن ابی اصیبعه ۲ : ۱۹) .
ابن زبیله کتاب النفس هم دارد که گویا نسخه‌ای از آن نیست و می‌بایستی در
آن از سمع و شنوایی گفتگو کرده باشد.
- ۷۲ - ابوالعلاء احمد بن عبدالله بن سلیمان معری در گذشته ۴۴۹ شاعر
فیلسوف در الفصول والغایات خود از ایقاع یاد کرده است (ص ۹۴ - ۳۸۹ چاپ
۱۳۶۴ هـ ۱۹۴۵ م بیروت) .
- ۷۳ - عز الملك محمد بن عبد (عبید) الله بن احمد حرانی (۳۶۸ - ۴۲۰)
مورخ مصری خدمت گذار حاکم فاطمی را مختار الاغانی و معانیها است (چلبی) .
- ۷۴ - ابن الهیثم ابو علی الحسن بن الحسین بن الهیثم در گذشته ۴۳۰ طبعی
وریاضی دان مصر را رساله فی تأثیرات اللحن الموسیقیة فی النفوس الحیوانیة است.
این مسأله در کتابهای اسلامی یاد می‌شده و در آنها از تأثیر نغمه در راهواری شتر (حدی
عربها) و در اسب تشنه‌ای که آب نخورد و گرنده‌ای که افسون شود و پرنده‌ای که شکار
گردد و فیل که به دام افتد سخن بمیان آمده است. در رسائل اخوان الصفاء والعقد
الفرید هم این مسأله دیده می‌شود .
- همچنین از اوست کتاب مقالات شرح قانون اقلیدس و مقالات فی شرح
الارمونیکی لاقلیدس که گویا به ایسا گوگه ارمونیکی یا Introductio Harmonica
کلتونیدس Cleonides مربوط باشد.
- (قفطی ۱۶۸ - خرجی ۲ : ۹۸ - گفتار فارمر در ایسیس درباره آثار
یونانی ترجمه شده به عربی) .
- ۷۵ - ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب ماوردی بصری بغدادی (۳۶۴ -
۴۵۰) دانشمند مقلزلی شافعی فتوایی درباره سماع دارد .
- ۷۶ - قاضی ابوالطیب طاهر بن عبدالله بن طاهر بن عمر طبری آملی بغدادی
شافعی (۳۴۸ - ۴۵۰) رساله فی سماع الغناء علی مذهب الشافعی دارد .
* اسعد افندی ۲۲ مورخ ۴۲۷ .
- (فهرست فیلمهای دانشگاه تهران ص ۳۳۲ ف ۶۴۹) .

-
- ۷۲ - ف ۲۰۰ و ۲۱۱ ، مل ۴۳ ، تاریخ ۱۰۳ و ۱۳۸ ، ترجمه ۱۲۴ و ۱۶۳ .
- ۷۳ - ف ۲۰۱ ، ع ۶۵۰ ، تاریخ ۱۹۰ و ۲۱۱ و ۲۱۷ ، ترجمه ۲۲۴ و ۲۴۹ و ۲۵۷ .
- ۷۴ - ف ۲۰۷ تا ۲۰۹ ، ع ۲۲ ، مل ۴۰ ، تاریخ ۲۱۹ ، ترجمه ۲۵۹ .
- ۷۵ - تاریخ ۱۹۵ ، ترجمه ۲۲۹ .
- ۷۶ - ف ۲۱۳ ، تاریخ ۱۹۹ ، ترجمه ۲۳۴ .

۷۷ - ابن سیده ابوالحسن علی بن اسماعیل (احمد) بن سیده مرسی اندلسی در گذشته ۴۵۸ ادیب در المخصص خود از ایقاع اندلسی و شرقی و ماندگی آنها یاد کرده (۱۲ : ۱ ، ۱۱ چاپ بولاق) و در المحکم والمحیط الاعظم (۱۳ : ۱۶۹) . باب الملهی و الغناء گذارده است (کوپرولو ۱۵۷۳ - چاپ ۱۳۲۰ هـ ۱۹۰۲ م قاهره) .

۷۸ - قاضی امام عتیق بن دواد یمانی حنفی فقیه در گذشته ۴۶۰ را رساله السماع والغناء است (چلبی - معجم المؤلفین ۶ : ۲۴۸) .

۷۹ - ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری نیشابوری در گذشته ۴۶۵ در الرسالة القشیریة از سماع یاد کرده است (چاپ ۱۲۸۴ بولاق) و از او است کتاب السماع که چنین آغاز میشود « الحمد لله خالق الارواح هذه فصول یخبر عن حقیقة السماع واحكامه و امارات صحته و اعلامه ذکر ناغلی حداختصار » در مجله علوم اسلامیة مسلم یونیورسیتی علی گره (۱ : ۱ ص ۱۵۲) از مجموعه ۲۷۱۳ قسطنونی مورخ ۶۱۵/۱۲ که در برگ ۲۲۲ - ۲۲۶ آن این رساله است یاد شده است.

۸۰ - ابن بطلان ابوالحسن المختار بن الحسن مصری در گذشته پس از ۴۶۰ را کتاب شراء الرقیق و تقلیب العبد است و بندهای کوتاهی که او را است در موسیقی س . رایس S. Rice برای فارمر گرد آورده است (ش ۴۹۷۹ برلین) .

۸۱ - بندار ابن ناقد رئیس ابوالقاسم عبیدالله بن محمد بن الحسن بن ناقد ابن داود بن محمد بن یعقوب بن ابی الفتح چلبی بغدادی حنفی شاعر کاتب موسیقی دان نوازنده مراه که عود جاهلی است از مردم حریم طاهری (۱۵ ذق ۱۰ - ۴۸۵) مؤلف الجمل فی التشبیحات است که در بغداد بسال ۱۳۸۷ (۱۹۶۸ م) چاپ شده و سرگذشت او در ریباچه آن هست. از اوست مختصر الاغانی لابی الفرج الاصفهانی .

* قاهره ۵۳۹ ف ج (آغاز افتاده) .

* قاهره ۳۱ ف ج نوشته ۴ - ۱۹۰۳ کامل .

همچنین اغانی المحدثین یا المحدث الاغانی .

چلبی و صفدی و ابن خلکان از او یاد کرده اند.

۸۲ - ناصر عودی کلبی گویا از سده پنجم یا ششم را بلوغ الاوطار فی

۷۸ - ع ۹۴۶ .

۷۹ - ف ۲۱۴ ، ع ۹۳۶ .

۸۰ - ف ۲۱۵ .

۸۱ - ف ۲۱۶ ، ع ۴۷۲ ، مل ۴۴ ، تاریخ ۲۲۰ ، ترجمه ۲۶۰ .

۸۲ - ع ۲۷۱ .

بیان ترنم الاوتار علی الموسیقی است (بروکلن ذیل ۱۰۳۶) .

* قاهره ۳۱ ف ج در ۹ گ (نشر ۵۰) .

۸۳ - ابو حامد محمد بن محمد غزالی طوسی (۴۵۰ - ۵۰۵) در احیاء

العلوم کتاب هشتم بخش چهارم کتاب آداب السماع والوجد گذارده است . این بخش را ماکدونالد D. B. Macdonald در JRAS سال ۱۹۰۱ ص ۱۹۸-۲۰۲ و ۷۰۵-۷۴۸ و سال ۱۹۰۲ ص ۱-۲۸ به انگلیسی در آورده است.

این کتاب را در ۶۲۰ برای مؤید الملک محمد بن فخر الملک ابوسعید جنید بفارسی در آوردند (فهرست فیلمها ص ۴۸) .

در فهرست قاهره (۱ : ۷۵) از ترجمه احیاء مؤیدالدین محمد خوارزمی (نسخه مورخ ۹ - ۱۰۸۷) و در فهرست افغانستان (ص ۱۵) از ترجمه ای که نسخه آن در ۱۰۲۴ نوشته شده است یاد گردید. در دانشگاه تهران بخشی از ترجمه احیاء (ش ۷۸۸۵) هست. قطب شیرازی برای محمود بیگ پسر مظفر الهین یولوق ارسلان از احیاء العلوم بنام انتخاب سلیمانی بفارسی گزین کرده است (سرگذشت قطب از مجتبی مینوی ص ۴۰) بخش تصوف . در التاج گویا از احیاء گرفته شده باشد .

در همم الثواقب شیخ علی نقی کمره ای که به نام شاه صفی (۱۰۳۸ - ۱۰۵۲) در ۱۰۴۴ ساخته است آمده که این پادشاه به صدر احمد شیرازی دستور داده است که احیاء العلوم غزالی را با اینکه مطالب فاسدی دارد به فارسی در آورد (سپه ۱ : ۳۴۸) این شیرازی گوهریگانه را به نام همین پادشاه در ۱۰۷۷ ساخته است (فهرست فیلمها ۱۷۲ - منزوی ۸۳۶ - مجلس ۱۶ : ۲۴۵ ش ۱۲/۵۳۳۳) .

در کیمیای سعادت او هم در اصل هشتم آداب سماع و وجد دو باب است : نخستین در اباحت سماع و اقسام آن و بیان آنچه از وی حلال است و آنچه حرام سپس فصل سماع در کجا حرام بود و دوم در آثار سماع و آداب آن . در مجموعه آقای کریم زاده رساله مانند است با عنوان هذه من فوائد مؤائد امام محمد الغزالی ... در بیان آداب سماع و وجد و حکم سماع و آنچه از او حلال است و آنچه حرام است (مجله وحید ۴۷ : ۱۰۵۶) .

۸۴ - عمر بن ابراهیم خیامی (تا آغاز سده ششم) القول فی الاجناس الذی بالاربعة و انواع القوی والملون و التألیفی یا رسالة من کلام عمر الخیامی فی الموسیقی دارد و در آن از فارابی و ابن سینا یاد کرده است و آن در خیامی نامه همایی از روی نسخه مانیساکنل ش ۱۷۰۵ (۹۷-۹۹) در ۱۳۴۶ خ (ص ۳۴۰-۳۴۴) چاپ شده است (فهرست فیلمها ص ۴۴۵) .

۸۳ - ف ۲۱۸ ، ع ۹۳۲ ، مل ۴۲ ، تاریخ ۱۹۵ ، ترجمه ۲۲۹ .

۸۴ - تاریخ ۱۸۲ ، ترجمه ۲۱۳ .

۸۵ - ابن القیسرانی ابوالفضل محمد بن طاهر بن عبدالله مقدسی در گذشته
۵۰۷ «فی جواز السماع» دارد .

* کوپرولو ۳۹۱ .

۸۶ - عثمان بن عیسیٰ بلطی در گذشته ۵۹۹ مختصر کتاب الاغانی الاصفهانی
دارد و سخاوی در الاعلان بالتوییح لمن ذم التاريخ (ص ۵۸۵) از آن یاد کرده است.

۸۷ - حریری ابومحمد قاسم بن علی بن محمد بصری (۴۴۶ - ۵۱۶) در
المقامات خود داستانهایی آورده دارای نکاتی در موسیقی و در آن از اسحاق موصلی
یاد کرده است. در ۱۸۶۷ و ۱۸۹۸ ترجمه انگلیسی آن نشر شده است.

فضل الله بن عثمان سراج کاتب در چاشت روز آدینه ۱۲ ج ۵۸۷/۱ آن را
بفارسی در آورده است (نسخه مورخ ۲۱ ع ۶۶۲/۱ موزه بریتانیا ش 7976 Or.)
متن آن با ترجمه فارسی در نور عثمانی که در تاریخ ۵ ج ۶۸۶/۱ نوشته شده است هست
بشماره ۴۲۶۴ (فهرست فیلمها ص ۵۱ و ۳۸۶) .

نسخه‌ای از متن آن با ترجمه طبری از سده نهم در کتابخانه ملی ملک ش ۲۴۸۷
هست (فهرست عربی ص ۵۲۸) .

نسخه مصوری از آن در موزه بریتانیا (ذیل ش ۱۰۰۶) باعود وزمرد دف
و در پاریس (ش ۵۸۴۷ عربی) هست (سچو کین نسخ مصور تیموری ص ۳۸) .

۸۸ - ابوالعباس شهاب الدین احمد بن محمد خیاط در گذشته ۵۱۷ را
اختصار مواهب العرب من الحرب فی السماع و آلات الطرب است .
* قاهره ۴۵۰ فقه مالکی .

۸۹ - ابوالفتوح مجدالدین احمد بن محمد غزالی طوسی در گذشته ۷۱۵
را بوارق الالماع فی تکفیر (خطأ) من یحرم السماع و تبیین شرفه بالاجماع (الرد
علی من یحرم السماع بالاجماع) است که با فرح الاسماع ابن زغنون در لکنو در
۱۳۱۷ (۱۸۹۹ م) چاپ شده و روبسون Robson آن را با ترجمه انگلیسی در
«رسائل فی سماع الموسیقی» در لندن بسال ۱۹۳۸ بچاپ رسانده است.

* اسکوربال ش ۱۸۱۰/۴ ج ۳ فهرست .

* برلین ۵۵۰۵ مورخ ۷۵۰ .

* بنگال ش ۴۵۸۰/۱ ج ۳ .

۸۵ - ف ۱۲۹ ، مل ۴۵ .

۸۶ - ع ۵۰۹ .

۸۷ - ف ۲۲۰ ، مل ۴۶ .

۸۸ - ف ۲۲۱ ، مل ۴۸ .

۸۹ - ف ۲۲۲ ، ع ۹۳۱ ، تاریخ ۱۹۵ ، ترجمه ۲۲۹ .

- * پاریس ۱۵۱۳ ذیل از سده ۱۱ .
- * ظاهریه دمشق ۷۵۲۶ .
- * قاهره ۲۲۶ مج ت و ۳۷۷ ت .
- * لیدن ۴۲۱ .
- (بوئیز ۲۳۶ - بدوی ۲۳۷) .

۹۰ - ابو الصلت امیه بن ابی الصلت عندالعزیز اندلسی تونس مصری (۴۶۳ - ۵۲۹) شاگرد ابوالولید بن احمد کنانی وقابسی اندلسی و دانشمند آگاه از موسیقی علمی و عملی و عودنواز را رساله فی الموسیقی است که ترجمه عبری آن در پاریس (۱۰۳۷ عبری گ ۱ پ - ۲۰ پ) هست.

پروفیات دورام Profiat Duram در معسه افود Mua'seh Efod ساخته در ۸۰۶ (۱۴۰۳ م) از او یاد کرده است.
* برلین ۵۵۳۶/۵ .

۹۱ - ابن باجه ابوبکر محمد بن یحیی بن الصائغ سرقسطی اشبیلی مراکشی که در ۵۳۳ کشته شده است. موسیقی دانی بود بی مانند و عود می نواخته است. دانشمندی است فیلسوف و مانند فارابی در مغرب اسلامی در موسیقی چنانکه ابن سعید مغربی در گذشته ۶۴۱ گواهی داده است. دشمنش فتح بن خاقان درباره او گفته است که «اقام سوق الموسیقی». ابن خلدون در مقدمه او را «صاحب التلاحین المعروفة» خوانده است. همچنین درباره او گفته اند «الیه تنسب الالحان المطربة بالاندلس التي علیها الاعتماد» .

از رساله فی الموسیقی او المقری (۲ : ۱۲۵) یاد کرده است (خزرجی ۲ : ۶۲) .

کتاب فی النفس او بحثی از سمع دارد (۵۰۵۰ برلین در ۱۶۱ گ مورخ ۶۷۰) در تدبیر المتوحد او از ساز عود بحث شده است (بادلیان Pocok 206 ۴ پ - ۱۵ ، ۱۵۷ - ۱۵۸) .

۹۲ - ابن قزمان ابوبکر بن عیسی بن عبدالملک بن قزمان اندلسی در گذشته ۵۵۵ آشنای به موشح و زجل را اصابة الاغراض فی ذکر الاغراض است در ازجال .
* قاهره ۱۵۱۳ ادب ش ۱۵ مورخ ۱۰۹۶ .

۹۳ - ابن الحداد ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان بن الحداد در گذشته

۹۰ - ف ۲۲۳ ، ع ۲۸ ، مل ۴۷ ، تاریخ ۲۲۱ ، ترجمه ۲۶۱ .

۹۱ - ف ۲۲۴ ، ۲۲۶ ، ع ۳ ، مل ۴۹ ، تاریخ ۲۲۲ ، ترجمه ۲۶۲ .

۹۲ - ف ۲۲۶/۲ ، ع ۴۶۴ .

۹۳ - ف ۲۲۷ ، مل ۵۰ ، تاریخ ۲۲۳ ، ترجمه ۲۶۳ .

۵۶۱ را (تعلیم الموسیقی) Musices Disciplina است.

۹۴ - کافی الکفاة ابوالمعالی بهاءالدین ابن حمدون محمد بن ابی سعد الحسن بغدادی (۴۹۵-۵۶۲) ادیب مورخ التذکرة فی السیاسة یا التذکرة الحمدونیه دارد که بسیاری از آن از اغانی کبیر اصفهانی گرفته شده به ویژه فصل ۲۵ آن که درباره قینه‌ها یا زنان خنیاگراست (معجم المؤلفین ۹ : ۲۱۷) .

* موزة بریتانیا Or. 5475

* منچستر ۶۶۹ .

(JRAS ۱۹۰۸ ص ۴۰۹) .

۹۵ - ابو جعفر احمد بن عبد الملك بن عمیرة بن یحیی ضبی لورقی در گذشته ۵۷۷ در کتاب بغیة المتلمس فی تاریخ رجال الاندلس (چاپ مادرید در ۱۸۸۴ ص ۲۲۴) از سرگذشت زریاب سخن داشته است (ذیل چلبی) .

۹۶ - ابن المطران موفق الدین ابونصر اسعد بن الیاس بن جرجس بن المطران دمشقی در گذشته ۵۸۷ شاگرد ابن النقاش پزشکی مسیحی بوده و سپس اسلام آورده است و در بغداد درس خوانده است. نزد صلاح الدین ایوبی بوده و کتابخانه‌ای دارای ده هزار مجلد بنیاد نهاد. از رساله الادوار اودر فهرست برلین (۵۵۳۶/۲۵) یاد شده است. از اوست بستان الاطباء و روضه الاطباء . (خزرجی ۲ : ۱۷۵ - لکرك ۲ : ۴۵ - المخطوطات العربیة لکتابه النصرانیة ص ۱۷) .

۹۷ - ابن رشد ابوالولید محمد بن احمد بن رشد اندلسی در گذشته ۵۹۳ در شرح یا تلخیص کتاب النفس ارسطو (مادرید ۳۷ - قاهره ۶ : ۹۰) از سمع و شنوایی سخن داشته است . این کتاب به عبری و لاتینی و اسپانیایی درآمده و چاپ هم شده است.

۹۸ - ابن الجوزی جمال الدین ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بغدادی در گذشته ۵۹۷ را الظرفاء فی تواریخ المغنین است (الاعلان بالتوبیخ لمن ذم التاریخ از سخاوی) .

۹۹ - یحیی بن ابراهیم خدوج اعلم اصبحی مرسی از سده ششم را الاغانی الاندلسیه است که به پیروی اغانی اصفهانی ساخته است . رعینی در «برمانج الشیوخ»

۹۴ - ف ۲۲۸ .

۹۵ - ع ۸۳۷ .

۹۶ - ف ۲۲۹ ، ع ۱۹ .

۹۷ - ف ۲۳۰ ، تاریخ ۲۲۵ ، ترجمه ۲۶۵ .

۹۸ - ع ۷۶۲ .

۹۹ - ف ۲۳۱ ، ع ۵۰۰ ، تاریخ ، ترجمه ۲۶۵ .

(چاپ ۱۹۶۲ دمشق ص ۱۶۴) از آن یاد کرده است (مقری ۲ : ۱۲۵) .
۱۰۰ - ابن میمون ابو عمران موسی بن میمون بن عبیدالله قرطبی در گذشته
۶۰۱ فیلسوف یهودی که آثارش به جز مشناه تورات که به عبری است همه به عربی
است. او مانند فقهاء محتاط اسلامی موسیقی را تحریم کرده است بلکه خواندن آن
را هم روا نداشته است. متن فتوای او و ترجمه آن را فارمر در لندن سال ۱۹۴۱
چاپ کرده است و آن به عبری است. گویا او خود موسیقی را ناروا ندانسته بلکه
آن خنیاگری و غناء متداول را ناپسند داشته است چنانکه از سخنان برخی از فقیهان
اسلامی هم چنین دریافت میشود.

۱۰۱ - بدیع الزمان ابوالعز اسماعیل بن الرزاز الجزری در گذشته ۶۰۲
کتاب فی معرفة الحیل الهندسیة دارد که آنرا کوماراسوامی در ۱۹۲۴ به انگلیسی
در آورده و ویدمان در ۱۹۰۹ و ۱۹۱۸ به آلمانی درباره آن کتاب نوشته است.
۱۰۲ - ابن سناء الملك قاضی عزالدین ابوالقاسم هبة الله بن جعفر بن معتمد
سعدی مصری (۵۵۰ - ۶۰۸) را دارالطراز فی الموشحات است که جوده رکابی آن
را در دمشق سال ۱۹۴۹ چاپ کرده است.

(بروکلن ۱ : ۲۶۱ ذیل ۱ : ۴۶۱ - معجم المؤلفین ۳ : ۱۳۵) .

* قاهره ۲۰۳۸ ادب (فهرست دوم ۳ : ۳۴۲) .

* لیدن ۲۸۶ (نسخه کهنی است) .

۱۰۳ - شیخ الاسلام برهان الدین علی بن ابی بکر بن عبدالجلیل مرغنیانی
فرغانی حنفی در گذشته ۶۱۷ فتوایی درباره سماع دارد .

۱۰۴ - ابو محمد موفق الدین عبدالله بن احمد بن محمد بن قدامة مقدسی
جماعیلی نابلسی دمشقی صالحی (۵۴۱ - ۶۲۰) . دانشمند فقیه حنبلی کتابی درباره
جواز و حرمت موسیقی نگاشته است (الموسیقی العراقیة عباس عزاوی ص ۹۳ -
معجم المؤلفین ۶ : ۳۰) .

۱۰۵ - حسن بن احمد بن علی کاتب زنده در ۶۲۵ را کمال ادب الغناء است
در چهل باب .

* روان کوشکو در طوپ قیوسرای ش ۱۷۲۹ در ۲۱ برگ نوشته حسن بن

۱۰۰ - ف ۲۳۲ ، تاریخ ۱۸۹ و ۱۹۳ ، ترجمه ۲۲۲ و ۲۲۷ .

۱۰۱ - ف ۲۲۳ .

۱۰۲ - ف ۲۳۵ ، ع ۴۶۳ .

۱۰۳ - تاریخ ۱۹۵ ، ترجمه ۲۲۹ .

۱۰۵ - ف ۲۳۶ ، ع ۲۶۳ و ۶۲۹ .

- یوسف بن ابی القاسم گویا از دیوانیان ایوبی در ۶۲۵ (ج ۴ ش ۷۴۲۵ - فهرست) .
- * قاهره ۵۰۵ ف ج در ۲۴۸ ص (عکس همین نسخه ، نشره ۲۳) .
- آغاز : ثبت جمل ابواب الكتاب ... الحمد لله مولى النعم و اهل القول والكرم .
- همچنین المعین فی النغم والایقاع که در کمال ادب الغناء از آن یاد شده است .
- (بروکلمن ۱ : ۴۹۶ و ۲ : ۶۶۷ و ذیل ۲ : ۱۰۳۵) .
- ۱۰۶ - یاقوت بن عبدالله رومی حموی در گذشته ۴۲۶ در معجم الادباء سرگذشت مغیان را آورده است .
- * موزه بریتانیا Add. 16649-50 ، چاپ مارگولیوٹ در ۱۹۰۷ و چاپ بیروت . او کتاب السماع هم دارد .
- ۱۰۷ - موفق الدین عبداللطیف بغدادی در گذشته ۶۲۹ را کتاب السماع است .
- * برلین ۶/۵۵۳۶ .
- ۱۰۸ - محیی الدین ابن العربی (۵۶۰ - ۶۳۸) را رساله فی الوجد والتواجد است .
- * استانبول امانه خزینہ سی ۱۷۲۵/۱۰ از سده ۱۰ .
- * معهد المخطوطات ۲۱۷ تصوف (عکس همان نسخه) .
- (فهرست معهد المخطوطات ۱ : ۱۶۳ - فهرست عثمان یحیی ش ۸۱۰) .
- ۱۰۹ - جمال الدین ابوالحسن علی بن یوسف القفطی (۵۶۸ - ۶۴۶) را اخبار العلماء باخبار الحکماء یا تاریخ الحکماء است که محمد بن علی بن محمد زوزنی از آن بنام المنتخبات الملتقطات گرین کرده و همین گزیده است که یولیوس لیپرت در ۱۹۰۳ در لایپزیک چاپ کرده است . در زمان شاه سلیمان صفوی آن را به فارسی برگرداندند و آن در شب یکشنبه ۴ ج ۱/۱۰۹۹ بانجام رسیده است . و این ترجمه در دانشگاه تهران در ۱۳۴۷ خ بچاپ رسیده است . نسخه های این فارسی در مجلس (۲ : ۳۱۶ ش ۶ - ۵۳۵) و ملک (ش ۳۸۹۵ ص ۱۲۹ فهرست فارسی) و آستان قدس (۳ : ۷۶ ش ۱۰) و سپه (۳ : ۴۰۱ ش ۱۵۵۹) و دانشگاه تهران (۴ : ۶۹۳ ش ۴۲۴) است .
- نگارنده در دیباچه مختصر فی تاریخ الحکماء الیونانیین و الملیین (فرهنگ

۱۰۶ - ف ۲۳۷ ، ع ۹۶۵ .

۱۰۷ - ف ۲۳۸ .

۱۰۹ - ف ۲۳۹ ، ع ۱۶ ، تاریخ ۲۲۹ ، ترجمه ۲۷۰ .

ایران زمین) از این کتاب بحث کرده سرگذشت بسیاری از موسیقی دانها در آن هست).
۱۱۰ - ابوالعباس احمد بن محمد اندلسی اشبیلی در گذشته ۶۵۱ کتاب
السماع واحکامه دارد.

(ش ۵۵۳۶/۷ برلین - المقری ۱ : ۸۱۱) .

۱۱۱ - شهاب الدین ابوالعباس احمد بن یوسف تیفاشی در گذشته ۶۵۱ را
متعة الاسماع فی علم السماع است. چنانکه حسن عبدالوهاب فرمانروای مهدیه تونس
میگوید کسی نسخه ای از آن دارد.

۱۱۲ - ابوالعباس احمد بن عمر انصاری قرطبی فقیه مالکی در گذشته ۶۵۶
کشف القناع عن حکم الوجد والسماع نگاشته است (المقری ۱ : ۸۸۳) .
* قاهره ش ۵۴۶۷ (۷ : ۵۴۶) .

۱۱۳ - عزالدین عبدالعزیز بن عبدالله بن عبدالسلام بن ابی القاسم سلمی دمشقی
شافعی مفتی سوریه و مصر و رئیس العلماء (۵۷۷ - ۶۶۰) حل الرموز و مفاتیح
الکنوز نگاشته است.

(معجم المؤلفین ۵ : ۲۴۹ - رامپور ۱ : ۳۳۵) .

علوچی (ش ۲۲۰) این کتاب را از ابن غانم عزالدین عبدالسلام بن احمد
مقدسی در گذشته ۹۷۸ دانسته و نوشته است که آن در چاپخانه جریده الاسلام قاهره
در ۱۳۷۱ چاپ شده و نسخه آن در دارالکتب قاهره بشماره ۶۳ ت هست و به فصل
۱۳ و ۱۴ آن باید نگریست. فارمرهم در جای دیگر (ش ۲۴۸) چنین گفته است.
نسخه ای از آن در لایپزیک (۲۳۹) و گوتا (۹۰۸) هست در چاپ قاهره
تاریخ درگذشت مؤلف ۹۷۸ آمده است.

۱۱۴ - ابوالحسن علی بن عبدالله نمیری ششتری اندلسی فارسی مصری
صوفی حکیم ادیب شاعر مغرب و اندلس در گذشته ۶۶۸ دیوان موشحات و ازجال
دارد که به گفته ابن عبادرندی از روی قاعده تلحین Melodi و ضرب Rhythme
ساخته شده است (معجم المؤلفین ۷ : ۱۳۵) .

* بریل لیدن ش H2 30

* پرینستن ۳۰ و ۳۱ .

۱۱۰ - ف ۲۴۰ ، ۹۱۳ ، تاریخ ۱۹۶ ، ترجمه ۲۳۰ .

۱۱۱ - ف ۲۴۱ .

۱۱۲ - ف ۲۴۲ ، ع ۹۳۵ .

۱۱۳ - ف ۲۴۳ و ۲۴۸ ، ع ۲۲۰ .

۱۱۴ - ف ۲۴۳/۲ .

۱۱۵ - موفق‌الدین ابوالعباس احمد بن القاسم بن خلیفه خزرجی دمشقی
ابن ابی اصیبعه (۵۹۶ - ۶۶۸) عیون‌الانباء فی طبقات الاطباء دارد که سرگذشت
بسیاری از موسیقی‌دانها در آن دیده میشود.

(معجم المؤلفین ۱ : ۴۷) .

۱۱۶ - ابن‌سبعین قطب‌الدین ابومحمد عبدالحق بن ابراهیم بن محمد بن
نصر اشیلی مرسی قروطی عکی صوفی فیلسوف (۶۱۴-۶۶۹) کتاب‌الادوار المنسوب
دارد که نسخه آن در قاهره (احمد تیمور پاشا) هست (الهلال ۲۸ : ۲۱۴) ولی گویا
الادوار ارموی است.

۱۱۷ - ابوالمعالی تعاسیف علم‌الدین ابوالفضل قیصر بن ابی القاسم بن
عبدالغنی بن مسافر حنفی مصری دمشقی مهندس منجم (۵۶۴ - ۶۴۹) شاگرد
کمال‌الدین بن منعة در موسیقی مشهور و سرآمد بوده است .

(معجم المؤلفین ۸ : ۱۳۶ - سرگذشت طوسی از مدرس رضوی فهرست

نامها) .

۱۱۸ - خواجه نصیر‌الدین ابو جعفر محمد بن محمد بن حسن طوسی
(۵۹۷ - ۶۷۲) را رساله فی علم الموسیقی است که در آن از ابعاد بروش یونانی
بحث شده است.

* پاریس ۲۴۶۶ عربی برگ ۱۹۷ پ - ۱۹۸ ر در دنبال تحریر اصول
اقلیدس او (ص ۴۳۶ فهرست Ancien fonds 1129 از سده ۹) .

زکریا یوسف آن را در ۱۹۶۴ در ۱۵ ص عکسی و حروفی با دیباچه‌ای
چاپ کرده است. در کتابخانه پادشاهی کیمبریج نسخه‌ای است از کنزالتحف منسوب
به طوسی (Jras ژوئن ۱۸۶۷ ص ۱۱۸) که نباید از او باشد (مدخل تاریخ علم
سارتن ۲ : ۲ : ۱۰۰۹) .

ترکها ساز «مهرتودوک» را به طوسی نسبت میدهند (اولیا چلبی قصص-
الرحلات ۱ ، ۲ ، ۲۳۷) .

۱۱۹ - جمال‌الدین محمد (محمود) بن عابد (عبید) حسینی تمیمی
صرخدی شاعر حنفی در گذشته ۶۷۴ مؤلف مقامات المفاخره (اسکوریا) را تشنیف
الاسماع با حکام الاسماع است (برلین ۵۵۳۶/۸ - معجم المؤلفین ۱۲ : ۱۷۲) .

۱۱۵ - ف ۲۴۴/۲ ، ع ۲ .

۱۱۶ - ف ۲۴۵ ، تاریخ ۱۸۹ و ۲۰۱ و ۲۲۶ ، ترجمه ۲۲۲ و ۲۳۷ و ۲۶۶ .

۱۱۷ - تاریخ ۲۲۵ ، ترجمه ۲۶۶ .

۱۱۸ - ف ۲۴۶ ، ع ۳۳۸ ، تاریخ ۲۰۶ و ۲۲۶ ، ترجمه ۲۴۳ و ۲۶۷ .

۱۱۹ - ف ۲۴۷ ، ع ۹۲۸ .

۱۲۰ - محیی‌الدین ابوزکریا یحیی‌بن شرف‌نووی فقیه درگذشته ۶۷۶ در
منه‌اج الطالبین مانند هدایه از رهگذر دینی از سماع بحث کرده است (چاپ شده است).
* کیمبریج ۱۱۲۴ .

وان دن برگ Van Den Berg آن را به انگلیسی درآورده است .
۱۲۱ - صفی‌الدین ابوالمفاخر عبدالؤمن بن ابی‌المفاخر یوسف‌بن فاخر
ارموی بغدادی (۶۱۳ - روز دوشنبه ۱۸ یا چهارشنبه ۲۰ صفر ۶۹۳) گنجور
کتابخانه مستعصم و شاعر و خوشنویس و دبیر دیوان انشاء در وزارت شمس‌الدین
محمدجوینی وزیر هولاکو و مربی پسران او که ادیبی سرآمد در موسیقی و خنیاگری
بوده و مورخ و خلاقی، و او را پس از ابن‌سینا و ابن‌زیله از بزرگترین موسیقی‌شناسان
و نماینده نحلّه روش و نظام در موسیقی میدانند.

از اوست الادوار فی معرفة النغم و نسب ابعاده و ادوار الایقاع یا الادوار فی
معرفة النغم و الاوتار که در جوانی در سال ۶۳۳ (نور عثمانی) در پاتزده فصل ساخته
است.

- * آستان رضوی ش ۱۹۱ (۸ : ۱۵۷) نستعلیق ۱۰۸۶ .
- * الهیات مشهد ش ۵۳۱/۱ (نشریه ۵ : ۷۹) از سده ۱۲ .
- * بادلیان ۱۶۱ مارش گک ۴۳ - ۸۳ .
- * بادلیان ۵۲۱ مارش گک ۱۱۸ - ۱۵۸ (۹۸۵ و ۱۰۲۶/۳ یوری) .
- * برلین ۵۵۳۲ گزیده‌ای از آن .
- (این دو در فهرست شناخته نشده است) .
- * پاریس ۲۸۶۵ عربی منسوب به ابوبکر رازی ، تکه‌ایست از آن (گک ۵
پ - ۲۳) از سده ۹ .
- * چسترییتی ۲۶۴ از سده ۹ در ۲۳۰ گک (۵ : ۸۲) .
- * دانشگاه تهران ۸۲۴۹ از سده ۱۳ .
- * راغب ۹۱۹/۳ گک ۱۳۴ پ - ۱۷۱ ر .
- * طوپ قیوسرای A 21304 (ج ۳ فهرست ش ۷۴۲۹) .
- * فاتح ۳۶۶۱/۲ .

۱۲۰ - ف ۲۴۷ .

۱۲۱ - ف ۲۵۳ ، ع ۳۸ ، مل ۵۱ ، تاریخ ۲۲۷ ، ترجمه ۲۶۷ ، غزوی ۲۲ - ۳۴ ،
محمد بهجة الاثری در دیباچه کتاب النغم - معجم الموسیقی العربیة ص ۱۲۳ و ۱۳۲ ، جهانگشای
جوینی ۱ : سه‌سو - بروکلن ۱ : ۴۹۶ - دانشگاه ۳ : ۱۰۶ - مجله موسیقی ش ۱۱۰ - گفتار
ملاح نقل از گفتار فارمر - ابن‌القوطی (جزو ۴ قسم ۱ ص ۲۵۳) از پسرش عزالدین علی ارموی
بغدادی نویسنده دیوان یاد میکند.

- * قاهره ۳۴۹ ف ج نوشته عبدالکریم ابن السهروردی در ۷۲۷ (عکسی از نور عثمانیه) .
 - * قاهره ۴۲۸ ف ج .
 - * قاهره ۵۰۷ ف ج (عکسی) .
 - * کلمبیا مجموعه Or. 306 .
 - * لیدن Or. 8414 (فهرست دستی عربی و وورهو Or. 496. Woorhoeve) .
 - * لنینگراد دانشکده خاورشناسی ۴۷۴ در ۲۹ برگ .
 - * مجلس تهران ۷۷۴ (۲ : ۴۸۶) مورخ ۱۲۸۸ .
 - گویا همانکه فارمر یاد کرده با نشانه ۱ : ۹۶ ، در فهرست شناخته شده است (فهرست فیلمها ص ۳۷۹ و ۱۸۱ فیلم ۲۱۲۱) .
 - * محفوظ در بغداد در مجموعه مورخ ۸۶۳ - ۸۷۳ .
 - * ملك ۸۳۱/۱ نسخ حسن بن احمد بن علی در روز چهارشنبه ۲ ج ۹۸۴/۲ .
 - * ملك ۸۳۴ نستعلیق عبدالله بن محمد بن عبدالله در ۱۴۱/۱۲۶۶ (فهرست عربی ص ۲۰) .
 - * ملك ۱۶۵۱/۳ نسخ ۱۳ محرم ۸۰۹ در کرمان .
 - * ملك ۲۸۳۰/۱ مورخ ۱۲۷۵ .
 - * ملی ۱۵۵۶/۳ عربی مورخ ۶۹۳ .
 - * موزه بریتانیا Or. 136 گ ۱ - ۳۹ .
 - * موزه بریتانیا Or. 2361/3 گ ۱۸ پ - ۳۲ مورخ ۱۰۷۴ .
 - * نور عثمانی ۳۶۵۳/۴ بنام الادوار فی الموسیقی وساخته در ۶۳۳ .
 - * وصال در مجموعه مورخ ۹۵۲ (نشریه ۵ : ۲۹۳) .
 - * وین ۱۵۱۶/۲ بنام مختصر فی معرفة النغم که فلوگل (۲ : ۵۹۵) شناخته است .
 - * بیل امریکا ۱۲۵ بنام الادوار والایقاع .
- ادوار را محفوظ در بغداد بسال ۱۹۶۱ در ۲۰ برگ بچاپ عکسی رسانده است.
- المنوی السنوسی آنرا در شرح گمنام که به شریف گرگانی نسبت داده اند و گویا از مبارک شاه است بفرانسه در آورده که در موسیقی عربی در لائره در ۱۹۳۸ در پاریس چاپ شده است.

فهرست مطالبها

- ۱ - فی تعریف النغم و بیان الحدة و الثقل .
- ۲ - فی تقسیم الدساتین .
- ۳ - فی نسب الابعاد .
- ۴ - فی الاسباب الموجبة للتنافر .
- ۵ - فی التألیف الملائم .
- ۶ - فی الادوار و نسبها .
- ۷ - فی حکم الوترین .
- ۸ - فی تسویة اوتار العود و استخراج الادوار منه .
- ۹ - فی اسماء الادوار المشورة .
- ۱۰ - فی تشارك نغم الاوتار .
- ۱۱ - فی ادوار الطبقات .
- ۱۲ - فی الاصطحاب الغير المعهود .
- ۱۳ - فی ادوار الايقاع .
- ۱۴ - فی تاثیر النغم .
- ۱۵ - فی مباشرة العمل .

آغاز : بسمله . رب یسر فی اتمامه . الحمد لله رب العالمین و صلواته علی خاتم الانبیاء محمد و آله اجمعین . اما بعد فقد امرنی من یجب علی امتثال او امره و التیمن بالسعی فی مسالك مرامی خواطره ان اصنع له مختصرا فی معرفة النغم و نسب ابعادها و ادوارها و ادوار الايقاع و انواعه علی نهج یفید العلم و العمل فبادرت الی ما امر به ممثلا و بینت ما سئح للخاطر فیہ ما اذا امعن الناظر فیہ انکشف له ما لم یتفطن الیه الاکثر ممن فنی جل زمانه فی هذه الصناعة ، و جعلت مداره اولا علی وتر واحد لئلا یتعذر علی المبتدی استخراجہ و ذلك لان الاصعب علی من یروم المباشرة عملاهی اصطحاب الاوتار و الوتر الواحد لا یفتقر الی اصطحاب اذا اصطحاب نسبة مطلق الوتر الی آخر و رتبته فصولا .

انجام : و لنکتف بهذا القدر فی هذا الفن و نختتم به الكتاب و الحمد لله و صلواته علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین و سلم تسلیها کثیرا .
هم از اوست الرسالة الشرفیة فی علم النسب التألیفیة و الاوزان الايقاعیة که برای شاگرد خود شرف الدین هارون جوینی در گذشته ۶۷۸ در پنجم مقاله هریک در چند فصل نزدیک به سال ۶۶۶ پس از ادوار ساخته است . او در این کتاب بروش یونانی رفته و چیزهایی هم از خود بر آن افزوده و از فارابی و ابن سینا هم گرفته است .
المنوبی السنوسی آنرا به فرانسه در آورده و با دیباچه فارم درج ۳ موسیقی

عربی در لائزه چاپ کرده است. کارادوو گزیده‌ای از آن را در مجله آسیایی سال ۱۸۹۱ (۸ : ۲۷۹ - ۳۵۵) به فرانسه در آورده است (ف ۲۵۳ ، ع ۳۷ - بروکلن ۱ : ۴۹۵ و ذیل ۱ : ۹۰۷ و ۲ : ۶۶۷) .

* آصفیه ش ۴۰۱ نوشته حسین بن داود الاطقی گویا در ۱۰۶۴ (۲ : ۲۵۹) .

* بادلیان ۱۱۵ مارش گک ۲ - ۵۵ پ .

* بادلیان ۵۲۱ مارش گک ۴۳ - ۱۱۶ .

. (۹۲۲ و ۱۰۲۶/۲ یوری) .

* بایزید عمومی ۴۵۲۴ مورخ ۱۱۳۹ .

* برلین ۵۵۰۶ نوشته ابو محمد بن یحیی بن شهید فضل الله ساجوستانی

در ذق ۶۷۴ در زمان خود ارموی و هارون جوینی (دیباجه الدرالنقی

ص ۵) .

* پاریس ۲۴۷۹ عربی مورخ ۱۸۹۶ .

* پاریس ۴۸۶۷ نسخ ترکی ۱۲۵۵ در ۷۰ برگ .

* پاریس ۵۰۷۰ نسخ ۱۱۵۲ در ۵۲ برگ .

* جاراله ۲۱۰۷/۳ (ج ۲) .

. (قاہرہ نشرۃ ۲) .

* جزائری دکتر شمس الدین در تهران نسخ محمد بن مصطفی المرمی (?)

در اصفهان در ذح ۷۶۹ که گویا به مجلس رفته است (وحید

۴۱ : ۴۳۵) .

* دانشگاه ۲۶۸۹/۱ مورخ ۱۰ شوال ۱۰۷۵ .

* رامپو I, 416/56

* طوپ قپوسرای ۲۱۳۰/۳ A (ج ۳ فهرست) .

* طوپ قپوسرای ۷۴۶۰ A مورخ ۸۲۷ .

. (ش ۷۴۳۶ فهرست) .

* قاہرہ ۸ ف ج .

* قاہرہ ۳۴۸ ف ج (عکسی) .

* قاہرہ تیموریہ (مجله مجمع العلمی العربی ۳ : ۳۶۵) .

* المتحف العراقی ش ۱۰۹۵ (نسخه کرملی) .

* محفوظ مجموعه مورخ ۸۶۳ و ۸۷۳ .

* ملك ۸۹۴ نستعلیق سده ۱۲ .

* ملی ۱۵۵۶/۱ عربی مورخ ۶۹۳ .

ملی ۸۹۷ عربی نستعلیق محمدرضابن حاجی سلیمان در روز آدینه ۵ ج

۱۰۹۵/۱ در مدرسه شیخ لطف الله شهر اصفهان و مقابله شده بانسخه ای معتمد ، عنوان و جدول ورقم شنگرف ، با خط تملك محمد معصوم حسینی ازغندی و با مهر او مورخ ۱۱۰۹ و با مهر زین العابدین در ص ع در ۳۴ گ ، ۳۰ سطر ، ربعی ، جلد تیماج تریاکی لایبی .

* واتیکان ۳۱۹۳ V (ذیل بروکلمن ۱ : ۹۰۷) .

* وصال در مجموعه و مورخ ۹۵۲ (نشریه ۵ : ۲۹۳) .

* وین ۵۱۵ (۲ : ۵۹۱) .

* نورعثمانیه ۳۶۴۷ بنام «مختصر فی علم الموسیقی» و منسوب به محمد بن محمد بن محمد جوینی (بروکلمن ذیل ۲ : ۱۰۰۳۶) نسخه انستاس کرملی که در متحف بغداد است (ش ۱۰۹۵) هم چنین است (دیباچه الدرالتقی ص ۵) .

در پنج مقاله است :

- ۱ - فی الکلام علی الصوت و لواحقه و فی ذکر شکوک و اردة علی ما قبله .
- ۲ - فی حصر نسب الاعداد بعضها الی بعض و استخراج الاجناس من الابعاد المستخرجة من نسب مقادیرها و مراتبها فی التلاوم و التنافر و اسمائها الموضوعه لها .
- ۳ - فی اضافات الابعاد بعضها الی بعض و فصل بعضها عن بعض و استخراج الاجناس من الابعاد الوسطی .
- ۴ - فی ترتیب الاجناس فی طبقات الابعاد العظمی و ذکر نسبها و اعدادها .
- ۵ - فی الایقاع و نسب ادواره و الارشاد الی کیفیة استخراج الالحن فی الصناعة العملية .

آغاز : الحمد لله علی آلائه و اشکر علی سواغ نعمائه و اصلی علی النفوس المقدسة من رسله و اولیائه خصوصاً علی محمد و آله و اصفیائه بعد هذه رسالة تشمل علی النسب التالیفیه علی نهج استنبطه القدماء من حکماء اليونان مضافاً الی زیادات نافعة لم اجدها فی شیء من مصنفاتهم و لا فی شیء من کتب المحدثین من بعدهم قدمت بها خزانه المولی صاحب الاعظم ... شمس الاسلام و المسلمین ... هرون بن المولی صاحب ... شمس الدین بهاء الاسلام و المسلمین محمد بن محمد بن الجوینی ... و ذلك حسب اشارته ... و هی تشمل علی خمس مقالات .

انجام : و علی هذا النمط يجب ان یثبت الالحن فقد او مانا الی ذلك اذهی غیر متناهیه فلیکن هذا القدر کافیا فی علم التالیف .

هم از او دانسته اند المیزان فی علم الادوار و الاوزان که گویا از ادوار و شرفیه گرفته شده است . فارمر (ش ۲۸۸) آنرا از گمنام دانسته است .

* بادلیان ۱۰۲/۲ اوزلی گ ۱۱ - ۳۶ .

- * قاهره ۵۰۶ ف ج .
- * گوتا ۸۵/۶ گک ۴۰ - ۶۲ .
- * متحف عراقى ۲۲۷۶/۲ که در انجام ناقص است .
- (ع ۳۹ ، معجم الموسيقى العربية ص ۱۲۲) .
- نیز از او دانسته‌اند : دائرة البحور والالحن (الاوزان) .
- * قاهره ۵۰۹/۴ ف ج (عکسى) .
- (ع ۳۵ - نشرة ۱۰ - بروکلن ۲ : ۶۶۷) .
- نیز شرح دائرة الاصل الاول (الراست) که در آن از رموى نقل شده است .
- * قاهره ۳۴/۳ ف ج (eb 71 - ع ۳۶۲) .
- هم از رموى است كتاب الكافى من الشافى فى علوم العروض والقوافى
- (دانشگاه ۳ : ۱۰۶) .
- * بادليان .
- * داماد عموميه 24, 39
- عمومى دمشق .

ادوار ارموى چون کوتاه و روشن و جامع بوده است کتابى درسى شده و دانشمندان بدان ارجحى نهادند اينست که چندين شرح بر آن نوشتند و چندبار بفارسى و ترکى ترجمه شده و رساله‌هاى هم ناظر به آن نوشته‌اند مانند مقاصد الادوار و نقاوة الادوار .

از سخنان مراغى بر مى آيد که در ۷۷۸ در تبريز کسانى بودند مانند جلال الدين فضل الله عبيدى و سعد الدين كوچك و عمر تاج خراسانى که ادوار و شرفيه را شرح نوشته بودند . همو در زبدة الادوار از شرح نصر الله قاينى ياد ميکند . از مجموعه دکتري نورانى وصال بنام دوشارح ادوار يکى مراغى ديگرى نصير بن احمد بن محمد معينى بر ميخوريم . در مجموعه ۲۳۶۱ شرقى لندن شرح مبارك شاه و رساله موسيقى فتح الله شيروانى را که ناظر به آثار ارموى است مي بينيم که در طوپ قپوسراى هم هست . ميدانيم که عماد الدين يحيى کاشانى ادوار را فارسى کرده است . اينک از چند شرح و ترجمه ادوار ياد ميکنيم :

- ۱ - قاضى عماد الدين يحيى بن احمد کاشانى اديب رياضى دان شيعى به فرمان جمال الدين ابواسحاق اينجو (۷۴۳ - ۷۵۸) ادوار ارموى را به فارسى برگردانده و آنرا در چاشت روز دوم محرم ۷۴۶ بانجام رسانده است .
- (فهرست فيلمها ۱۷۴ و ۳۷۱ و ۴۲۶ و ۷۷۷ - ادبيات ۳ : ۶۱ - دانشگاه ۲۴۰۱/۴۲ - راهنماى كتاب ۱۳ : ۱۰ - ۱۲ ص ۷۵۳) .
- * مجلس ش ۲۲۰۷ (۶ : ۱۶۸) با تاريخ چاشت روز ۲ محرم ۷۴۶

فیلم ۳۸۴۰ دانشگاه .

* برلین Or. 2854 (ش ۲۵۵ فهرست هیتنس) .
آغاز و انجام کتاب در هنر و مردم (۹۴ : ۳۰) آمده است . نسخه‌ای که در راهنمای کتاب از او پنداشته شده است از او نباید باشد.

۲ - خواجه شهاب‌الدین عبدالله بن محمود صراف صیرفی تبریزی خوشنویس خنیاگر در گذشته ۷۴۲ یا ۷۵۳ (روضات الجنان ۱ : ۳۶۹) که در تبریز به خاک سپرده شده است برای سلطان اویس ایلکانی (۷۵۷ - ۷۷۶) بروش ارموی خلاصه الافکار فی معرفة الادوار ساخته است که در تاریخ ادبیات ایران آقای همایی (چاپ دوم ۱ : ۷۲ و ۳۳۲ و چاپ یکم ۱ : ۲۱۴ و ۲ : ۸۸) وصف شده است (الموسیقی العراقية ص ۴۲) . در روضات الجنان کربلایی (فهرست نامها) سرگذشت او هست . او جز صیرفی کورتبریزی شاعر سده ۱۰ (نظم و نثر فارسی نفیسی ص ۵۲۷) است که گویا همان صیرفی شاعر سراینده گلزار صفا در ۹۵۰ باشد .
(هنر و مردم ۷ - ۸۶ : ۳۳ و ۹۳ : ۳۰ و ۹۴ : ۳۱) .

صیرفی در برخی از جاها با ارموی خلاف ورزیده است . نسخه آن بفرموده آقای همایی در کتابخانه ثقة الاسلام در تبریز است و نسخه‌ای هم ایشان به خط خود از روی آن نوشته بودند و به عباس اقبال داده بودند . از دوبندی که ایشان در آن کتاب آورده‌اند برمی‌آید که کتاب بفارسی است .

۳ - لطف‌الله بن محمد بن محمود بن محمد بن اسعد سمرقندی که شرح الادوار فی حل الاوتار دارد به فارسی که در ۷۹۸ برای امیرزاده سیدی ساخته است .

(هنر و مردم ۹۴ : ۳۲ - دانشمندان آذربایجان ۲۳۶) .

* ملك ۱۶۴۷ از سده ۱۴ آغاز و انجام افتاده .

* وصال در مجموعه مورخ ۹۵۴ .

۴ - مولانا مبارک‌شاه بنام شاه شجاع (۷۶۰ - ۷۸۶) شرح الادوار به عربی نگاشته است . فارمر (ش ۲۹۵) آن را از سید شریف‌علی گرگانی (در گذشته ۸۱۶) پنداشته است .

منوبی سنوسی آنرا به فرانسه در آورده و با دیباچه فارمر در موسیقی عربی در لائره ج ۳ در پاریس بسال ۱۹۳۸ چاپ شده است .

* طوب قپوسرای A 3438 .

۲ - ع ۲۰۲ ، عزای ۴۲ ، فکری سلجوقی ۲۴ ، تاریخ ادبیات صفا : ۳ : ۲۶۲ .

۳ - ع ۱۶۷ ، عزای ۳۲ .

۴ - ف ۲۹۵ ، ع ۷۰ .

* موزه بریتانیا Or. 2361/5 .

چندین مبارک‌شاه داریم :

۱ - شهاب‌الدین مبارک‌شاه ساوی از نواب و پیشکاران خواجه سعدالدین محمد ساوجی که اولجایتو وی را در روز سه‌شنبه ۱۱ شوال ۷۱۱ در نزدیکی بغداد کشته است (روضات الجنان کربلائی ۲ : ۶۷۳) .

۲ - مبارک‌شاه قطب‌قدس صوفی که در نسخ چیره دست بوده و چهل و چهار قرآن نوشته و بیشتر کار او قرآن نویسی بوده و در ۷۱۰ یا ۷۱۱ در گذشته است.

۳ - خواجه مبارک‌شاه بن عبدالله سیوفی نیشابوری تبریزی زرین‌قلم شاگرد خواجه یاقوت که در بصره می‌زیسته و خوش‌نویس بوده و به‌ویژه ریحان خوب می‌نوشته و در نیشابور و خراسان شهرت داشته و در ۷۳۵ در گذشته است . او را صاحب‌السیف می‌خوانده‌اند و کتیبه در مشهد علی (ع) در نجف که سلطان او پس گذارده است به خط اوست و شاگردش پیریحیی صوفی صاحب‌المشرب شیرازی است (روضات الجنان کربلائی ۱ : ۲۷ و ۳۷۰ - مناقب هنروران ص ۱۸ و ۷۵ - کلمات هوارت ص ۸۷ و ۸۸ و ۹۲ و ۱۵۱ - گلستان هنر ۲۲ متن ۲۸ و ۶۱ ترجمه انگلیسی - پیدایش خط و خطاطان ایرانی ص ۲۱۴ - هفت قلمی ص ۲۴ - قوانین خطوط ص ۳۵ و ۹۴ - خوشنویسان و هنرمندان فکری سلجوقی ۵ و ۲۴) .

۴ - قاضی القضاة شمس‌الدین مبارک‌شاه معاصر شیخ‌صافی اردبیلی (۶۵۰ - ۷۳۵) وزنده در هنگام عبور پادشاه ابوسعید به اردبیل و معاصر سید قطب‌الدین و قاضی افتخار تبریزی و اسحق حافظ اردبیلی و جلال‌الدین محمود قصرانی که خویش همین قاضی مبارک بوده است (صفوة الصفاء ص ۱۸۵ و ۱۸۷ و ۲۱۷) .

۵ - میرک بخاری شمس‌الدین محمد شارح حکمة العین که پس از علامه حلی در گذشته ۷۲۶ و قطب‌شیرازی در گذشته ۷۱۰ و پیش از سید شریف گرگانی در گذشته ۸۱۶ زنده بوده است پسر مبارک‌شاه جنگی است.

از اینها شاید چهارمی یا پنجمی شارح ادوار باشند.

شرح الادوار .

آغاز : الحمد لله رب العالمین والصلاة علی سیدنا محمد ... (قال) ورتبته (اقول) قبل الخوض فی المقصود یحب ان یعلم ان لكل علم موضوعا و مبادی و مسائل و موضوع کل علم ما یبحث .

انجام نسخه : تمت کتابة هذا الشرح الادوار بعناية الله الملك الجبار فی یوم الثلاثاء الثامن من شهر ذی حجة الحرام سنة اربع و مائة بعد الف من هجرة المصطفوية حرره العبد الفقیر شمس‌الدین محمد بن حسن السجستانی .

* موزه بریتانیا Add 7471 (فهرست عربی ش ۳۸۸ ص 186 b) دارای شرح اشکال التأسيس شمس الدین سمرقندی از قاضی زاده رومی و این شرح که از ۴۱ پ آغاز میشود .

* موزه بریتانیا Or 2361/4 .

۶ - رساله در موسیقی کالترجمة للشرفیة والادوار که بنام امیرزاده وزیر جلال الدنیا والدین گویا توران شاه در ۱۵ فصل درست مانند ادوار ارموی و جامع قسم علمی و عملی ساخته شده شاید نام آن لطایف الاسرار لمقاصد الادوار باشد. مؤلف آن گویا نصیر بن احمد بن محمد المعینی است که پاره‌هایی از شرح او که دارای عنوان سؤال و جواب است در مجموعه آقای دکتر وصال با نشانه «ص» آمده است و این ندها گویا گزیده‌ایست از این شرح .

نسخه‌ای از این شرح گمنام بی‌نام آقای کرامت رعنا حسینی در شیراز دارند و آن را در راهنمای کتاب (۱۳ : ۱۰ - ۱۲ ص ۷۴۸) شناسانده و گمان برده‌اند که شاید از عمادالدین یحیی کاشانی است و جز شرح ادوار دیگر او.

۷ - ترجمه ادوار ارموی که درست ترجمه است بی‌شرح و در آغاز آن از کسی یاد نشده است (هنر و مردم ۹۴ : ۳۲ ، نسخه ۳۸۱/۲ ملک) .

۸ - ترجمه کتاب صفی‌الدین عبدالؤمن در علم الموسیقی .

* توپینگین Or Oct 2854 (مجله ادبیات تهران ۷ : ۳ ص ۸۱) .

۹ - میرزا محمد اسماعیل بن میرزا جعفر اصفهانی . در ۱۲۹۶ برای میرزا آقاخان صدراعظم ادوار را بفارسی در آورده است در ۱۵ فصل . آقای یحیی ذکاء آن را از روی نسخه سپهسالار در مجله موسیقی (ش ۴۶ - ۵۶) چاپ کرده است . (دانشگاه ۳ : ۱۰۷ - مجله موسیقی ش ۵ - ۱۰۴ ص ۳۲) .

* سپهسالار ۵۶۴ (۳ : ۳۹۷) .

* فیلم ۹۲۷ دانشگاه (ص ۸ فهرست) از روی همین نسخه .

* مجلس ۲۲۰۶ (۶ : ۱۶۸) .

۱۰ - شکرالله بن احمد شیروانی آماسیوی پزشک در گذشته ۱۸۹۴ و مؤلف ریاض‌العلوم به فارسی در نه باب به روش آموزش العلوم برای بایزید دوم در ۱۸۹۴ (چلبی ایاصوفیا) ادوار را به ترکی در آورده است .

این ترجمه در شماره اخیر شهبال چاپ شده است . در دانشمندان آذربایجان (ص ۲۳۶) آمده است که او رساله ایقاع فارسی ارموی را به ترکی در آورده و آن را فصلی از کتاب مفصل خود قرار داده و آن در مجله شهبال ترکی در استانبول نشر شده است . گویا او گزیده‌ای از بهجة الروح عبدالؤمن بلخی را به ترکی در آورده

۱۰ - غزاوی ۳۲ - فهرست دانشگاه ۳ : ۱۰۶ ، عثمانلی مؤلف لری - ۱ : ۳۳۲ .

باشد همانکه بنام الدرالنقی به عربی هم درآمده است .

۱۱ - ترجمه ادوار به ترکی :

(دیباچه مقاصدالاحان ص ۳۵ به نقل از فارمر).

* لیدن Or 1175 (۳ : ۳۰۵ ش ۱۴۴۸) .

۱۲۲ - فخرالدین محمد بن محمد بن ابی نصر خجندی پزشک، موسیقی دان

را رساله فی نسبة التألیف است که آنرا شرح الادوار پنداشته اند ولی ناظر به قانون

ابن سینا است و درباره نسب عددی موسیقی .

* دانشگاه ش ۱۱۲۹/۳ (۶ : ۲۲۳۵) .

* دانشگاه ۱۴۱۴/۳ مورخ ۱۲۹۲ .

* رامپور ۱ : ۴۱۴ .

* موزه بریتانیا Or 2361/6 .

۱۲۳ - شمس الدین ابوالعباس احمد بن محمد بن ابراهیم بن ابی بکر بن

خلکان برمکی مورخ در گذشته ۶۸۱ در وفیات الاعیان خود سرگذشت بسیاری از

موسیقی دانها را گذارده است.

د سلان De slane آنرا در ۴۲-۱۸۳۸ بچاپ رسانده و در ۷۱-۱۸۴۳

به انگلیسی درآورده است.

دو ترجمه فارسی دارد :

۱ - منظر الانسان یوسف سجزی در ۸۹۵ (سه نسخه) .

۲ - ترجمه ظهیرالدین عبدالکبیر اردبیلی در ۹۲۸ (سه نسخه) . (فهرست

فیلمها ص ۵۱ و ۲۵۹ و ۸۰۰) .

محمد بن محمد رودوسی زاده از دانشمندان سده ۱۱ آنرا به ترکی درآورده

و آن در استانبول سال ۱۲۸۰ چاپ شده است.

نسخه اصل عربی مؤلف در موزه بریتانیا هست و نسخه دارای تملك ۷۱۶

و ۹۱۱ در جامع یزد (نشریه ۴ : ۴۱۶) .

۱۲۴ - جمال الدین محمد بن سالم بن نصر الله بن واصل حموی در گذشته

۶۹۷ (تاریخ ابوالفداء) تجرید الاغانی من المثلث والمثانی دارد که طه حسین و ابراهیم

ایبازی آنرا در ۱۹۵۵ در قاهره چاپ کرده اند.

* موزه بریتانیا ۵۷۱ .

۱۱ - ف ۳۰۴ .

۱۲۲ - ع ۱۱۶ .

۱۲۳ - ف ۲۴۹ ، ع ۴ .

۱۲۴ - ف ۲۵۶ ، ع ۴۷۴ ، مل ۵۳ .

* ایاصوفیا ۱۴۰۰ .

(بروکلن ۳ : ۱۲۴۰) .

۱۲۵ - ابن الزبیر از سده هفتم کتاب الاغانی دارد که صفدی در گذشته ۷۶۶ در اسماء کتب التواریخ المؤلفه از آن یاد کرده و او شاید همان ابن النذیر باشد که چلبی از او نام برده است (XIX JA دوره دوم سال ۱۹۱۲ ص ۸ - ۲۶۷) .

۱۲۶ - مهذب الدین عبدالرحیم بن علی بن حامد الدخوار ادیب و طبیب دمشق (۵۶۵ - ۶۳۸) مختصر کتاب الاغانی نگاشته است .
(معجم المؤلفین ۵ : ۲۰۹) .

۱۲۷ - محمد بن ابراهیم شلاحی زنده در ۷۰۱ را کتاب الامتاع والانتفاع است بنام ابویعقوب بن ابی عبدالحق در گذشته ۷۰۶ در مسائل سماع با آوردن سخنان دانشمندانی که کتابهای آنها در دست نیست. او در آن از کتاب ابوبکر بن العربی قاضی اشبیلی (م ۵۴۶) در تجویز سماع بهره برده است.
(فهرست ربلس Robles ش ۶۰۳) .

* مادرید ۶۰۳ در ۱۱۹ برگ .

روبسن Robson فصلی از آن را در Islamic Culture سال ۱۸۵۲ (۲۶ : ۱۱۳ - ۱۳۱) به انگلیسی در آورده است.

۱۲۸ - ابن منظور جمال الدین ابوالفضل محمد بن مکرم بن علی افریقی مصری (۶۳۰ - ۷۱۱) مؤلف لسان العرب را مختار الاغانی فی الاخبار و التهنانی است گرفته از اغانی اصفهانی با افزوده‌هایی از خود او (معجم المؤلفین ۱۲ : ۴۶) .
* گوتا ۲۱۲۶ .

* عباسیه بصره (ص ۳۳ ج ۱ ش ۱۰۱ فهرست) .

۱۲۹ - ابو عبدالله زکریا بن محمد کمونی قزوینی (۶۰۰ - ۶۸۲) در باب دوازدهم عجایب المخلوقات خود از موسیقی سخن داشته است .

در نسخه شماره ۱۸۳ کتابخانه دانشگاه Aberdeen آبردین پیکره زنی چنگ زن است. سچو کین در نسخه‌های مصور تیموری (ش ۴ ص ۳۲) و نسخه‌های مصور صفوی (ص ۹۱ و ۱۰۴ ش ۶۷ و ۱۰۷) سه نسخه مصور فارسی این کتاب را شناسانده است. در قاهره نیز دو نسخه مصور هست بفارسی (فهرست مصور طرازی

۱۲۵ - ف ۲۵۷ ، ع ۴۷۳ .

۱۲۶ - ف ۲۵۸ ، ع ۵۴۵ .

۱۲۷ - ف ۲۵۹ ، ع ۹۲۹ ، تاریخ ۱۹۵ ، ترجمه ۲۳۰

۱۲۸ - ف ۲۶۰ ، ع ۴۷۱ .

۱۲۹ - ف ۲۵۰ ، مل ۵۱ .

ص ۷۷ و ۱۴۷) .

چند ترجمه فارسی دارد که استوری (۲ : ۱۲۴) و منزوی (نسخه‌های خطی فارسی ۴۳۴) آنها را برشمرده‌اند.

۱۳۰ - تاج‌الدین ابومحمد عبدالرحمن بن ابراهیم فزاری بدری فرکاح شافعی در گذشته ۶۹۰ را کشف القناع فی حل السماع است (برلین ۵۵۳۶/۹ - چلبی) .

۱۳۱ - محب‌الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله طبری مکی اخباری شافعی در گذشته ۶۹۴ را استقصاء البیان فی مسألة شادروان (که آیا می‌توان به آواز خوش چشمه آبشارمانند شادروان گوش داد یا نه) است و کتاب الغناء و تحریمه (برلین ۱۱ و ۵۵۳۶/۱۰) .

۱۳۲ - عمادالدین ابوالعباس احمد بن ابراهیم بن عبدالرحمان واسطی در گذشته ۷۱۱ البلغة والاقناع فی حل شبهة مسألة السماع دارد (برلین ۵۵۳۶/۱۲) در اسلامک کلچر (۱۸ : ۱۱۲) آمده که مؤلف آن محمد بن محمد بن محمد منبجی است که در ۷۷۵ نگاشته است .

۱۳۳ - ابوالفرج علی بن حسن اصفهانی در گذشته ۷۲۱ را (نزهة الملوك) The Delection of Kings است چنانکه کلاثرت در JA ۱۹۰۴ ص ۳۸۳ گفته و کایزوتر Kisewater و روانت Rouanet (ص ۲۶۸۰) هم از او پیروی کردند ولی اثری از آن در کتابهای عربی نیست و گویا اشتباهی شده است. فارمر نوشته که در فهرست عربی برلین (۵۵۳۶/۱۲) از آن یاد شده است ولی چنین نیست.

۱۳۴ - ابوالعباس احمد بن عبدالحلیم بن عبدالسلام بن عبدالله بن محمد بن تیمیه حرانی حنبلی (در گذشته ۷۲۸) را رسالة فی السماع والرقص است که در قاهره در مجموعه الرسائل (ص ۲۷۷ - ۳۱۵) بسال ۱۳۲۳ (۱۹۰۵) چاپ شده است. * برلین ۵۵۰۷ مورخ ۷۸۳ .

در اسلامک کلچر (۱۸ : ۱۱۲) آمده است که مؤلف آن محمد بن محمد بن منبجی است در ۷۷۵ .

۱۳۰ - ف ۲۵۱ ، ع ۹۳۳ .

۱۳۱ - ف ۲۵۴ و ۲۵۵ ، ع ۶۴۲ .

۱۳۲ - ف ۲۶۲ نیز ص ۵۶ ، ع ۹۴۳ .

۱۳۳ - ف ۲۶۳ ، مل ۵۵ .

۱۳۴ - ف ۲۶۴ ، ع ۸۹۷ .

- ۱۳۵ - برهان‌الدین ابواسحاق ابراهیم‌بن عبدالرحمان‌بن ابراهیم‌بن الفرکاح
فزاری مصری دمشقی شافعی (۶۶۰ - ۷۲۹) را حل‌القناع عن حل‌السماع است.
(برلین ۱۳/۵۵۳۶ - معجم‌المؤلفین ۱ : ۴۳) .
- ۱۳۶ - بدرالدین ابوالمعالی محمدبن علی‌بن ابی‌الحسن علی خطیب اربلی
موصلی (۶۸۶ - ۷۳۱) را جواهر‌النظام فی معرفة‌الانغام یا ارجوزة فی الانغام
است در چند بخش که در ۷۳۱ سروده است و او از آثار ارموی متأثر است.
* برلین ۵۵۱۵ بنام القصدة فی الانغام .
* دانشگاه قدیس یوسف بیروت (۱) مجموعه ۲۱۹ برگ ۱-۵ مورخ ۸۷۷ .
* خزانه عباس عزوی در بغداد .
- در مجله‌المشرق سال ۱۹۱۳ (۱۶ : ۸۹۵ - ۹۰۱) و جریده‌الفتح بغداد
۲۴ حزیران سال ۱۹۳۹ ش ۹ چاپ شده است . عزوی در الموسیقی العراقية فی
عهدالمغول بنام ارجوزة‌الانغام (ص ۳۷) از آن یاد کرده و در همین رساله آنرا
چاپ کرده است.
- برء‌الاسقام فی شرح قصیلة‌الانغام وجواهر‌النظام فی معرفة‌الانغام للخطیب
الاربلی در برلین هست (۵۵۱۵) .
- ۱۳۷ - رساله فی علم‌الموسیقی گویا مورخ ۷۳۲ در موسیقی نظری است
و شاید از پزشکی باشد.
* برلین ۶۲۸۴ گ ۲ (نسخه‌ایست طبی مورخ ۷۳۳) .
- ۱۳۸ - شهاب‌الدین ابوالعباس احمدبن عبدالوهاب نویری شافعی (۶۷۷-
۷۳۲) را نهاية‌الارب فی فنون‌الادب است درسی مجلد بنام ناصر بن قلاون و در جزء
۴ و ۵ بابهای ۶ و ۷ آن «الغناء والسماع والمغنون وماقیل فی وصف‌آلات‌الطرب
وما وصفت به‌القیان» آمده است.
- چاپ دارالکتب قاهره سال ۳۷ - ۱۹۲۳ (معجم‌المؤلفین ۱ : ۳۰۶) .
- ۱۳۹ - فضل‌الله‌بن محمدبن ایوب‌ملتانی حنفی فقیه صوفی در گذشته ۷۳۵
را رساله فی رقص‌الصوفیة است (چلبی - معجم‌المؤلفین ۸ : ۷۶) .
- ۱۴۰ - محمدبن احمدبن حرب غرناطی در گذشته ۷۱۴ المختصر فی لحن

۱۳۵ - ف ۲۶۵ .

۱۳۶ - ف ۲۶۶ ، ع ۱۱۸ و ۳۵۲ .

۱۳۷ - ف ۲۶۷ ، ع ۳۵۶ .

۱۳۸ - ف ۲۶۸ ، ع ۶۶۳ .

۱۳۹ - ع ۷۵۰ آ .

۱۴۰ - ف ۲۶۹ .

العامّة دارد که باید دربارهٔ اغلاط عوام باشد نه موسیقی (فهرست اسکوریال کازیری ۲ : ۸۰) .

۱۴۱ - محمد بن محمد بن علی بلیسی زنده در ۷۴۶ «ماینغی ان يعرفه المغنی» دارد دربارهٔ مغنی و مشبب در «الملح والظرف من منادات ارباب الحرف» که در قاهره بسال ۱۲۸۳ (۱۸۶۶) چاپ شده و در ۵۱ فن است .
* اسکوریال نسخهٔ مورخ ۷۴۶ (۲ : ۴۹۹) .
* موزهٔ بریتانیا Add 19411 گ ۶۸ - ۸۸ از سدهٔ ۸ .

۱۴۲ - شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان ابن الصباح صیداوی دمشقی ذهبی در گذشتهٔ ۷۴۸ را نظمی است به عربی در موسیقی با نامهای فارسی که در نسخهٔ شمارهٔ ۱۲۱۴ مجموعهٔ قدیم از سدهٔ ۱۰ کتاب الانغام فی معرفة الانغام خوانده شده است (ش ۲۴۸۰ ص ۴۳۹ فهرست دسلان) عکس این یکی در قاهره ۳۴۰/۱ ف ج و در دانشگاه تهران (ش ۳۷۹۹) هست . این رساله در نشرهٔ (۳۰) از جوزه فی النغمات الموسیقیة خوانده شده است . نسخهٔ دیگر آن در طوپ قپوسرای است (ش 4429 ج ۳ فهرست A 2130/2) نسخهٔ ش ۸۲ مارش و ۴۲ یوری بادلیان بنام «کتاب یستخرج منه الانغام» است در نه فصل و نسخهٔ ۴۰ عربی آنجا ناقص و ۶ ص است . نسخهٔ ۱۰۶ اوزلی آنجا تحریر دیگری است از آن بنام کنز الطرب و غایة الارب با فصل دهم در اصول الادوار .

آغاز :

احمد الله ولى النعمة	من جادلى منه بعلم النعمة
واشكر الله على عطاء	شكرا جزيلا ناميا يرضاه
.....
وبعد حمد الله والصلاة	فاجانى خل من الثقة
يسالنى فى نظم ذى الرسالة	وشرحها فلم ادع مقالة
.....
فصل اصول اربع للنغم	اوضحها فى ذالمقال فافهم
چنين است فصلهاى آن :	
۱ - الاصول الاربع للنغم .	
۲ - فروع هذه الاصول .	

۱۴۱ - ف ۲۷۰ ، ع ۵۲ .

۱۴۲ - ع ۱۳۶ ، مجلهٔ موسیقی ش ۱۱۰ از گفتار فارمر در وصف نسخه‌های موسیقی بادلیان که در مجلهٔ مقتطف هم گزیدهٔ آن هست .

- ۳ - دوائر الاصول (راست، عراق، زير افگند) .
 ۴ - دوائر البحور (يگاه، دوگاه، سيگاه، چهارگاه، پنجگاه) .
 ۵ - دائرة الجمع لسائر الطبقات .
 ۶ - فصل في ساير الابعاد .
 ۷ - جدول الطبقات .
 ۸ - فصل لحل ساير النغمات .
 ۹ - جدول في المخالفات وغير ذلك .
 انجام :

واله و ساير الاصحاب الاصفاء الاتقياء الانجاب

پس از اين در نسخه پاریس در ۲۲ ص جدول و دائرة آنگاه چند بند شعر عربی موشح که دوتای نخستین گویا از همان صیداوی باشد و سومین از بابلی است و چهارمین از سیدعلی بن ابی الوفاء است تا هشتم .

در معجم المؤلفین (۴: ۳۰۷) آمده که شمس الدین صیداوی دمشقی از سده ۱۱ است و از او است جواهر النظام فی معرفة الانعام (دسلان ۴۳۹ و ۴۴۰) .

۱۴۳ - کمال الدین ابوالفضل جعفر بن ثعلب (تغلب) بن جعفر ادفوی شافعی (۶۸۵ - ۷۴۸) را الامتاع والانتفاع فی مسألة سماع السماع لاستشارة بالكفاية والغناء فی احکام اهل الغناء والرد علی من نقص علی المسلمین بتحريم ما ابيح لهم منه فی مظان السيرة والهداء است (معجم المؤلفین ۳ : ۱۳۶) .

* از هر ش ۷۰۵۸ ادب اباطه (۴۶۲) .

* مادريد DG III (فهرست مادريد ص ۲۴۹) مورخ ۷۰۱ در ۱۱۹ برگ .

* اسكوريال مجموعه ۱۲۴۰ (۱) .

* قاهره ۳۶۸ تصوف در ۱۶۶ گ .

* گوتا ۱۰۵ .

همچنين از اوست الطالع السعيد الجامع که در آن از موسیقی و افزارهای

آن یاد شده است چاپ ۱۳۳۸ (۱۹۱۹) قاهره و ۱۳۳۲ (۱۹۱۴) اسکندریه .

۱۴۴ - شهاب الدین ابوالعباس احمد بن يحيى بن فضل الله عمري دمشقی

شافعی (۶۹۷ - ۷۴۹) در مسالك الابصار فی ممالك الامصار که در بیست مجلد است

در جزونهم و دهم آن از «اهل علم الموسيقى» سخن داشته و همین بخش آن در بلدیة

اسکندریه هست. بخشی از آن به فرانسه ترجمه شده است و کتاب در قاهره در ۱۳۱۲

۱۴۳ - ۲۷۱ و ۲۷۲ ، ع ۹۱۱

۱۴۴ - ف ۲۷۳ ، ع ۷۶۷ .

- (۱۸۹۴) چاپ شده است (معجم المؤلفین ۲ : ۲۰۴) .
- ۱۴۵ - شمس (رضی) الدین ابو عبدالله محمد بن برهان الدین ابراهیم بن سعید (سعد) الاکفانی سنجاری فیلسوف (در گذشته ۷۴۹) را ارشاد المقاصد الی اسنی المقاصد است که موسوعه ایست علمی و یک قول آن در علم الموسیقی است.
- هار بروکر Haarbrucker این بخش را در ۱۸۵۹ به آلمانی در آورده و ویدمان در ۱۹۲۲ (ص ۱۶ - ۲۱) ترجمه کرده است.
- کتاب را اسپرنگر در کلکته بسال ۱۸۴۹ چاپ و موسیقی آن درص ۹۲-۹۴ است. در قاهره بسال ۱۳۱۸ (۱۹۰۰) هم چاپ شده است.
- * اسکوریال (۱) ۹۴۴ .
 - * گوتا ۱۶۳ .
 - * پاریس ش ۲۲۳۱ مورخ ۷۳۸ .
- نیز از اوست موسوعه دیگری بنام الدرالنظیم که فصل ۵۷ آن در موسیقی است و گوئیل Gotheil این فصل را در مجله چهار فصلی یهود در ۱۹۳۲ ش ۲۳ ص ۸۰ - ۱۷۶ به خط عبری با ترجمه انگلیسی چاپ کرده است. فارمر گزیده ای از آن را در گلاسکو بسال ۱۹۶۳ به انگلیسی برگردانده است (الوافی بالوفیات ۲ : ۱۴۲ - معجم المؤلفین ۸ : ۲۰۰) .
- ۱۴۶ - شمس الدین ابو عبدالله محمد بن ابی بکر بن ابی یوسف بن قییم الجوزیه (در گذشته ۷۵۱) در مقدمه روضة المحبین و نزهة المشتاقین « حرمة السماع » گذارده است (چاپ ۱۹۵۶ قاهره) در فهرست عربی برلین (ش ۱۴/۵۵۳۶) از آن یاد شده است.
- ۱۴۷ - صفی الدین ابو الفضل عبدالعزیز بن سرایان بن علی بن احمد بن سرایاحلی (در گذشته ۷۴۹) را « فائدة فی تولد الانغام بعضها من بعض و ترتیبها علی البروج » است که گویا در آن از کندی پیروی نموده و موسیقی را با ستارگان پیوند داده است.
- * قاهره ۵۰۶ ف ج .
- همچنین از اوست رساله فی الموسیقی به عربی در چند باب .
- * آصفیه ش ۳۸۳ به نسخ خوش بی تاریخ و انجام افتاده در ۶۱ برگ ۲۱ س (۲ : ۲۵۸) .
- ۱۴۸ - شیخ امام حسام (شمس) الدین ابو عبدالله محمد بن ابی الروح عیسی

- ۱۴۵ - ف ۲۷۴ و ۲۷۵ ، ع ۴۲ و ۴۳ .
- ۱۴۶ - ف ۲۷۸ .
- ۱۴۷ - ف ۲۷۹ ، ع ۱۹۹ .
- ۱۴۸ - ف ۲۸۰ و ص ۵۵ ، ع ۱۷ و ۱۸ .

بن فتح‌الدین حسن بن کر مروانی بغدادی مصری حنبلی معروف به ابن کر یا ابن کر کرکی (۶۸۱ - ۷۶۳) فقیه محدث ادیب موسیقی‌دان که در مشهدالحسین میزیسته است غایة‌المطلوب فی فن الانغام والضروب (الطروب) ساخته است (برلین ۱۵/۵۵۳۶) ونهاية‌السؤل فی معرفة‌الالحن والایقاع .

(عزای ص ۶۲- گفتار فارمر در تراث‌الاسلام - معجم‌المؤلفین ۱۱ : ۱۰۴).
۱۴۹ - احمد بن قاسم بن عبدالرحمن بن کمیار در ۷۶۳ نسخه «فتوی فی حکم‌الضرب علی‌الطنبور فی‌المسجد و غیره» را نوشته است (فهرست‌المخطوطات المصورة ۱ : ۱۷۴ - سؤد ۱۲۳ حدیث) .

۱۵۰ - عقیف‌الدین عبدالله بن اسعد بن علی بن سلیمان بن فلاح یافعی یمنی مکی شافعی فقیه ادیب صوفی محاسب (۷۰۰ - ۷۶۸) را بحث‌السماع است و آن را ناروا میدانند (روض‌الریاحین) .

* برلین ۵۵۰۹ (۶۹۰ پترمن گ ۲۶ - ۲۷) .

۱۵۱ - ذوالوزارتین والعمیرین لسان‌الدین ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن بن سعید خطیب سلمانی لوشی غرناطی اندلسی که وزیر بنی‌عامر غرناطه بوده است و ادیب مورخ (۷۱۳ - ۷۷۶) کتاب فی‌الموسیقی دارد که در فهرست‌کازبری (۲ : ۷۳) از آن یاد شده است و منظومه فی‌الطبايع والطبوع والاصول که به عبدالواحد بن احمد ونشریشی در گذشته ۹۵۵ (ش ۳۲۶ فهرست فارمر) هم نسبت داده‌اند. فارمر آن را در JRAS سال ۲ - ۱۹۳۱ با ترجمه انگلیسی نشر کرده و متن آن را در ج ۱ مجموعه‌الکتاب‌الشرقیین غن‌الموسیقی هم چاپ نموده است .

* مادرید مجموعه ۳۳۴ گ ۱۸ - ۱۹ .

* قاهره ۲۰۹ دوریات قسم افرنجی بنام رساله فی‌معرفة‌النگمات‌الثمان . این دانشمند را به گناه فلسفه و تهمت زندقه در فاس کشته‌اند (معجم‌المؤلفین ۱۰ : ۲۱۶) .

۱۵۲ - صلاح‌الدین ابوالصفاء خلیل بن ایبک بن عبدالله صفدی شافعی (۶۹۶ - ۷۶۴) مؤلف فوات‌الوفیات در ۲۶ مجلد را کتاب‌الجامع فی‌الموسیقی است (عزای ص ۶۳ - معجم‌المؤلفین ۴ : ۱۱۴) .

* برلین ۵۵۲۵ .

* مجلس ۸۹۵۰ .

۱۵۰ - ف ۲۸۱ ، ع ۹۴۴ .

۱۵۱ - ف ۲۸۲ ، ع ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۳۴۸ و ۳۵۸ .

۱۵۲ - ف ۲۸۳ .

۱۵۳ - بدرالدین ابو محمد حسن بن علی بن اسماعیل بن یوسف قونوی قاهری
مدرس مفتی (۷۲۱ - ۷۷۶) بذل الشعاع فی احکام السماع دارد .
(۱۶/۵۵۳۶ برلین) اوست که الاحکام السلطانية ماوردی را اختصار کرده
است . (معجم المؤلفین ۳ : ۲۴۹) .

۱۵۴ - شهاب الدین ابو العباس احمد بن یحیی ابن ابی حجلة تلمسانی قاهری
دمشقی ادیب شاعر (۷۲۵ - ۷۷۶) را دیوان الصبابة است (چاپ ۱۲۷۹ و ۱۲۹۱
و ۱۳۰۵ قاهره) . که بنوشتۀ روانت Rouanet (۵ : ۲۶۸) در بخش ۲۸ آن
از اغانی و افزار موسیقی سخن بمیان آمده است . (معجم المؤلفین ۲ : ۲۰۱) .
۱۵۵ - برهان الدین ابواسحاق ابراهیم بن عبدالرحیم بن محمد بن سعد الله
ابن جماعة کنانی مفسر شافعی مصری دمشقی (۷۲۵ - ۷۹۰) را نصیحة فی ذم الملاحی
یا نصیحة فی ذم الغناء است (معجم المؤلفین ۱ : ۴۷) .
* برلین ۵۵۱ .

۱۵۶ - ابن الصباح محمد بن محمد بن احمد ذهبی (سده ۸) را
کتاب فی علم الموسيقى و معرفة الانغام است که ارجوزه ایست با شرح منثور خود او
بنام ابواب نهاية الطلب و المطلوب .

* بادلیان اوزلی در ۱۱ ص بنام نهاية الطلاب و المطلوب .

* قاهره ۵۰۶/۱ ف ج (عکسی) بنام ارجوزه فی النغمات الموسیقیة .

۱۵۷ - شرف الدین ابن العلاء العلانی الاولوی حسینی علوی بغدادی (از
سده ۸) را فوائد الزمان فی علم الالحن است که در المیزان فی علم الادوار و الاوزان
(قاهره ۵۰۶ ف ج) آمده است . این یکی از روی الادوار ارموی و فوائد الزمان
فی علم الالحن در شش باب ساخته شده است .

۱ - فی مهیة الموسیقی .

۲ - فی ماهیة النغم المطلق .

۳ - فی الاوتار و المواجب .

۴ - فی معرفة الشدود و الاوازات .

۵ - فی اسماء الدساتین .

۶ - فی الايقاع .

* بادلیان ۱۰۲/۲ اوزلی .

۱۵۳ - ف ۲۸۴ ، ع ۹۳۷ .

۱۵۴ - ف ۲۸۵ .

۱۵۵ - ف ۲۸۶ .

۱۵۶ - ع ۱۱ ، مقتطف .

۱۵۸ - جمال‌الدین ابوسعید عمر بن خضر بن جعفر کردی داسنی مشرقی فقیه (زادهٔ ۶۶۱) که موسیقی را در بغداد آموخته بود الكنز المطلوب فی علم الدوائیر و الضروب ساخته است (عزاوی ص ۴۸ - برلین ۱۷/۵۵۳۶ - معجم المؤلفین ۷ : ۲۸۳) .

۱۵۹ - احمد بن محمد بن علی در ۷۸۳ نسخهٔ « موعظة فی الملهی » را نوشته است .

* برلین ۵۵۳۵ .

۱۶۰ - ابوالحسن محمد بن حسن ابن الطحان از سدهٔ هشتم حاوی الفنون و سلوة المحزون دارد در صدبخش هر یک دو مقاله که در آن از افزارهای موسیقی وصف دقیقی شده است .

* قاهره ۵۳۹ ف ج در ۱۱۱ گ .

(مقتطف ش ۳۱ ص ۵۲۳ حاشیهٔ ۱ تاریخ ۱۹۰۶ - گفتار فارمر دربارهٔ افزارهای موسیقی چاپ ۱۹۳۹ گلاسکو ۲ : ۹۳ - ۹۴) .

۱۶۱ - صفی‌الدین ادیس بن عبدالله (کیدکین) ابن ترکمانی حنفی ماردینی قاهری (نزدیک ۸۰۰) مؤلف اللمع فی الحوادث والبدع (برلین ۱۹۸۱ Qu - قاهره فهرست دوم ۱ : ۳۵۱ - بروکلن ذیل ۳ : ۱۲۶۰) - و فصل فی الفتوة (لیدن ۲۳۵۲) الحجة والبرهان علی فتیان هذا الزمان فی حرمة السماع دارد .
* مجموعهٔ تیمور ۲۰۴ .

به اندازهٔ یک کراسه است و او در آن سماع را تحریم کرده است (بروکلن ذیل ۲ : ۱۶۸ - چلبی در سجا - هدیه العارفین ۱ : ۱۹۶) .

۱۶۳ - ابو عبدالله محمد بن احمد بن شیخ محمد بسطامی شافعی صوفی (در گذشتهٔ ۸۰۷) رسالهٔ فی نصیحة اصحاب النفوس الزکیة فی حکم السماع علی الطريقة المرضیة دارد در تجویز سماع و مفصل .

* برلین ۵۵۱۲ در ۵۰ برگ و مورخ ع ۲/۳۹۴۶/۱۹۹ PM گ
۱۰۷ - ۱۵۶ .

این رساله دارای یک باب در دو قسم سپس پنج فصل و یک خاتمه و یک فصل

۱۵۸ - ف ۲۸۷ ، ع ۱۲۷ و ۲۶۷ .

۱۵۹ - ف ۲۸۹ ، ع ۹۵۱ .

۱۶۰ - ف ۲۹۰/۲ ، ع ۱۳۴ .

۱۶۱ - ع ۹۲۱ .

۱۶۲ - ف ۲۹۱ ، ع ۹۱۷ ، مل ۵۶ .

۱۶۳ - ف ۲۹۲ ، ع ۴۶۲ ، مل ۵۷ .

و در آن از سماع قرآن و آغانی و الحان بحث شده است. (معجم المؤلفین ۹ : ۴) .
۱۶۳ - ابن خلدون و لی الدین ابوزید عبدالرحمن بن محمد بن محمد بن خلدون اشبیلی تونسلی قاهرلی مالکی (۷۳۲ - ۸۰۸) در مقدمه خود که به فرانسه و انگلیسی و ترکی و فارسی ترجمه شده است از صنایع الغناء و موشحات و ازجال سخن داشته است.

نسخه های آن بسیار و چند بار هم چاپ شده است (معجم المؤلفین ۵ : ۱۸۸ و ۱۳ : ۳۹۶) .

۱۶۴ - جمال الدین ابو محمد عبدالله بن خلیل بن یوسف بن عبدالله ماردینی (ماردانی) ریاضی دان زمان خود (در گذشته ۸۰۹) ارجوزه فی شرح النغمات دارد (معجم المؤلفین ۶ : ۵۳) .

* قاهره ۵۱۰/۳ ف ج (عکسی) .

نیز مقدمه فی علم قوانین الانغام .

* بادلیان II, 545 a پاره ایست از آن .

* گوتا ۱۳۵۰ و ۱۳۵۲/۲ و ۱۳۵۳/۲ .

۱۶۵ - علاء الدین علی بن عبدالله غزوللی بهائی دمشقی ادیب (در گذشته ۸۱۵) در مطالع البدور فی منازل السرور خود (چاپ ۱۲۹۹ قاهره ص ۲۲۹-۲۶۱) از «الحذاق المطربون و الجوارى المغنیات» سخن داشته است . (معجم المؤلفین ۷ : ۱۳۲) .

۱۶۶ - میر سید شریف علی بن محمد گرگانی در گذشته ۸۱۶ در علم هفدهم مقالید العلوم فی الحدود و الرسوم خود که در بیست و یک علم است از علم الموسيقى سخن داشته است. او آنرا برای شاه شجاع مظفری که در سال ۷۷۹ ویرا برای تدریس دارالشفاء شیراز خواسته و وی ده سالی در آنجا زیسته بود ساخته است. (بروکلن ۲ : ۲۸۰) .

* موزه بریتانیا Or. 3143 در برگ ۲۷ - ۲۸ (فهرست عربی ریو ص ۴۸۷ ش ۷۱۵) .

این کتاب در برخی از جاها با التعریفات او که فرهنگی است علمی یکی است (موزه بریتانیا A 7745 مورخ ۹۷۲ ، فهرست عربی ص ۲۳۰ ش ۴۷۸) و از این رهگذر است که آنرا از گرگانی دانسته اند و گرنه در خود نسخه به سیوطی نسبت داده شده که با زمان شاه شجاع سازگار نمی باشد.

۱۶۴ - ف ۲۹۳ و ۲۹۴ ، ع ۲۹۴ و ۲۹۵ ، مل ۶۰ .

۱۶۵ - ع ۸۵۰ .

۱۶۶ - ف ۶۹۶ ، ع ۷۱ ، مل ۵۸ .

۱۶۷ - شهاب‌الدین ابوالعباس احمد بن علی قلقشندی مصری ادیب فقیه (۷۵۶ - ۸۲۱) در صبح‌الاعشی فی صناعة الانشاء از آلات الطرب سخن گفته است (معجم المؤلفین ۱ : ۳۱۷) .

۱۶۸ - تقی‌الدین ابوبکر (الصدق) بن محمد بن عبدالؤمن بن حرز بن معلی حنزی دمشقی شافعی فقیه محدث (۷۵۲ - ۷۲۹) سیر السالك فی اسنی الممالک دارد و در «فصل فی السماع» آن از روشهای صوفیانه در موسیقی بحث کرده است (معجم المؤلفین ۳ : ۷۴) .

* برلین ۵۵۱۳ مورخ ع ۹۲۶/۲ .

* پاریس ۴۵۹۱ .

* لایپزیک ۶۹۳ .

۱۶۹ - سراج (شرف) الدین ابومحمد اسماعیل بن ابی بکر مقری شغدری شاورى شرجی یمانی فقیه ادیب شاعر (۷۵۴ - ۸۳۷) الذریعة الی نصر الشریعة دارد که نظمى است به وزن بسیط در موسیقی ورقص صوفیان (معجم المؤلفین ۲ : ۲۶۲) .

* برلین ۳۳۸۲ .

۱۷۰ - تقی‌الدین ابوالمحاسن ابوبکر بن علی بن عبدالله بن الحجة حموی از راری حنفی ادیب (۷۶۷ - ۸۳۸) در ثمرات الاوراق خود «قص و ملح عن المغنین» دارد (چاپ ۱۸۹۲ در هاشم محاضرات راغب) (معجم المؤلفین ۳ : ۶۷) .

* برلین ۸۳۸۲/۳ .

* گوتا ۲۱۳۳ .

۱۷۱ - غرس‌الدین خلیل بن شاهین شیخی صفوی طاهری مقدسی طرابلسی فقیه مفسر مورخ ادیب (۸۱۳ - ۸۷۳) در زبدة کشف الممالک فی بیان الطرق والمسالك که در دوازده باب است (چاپ بولس راویس در ۱۸۹۴) از «الطبلخانه» سخن داشته است . این کتاب اختصار کشف الممالک خود اوست و درباره مصر است (ریحانة الادب ۶ : ۳۷ - معجم المؤلفین ۴ : ۱۲۰) .

* فهرست پاریس دسلان ۳۱۹ و ۳۹۶ و ۴۹۶ .

۱۷۲ - امام احمد بن یحیی ابن المرتضی یمنی زبیدی (۷۷۵ - ۸۴۰)

۱۶۷ - ع ۹۷۰

۱۶۸ - ف ۲۹۷ ، ع ۹۵

۱۶۹ - ف ۲۹۸ ، ع ۴۶۶

۱۷۰ - ف ۲۹۹ ، ع ۷۶۳

۱۷۱ - ع ۹۵۳

۱۷۲ - ع ۹۰۶

کتاب القمر النوار فی الرد علی المرخصین فی الملاحی والامزار دارد (معجم المؤلفین ۲ : ۲۰۶) .

* آمبروزیانا مجموعه ۳۹۹ در ۴ برگ .

۱۷۳ - تتی الدین ابوالعباس احمد بن علی بن عبدالقادر بن محمد حسینی متریزی مصری مورخ محدث (۷۶۹ - ۸۴۵) ازالة الثعب والعناء فی معرفة حال الغناء دارد . از آن آنچه مانده است وستنفلد با البیان والاعراب عما بارض مصر من الاعراب او در گوتینگن در ۱۸۴۷ چاپ کرده است . در این چاپ بیانی که مؤلف درباره ابن سریج مغنی امویان در هاشم دارد و به خط او است فراموش شده است .

* عنوان (به خط مؤلف) و ص ۱ این رساله در برگ ۲۰۳ ر و پ نسخه ش ۲۴۰۸ لیدن مانده است .

۱۷۴ - حسن بن المزق الانصاری المقر القضائی البدری را «فائدة فی ترتیب الانغام علی الايام والبروج» مورخ ۸۴۹ که مانند کار کندی است (بروکلن ذیل ۲ : ۱۰۳۵) .

* قاهره ۵۰۶/۷ ف ج (نشرة ۱۹) .

۱۷۵ - محیی الدین ابو محمد محمد بن عبدالحمید لاذقی موسیقی دان منطقی و مؤلف زبدة البیان فی المنطق (در گذشته تردیک ۹۰۰) به نام بایزید بن محمد خان عثمانی (۸۸۶ - ۹۱۸) و در آغاز فتوح او گویا در ۸۹۰ الرسالة الفتحیة فی الموسیقی را که از متوسطات است ساخته است و آن دو تحریر دارد مطول و مختصر ، در یک مقدمه و دو طرف است ، و از آن بر می آید که موسیقی ایرانی و ترکی در موسیقی عربی اثر کرده است . بحثهای آن مانند شرفیه است و از جامع الالحن عبدالقادر مراغی گرفته شده است . سیدی منوبی سنوسی آن را به فرانسه در آورده است (ج ۴ در لائره چاپ ۱۹۳۹ پاریس) .

* نسخه تکیه خالیدیة بغداد ش ۲۱۲۹ که اکنون در «مکتبة الاقاف العامة

ببغداد» است ش ۵۵۰۴ (طلس ۳۳۶) وانستانس کرملی در المشرق بیروت سال ۱۹۰۱ س ۴ ص ۸ - ۴۷۶ آن را شناسانده است و آن در ۱۱۹۱ نوشته شده و غلط بسیار دارد .

* آستان قدس رضوی مشهد ش ۱۴۲ ریاضی (۳ : ۳۴۴) نسخ مصطفی

مکی در ۹۵۷ در ۱۳۷ گ ۱۴ س وقف عضد الملک .

* معهد الفنون الجمیلة ببغداد (عکسی) .

۱۷۳ - ف ۳۰۶ ، ع ۶۵۳ ، مل ۶۳ .

۱۷۴ - ف ۵ و ۳۰۲ ، ع ۹۱ ، مل ۶۴ .

۱۷۵ - ف ۳۱۷ و ۳۱۸ ، ع ۲۸۸ و ۲۸۹ .

- * متحف عراقى بغداد ش ١١٢٥ .
- * قاهره ٧ و ٣٦٤ ف ج و ٢١ د ب م .
- * تكيه خالديه الاوقاف الاسلاميه در حلب (كتابخانه احمدديه) ش ١٢٠٦
- مورخ ٨٩٠ .
- * مسجد زيتونه تونس در ١٠٧ برگ بي تاريخ .
- * موزه بريتانيا Or. 6629 در ٨٨ برگ .
- * مولوى خانه ينى قاپو در استانبول (دائرة المعارف موسيقى لاوينياك
Lavignac ٥ : ٢٩٧٩) .
- * نور عثمانيه ٣٦٥٥ (فارمر) .

چنين است :

آغاز : بسمله . الحمد لله الذى اذا قنا حلاوة الحان عنادل ورد جماله فى دوائر روضات الغبراء بكمال قدرته ورافته وبعد فيقول العبد الفقير محمد بن عبد الحميد اللادقى الحقيير غفر ذنوبهما بلطف الغفار وستر عيوبهما بستر الستار الخبير لما رايت ان اشرف الرياضيات هو العلم الموسوم بالموسيقى بين الوضيع والرفيع من عباد الخالق الحقيقى ولم يكن فى زماننا هذا مورده صافيا عن التهاب الاكباد الى الوقوف على سينه وشينه والعشور على غنه وسمينه بناء على وقوعه فى ايدي جماعة لا يرتفع غشاوة التعصب عن بصائرهم حتى يرسم حقايقه ورقايقه فى طبائعهم وضمائرهم يحومون فى تحقيقه حول القيل والقال فلا ينكشف لهم وجوه حقيقة الحال عن قناع المقال بعثنى صدق الهمة الى ان اجمع فوائد الافكار عن مطارح الانظار واحرار رسالة جامعة لغير فوائده ونكت مسائله عن قدماء الحكماء الاخيار وحاوية لجميع انواع الايقاع المستعمل والالحان على سبيل الايجاز المستحسن عند الاشراف والاعيان خدمة لسدة من انسد بهيبته هجوم الكفرة والمشركين ان هو الا لهو الفضل المبين السلطان بن السلطان بن السلطان بايزيد خان بن سلطان محمد خان ورتبه على مقدمة و طرفين اما المقدمة ففيها فصول ثلثة .

الفصل الاول فى امور ستة منها تعريف الموسيقى وما يستدعيه تعريفه ومنها موضوعه ومنها واضعه ومنها غايته ومنها شرفه ومنها وجه تسميته .

الفصل الثانى فى المبادئ الطبيعية .

الفصل الثالث فى المبادئ العددية والهندسية .

الطرف الاول فى علم التأليف وفيه خمس مقالات :

المقالة الاولى فى تقسيم الدساتين ومباحث الابعاد الملايمة ونسبها المستخرجة

من مقادير اوتارها .

المقالة الثانية فى اضافات الابعاد بعضها الى بعض وفضلها وتنصيفها وتثليثها

و تریبها .

المقالة الثالثة في التأليف الملايم من الابعاد الصغار اللحنية واسباب التنافر .
المقالة الرابعة في الادوار المشهورة . .
المقالة الخامسة في الالحن المستعملة . . .
الطرف الثاني في علم الايقاع وفيه ثلاث مقالات .

انجام : وان كان بالعكس يسمى قبل . تمت الرسالة الفتحية (آستان قدس) .
همچنین از اوست زين الالحن في علم التأليف والاوزان كه در ۸۸۸
ساخته است .

* نورعثمانيه ۳۶۵۵ (عزاوی) .

* قاهره ۳۵۰ ف ج (عكس همان نسخه) .

آغاز : الحمد لله المنفرد بتأليف النغمات الشهية (نورعثمانيه) .

عزاوی ص ۶۴ - فارمر در Oriental Studies mainly musical

ص ۲۱ - بروکلن ۲ : ۵۹۵ و ذیل ۲ : ۶۶۷ و ۳ : ۱۲۶ - مكتبة الاقاف العامة
تاریخها ونوادرمخطوطاتها ص ۱۸۹ ش ۱۹ - معجم المؤلفين ۱۰ : ۱۳۱ - ش ۲۱ / ۵۵۳۶
برلین) .

۱۷۶ - شهاب (بهاء) الدين ابو الفتح محمد بن احمد كاتب ابشيهي محلي

شافعي اديب واعظ (۷۹۰ - ۸۵۰) در المستطرف من كل فن مستظرف خود از اصوات
والحن وغناء وقينات واغاني سخن داشته است (چاپ ۱۲۷۷ قاهره ۲ : ۳۷۲ - ۴۱۵) .
ژ . رات G. Rat آنرا به فرانسه برگردانده و در پاریس در ۱۸۹۹ -
۱۹۰۲ چاپ کرده است (معجم المؤلفين ۹ : ۲۲) .

* برلین ۸ - ۸۳۸۷ .

* پاریس ۸۲ - ۳۳۶۹ .

۱۷۷ - خضر بن عبدالله شاگرد حاجی علی در زمان سلطان مراد بن محمد بن

بایزید (۸۲۴ - ۸۵۵) الادوار به ترکی ساخته است که باید ترجمه ادوار ارموی باشد .
* لنینگراد ، دانشکده خاورشناسی دانشگاه ش ۳۷۳ در ۱۰۷ برگ
نوشته ۹۳۰ (فهرست محفوظ) .

شکرالله احمد اوغلی آماسیه ای در آغاز سده نهم هم آنرا به ترکی در آورده

و ۲۱ فصل بر آن افزوده است و آن در مجله مصور شهبال چاپ شده است .

دانشمندان آذربایجان ص ۳۳۶ - فهرست دانشگاه ۳ : ۱۰۷) .

۱۷۶ - ف ۳۰۸ ، ع ۴۵۹ .

۱۷۷ - ع ۱۱۲ .

۱۷۸ - شمس‌الدین محمد بن حسن بن علی بن عثمان نواجی قاهری ادیب شاعر (۷۸۸ - ۸۵۹) در حلبة‌الکمیة خود که در خمریات است و در ۸۲۴ ساخته است «وصف الاغانی و آلات الملاهی» گذارده است (ص ۱۷۷ - ۲۰۴ چاپ ۱۳۵۷ هـ ۱۹۳۸ قاهره).

در بولاق بسال ۱۲۷۶ (۱۸۵۹) و در قاهره بسال ۱۳۰۰ (۱۸۸۲) هم چاپ شده است (معجم المؤلفین ۹ : ۲۰۳).

* برلین ۳ - ۸۳۹۲ .

* پاریس ۳۳۹۳ تا ۳۴۰۰ .

۱۷۹ - آق شمس‌الدین محمد شاه چلبی بن محمد بن حمزه رومی فناری دانشمند فیلسوف عارف (۷۵۱ - ۷۳۴) در علم شصت و پنجم انموذج العلوم خود که کوچک است گزیده‌ای از جامع‌العلوم فخرالدین رازی را گذارده است .

* برلین ۷۱ .

* وین ۱۱ برگ ۲۰۱ - ۲۰۲ .

نیز از اوست رسالة فی رقص الصوفیة . (معجم المؤلفین ۹ : ۲۷۲) .

۱۸۰ - جمال‌الدین ابوالحسن یوسف بن تغری بردی بن عبدالله طاهری قاهری حنفی مورخ (۸۱۳ - ۸۷۴) را حلیة الصفات فی الاسماء والصناعات است (ریحانة الادب ۵ : ۲۷۹ - معجم المؤلفین ۱۳ : ۲۸۲) .

* انستیتوی مردم آسیا در آکادمی لنینگراد C 37 .

۱۸۱ - شهاب (زکی) الدین ابوالطیب (العباس) احمد بن محمد بن علی بن حسن بن ابراهیم انصاری خزرچی حجازی شافعی ادیب شاعر (۷۹۰ - ۸۷۵) در فصل ششم روض‌الادب خود که در ۸۲۶ ساخته است «اخبار الاغانی والحظایا والندماء» گذارده است ، چاپ بی‌تاریخ بمبئی (معجم المؤلفین ۲ : ۱۲۹) .

* قاهره ۱۴۳۷ ادب .

* لیدن ۴۳۸ الف .

* موزه بریتانیا Or. 3843 گ ۱۹۰ - ۱۹۸ .

* وین ۴۰۰ .

۱۷۸ - ف ۳۰۹ ، ع ۹۷۶ .

۱۷۹ - ف ۳۱۰ ، ع ۲۵۲ و ۱۷۴۲ آ .

۱۸۰ - ف ۳۱۱ ، محفوظ ص ۲۱۲ .

۱۸۱ - ف ۳۱۲ ، ع ۵۲۳ ، مل ۶۵ .

۱۸۲ - صفی‌الدین ابوالموهّب ابو عبدالله محمد بن احمد بن محمد بن داود بن سلامة یزتینی تونس‌ی قاهری مالکی وفائی شاذلی صوفی شاعر معروف به ابن زغدان (۸۲۰ - ۸۸۱) فرح‌الاسماع برخص‌الاسماع دارد که در لکنو بسال ۱۸۹۹ چاپ شده است (معجم‌المؤلفین ۹ : ۵) دیوان او هم موشحات و ادوار است .

* بادلیان ۲۸۷/۱۲ پوکوک (فهرست اوری) .

* برلین ۵۵۱۴ مورخ ۹۷۱ .

* پاریس ۲۱۳۸ .

* قاهره ۲۲۵/۱ م بنام قرع‌الاسماع مانند چلبی .

دیوان او در قاهره (۹۲ ادب) است و مورخ ۸۹۰ .

۱۸۳ - برهان‌الدین ابراهیم بن عمر بن حسن الرباط خرباوی بقاعی قاهری دمشقی شافعی دانشمند مفسر محدث مورخ (۸۰۹ - ۸۸۵) بیان‌الاجماع علی‌منع الاجتماع فی بدعة الغناء والاسماع دارد (برلین ۱۹/۵۵۳۶ - معجم‌المؤلفین ۱ : ۷۱) .

۱۸۴ - ابو حامد محمد بن عبدالرحمن مقدسی مصری شافعی (در گذشته ۱۸۹۳) تشنیف‌الاسماع فی تلخیص‌الامتاع باحکام‌الاسماع لکمال‌الدین ابی‌الفضل جعفر ابن ثعلب‌الادفوری الشافعی دارد که گزیده است و مانند اصل آن در یک مقدمه و دو باب است .

(هدیه‌العارفین ۲ : ۲۱۵ - معجم‌المؤلفین ۱۰ : ۱۵۶)

۱۸۵ - قطب‌الدین ابوالخیر محمد بن محمد بن عبدالله بن خضر خیضری زبیدی بلقاوی ترملی دمشقی شافعی محدث حافظ اصولی فقیه مورخ (۸۲۱ - ۸۹۴) رساله فی‌الاسماع دارد .

(برلین ۲۰/۵۵۳۶) .

۱۸۶ - شهاب‌الدین العجمی (اواخر سده ۹) رساله فی‌الانغام دارد (ذیل بروکلن ۱ : ۹۰۷) .

* برلین ۵۵۳۴ .

* پاریس ۱۸۶۵ .

* دانشگاه قدیس یوسف بیروت ۲۲۰/۱ .

۱۸۲ - ف ۳۱۶ ، ع ۴۸۱ و ۹۰۲ و ۹۰۹ ، مل ۶۷ .

۱۸۳ - ف ۳۱۴ ، ع ۹۱۸ ، مل ۶۶ .

۱۸۴ - ع ۹۰۷ .

۱۸۵ - ف ۳۱۵ ، ع ۹۲۵ ، مل ۶۷ .

۱۸۶ - ع ۲۱۴ .

۱۸۷ - کشف الهموم والكرب فی شرح آلات الطرب . در ترکیب آلات موسیقی از عود و چنگ ایرانی و مصری و سنطیر یا قانون سوریانی ها و شبابه و شعبیه و رباب و کمانچه و دف و غربال و موسیقا ، گویا در مصر تألیف شده باشد . در آن از سخنان تقی الدین محمد بن ابی عبدالله حسن فارابی و احمد بن محمد بن ایوب خرازی آورده شده است .

* طوپ قپوسرای A 3465 (فهرست عربی ۳ : ۸۸ ش ۷۴۲۴)
در ۱۸۶ گ و در کتابخانه سیف الدین ابوبکر بن منقیغای ایوبی نوشته شده است .

* قاهره ۱ ف ج (نسخه عکسی از همان یکی) .

۱۸۸ - فتح الله بن ابی یزید بن عبدالعزیز بن ابراهیم شیروانی شافعی ادیب ریاضی فقیه مؤلف تفسیر آیه الکرسی و شرح المراح و شرح الارشاد فی النحو و شرح التذکره النصیریة و زنده در ۸۸۰ رساله فی علم الموسیقی دارد به عربی که بنام سلطان محمد ثانی فاتح بن مراد عثمانی در یک مقدمه و دو قسمت در موسیقی نظری ساخته است . در آن از آواز و وتر و بعد و جنس و نوع و جمع و مقامات و آوازه ها و شعب و از اخلاق و ایقاع و تألیف بحث شده و از فارابی و ابن سینا و ارموی و شارح الادوار و ابن الغیبی المراغی نقل شده و گرفته از شفاء و ادوار و شرفیه است و مقاصد الالحان .

سیدی منوبی سنوسی آن را به فرانسه در آورده (در لائره ج ۴ چاپ ۱۹۳۹ پاریس) .

(هنر و مردم ۹۴ : ۳۴ - معجم المؤلفین ۸ : ۵۴ - E I ضمیمه ص ۵۴ - محمد بهجة الاثری دیباچه کتاب النغم ص ج) .

* طوپ قپوسرای A 3449 در ۹۴ برگ (ش ۷۴۲۸ ص ۸۸۲ ج ۳)
در ۹۴ برگ .

* موزه بریتانیا Or. 3261/9 گ ۱۶۸ - ۲۱۹ در ۵۲ گ (ریو ص ۵۶۰ ش ۸۳۳) .

آغاز : الحمد لله الذی فضلنا علی کثیر من عباده المؤمنین و آتانا من کل شیء ان هذا هو الفضل المبین . . . اما بعد فانی ایها المتوخی فی مسارح الانظار ما یروفاک حلاوته المتحرری فی مطارح الافکار ما یشوقک طلاوته . . . و اما القسم الاول فی التألیف . فصل فی تعریف النغمة وما یشتمل علیه تعریفها . النغمة صوت لاث زمانا محسوساً . . . فصل فی النغمات التي دار الالحان علیها . . .

۱۸۷ - ف ۳۱۹ ، ع ۳۶۹ ، مل ۶۹ .

۱۸۸ - ف ۳۲۰ ، ع ۳۱۵ ، مل ۷ .

و اما القسم الثانی فی الايقاع . فی تعريف الايقاع و ما يتعلق بتعريفه قال
صفي الدين . . .

انجام : فهذا آخر ما اردت ايراده في هذه المجلة والحمد لله اولاً و آخراً .

۱۸۹ - علي بن غانم بقاعي خطيب شافعي تنبورنواز (درگذشته ۹۱۳) را

الخصيف النجدي است .

(كتاب تاريخ مصر چاپ قاهره در ۱۳۱۱) .

۱۹۰ - جمال الدين محمد بن عمر بن مبارک بن عبدالله بن علي بحرق حميري

حضر مي شافعي دانشمند اديب صوفي (۸۶۹ - ۹۳۰) متعة الاسماع باحكام السماع

دارد در چهار فصل برگزيده از الامتاع باحكام السماع كمال الدين جعفر بن ثعلب

تغلبی ادفوی (ش ۲۶۹ ف) ، تيفاشی هم (۲۴۱ ف) كتابی بدین نام دارد

(معجم المؤلفين ۱۱ : ۱۹) .

* برلين ۵۵۰۸ .

* پاریس ۲۰۳۹ (بلوشه) .

چنين است فصول آن :

۱ - فی انشاد الشعر واستنشاده ومنه الحداء وفيه احاديث .

۲ - فی حكم الغناء بغير آلة بمجرد الصوت .

۳ - فی آلات الطرب .

۴ - فی اجتماع آلات اللهو .

۱۹۱ - جمال الدين اسحاق قراماني مفسر صوفي اديب درگذشته ۹۳۰ یا

۹۳۳ یا ۹۳۴ رساله فی دوران الصوفيه ورقصهم دارد .

۱۹۲ - شيخ الاسلام ابن كمال پاشا شمس الدين احمد بن سليمان بن كمال پاشا

مفتی الثغلین رومی حنفی دانشمند (درگذشته ۹۴۰) رساله فی رقص الصوفیه

نگاشته است .

(معجم المؤلفين ۱ : ۲۳۸ و ۱۳ : ۳۵۹) .

۱۹۳ - محمد بن مراد ارمنکی ، رساله فی تحریم الذکر جهرا و الرقص

والسماع در ۹۵۰ ساخته است .

* بلديه ۱۳/۵۲۲۷ ج مورخ ۱۱۱۸ (فهرست مخطوطات المصورة

۱ : ۱۶۰) .

۱۸۹ - ف ۳۲۱ .

۱۹۰ - ف ۳۲۲ ، ع ۹۲۴ .

۱۹۱ - ع ۷۵۰ ب .

۱۹۲ - ع ۷۴۲ ب .

۱۹۴ - ابوالحسن علی بن احمد بن محمد کیزوانی حموی شاذلی صوفی شاعر (۸۸۸ - ۹۵۵) کشف القناع عن وجه السماع دارد . (معجم المؤلفین ۲۸ : ۷) .

* برلین ۵۵۱۶ از سده ۱۲ .

* رباط ۱۱۴۵ .

* واتیکان ۸۸۱ (فهرسترسی) .

۱۹۵ - عبدالواحد ابومحمد بن احمد بن یحیی ونشریشی فاسی فقیه ادیب

(۸۸۰ - ۹۵۵) منظومه فی الطبايع والطبوع والاصول سروده است به وزن طویل

(کناش الحائک قسم ۴) فارمر آنرا با ترجمه انگلیسی در JRAS بسال ۲-۱۹۳۱

و در مجموعه کتاب الشرقین عن الموسیقی نشر کرده است . آنرا به لسان الدین خطیب هم نسبت داده اند .

* قاهره ۲۰۹ .

* مادرید ش ۳ مجموعه اشعار عربی ش CCC XXXIV (ص ۱۴۵)

فهرست مادرید) که در آن رساله فی غناء العرب است وهمین منظومه

والروضة الغناء و اصول الغناء به نظم عربی بدینگونه : « الحمد لله الذی

اسبغ علينا نعمه » .

۱۹۶ - الروضة الغناء و اصول الغناء گویا از سده نهم .

* مادرید ۳۳۴/۵ (ص ۱۴۵ فهرست) .

۱۹۷ - شیخ ابراهیم بن محمد بن ابراهیم حلبی رومی فقیه ادیب مفسر

(در گذشته ۹۵۶) را الرهص والوقص لمستحل الرقص است (برلین ۲۲/۵۵۳۶ -

فهرست المخطوطات المصورة ۱ : ۱۶۵ - معجم المؤلفین ۱ : ۸۰) .

* بلدیة ۶/۵۱۹۱ ج مورخ ۱۰۷۸ .

* قاهره ۶۸۰ مجموعه تیموریه .

۱۹۸ - عصام الدین ابوالخیر احمد بن مصلح الدین مصطفی بن خلیل طاش

کبری زاده رومی دانشمند مورخ (۹۰۱ - ۹۶۸) در مفتاح السعادة ومصباح السیادة

که دارای ۱۴۰ فن و علم است از موسیقی سخن داشته است (ص ۱ - ۳۱۰ ج ۱

چاپ ۱۹۱۰ دکن) .

رشر Rocher آن را در استانبول بسال ۱۳۴۶ به آلمانی ترجمه کرده

۱۹۴ - ع ۹۳۸ .

۱۹۵ - ف ۳۲۶ ، ع ۲۹۱ و ۳۴۸ و ۳۵۸

۱۹۷ - ف ۳۲۳ ، ع ۷۴۶ .

۱۹۸ - ف ۳۲۷ ، ع ۲۰۳ .

است . ترجمه ترکی آن از کمال‌الدین محمد پسرش در استانبول بسال ۱۳۱۳ بنام
مشکات‌العلوم چاپ شده است (معجم‌المؤلفین ۲ : ۱۷۷ و ۱۳ : ۳۷۰) .

* لیدن ۱۸ .

* وین ۱۶ .

۱۹۹ - زین‌العابدین محمد بن محمد غمری سبط المرصفی (درگذشته
۹۶۵) را الاجوبة‌المسکته عن مسائل السماع‌المبته است (معجم‌المؤلفین ۱۱ : ۲۵۷) .
* قاهره ۷۰۴/۳ تصوف .

۲۰۰ - شهاب‌الدین ابوالعباس احمد بن محمد بن علی بن حجر هیتمی
شافعی فقیه محدث (۹۰۹ - ۹۷۳) را کف‌الرعا عن محرمات‌اللهو والسماع فی
الرد علی ابن زغدون است که درهامش الزواجر عن اقتراف‌الکبائر در قاهره در
۱۲۸۴ چاپ شده است ، نیز در مطبعة میمنیه در ۱۳۱۰ و در ۱۳۲۵ و ۱۳۳۱
(معجم‌المؤلفین ۲ : ۱۵۲) .

* آمبروزیانا (میلان) ۲۸۹ د در ۴۰ برگ .

* برلین ۵۵۱۷ مورخ ۱۰۷۶ .

* موزه بریتانیا Or 3854 گ ۳۱ - ۸۶ .

فهرست بابهای آن در فهرست برلین آمده و از آن برمیآید که در این کتاب
از افزارهای موسیقی ورقص و بازیهای گوناگون بحث شده است .

۲۰۱ - سنبل سنان سنان‌الدین یوسف بن یعقوب مرزیفونی قسطنطینی
خلوتی (درگذشته ۹۸۹) را الرسائل‌الحقیة لطلاب‌الایقان فی رقص‌الصوفیة
است و رساله فی جواز‌السماع و دوران‌الصوفیة (معجم‌المؤلفین ۱۳ : ۳۳۵ -
هدیه‌العارفین ۲ : ۵۶۴) .

۲۰۲ - شمس‌الدین محمد بن علی بن محمد بکری صدیقی (درگذشته
۹۹۴) معاهد‌الجمع فی مشاهد‌السمع دارد (۵۵۳۶/۲۳ برلین) .

۲۰۳ - بابلی ازسده ۱۰ «رساله فی الموسیقی» دارد و به نثر مسجع در
مجموعه ش ۲۴۸۰ پاریس که در آن دوپاره دیگر از نثر مسجع است نشان دهنده
احساسات به وسیله مقامات گوناگون موسیقی (گ ۱۹ پ) .

۱۹۹ - ف ۳۲۸ ، ع ۹۲۷ .

۲۰۰ - ف ۳۲۹ ، ع ۸۹۹ .

۲۰۱ - ع ۷۴۸ آ .

۲۰۲ - ف ۳۳۰ ، ع ۹۱۹ .

۲۰۳ - ف ۳۲۵ و ۳۳۳ ، ع ۴۸ .

- ۲۰۴ - شیخ ناصرالدین العجمی از سده ۱۰ ارجوزة فی الانغام سروده است (بروکلن ذیل ۲ : ۱۰۳۶) .
- * قاهره ۵۰۹/۲ ف ج ، نسخه عکسی (نشره ۲) .
- ۲۰۵ - مظفر بن الحسین بن مظفر حصکفی (حصنی) موسیقی دان از سده ۱۰ که بنام الموسیقی الحصنی هم شناخته شده است ، رساله الکاشف فی علم الانغام یا رساله الکشاف فی علم الانغام یا الکاشف فی الغناء دارد که کتاب کوچک متداولی است (بروکلن ذیل ۱ : ۹۰۷ و ۲ : ۱۰۳۶) .
- * دانشگاه برسلو ۲۳۱ .
- * بریل از شهر مدینه ۴۱۸ .
- * گوتا ۱۳۵۰/۸ و ۱۳۵۳/۱۰ .
- * منچستر از جان زایلند ز ۶۷۶ .
- ۲۰۶ - علی بن ابی الوفاء از سده ۱۰ «فی الموسیقی» دارد .
- * پاریس ۲۴۸۰ .
- ۲۰۷ - کتاب فی علم الموسیقی کتابی است بزرگ که در آن از برخی از انواع موسیقی مانند نوبت و نوح و سوگواری و موشح و دور و سلسله و دولاب بحث شده است .
- * وین ۱۵۱۷ در ۱۴۹ گک .
- ۲۰۸ - نصیرالدین جامی از سده ۱۰ ، ارجوزة فی الانغام دارد .
- * قاهره ۵۰۹ ف ج (عکسی) .
- در این کتابخانه «ارجوزة فی الانغام» دیگری هم هست ش ۵۰۶ ف ج (عکسی) .
- ۲۰۹ - انطاکی داود بن عمر پزشک (در گذشته ۱۰۰۸) در تذکره اولی الالباب و الجامع للعجب العجاب در جزو سوم از موسیقی دانها و عود و غناء یاد کرده است . (ص ۵۶ - ۶۱ چاپ ۱۲۸۲ بولاق نیز چاپ ۱۲۹۴ قاهره و ص ۳۶ - ۳۸ چاپ ۱۳۵۶) .
- این جزو را گفته اند که از یکی از شاگردان اوست .

- ۲۰۴ - ع ۱۴ .
- ۲۰۵ - ف ۳۳۲ ، ع ۹۴ .
- ۲۰۶ - ف ۳۳۴ ، ع ۲۲۸ .
- ۲۰۷ - ف ۳۳۵ ، ع ۳۶۶ .
- ۲۰۸ - ف ۳۳۶ و ۳۳۷ ، ع ۳۵۱ .
- ۲۰۹ - ف ۳۳۱ ، ع ۳۷۵ .

- * پاریس ۳ - ۳۰۳۱ .
- * لیden ۱۳۷۹ .
- * مونیخ ۷ - ۸۳۶ .
- * موزه بریتانیا Or. 1350 .
- * هند ۷۸۹ .
- * هونت ۴۵۵ .

۲۱۰ - ملاعلی بن سلطان محمد هروی قاری درگذشته ۱۰۱۴ را دو

رساله است :

یکی بنام رساله فی السماع و الغناء که فتح الاسماع فی شرح السماع هم خوانده میشود .

* برلین ۵۵۱۹ (لندبرگ ۳/۳۰۰ گ ۱۳۵ ر - ۱۴۴ ر) مورخ ع
 ۱۲۱۲/۲ ، نسخه دیگر آنجا در لندبرگ ۲۹۵/۶۵ است در برگ
 ۵۱۴ - ۵۲۷ و بنام فتح الاسماع فی شرح السماع .
 * قاهره ۹۱/۲۷ (فهرست نخستین ۷ : ۱۳۳ - نشرة ۲۰) .
 دومی بنام الاعتناء بالغناء .

* بلدیة ۱/۵۱۹۱ ج مورخ ۱۰۸۷ .
 * برلین ۵۵۱۸ (لندبرگ ۲۹۵/۶۴ گ ۵۰۶ - ۵۱۳) مورخ
 ذق ۱۱۷۵ .
 * مونیخ ۸۸۶ .
 * رامپور ۷۱۷ (۱ : ۱۹۷) .

۲۱۱ - ملازاده محمد امین بن صدر امین شروانی قسطنطینی دانشمند
 درگذشته ۱۰۳۶ در الفوائد الخاقانية الاحمد خانية (الاحمدية) که دائرة المعارف
 وموسوعه ایست در ۵۳ علم و هنر و آنرا در ۱۰۲۳ ساخته است از موسیقی سخن داشته
 است (معجم المؤلفین ۹ : ۷۳) .

* قاهره ۴ : ۱۷۶ .
 * نورعثمانیه ۳ - ۴۱۳۲ (دونسخه) .
 * وین ۲۰ مورخ ۱۰۲۵ .

۲۱۲ - شیخ بهاء الدین محمد عاملی (۹۵۳ - ۱۰۳۰) در کشکول خود
 (ص ۲۱۰ چاپ ۱۳۰۵ قاهره) از علم الموسیقی و جواز تعلیم و تعلم نظری آن یاد

- ۲۱۰ - ف ۳۳۸ و ۳۳۹ ، ع ۶۶۹ و ۹۴۱ و ۹۴۲ .
- ۲۱۱ - ف ۳۴۱ ، ع ۱۷۶ .
- ۲۱۲ - ف ۳۴۰ ، ع ۵۳ .

کرده است (چاپهای ۱۲۶۵ تهران و ۱۲۹۶ ایران (ص ۲۶۶) و ۱۲۸۸ بولاق و ۱۳۰۵ قاهره و ۱۳۰۸ بمبئی) .

* دیوان هند ۴۰ - ۸۳۴ .

* وین ۴۲۱ (معجم المؤلفین ۹ : ۲۴۲) .

۲۱۳ - محیی‌الدین ابومحمد عبدالقادر بن محمد ابن القزیب البان‌حموی قاهری حلبی ادیب شاعر صوفی و نقیب حلب (۹۷۱ - ۱۰۴۰) ناقوس الطباع فی اسرار السماع دارد (معجم المؤلفین ۵ : ۳۰۱) .

۲۱۴ - اسماعیل بن احمد بیرامی مولوی روخی انقروی از درویشان مولوی (درگذشته ۱۰۴۲) رساله حجة السماع فی حل السماع الغناء (برلین ۵۵۲۰) و رساله فی رقص الصوفیة (معجم المؤلفین ۲ : ۲۵۹) دارد .

۲۱۵ - شهاب‌الدین ابوالعباس احمد بن محمد مقرئ تلمسانی فاسی مالکی اشعری (۹۹۲ - ۱۰۴۱) مورخ بزرگ اندلس و مغرب که در نفع الطیب من غصن الاندلس الرطیب خود از بسیاری از موسیقی‌دانها و از موسیقی و از زریاب مغنی اندلسی یاد کرده و از نویسندگان پیشین بویژه شکندی درگذشته ۶۲۹ نقل کرده است .

(چاپهای لندن در ۶۱ - ۱۸۵۵ - و بولاق در ۱۲۷۹ و قاهره در ۱۳۰۲) .
پاره‌ای از آن در ۴۳ - ۱۸۴۰ به انگلیسی ترجمه شده است (معجم المؤلفین ۲ : ۷۸) .

۲۱۶ - ابوالحسن علی بن محمد حداد مصری در حدیقة المنادمة وطریقة المناسمة نوشته خود او در ۱۰۴۰ در باب بیست و نهم از «الجواری والقینات» سخن داشته است (معجم المؤلفین ۷ : ۱۹۰) .

* قاهره ۷۴ ادب مورخ ۱۰۴۰ گ ۷۴ - ۸۹ (مجله‌الکتاب ۱۹۴۷ قاهره س ۲ ج ۴ جزء ۷ ص ۱۰۵۹ - ۱۰۶۸) .

از اوست «التعلیق علی وصیة الادب المسمی بکشف القناع عن الفاظ شبهة السماع» .

* برلین ۳۰۶۷ .

۲۱۷ - عبدالقار بن محمد بن محمد قادری زنده در ۱۰۳۴ و درگذشته

۲۱۳ - ع ۹۰۴ .

۲۱۴ - ف ۳۴۲ ، ع ۷۴۴ و ۹۱۴ .

۲۱۵ - ف ۳۴۳ .

۲۱۶ - ف ۳۴۴ و ۳۴۵ ، ع ۲۹۳ و ۸۱۳ .

۲۱۷ - ف ۳۴۶ و ۳۴۷ ، ع ۲۵۷ و ۳۵۵ و ۹۳۴ .

- تزدیک ۱۰۵۰ رساله فی ذکر الانعام واصواتها دارد :
- * برلین ۵۵۲۸ مورخ تزدیک ۱۰۰۰ در ۵/۵ برگ .
- * گوتا ۳۹ گک ۶۵ پ - ۷۱ پ .
- نیز دائرة البحور والانعام .
- * قاهره ۵۰۹/۳ ف ج (عکسی) .
- نیز افقاع السماع لجواز الاسماع یا ایقاع السماع لجواز الاستماع که در فهرست برلین (۵۵۳۶/۲۴) از آن یاد شده است .
- گویا او همان عبدالقادر بن محمود قادری فلکی مؤلف رساله فی المیقات باشد که در ۱۰۵۰ آن را نوشته است (معجم المؤلفین ۵ : ۳۰۲ و ۳۰۴) .
- ۲۱۸ - بدرالدین سلیم بن محمد مالکی زنده در ۱۰۶۴ قوت الارواح فی احکام السماع المباح را ساخته است .
- * قاهره ۱۶۳ تصوف م خط مؤلف در ۱۰۶۴ .
- ۲۱۹ - حاجی خلیفه مصطفی بن عبدالله قسطنطینی (۱۰۱۷ - ۱۰۶۸) در کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون مورخ ۱۰۶۴ از کتب موسیقی و افزارهای آن سخن داشته است . این کتاب در لایپزیک با ترجمه لاتینی در ۵۸ - ۱۸۳۸ چاپ شده است ، چاپ قسطنطنیه و قاهره هم دارد ، بفارسی ترجمه شد و تعاریف آن به آلمانی درآمده است .
- (معجم المؤلفین ۱۲ : ۲۶۲ - بروکلن ۲ : ۴۲۸ و ذیل ۲ : ۶۳۶) .
- ۲۲۰ - عبدعلی بن ناصر بن رحمة حویزی بصری ادیب شاعر منشی شیعی فیلسوف موسیقی دان (زنده در ۱۰۵۳ و درگذشته ۱۰۷۵) کتاب الموسیقی دارد و آهنگ جام جم در مقام حسینی و ضرب خفیف ساخته او است . (معجم الموسیقی العربیة از حسین علی محفوظ ص ۱۲۸ و ۱۳۵ - معجم المؤلفین ۵ : ۲۶۶ - ذریعه ۱۷ : ۱۵۷) .
- ۲۲۱ - ابن النقیب ابن حمزه سید عبدالرحمن بن محمد بن محمد کمال الدین بن محمد بن حسین حسینی دمشقی ادیب شاعر (۲۸ ع ۱۰۴۸/۱ - ۸ ع ۱۰۸۱/۲) را قصیده فی طبقات الندماء و ارباب الغناء من المشاهیر است . (محفوظ ص ۱۳۹ - معجم المؤلفین ۵ : ۱۹۱) .
- ۲۲۲ - ابوالعباس احمد بن محمد بن الخیاط مورخ ادیب فقیه (زنده در ۱۰۹۰) مواهب الادب فی السماع و آلات اللهو والطرب دارد .

. ۳۴۸ - ۲۱۸

. ۳۴۹ - ۲۱۹

. ۹۰۱ - ۲۲۲

- (معجم المؤلفين ۲ : ۱۰۰) .
- ۲۲۳ - محمد باقر محقق سبزواری در گذشته ۱۰۹۰ را رسالة في الغناء است .
- * دانشگاه ۱۴/۳۵۱۴ بنديست. گویا از این رساله یا از کتابهای فقهی او .
- * دانشگاه ش ۲ فیلم ۳۶۵۳ از روی نسخه سده ۱۱ و ۱۲ .
- * سپهسالار ۱۳/۸۱۹۰ (۴ : ۱۰۶ و ۵ : ۳۵۲) .
- ۲۲۴ - محمد محسن فیض کاشانی در گذشته ۱۰۹۱ در رسالة الغناء خود آنرا رو داشته است (ذریعه ۱۶ : ۶۲) .
- همو در مفاتیح الشرایع از غناء سخن داشته است (محفوظ ص ۱۳۷ و ۲۱۲) .
- ۲۲۵ - ابوزید عبدالرحمن بن عبدالقادر بن علی فاسی فهری مالکی فقیه محدث ادیب (۱۰۴۰ - ۱۰۹۶) را رجزی بنام کتاب الجموع فی علم الموسيقى والطبوع است که در آن از ایقاع ولحن و کمیات و ابعاد واجناس و طبوع و طبایع سخن داشته است . رویهم هشت بند و صد و چهاربیت و مورخ ذ ح ۱۰۶۰ است .
- (معجم المؤلفين ۵ : ۱۴۵) .
- * ازهر دو نسخه .
- * برلین ۵۵۲۱ .
- فارمر پاره‌ای از آن را در روزنامه انجمن همایونی آسیایی سال ۲ - ۱۹۳۱ و در *An old moorish Lut tutor* در لندن بسال ۱۹۳۲ چاپ کرده و در مجموع کتاب الشرفین عن الموسيقى به انگلیسی در آورده است .
- ۲۲۶ - سید محمد ماجد بن ابراهیم حسینی بحرانی ادیب شاعر شارح نهج البلاغه وقاضی اصفهان وشیراز از سده ۱۱ ایقاظ النائین وایعاظ الجاهلین نگاشته است درباره غناء دریک مقدمه و دو مقصد (ذریعه ۲ : ۵۰۵ - روضات ۵۱۵) .
- ۲۲۷ - شیخ علی بن محمد بن حسن بن زین الدین شهید ثانی عاملی اصفهانی (۴ ، ۱۰۱۳ - ۱۱۰۳) را تنبیه الغافلین و تذکیر العاقلین است در رد رسالة محمد باقر محقق سبزواری در غناء .
- * دانشگاه ش ۱ فیلم ۳۶۵۳ از روی نسخه سده ۱۱ و ۱۲ .
- همو در الدر المنثور من الخبر الماثور و غیر الماثور غناء را تحریم کرده است .
- * دانشگاه ۶۵۵ (۵ : ۱۳۰۲) .
- * محفوظ ۱۵۵۴ (معجم الموسيقى العربية ص ۱۳۷ و ۲۱۱) .
- ۱۲۸ - در سده ۱۱ الاغانی الدروبشیه سروده شده که موشحات و سرودها

۲۲۵ - ف ۳۵۰ ، ع ۲۴۷ .

۲۲۸ - ف ۳۵۱ ، ع ۶۹۵ .

- و دور های شیوخ و دراویش در آن گرد آمده است .
- * موزه بریتانیا Or. 4219 از سده ۱۲ .
- ۲۲۹ - عسگر حلبی حنفی قادری از سده ۱۱ راح الجام فی شجرات الانعام ساخته که در موسیقی نظری است و در آن از استاد خود مصطفی البانیة یاد کرده است (ذیل بروکلن ۲ : ۱۰۳۵) .
- ۲۳۰ - شیخ احمد درویش برنسی مکی احمدی از سده ۱۱ را العقیده الدریشیة فی تحریر السبعة الفنون الادبیة است که در آن توشیح و دو بیت وزجل و موالیا و جزاینها آمده است .
- ۲۳۱ - عبدالغنی بن اسماعیل نابلسی (۱۰۵۱ - ۱۱۴۳) ایضاح البدالات فی جوار سماع الالات دارد که در مطبعة حنفیة دمشق در ۱۳۰۲ در ۶۶ ص چاپ شده است (معجم المطبوعات ۱۸۳۳) .
- * قاهره ۸۶۰ مجموعه تصوف .
- * متحف عراقی ۱/۹۰۳ .
- ۲۳۲ - محمد مرعشی ساجقلی زاده دانشمند ادیب در گذشته ۱۱۵۰ رسالة الرقص دارد (معجم المؤلفین ۱۲ : ۱۴) .
- * دارالکتب بالقزاق ۲۸۷۶ .
- ۲۳۳ - محمد افندی بن احمد بن محمود بن محمد گنجی ابن ابی العشرون زنده در ۱۱۵۰ را بلوغ المنی فی تراجم اهل الغناء است .
- * برلین ۷۴۲۷ .
- * طهریه فهرست عش ۳۰۳ .
- * کمبریج ذیل ۱۷۹ .
- و رشف النبیة فی تجرید التشیبه .
- * برلین ۷۲۸۶ .
- * قاهره دومین فهرست ۲ : ۲۰۱ .
- (بروکلن ۲ : ۴۴۸ و ذیل ۲ : ۶۶۷ - مجله علمی دمشق ۴ : ۵۷/۹) .
- ۲۳۴ - احمد بن عبدالرحمن قادری رفاعی مسلم موصلی در گذشته نزدیک ۱۱۵۰ الدرالنقی فی علم الموسیقی دارد که ترجمه گریده ایست از بهجة الروح

-
- . ۲۲۹ - ف ۳۵۲ ، ع ۲۵۸ .
- . ۲۳۰ - ف ۳۵۳ ، ع ۵۴۶ .
- . ۲۳۱ - ع ۹۴۰ .
- . ۲۳۲ - ع ۷۴۸ .
- . ۲۳۴ - ع ۳۶ و ۱۴۲ و ۵۸۴ ، دیباچه چاپی .

و در دیباچه آن را «المقامات العلیة مع الفروع والاوزان الاصلیة» خوانده و از استاد کامل عبدالؤمن بلخی و بدرخواست دوستی آن را به عربی در آورده است در یک مقدمه و سه باب و خاتمه است . آن را ترجمه الايقاع ارموی پنداشته اند . شکرالله ابن احمد اماسیوی در سده ۹ آن را به ترکی در آورده برخی از فصول این ترکی در مجلد اخیر مجله شهبال نشر شده است .

شیخ جلال حنفی آن را از روی نسخه دیوه چی و نقیب در ۱۳۸۴ (۱۹۶۴) در بغداد چاپ کرده است .

* احمد ناظم عمری موصلی .

* برلین ۵۵۲۳ مورخ ۱۲۰۰ .

* داود چلبی در موصل .

* سعید دیوه چی مدیر متحف موصل . گویا مورخ روز پنجشنبه ۱۴ ع ۱۲۷۰/۲ .

* عبدالغنی نقیب دار نجله السید - عبدالمطلب مورخ ۱۳۶۱ .

* مدرسه حیات موصل .

غزوی (ص ۳۳) از نسخه مورخ ۱۱۸۶ یاد میکند که شاید همان نسخه داود چلبی باشد .

در آن از نظم الطرب فی مقامات العجم والعرب از شمس الدین ابوالفضل یاد شده است .

۲۳۵ - مولی محمد اسماعیل بن محمد حسین مازندرانی خواجه یی اصفهانی در گذشته ۱۱ شعبان ۱۱۷۳ در رد محقق سبزواری رساله فی الغناء به عربی نوشته است (ذریعه ۱۶ : ۶۰) .

* ملك ۵۹۱/۱ .

۲۳۶ - محمد علی حزین زاهدی گیلانی لاهیجانی (۱۱۰۴ - ۱۱۸۱) فوائد السماع دارد .

* ملك ۴۰۵۷/۲۱ .

۲۳۷ - وجیه الدین عبدالرحمن بن مصطفی عیدروس حسینی یمنی شافعی دانشمند ادیب شاعر صوفی (۱۱۳۵ - ۱۱۹۲) تشنیف الاسماع ببعض اسرار السماع دارد (معجم المؤلفین ۵ : ۱۹۵) .

* قاهره ۳۲۲/۳ مجامیع .

۲۳۸ - ابوعلی محمد بن محمد بن عبدالرحمن غوثی تلمسانی مورخ زنده

۲۳۷ - ع ۹۳۰ .

۲۳۸ - ع ۹۵۶ .

- در ۱۱۹۳ (معجم المؤلفین ۱۱ : ۲۳۰) كشف القناع عن آلات السماع دارد که در الجزائر در مطبعة الجوردان در ۱۹۰۴ در ۱۴۳ ص چاپ شده است.
- ۲۳۹ - محمد بن الحسين حائك اندلسی از سده ۱۲ مجموع الاغانى الاندلسية دارد که بیشتر آن در مجموع الاغانى والالحن من كلام الاندلس گردآوری ادمند یاخیل در الجزائر در ۱۹۰۴ چاپ شده است .
- * موزة بریتانیا ۷۰۰۷ شرقی .
- * چلاوی پاشا در مراکش .
- ۲۴۰ - میرزا ابوالقاسم گیلانی قمی در گذشته ۱۲۳۱ رسالة في الغناء نگاشته است (ذبیعة ۱۶ : ۶۲) .
- ۲۴۱ - سید محمد کاظم رشتی (۱۲۱۲ - ۱۲۵۹) رسالة في الغناء به درخواست واعظی اصفهانی به فارسی نگاشته است .
- * ملك ۳/۳۰۴۸ .
- ۲۴۲ - سید محمد جعفر پسر آقا بزرگ محمد حسین پسر میرزا محمد مهدی موسوی شهرستانی در گذشته ۱۲۶۰ را رسالة وجيزة في الغناء است در سه مقام به عربی در رد فیض کاشانی .
- * دانشگاه ۱۱۱۱/۳ (۱۸۹۶ : ۵) .
- ۲۴۳ - شیخ ابویحیی مصطفی بن رمضان بولاقی برلسی مصری ازهری مالکی فقیه ریاضی دان مفتی مدرس (۱۲۱۵ - ۱۲۶۳) السيف اليماني لمن قال بحل سماع الالات و الاغانى يا السم القاتل للمغنى المتساهل دارد که در هامش «الحصن والجنة على عقيدة اهل السنة» از شیخ محمد بن یوسف کافی در مصر در ۱۳۲۴ چاپ شده است (معجم المؤلفین ۱۲ : ۲۵۲) .
- ۲۴۴ - میرزا جعفر ریاض همدانی بدیع الزمان دوم خوشنویس (زنده در ۱۲۶۹ - ۱۲۹۷) در ریاض الادب که در ۱۲۶۹ ساخته شده است «المقامة العاشرة في السماع والایقاع» گذارده است و آن با المقامات العشرة جناب گرگانی چاپ شده است .
- * محفوظ ۱۵۸۷ مورخ ۱۲۹۶ ص ۸۲ - ۹۹ .
- * محفوظ ۸۶۶ مورخ ۱۲۹۵ گ ۴۲ پ ۵۱ ر .
- * ملك ۶۱۹۸ مورخ ۱۲۹۷ (ص ۲۲۵ فهرست عربی) .
- او راست رساله ای در موسیقی .

۲۳۹ - ع ۵۲۱ آ .

۲۴۳ - ع ۹۲۰ .

۲۴۴ - ع ۹۲۶ .

- (ذریعه ۹ : ۳۹۵ و ۱۱ : ۳۱۸ - مجله معهد المخطوطات ۶ : ۳۲ و ۴۶ - فرهنگ سخنوران ۲۴۴ - سپهسالار ۲ : ۸۴) .
- ۲۴۵ - آقا محمد علی کرمانشاهی در گذشته ۱۲۶۹ رساله فی الغناء خود را در ۱۲۶۳ ساخته است . (ذریعه ۱۶ : ۶۲) .
- ۲۴۶ - شهاب الدین محمد بن اسماعیل مصری (در گذشته ۱۲۷۴) سفینه الملك ونقیسة الفلك دارد که در بایانش سرگذشت زریاب آمده است (چاپ ۱۲۷۴ قاهره) .
- ۲۴۷ - حاج محمد کریم خان کرمانی (۱۲۵۵ - ۱۲۸۸) را رساله فی علم الموسيقى است در یک مقدمه و چهار باب مورخ ۱۹ رجب ۱۲۶۲ (فهرست مشایخ ۲ : ۲۳۱) .
- * ملك ۳/۴۹۴ مورخ ۱۳۰۴ .
- ۲۴۸ - سید محمود بن عبدالعظیم موسوی خوانساری زنده در ۱۲۷۰ و ۱۲۹۰ رساله فی الغناء دارد به عربی .
- * دانشگاه ۶/۱۱۳۶ (۵ : ۱۷۰۰ و ۱۸۹۲) .
- ۲۴۹ - میرزا عبدالرزاق پسر علی رضا پسر عبدالحسین قزوینی اصفهانی همدانی حایری واعظ که در ۱۲۹۱ زاده شده است رساله فی الغناء دارد . (ذریعه ۱۶ : ۶۲) .
- ۲۵۰ - میرزا ابراهیم بن میرزا غیاث الدین محمد خوزانی اصفهانی قاضی اصفهان و قاضی عسگر نادرشاه در رد ایقازا النائمین و ایعاض الجاهلین محمد ماجد بحرانی رساله فی الغناء نگاشته است (ذریعه ۲ : ۵۰۵) .
- ۲۵۱ - جنون حافظ ابو عبدالله محمد بن المدینی بنی علی فاسی (۱۲۳۹ - ۱۳۰۲) را الزواجر والاقماع بزواجر الشرع المطاع عن آلات اللهو والسماع است که در فاس بی تاریخ در ۲۵۴ ص و در همانجا در ۱۳۰۹ در ۲۹۴ ص چاپ شده است (معجم المؤلفین ۱۲ : ۱۰) .
- ۲۵۲ - میخائیل (فلیل) بن جرجس در گذشته ۱۳۰۵ (۱۸۸۸) الرساله الشهابیة فی قواعد الحان الموسيقى العربیة دارد که لوئیس رتزووال Ronzevalle در مشرق ج ۲ سال ۱۸۹۹ در بیروت چاپ کرده است . ترجمه آن به فرانسه از همو در مجله دانشگاه قدیس یوسف در سال ۱۹۱۳ ص ۱ - ۱۲۰ نشر شده و متن عربی آن تنها در بیروت در ۱۸۹۹ در ۸۰ ص چاپ شده است .

. ۱۸۳ ع - ۲۴۶

. ۳۲۱ ع - ۲۵۱

. ۳۲۱ ع - ۲۵۲

- ۲۵۳ - نظر علی طالقانی تهرانی در گذشته ۱۳۰۶ در خراسان رساله فی الغناء دارد . (ذریعه ۱۶ : ۶۲) .
- ۲۵۴ - احمد شبراوی زنده در ۱۳۱۷ روضة اهل الفکاهه دارد که در قاهره در ۱۳۱۷ چاپ شده است و باب سوم آن (ص ۳۴ تا آخر) دراغانی است . (معجم المؤلفین ۲ : ۱۱۰) .
- ۲۵۵ - محمدهادی تهرانی در گذشته ۱۳۲۱ در روایی غناء رساله فی الغناء نگاشته است . (ذریعه ۱۶ : ۶۲) .
- ۲۵۶ - ابوالمواهب جعفر بن ادريس کنانی حسنی ادريسي فاسی مالکی فقيه محدث صوفی (۱۲۵۰ - ۱۳۲۳) اختصار مواهب الادب المبرئة من الجرب فی السماع والالات اللهو والطرب دارد که در فاس باحروف بعربی چاپ شده است . (معجم المؤلفین ۳ : ۱۳۳ - بروکلن ذیل ۲ : ۷۰۰) .
- ۲۵۷ - ابوالهدی محمد بن حسن واری صیادی در گذشته ۱۲۳۷ ریاضة الاسماع فی احکام الذکر والسماع دارد که در مطبعة التمدن در ۱۹۰۳ در ۹۱ ص چاپ شده است .
- ۲۵۸ - ابوالمجد آقا رضای اصفهانی در گذشته ۱۳۶۱ رساله فی الغناء نگاشته است . (ذریعه ۱۶ : ۶۲) .
- ۲۵۹ - احمد تیمور پشای کردی موصلی مصری ادیب لغوی مورخ (۱۲۸۸ - ۱۳۴۸) در الموسوعة التیموریة من کنوز العرب فی اللغة والفن والادب در ص ۱۶۷ از آلات الطرب واصوات الغناء ودر ص ۲۱۶ - ۲۲۲ از علم الموسیقی و در ص ۲۲۳ - ۲۲۶ از المخطوطات الموسیقیة العربیة و در ۲۲۷ از مصطلحات موسیقیه سخن داشته است او را است «الموسیقی والغناء عند العرب» چاپ ۱۹۶۳ . (معجم المؤلفین ۱ : ۱۶۶ و ۱۳ : ۳۵۷) .
- ۲۶۰ - حسین بن علی سنقری ، رساله فی بیان معنی الغناء واللهو دارد و نسخه ش ۲۸۵۰/۳ ملک گویا نوشته خود اوست در ۱۳۲۳ .
- ۲۶۱ - محمدرسول کاشانی را رساله فی الغناء است .
* سپه ۷۵۶۴/۵ (۵ : ۳۵۳) .
- ۲۶۲ - مختصر فی علم الموسیقی .
* مکتبه المتحف العراقی ۱۰۹۵ (محفوظ ص ۲۱۲) .

۲۵۴ - ع ۵۸۱ .

۲۵۶ - ع ۹۰۱ .

۲۵۷ - ع ۹۱۰ .

۲۵۹ - ع ۹۵۹ .

- ٢٦٣ - رسالة في الموسيقى « قالت الفلاسفة الموسيقى حكمة عجزت النفوس » (ش ٥٦٤١/٦ فهرست طلس ص ٣٢١) .
- ٢٦٤ - طردية و هوجملة من الشعر و الموشحات و الاحمال الزجلية (ع ٥٢٤) .
- ٢٦٥ - رسالة في بيان حرمة استماع صوت المزمار (برلين ٥٥٢٠) .
- ٢٦٦ - القصيدة الدامغة في الرد على الملاحدة والدهريين والمنتصوفة المرقصة .
- * قاهره ٢٥٤/٣ تيموريه .
- ٢٦٧ - فائدة في السماع .
- * متحف عراقى ١٧٤٨ .
- ٢٦٨ - فائدة نقلت من الرسالة التى فى ذم الشبابة و الرقص و السماع ونحو ذلك .
- * متحف عراقى ٢٠٦٣/٢ .
- ٢٦٩ - دائرة الانغام الاربعة والعشرين ، اغان وقصائد مع نغمها .
- * قاهره ٦٢٣ مج .
- ٢٧٠ - باشميل محمد احمد ، اسكات الرعاع بادلة تحريم الغناء و السماع داردكه در ١٦٩١ در ٩٠ ص چاپ شده است (ع ٩١٥) .
- ٢٧١ - محمد بن امين بن صالح را الرسالة الجليلة فى عدم جواز الرقص است كه در دارالكتب بالقازيق ٢٨٧٦ هست (ع ٧٥٢) .
- ٢٧٢ - شيخ محمد سنار را رسالة فى الموسيقى است كه در قاهره (٣٤ ف ح هست (٣٠٢٤) .
- ٢٧٣ - محمود بن محمد سيالة صفاقسى را قانون الاصفياء فى علم نغمات الاذكياء است در متحف عراقى ٢٢٧٦/١ (١٩٧ ع - محفوظ ٢١٢) .
- ٢٧٤ - جفاناتى احمد تلميذ صفى الدين عواد ، جدول الاهجار دارد .
- * قاهره ٥٠٦/٢ ف ج (عكسى) .
- * متحف عراقى در پايان الميزان فى علم الادوار و الاوزان (٥١٨٤) .
- ٢٧٥ - جمال الدين حسن بن احمد را روضة المستهام فى علم الانغام است در قاهره ٥١٠/٢ ف ح (عكسى) (بروكلمن ذيل ٢ : ١٠٣٥ - ع ٩٠) .
- ٢٧٦ - حريرى درويش محمد صفاء ، الاوقات فى علم النغمات دارد (قاهره ١٩١٠) (ع ٨٩) .
- ٢٧٧ - سالم بن على بن بركات ظريفى (ظريفى) مصرى دمشقى را رسالة فى فضل السماع است .

- * برلین ۳/۵۵۳۵ .
- ۲۷۸ - کتاب فی العود که درالعقد الفرید از آن یاد شده است (ف ۱۹۴) .
- ۲۷۹ - الاجماع علی حل السماع .
- * برلین ۲/۵۵۳۵ .
- ۲۸۰ - تعلیم النغمات و بیان الدرج والشعب والمقامات ، درهفت فصل .
- وین ش ۱/۱۵۱۶ (۲ : ۵۹۵) .
- ۲۸۱ - کتاب فی معرفة الانغام والهنوک والطرب .
- آغاز : کتاب فیہ الرتب والمراتب .
- * طوب قپوسرای A 2130 ، این مجموعه در ج ۳ فهرست یاد شده
- (ش ۷۴۲۹) و در ۳۱۷ برگ است و مورخ ۷۲۶ .
- ۲۸۲ - کتاب فی علم موسیقا ، گویا با عنوانهای : نوحات ، نوبات ، دولاب ، سلسله ، دور .
- وین ش ۱۵۱۷ در ۱۴۹ گک نسخ سده ۱۰ (۲ : ۵۹۴) .
- ۲۸۳ - کتاب سلیمان بن محمد بن عبدالله یا رساله فی الغناء و آلات الموسیقی
- که در یک مقدمه و سه باب و یک خاتمه است و در آن از غنا و آلات موسیقی بحث شده است .
- آغاز : الحمد لله الذی نزل احسن الحدیث کتبا .
- * فهرست مادرید ص ۹۵ س ۸/CCXII در ۴۵ گک ۱۲ س .
- ۲۸۴ - نورالدین محمد حسین را رساله فی حرمة الغناء است .
- * دانشگاه ۳/۸۳۲۶ از سده ۱۴ .

در فهرست المخطوطات العربیه المحفوظة فی الخزانه العامة برباط الفتح (المغرب الاقصى) القسم الثانی الجزء الثانی از علوش و رجراجی چاپ ۱۹۵۸ ص ۳۶۹ و ۳۷۰ چنین آمده است :

۲۸۵ - ۲۷۶۰ (D 1327) تألیف فی الموسیقی جمع الوزير الفقیه السيد محمد بن المختار الجامعی الكبير ، بدینگونه :

هل ینفع الوجداء ویفید وهل علی من بکی جناح
 نوشته روزدوشنبه رجب ۱۳۳۰ برگ ۱۲۱ (عکسی) .

(از فهرست لویی پرونسال برای مخطوطات رباط ۱۹۷) .

درباره آن گفته شده که «شامله علی جمیع نوبات وطبوع آلات الطرب ، اصله جمع الشیخ الحائک الاندلسی التونسی المغربی التطوانی» . سپس گفته شده «عندنا نسخة 488 (D 8)» .

- ۲۸۶ - ۲۷۶۱ (D 1031) *خطبة التأليف في الموسيقى* ، بدینگونه :
- « الحمد لله واهب العقول في قلوب الحشا » باقترح الجامعی المذكور فی ۱۳۰۳
- ۲۸۷ - ۲۷۶۲ (D 1301) *منتخبات من عدة نوبات موسيقية* ، بدینگونه :
- « . . . وبعد فهذا تقييد كناش في مدح النبي و ما شتمل عليه من الطبوع : ابتداها بنوبة الاصفهان » در ۵۱ گ .
- ۲۸۸ - ۲۷۶۳ (D 1518) *مجموع في الغناء و الطرب* ، نوبات علی الترتیب التطوانی ، بدینگونه :
- « الفصل الاول في جواز السماع واستحكامه ، اعلم اذا قنا الله و اياك حلاوة المناجاة و طلاوة اللذات ان السماع بالاصوات الحسن و الترجمات قد حضره و سمعه الاجلة الاخيار و الصالحون الابرار » ، در ۹۸ ص .
- ۲۸۹ - ۲۷۶۴ (D 1459) *مجموع في الغناء و الطرب جمعه الارسالية العلمية الفرنسية بطنجة* ، بدینگونه :
- « الحمد لله وحده هذا مجموع الالة و الغناء و الطرب الذي يدور و يستعمل بطنجة و قد تلقينا من بعض المطربين » ۲۰ گ .
- ۲۹۰ - ۲۷۶۵ (D 1514) *قطع من نوبة الماية* ، ۵ گ .
- ۲۹۱ - *قسطندی رزق در الموسيقى الشرقية و الغناء العربي* (چاپ قاهره ۴۳ - ۱۹۳۶ ج ۱ ص ۱۰۰) از سماع بحث کرده و گفته که سلف صالح به دلیل روایت های نبوی آن را روا میدانستند آنگاه فصلی از مقدمه ابن خلدون آورده که نکاتی از تاریخ موسیقی اسلامی را در بر دارد .
- در این مسأله به احیاء العلوم غزالی (۲ : ۲۶۶) و کیمیاء سعادت او المحجة البيضاء فی احیاء الاحیاء فیض کاشانی (۱ : ۳۶۱) میتوان نگریست . در کتابهای فقهی هم از آن بحث شده است .
- ۲۹۲ - *مؤتمر الموسيقى العربية* چاپ ۱۹۳۳ قاهره که در ص ۳۷۵ - ۳۸۲ آن « لجنة تاریخ الموسيقى و المخطوطات » است و در ص ۳۸۳ - ۳۹۲ آن « تاریخ مختصر للموسیقی العربي » است از فارمر و این کتاب پراست از اصطلاحات فارسی .
- ۲۹۳ - *Recueil de travaux du Congrès de musique arabe*: نیز
- چاپ ۱۹۳۴ قاهره در ۶۴۳ ص .
- ۲۹۴ - *دکتر جواد علی در مجله مجمع علمی العراقی بغداد* . سال ۱۹۵۵ ج ۱ ص ۱۰۲ - ۱۰۴ : *رسائل في الموسيقى* (۷۷ع) .
- ۲۹۵ - *طنطاوی جوهری : الموسيقى العربية* چاپ اسکندریه ۱۹۱۴ (ع ۲۰۴) .

۲۹۶ - لويس شيخو در المشرق سال ۱۸۹۸ ش ۲ ص ۱۰۹۹ - ۱۱۰۰
از موسیقی بحث کرده است (ع ۱۹۳).

۲۹۷ - سليم حلو در مجلة المعارف بيروت سال ۱۹۶۲ ش ۶ و ۷ و ۸
درباره تاريخ موسيقى عربى بحث کرده است (ع ۱۱۴).

۲۹۸ - دکتر محمود احمد حفنى در مجله موسيقى قاهره سال ۱۹۳۵
و ۱۹۵۲ مقالاتى دارد در باره آثار كندى و فارابى (عربى لاتينى) و ديگران
(ع ۹۶ - ۱۱۲).

۲۹۹ - دکتر صلاح الدين منجد در مجله موسيقى قاهره در ۱۹۳۵
(۳ : ۲۲ - ۳۵) «اذان الصلاة تاريخه وتطوراته وموسيقاه» نوشته و در آن لحن
اذان را با نت نشان داده است.

۳۰۰ - دکتر عادل بكرى «عثمان موصلى الشاعر المتصوف» (۱۲۷۱ -
۱۳۴۱) دارد و در آن از تاريخ موصل سخن داشته و از ابراهيم فارسى موصلى
(كوفه ۱۲۵، ۷۴۲ م - بغداد ۲۲۶، ۸۴۰ م) ياد ميكند و از اسحاق موصلى (رى
۱۵۰، ۷۶۷ م - بغداد ۱۹۵، ۸۱۰ م) و كمال الدين موسى بن يونس بن منعة موصلى
(موصل ۵۵۱، ۱۱۵۶ م - موصل ۶۳۹، ۱۲۴۲ م) كه در مدرسه نظاميه بغداد
مشهور شده بود و علم الدين قيصر بن ابى القاسم در گذشته ۶۴۹ (۱۲۵۱ م) شاگرد
او و زين الدين ابو عبدالله حسن بن برهان موصلى مغنى شاعر عالم در گذشته ۶۸۷
(۱۲۸۸) و كمال الدين محمد بن برهان صوفى موصلنى بغدادى موسيقى دان صاحب
ابن السباك و ابوالحزم بن الريان نحوى مدرس موسيقى در موصل از اواخر سده ۶
(۱۲ م) و يحيى بن ابى منصور موصلى اديب مؤلف «العود والملاهى» و احمد بن
عبدالرحمان قادري رفاعى مسلم موصلى در گذشته نزديك ۱۱۵۰ و مؤلف الدرالنتى
فى علم الموسيقى و خليل بن على البصير نابينا (۱۱۱۲، ۱۷۰۰ - ۱۱۷۶، ۱۷۶۲)
كه چند زبان ميدانسته است و شيخ قاسم موسيقار رامى موصلى ملحن موشح
در گذشته ۱۱۸۶ (۱۷۷۲) و ملاسعدى بن محمد امين بن سعدالدين موصلى بغدادى
زنده در ۱۱۲۷ (۱۸۰۲).

۳۰۱ - زكريا يوسف در ديباچه چاپى كه از رساله موسيقى يحيى بن
المنجم در قاهره در ۱۹۶۴ در ۳۱ ص کرده است براى موسيقى اسلامى چهار دوره
فائل شده است.

- ۱ - مدرسه قديم جاهلى و اموى و عباسى تا برسد به اسحاق موصلى .
- ۲ - مدرسه فلسفه اغريقى يا يونانى از كندى تا طوسى در پنج سده .
- ۳ - مدرسه پيروان نظام و روش از ارموى تا ششصد سال پس از وى .
- ۴ - مدرسه معاصر كنونى .

۳۰۲ - غطاس عبدالملك خشبة در دیباچه الموسیقی الكبير فارابی (ص ۱۶) می نویسد که عربها موسیقی را از ایران و آثار یونانی گرفته اند ، سپس آنچه که با خنیاگری و صناعت الحان به زبان عربی سازگاری داشته است در آن وارد کرده اند و سرودهای عربی ساخته اند .

۳۰۳ - محمد بهجة الاثری در دیباچه كتاب النغم لیحی بن علی بن یحیی چاپ ۱۳۶۹ (۱۹۵۰) از تاریخ این خاندان مجوسی ایرانی و چند کتاب موسیقی عربی و فارسی مندرج در مجموعه Or 2367 موزة بریتانیا سخن داشته است .

۳۰۴ - عباس عزاوی در الموسیقی العراقية فی عهد المغول والترکمان چاپ ۱۳۷۰ (۱۹۵۱) بغداد الملاهی مفضل بن سلمة واللهمو والملاهی ابن خرداذبه وارجوزة الانغام بدراربلی را چاپ کرده و در دیباچه آن تاریخ موسیقی اسلامی و ایرانی گذاشته و سخنان او بسیار سودمند است .

۳۰۵ - دکتر حسین علی محفوظ معجم الموسیقی العربية دارد چاپ ۱۳۸۴ (۱۹۶۴) بغداد که در آن به بسیاری از لغات و اصطلاحات فارسی و دانشمندان ایران و آثار آنها بر می خوریم .

۳۰۶ - ۱ . کاظم دانشمند ترك عثمانی شاگرد ذکائی افندی فارابی زمان خود ، «تعلیم موسیقی یا خود موسیقی اصطلاحاتی» (چاپ ۱۳۱۰) به ترکی نگاشته که ابراهیم داغوقی آن را بنام «الاصطلاحات الموسیقیة» به عربی در آورده است (چاپ ۱۳۸۴ هـ . ق . ۱۹۶۶ م بغداد) بیشتر اصلاحات در آن فارسی است .

۳۰۷ - عبدالحمید العلوجی را رائد الموسیقی العربية است چاپ ۱۳۸۴ (۱۹۶۴) منبع عمده کار او آثار فارمر است و از خودش هم چیزهایی افزوده است . در آن فهرست آثار دانشمندان ایرانی و اسلامی در چندین بخش بر شمرده شده و اثری است بسیار سودمند .

آثار شناخته شده فارسی در موسیقی و سماع

- ۱ - ابن سینا که از موسیقی دانشنامه او یاد کرده ام .
- ۲ - محمد بن محمود نیشابوری که رساله موسیقی دارد در ده فصل و نگارنده آن را از روی نسخه آکادمی علوم شوروی C 612/2 (فهرست فیلمها ۶۲۵) در «هفتادسالگی فرخ» (ص ۹۹ - ۱۰۳) چاپ کرده ام .
- ۳ - افضل الدین کاشانی در گذشته ۶۱۰ بندی در موسیقی دارد (مصنفات او ص ۶۵۳) .
- ۴ - امام فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسین خطیب طبرستانی رازی در گذشته ۶۰۶ راستینی یا حدائق الانوار است که بنام علاءالدین تکش خوارزمشاهی (۵۶۸ - ۵۹۶) در خوارزم بسال ۵۷۴ در ۶۰ باب ساخته و جامع العلوم یا مفتاح العلوم که بنام علاءالدین محمد (۵۹۴ - ۶۱۷) در چهل علم ساخته است . نسخه های آن در دیباچه نگارنده بر یواقیت العلوم و فهرست فیلمها (ص ۶۴) و در فهرست نسخه های خطی فارسی (ص ۶۵۶) نشان داده شده است . شماره ۳۷۶۰ نور عثمانی هم همین است ، نیز آصفیه ۲ : ۱۷۶۶ .
- ۵ - مجمل الحکمة که ترجمه گونه ایست از رسائل اخوان الصفاء و خلان الوفاء و گویا بیش از ۶۰۸ و ۶۶۷ بنگارش درآمده و پس از این کسی آنرا به نام تیمور مرد خراسان کرده است .

۴ - ف ۲۳۴ - تاریخ ۱۸۲ و ۲۰۰ و ۲۰۶ - ترجمه ۲۱۴ و ۲۳۶ و ۲۴۳ .

درفهرست فیلمها (ص ۱۸۵ و ۶۵۸) و دیباچه یواقیت العلوم (ص و) و
فهرست نسخه‌های خطی (۶۸۳) از نسخه‌های آن یاد شده است .

۶ - محمدبن علی بن محمدبن حسن ظهیر کاتب سمرقندی صاحب دیوان
رسائل الب قتلغ تنکایلیکا ابوالمظفر قلج طمغاج خاقان فرمان‌روای خانی ازخاندان
افراسیاب که نزدیک ۶۰۰ درگذشته است اغراض‌السیاسة فی اغراض‌الریاسة بنام
او نگاشته است . او در سخنان الواثق‌بالله یادی از مزامیر و ترکیب آن کرده
و از خواص زیر وبم و دوتاه و سه تاه و از خواص سماع (ص ۳۳۳ چاپ ۱۳۴۹
دانشگاه) .

۷ - میرسراج‌الملة والدین قمری آملی خوارزمی شاعر سده هفتم و معاصر
کمال اسماعیل درگذشته ۶۳۵ که در دیوانش قصیده‌ایست در پاسخ قصیده کمال .
(فرهنگ سخنوران ۴۷۴ - ذریعه ۹ : ۴۳۷ و ۸۸۸ - فهرست نسخه‌های خطی
۲۳۴۷ - فهرست فیلمها ص ۹۱ فیلم ۱۸۶۶) رساله چنگ دارد به نظم و نثر
مسجع فارسی دراینکه چنگ افزاری است که آوازی خوش و غم‌انگیزی دارد و
کاردست استاد هنرمند موسیقی است و اندیشه صوفیانه و اندوه و لغزش و جنبش
درونی است که این آواز را در موسیقی پدید می‌آورد .

* تاشکند ۲۲۱۳/۱۹ (۵ : ۳۲۵ ش ۴۰۲۱) به نسخ ریز آراسته آسیب

دیده در ۷۴۵ در ۵ برگ ۵۶ پ - ۲۳/۵×۱۶/۵۴/۶۰ .

۸ - قطب‌الدین محمودبن مسعود شیرازی (۶۳۴ - ۷۱۰) را درةالتاج
لغرة‌الدباج است بفارسی که موسیقی آن در ۱۳۲۴ خ در تهران چاپ شده است .
این کتاب را او در روز سه‌شنبه ۲۴ ع ۶۷۴/۱ پایان برده است .

(فهرست فیلمها ۸۴ - هنر و مردم ۹۴ : ۳۰ - دیباچه یواقیت‌العلوم (و) -
فهرست نسخه‌های خطی ۶۶۵ - معجم‌المؤلفین ۱۲ : ۲۰۲ - سرگذشت قطب از
مینوی) .

او را شرحی است بر شرفیه ارموی که در مقاصد‌الالخان مراغی
(ص ۵۳ و ۵۸ و ۶۲) از آن یاد شده و گویا بفارسی است و شاید هم به عربی باشد
چه شاید آن بندی که مراغی از این کتاب به فارسی می‌آورد از عربی ترجمه کرده
باشد .

۹ - امیر خسرو دهلوی ابوالحسن بن امیر سیف‌الدین محمود لاجین
هزاره‌ای بلخی (۶۵۱ - ۷۲۵) شاعر فارسی و هندی و مؤلف قانون استیفاء که

۸ - ف ۲۶۱ - ع ۲۶۲ - مل ۵۴ - تاریخ ۲۰۳ و ۲۰۴ و ۲۲۷ - ترجمه ۲۳۹ و ۲۴۱

و ۲۴۷

در نشر هنر موسیقی کمک کرده و قوالان هند او را استاد خویش میدانسته‌اند (ش ۱۲۲۱ فهرست دیوان هند) . از او رساله موسیقی یاد کرده‌اند .
در ادبیات فارسی استوری (۱ : ۴۹۵) و دیباچه سعید نفسی بر دیوان او (ص ۱۲) و مجله مهر (۸ : ۲۹) و دو فهرست دانشگاه (۲ : ۱۸۱) و مجلس (۳ : ۱۸۸) که آثار او برشمرده شده است نسخی از آن نشان داده نشده است .
در فهرست‌های دیگر تا آنجا که گشته‌ام سراغی از آن نگرفته‌ام و نه از قانون استیفاء که باید جز رسائل‌الاعجاز باشد .

وحید میرزا Wahid Mirza در The life and works of Amir Khusraw چاپ ۱۹۳۵ کلکته (ص ۲۳۸) از هنر موسیقی امیر خسرو بحث کرده و گفته که ساختن سه‌تار که به‌او نسبت داده‌اند درست نیست . از شعرهای ایقاعی او در این کتاب نمونه‌ای هست ولی از نسخه‌ای از رساله موسیقی او نشانی داده نشده است . محمدحسین هم کتابی درباره او دارد بنام حضرت امیرخسرو دهلوی چاپ ۱۹۲۷ بمبئی ، همچنین محمد سیداحمد مارهروی چاپ ۱۹۰۹ لاهور بنام حیات خسرو به‌زبان اردو .

در کتابی به زبان اردو دیده‌ام که در آن از هنر موسیقی خسرو سخن بمیان آمده ولی از نسخه رساله او در آن نشانی ندیده‌ام .

۱۰ - شمس‌الدین محمدبن محمود آملی در گذشته ۷۵۰ (شدالازار ص ۴۵۰) در نفائس الفنون و عرائس العیون خود که بنام شیخ ابواسحاق اینجوی مظفری (۷۱۹ - ۷۵۸) در ۷۳۵ - ۷۴۲ ساخته است در موسیقی آن پنج باب گذارده و در آن مانند قطب شیرازی در درةالتاج از سخنان ارموی در شرفیه در خرده گیری از فارابی خرده گرفته است . نسخه‌های آن در دیباچه یواقیت‌العلوم (ز) و فهرست نسخه‌های خطی (۶۹۱) یاد شده است .

۱۱ - امیر خضر مالی قمرانی که کترالتحف را کلمات هوارت به‌او نسبت و تاریخ تألیف آن ۸۳۸ یاد کرده و آن را هم به فرانسه در آورده و در دائرةالمعارف Lavignac (ص ۷۳ - ۳۷۱) گنجانده است ولی نسخه ش ۲۷۶۳ دیوان هند مورخ ۷۸۴ با آنچه که او نوشته است نمی‌سازد . رساله‌ایست در يك مقدمه و چهارمقاله و در آن از سید غیاث‌الدین حسینی یاد شده و مؤلف آن حسن کاشانی است .

* پاریس S.P. 1121 برگ ۱۴۷ - ۱۸۹ .

* دیوان هند ۲۷۶۳ با تاریخ ۱ ذق ۷۸۴

۱۰ - ف ۲۷۶ ، تاریخ ۲۰۳ ، ترجمه ۲۳۹ .

۱۱ - ف ۲۷۷ ، تاریخ ۲۰۳ ، ترجمه ۲۴۰ .

* لیدن (۳ : ۳۰۲) .

* موزه بریتانیا Or. 2361 برگ ۲۴۷ پ (فهرست عربی ریوش ۸۲۳-
ذیل فارسی ریوش ۱۱۵ ش ۱۶۲) .

از ماده تاریخ آن «اندر سنه» «لح ذ و بو - بیست و دوم جمادی الاول»
گویا برمیآید که در ۲۲ ج ۷۴۶/۱ ساخته شده است . (هنر مردم ۹۴ : ۲۳) .
۱۲ - کمال الدین عبدالقادر بن جمال الدین غیبی مراغی آذربایجانی
حافظ خوشنویس شاعر موسیقی دان (۷۵۴ - ۸۳۷) کنزالالحان دارد که در
نقاوة الآثار از آن یاد شده و خود او در جامع الحان و مقاصد الحان (ص ۵۶
و ۱۰۹ و ۱۱۳ و ۱۲۲ و ۱۴۱) و زبدة الادوار (فائده چهارم در دوجا) از آن
نام برده است . در فهرست برلین (۵۵۳۶/۲۷) هم نامی از آن هست . پیدا است
که کتابی مفصل بوده و دقایق فن موسیقی در آن یاد شده بود و نسخه ای تاکنون
از آن بدست نیامده است .

هم از اوست جامع الحان که در آن تاریخ ۸۰۸ دیده میشود و تاریخ ۹
محرم و ۱۱ صفر ۸۱۶ و بنام پسرش عبدالرحمن و تاریخ ۸۱۸ و بنام شاه رخ . در
یک مقدمه است و دوازده باب و یک خاتمه که در فهرست بادلیان (ستون ۱۰۵۷)
فهرست آنها نوشته شده است . در خاتمه آن مجالسی گذارده شده که در آن سرودها
و شعرهای غنایی عربی و فارسی آمده و برخی از آنها به لهجه محلی است . در
عرفات العاشقین از این مجالس بایستی نقل شده باشد . آغاز آن مانند زبدة الحان
است .

(هنر مردم ۹۴ : ۳۲ - دانشمندان آذربایجان ص ۲۵۴ و ۲۵۸ و ۲۶۱)
در جامع الحان (فصل ۱ باب ۳) آمده است که «ابن احوص آلتی وضع کرده
است و آن را شهرود نام کرده و در آن «حدة حدة حدة نغمه موجود است» نیز
(فصل ۳ باب ۳) .

«این فتیر چند تصنیف ساخته است» .

همچنین (فصل ۴) یاد شده در آن از تصنیف خواجه عمادالدین عبدالملک
سمرقندی که از اشعار خود غزلی ساخته است :

باری دیگر به میکده بردیم راه را	برهم زدیم مدرسه و خانقاه را
هرجا رویم از در دلدار نگذریم	ما گم نمی کنیم ازین کوی راه را
هرجا رویم لطف الهی پناه ما است	هرگز ز دست می ندهیم آن پناه را
درمی کشیم آتش می را وانگهی	برمی کشیم ناله دلسوز آه را
ابن عصام نام قلندر درست کرد	چون برفگند قاعده مال و جاه را

نیز در آنجا آمده است : (فصل باب ۵ در بیان اوتار خمسه) : «و در

اصطحاب غیر معهود رساله دیگر تألیف کردیم و در آن جمع شود مبین گردانیده»
و نیز گفته که قطب شیرازی عمل نمی‌دانست ولی در علم سرآمد بوده
است (فصل ۳ باب ۶) .

همچنین یاد کرده است از کتاب مقالات شیخ ابونصر فارابی معلم ثانی
(فصل ۳ باب ۱۰) و سازپیا و اهل ختای و چپچق یا موسیقای ختایی (اواخر
باب ۱۰) و دور ترکی (فصل ۲ باب ۱۱) و از ادوار ایقاع و تصانیف خودش
(فصل ۳ باب ۱۱) ، در آن (فصل ۲ باب ۱۲) آمده است :

«افضل المتأخرین امیر سید شریف سلمه‌الله این دو بیت :

« زد مار هوا بر جگر غمناکم سودی نکند فسونگر چالاکم »

« آن یار که عاشق جمالش شده‌ام هم نزد ویست رقیه و تریاکم »

را ترجمه آن دو بیت عربی :

« قد لست حیه الهوی کبدی فلا طیب لها و لاراق »

« الا الحبيب الذی شغفت به فعنده رقیتی و تریاقی »

کرد و ازین فقیر درخواست این دو بیت در تصنیفی درآورد بر حسب التماس
خدمتش داخل گردانیدم :

بگزید مار عشقت جگر کباب ما را نه طیب می‌تواند نه فسونگر این دوا را

مگر آنکه و الهم من به جمال جان فزایش که هم او شفا تواند که دهد مر این گدارا

نیز در پایان آن آمده است :

«شیخ ابونصر فارابی رحمه‌الله درین علم و عمل ماهر و کامل بوده چنانکه
مردم را به آواز عود گریه می‌آورد و به خواب می‌کرده و ما طریقه آن عمل در آخر
کتاب بیان کرده . اما شیخ ابوعلی در علمی این فن ماهر بوده لیکن در عملیات
موسیقی عاجز و متحیر بوده و این سخن از او مشهور است که چون به علمی
این فن رسیده گفته که : اینک علم کومرد !»

در همین جا او گفته است که پدرم جمال‌الدین غیبی در علمی و عملی
این فن سرآمد بوده و کسی بدو نمی‌رسیده است و او مرا پس از حفظ قرآن
موسیقی آموخته و پرورده‌ام .

در پایان جامع‌الالجان چند بیتی از سعدی آمده و چنین گفته شده است :
در حالت ختم این کتاب فرزند اعزاکرم نورالدین عبدالرحمن گفت این
دو بیت اگرچه مشهور است چون مناسبتی درین محل دارد بنویس ! به جهت
خاطر عزیز او نبشته آمد : «بماند سالها این نظم و ترتیب ... بقائی» .

* بادلیان ۸۲۸ مارش مورخ ۸۱۸ و بنام شاه رخ .

* بادلیان ۱۸۴۲ مارش ۲۸۲ نسخه اصل مراغی مورخ ۸۰۸ برای پسرش

نورالدین عبدالرحمن و تجدید شده در ۸۱۶ .

* بادلیان گزیده آن از خود مراغی برای بایسنغر و مورخ ۸۲۱ .
* ملك ۶۳۱۷/۲ گ ۱۵ پ - ۱۶۲ پ از سده ۱۱ ، انجام افتاده و بنام
کنز الالحان .

* نورعثمانی ۳۶۴۴ بنام شاهرخ و مورخ ۸۱۸ و ۳۶۴۵ و ۳۶۴۶ و
۳۶۴۹ و ۳۶۵۰ .

در پایان باب دوازدهم چنین آمده است :

«سبب تصنیف کردن سی نوبت مرتب که هر نوبتی پنج قطعه بودند در یک
ماه رمضان به دارالسلطنه تبریز بتاريخ تاسع عشرین شعبان المعظم سنه ثمان و سبعین
وسبعمائة در بلدة تبریز در مجلس بندگی حضرت سلطان جلال الدین حسین خان
ابن سلطان شیخ اویس انارالله برهانها شیخ الاسلام و اعظم خواجه شیخ الکججی
و دستور اعظم امیر شمس الدین زکریا و سایر اکابر و افاضل که در آن زمان بودند
حاضر شدند و کسانی که ادوار و شرفیه را شرح نبشته بودند مثل مولانا جلال الدین
فضل الله العبیدی و مولانا سعد الدین کوچک و مولانا عمر تاج خراسانی حاضر بودند
و خوش خوانان و استادان مصنف و متغنیان (متعینان) مثل خواجه رضی الدین
رضوان شاه مصنف و استاد عمر شاه و استاد بوکه و نور شاه و غیرهم از مباشران
آلات ذوات الاوتار و آلات ذوات النفع (و) هم در آن مجلس حاضر بودند
و بحث علمی و عملی موسیقی می کردند . مصنفان عملی گفتند که اشکل اصناف
موسیقی در عملیات نوبت مرتب است و تألیف یک نوبت در مدت یک ماه نتوان
کردن برای آنکه هر قطعه از نوبت را که سازند به ضبط و تکرار آن احتیاج
باشد . بعضی گفتند که چون مصنف مؤید و ماهر و قاهر بود ممکن باشد .

این فقیر گفتم که در یک ماه سی نوبت مرتب سازم ان شاء الله تعالی .
ایشان به اتفاق استبعاد نمودند . پس گفتم که اینک درین ماه رمضان هر روزی
نوبتی مرتبی سازم و روز به روز عرض کنم و روز عرفه هر سی نوبت را اعاده کنم
ان شاء الله تعالی .

شارحان ادوار و استادان روزگار خصوصاً خواجه رضوان شاه نامدار و
مباشران آلات ذوات النفع و آلات ذوات الاوتار متفق الکلمة گشتند گفتند که این
خود ممکن و مقدور بشر نیست و خواجه رضوان شاه استاد و متعین روزگار بود
گفت شاید که قبل ازین ساخته باشند .

۱ - در مجله ادبیات تبریز (س ۷ ش ۴ ، ص ۴۶۹) «در نظری به تاریخ آذربایجان»
مشکور (ص ۲۱۶) از کتاب موسیقی عبدالقادر مراغی از سده نهم شماره ۱۳۰۴ ملك یاد شده
است ولی در آنجا چنین شماره ای از این کتاب نیست .

اکنون گوید ، این فقیر گفتم که هرروز ابیات و اشعار نوبت را شما اختیار کنید و درهرروزی از ادوار واز نغمات و ادوار ایقاعی که امتحان کنید بهرصنعتی که گویند از ترکیبات مشکله وغیره بهمان صنعت و انواع که مختار شما باشد هرروز نوبت مرتب سازم و برسر جمع اداکنم چنانکه خالی از اعتراض باشد. پس بندگی حضرت سلطان الاعظم جلال الدین حسین فرمودند که اشعار و ابیات نوبت هر روزی را خواجه شیخ و امیرزکریا و مولانا جلال الدین فضل الله عبیدی و خواجه سلمان ساوجی در حضور ما تعیین کنند و صنایع والحن و ایقاع را استادان مصنف بهاتفاق خواجه رضوان شاه معین کنند .

پس برحسب فرمان اعلی ابیات و اشعار نوبت اول که اول روز ماه رمضان ساخته شد با صنایع الحان وایقاع مفصل نبشته بدین فقیر دادند و بندگی حضرت پادشاه فرمود که نوبت اول را بنام ما مخصوص گردان و در مقام حسینی ساز و این نوبت را پنج قطعه ساز : قول و غزل و ترانه و فرو داشت و در قطعه خامس که مستراد است دوازده مقام و شش آواز را لازم دار چنانکه میان هردو پرده يك آواز باشد و هر آنچه از پرده ها باشد الفاظ و ارکان نقرات مقارن آنها گردان و آنچه از آوازهات باشند هر آوازه ای را بر مصراعی شعر تقسیم کن و این نوبت را دو دائرة ثقیل رمل بسازد و اشعار عربی مولانا جلال الدین فضل الله نبشت و ابیات پارسی خواجه جمال الدین سلمان .

پس بر آن اشعار و ابیات در میان مجلس نوبت مرتبی ساختم پنج قطعه مشتمل بر آن صنایع که امتحان کرده بودند و دیگر صنایع بدان اضافه کردم و در میان مجلس نوبت را عرض کردم به نوعی همه مسلم داشتند بل که متحیر شدند و به انواع تحسینها و تربیتها کردند و بندگی حضرت در میان مجلس سیورغالات و انعامات پادشاهانه فرمود . . .

و هرروز ابیات و اشعار يك نوبت را مینوشتند با صنایع الحانی و ایقاعی می دادند این فقیر نوبتی مرتبی پنج قطعه در آن می ساختم و روز دیگر در مجلس حضرت سلطان به حضور اکابر و استادانی که مذکور شد ادا می کردم زائد بر امتحان ایشان به بسیاری صنایع و چون روز عرفه شد هر سی نوبت اعاده کردم و شرح و بیان صنایع آن نوابت را در کتاب کنز الالحان ذکر کردیم تا اگر کسی را معرفت علمی و عملی این حاصل شده باشد او را استخراج آنها کردن ممکن باشد .

همین داستان در شرح ادوار مراغی (قائده ششم) چنین است :

« در تاریخ سلخ شعبان المعظم سنة احدی و ثمانین و سبعمائة در بلدة تبریز بندگی حضرت سلطان الاعظم سلطان جلال الدین حسین انارالله برهانه بدین فقیر فرمود که درین ماه رمضان هرروز يك نوبت مرتب بساز و بر ما عرض

کن! گفتم: بلی ان شاء الله تعالی. استادان و مصنفان گفتند امکان نیست که این عمل توان کرد و از ارباب این فن کس را میسر نشده است و غالباً نشود، و خواجه رضی الدین رضوان شاه رحمه الله تعالی که متعین دوران و استاد زمان بود به مبلغ صد هزار دینار پیمان زد و گرو بست که این ممکن نیست و اگر این ساخته شود این مبلغ مذکور را ادا کنم و حجت نبشت. و بندگی حضرت پادشاه و خواجه شیخ الکججی و قاضی شیخ علی رحمهم الله تعالی بر آن حجت گواهی نبشتند و شرط چنان کردند که مقام و اصول ایقاعی استادان و مصنفان تعیین کنند و اشعار شیخ الاسلام اعظم خواجه شیخ به اتفاق مولانا جلال الدین فضل الله العبیدی معین کنند و ابیات فارسی را به خواجه جمال الدین سلمان الساوجی رجوع کردند که او معین کند بدان ابیات و اشعار و بدان صنایع که مقرر کرده بودند این فقیر هر روز نوبت مرتبی می ساخت و در مجلس جلوه به حضور پادشاه و اکابر و استادان و مصنفان عرض می کرد.

و این فقیر گفتم که نوبت را قدماء چهار قطعه ساخته اند اما این فقیر هر نوبتی را چهار قطعه بسازم تا بر شکل ترییع نباشد، استادان و مصنفان گفتند که قدماء در قطعه ای از مقطعات اربعه نوبت شروط که مذکور شد کرده اند در قطعه خامس شروط نیست گفتم قطعه مستراد مشروط بدانست که مجمل مفصل نوبت باشد هر آنچه از صنایع و ابیات و اشعار که مقطعات اربعه نوبت باشد مجموع آنها در قطعه مستراد جمع باشد . . .

هر روز نوبتی مرتبی مشکل و خوش آیند پنج قطعه به شروط مذکوره ساخته معروض میشد و هر نوبتی را یکی از گویندگان تعلیم می گفتیم پس روز عرفه هر سی نوبت را حضرت سلطان و حضور اکابر و استادان این فن عرض کردیم چنانکه الفاظ نقرات و نغمات و ابعاد اشعار هر نوبتی را بر طوماری نبشته بودیم و در روز عرض نوبت استادان در حالت استماع نوبت آنها را در نظر می داشتند بر همان موجب بلا زاید و نقصان ادا کردیم پس استادان انگشتهای تعجب به دندانهای حیرت گزیده به مداحی مشغول و خواجه رضوان شاه آن مبلغ صد هزار دینار را با دختر خود بدین فقیر داد.

و بندگی حضرت سلطان حسین انار الله برهانه فرمود که روز اول رمضان نوبت را بنام من ساز در پرده حسینی.

بر موجب امر و فرمان پادشاهی غره ماه رمضان نوبت مرتب پنج قطعه ساخته عرض کردم در حضرت اعلی و حضور اکابر و استادان بدین موجب نوبت مرتب پنج قطعه و قول و غزل و ترانه و فرو داشت و مستراد به دور ثقیل رمل که

غرة ماه رمضان عرض کردم»

به باربد خنیاگر دربار خسرو پرویز در گذشته ۶۲۸ داستانهای سی نسبت، داده‌اند همچنین نوای هفت‌گانه که «طرق ملوکیه» اش نامیدند و نیز آهنگها سی روز ماه که گویا نظامی آنها را برشمرده است^۱.

او گویا همان «فهلید» است که فارابی در موسیقی کبیر (ص ۶۰) یا «فلهوذ» که کندی در المصوتات الوتریة (ص ۷۵) یاد کرده‌اند و بگفته‌اند ایندو او در زمان انوشروان کودک بوده و در زمان خسرو پرویز میزیسته است.

سی نوبت مراغی که داستان ساختن آنها را در جامع‌الالحن و زبده الادوار آورده است گویا دنباله همین کار باربد باشد و گویا هم دنباله کار همکار او خواجه رضوان‌شاه است (روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات زمجی اسفزاری ج ۲ ص ۳۷ دیباچه و ص ۹۳ متن).

او تاریخ این کار خویش را در جامع‌الالحن ۲۹ شعبان ۷۷۸ در تبریز بدستور سلطان جلال‌الدین حسین پسر اویس جلایری و در زبده‌الادوار پایان شعبان ۷۸۱ در تبریز بدستور همو یاد میکند. فارمر هم آنرا از نسخه‌های بادلیان وموزه بریتانیا آورده با تاریخ ۷۸۱ (۱۳۷۹).^۱

نیز از اوست مقاصد‌الالحن که بنام سلطان مرادخان عثمانی (۸۲۴ - ۸۵۵) در ۸۲۴ و بنام بایسنقر پسر شاهرخ در گذشته ۸۳۷ هم ساخته و در روز آدینه ۲۱ شوال ۸۲۱ آن را به انجام رسانده است. یک مقدمه و دوازده باب در آن است. بیشتر آن از درة‌الحاج شیرازی است. (بادلیان ۱۸۴۴).

* آستان قدس ۱۶۳ مورخ ۱۲ رمضان ۸۲۱ بنام شاهرخ (۳ : ۳۵).
* بادلیان ۱۸۴۳ مورخ ۲۱ شوال ۸۲۱ با اندکی جدایی با نسخه دومی.
* بادلیان ۱۸۴۴ مورخ روز سه‌شنبه ۳ محرم ۱۰۷۷ در اکبرآباد از روی نسخه مورخ ۴ رمضان ۸۴۲ برای شاه قبادبن عبدالجلیل حارثی بدخشی و مقابله شده در همان شهر، با مقدمه‌ای دارای روایت‌های نبوی درباره آوازخوش و خاتمه‌ای نزدیک به جامع‌الالحن.
دانشگاه ۳۲۰۳ مورخ ۱۲۹۱.

نسخه رئوف یکتاییگ که از تهران بدست آورده است.
روان کوشکو ۱۷۲۶ نوشته محمدبن محمودبن الیاس گویا پسر فقیه نجم شیرازی (ش ۲۷۹ فهرست طوب قپوسرای).

۱ - تاریخ ۱۴۸ و ۹ - ۱۹۸، ترجمه ۱۷۵ و ۵ - ۲۳۳ - همایی ۱۷۱.
۱ - عزای ۲۶۰ - دیباچه زکریا یوسف بررسالة فی‌الموسیقی یحیی ابن‌المنجم ص ۲۷ -
ف ۳۰۰ تا ۳۰۵ - ع ۳۱۶ تا ۳۲۰ - مل ۵۹.

لیدن Or. 270-1 (۳ = ۵ - ۳۰۲) بنام مراد دوم در ۸۲۴ .

ملك ۸۳۲/۱ مورخ ۸۳۷ .

ملك ۱۶۴۹ نستعلیق سده ۹ .

هم از اوست زبده الادوار دريك مقدمه در سه فصل و يك مقاله در دو فصل و يك خاتمه دارای زواید و فوائد در شرح ادوار ارموی .

پس از دیباچه حاشیه مانند است بر ادوار و با عنوانهای «قوله» بندهایی از متن میآید و ترجمه و شرح میشود .

در آغاز آن چنین آمده است : « از دیگر شروح بلکه از سایر کتب که در این فن نوشته اند مستغنی گردد » و « در این زمان شارحان ادوار را اشتباهات مییابد » .

در پایان بخشی است در تاریخ موسیقی دانها و سرگذشت خود او . نیز در پایان گفته است که در حال تألیف این کتاب پسرم نورالدین عبدالرحمن دوازده ساله و نظامالدین عبدالرحمن هفت ساله است و هر دو هر روزه پس از خواندن قرآن به علم و عمل موسیقی مشغول میشوند .

او در فائده هشتم از سعدی یاد میکند .

مراغی در زبده الادوار از کتاب مقامات شیخ ابونصر فارابی یاد کرده (فائده ۴) و از افزارهای موسیقی بحث نموده با آوردن اشکال آنها (فصل ۵ فائده ۹) و تاریخچه ای از موسیقی دوستان از خلفاء و امراء و از موسیقی شناسان آورده (فائده ۱۰) و گفته که : «شیخ ابونصر فارابی» رحمه الله جامع بوده است در این فن بین العلم والعمل و این علم را و بعضی علوم دیگر را نیز از زبان یونانی به عربی نقل کرده و در علمی این فن کتب تألیف کرده و وسامعان را بی اختیار به آواز عود در بکاء و ضحك آوردی و در خواب کردی و بیدار کردن خود آسان است .

و از شیخ ابوعلی رحمه الله نقل است که او در سن هفده سالگی جمع علوم کرده بوده است و گفته که اینک مرد، کو دگر علم ! چون به علم موسیقی رسیده است گفت که اینک علم، کو مرد ! اما در علمی موسیقی در کتاب شفاء رساله ای نبشته است که موافق است سخنان او با سخنان «کتاب مقالات شیخ ابونصر فارابی» . نیز یاد کرده است از ارموی و ادوار و شرفیه او و از شیخ شمس الدین سهروردی شاگرد ارموی در موسیقی و شاگرد یاقوت در خط و از شاگردان دیگر ارموی مانند علی ستایی و حسن زامر و زیتون و گفته که در این زمان شیخ عبدالرحمن مراغی و خواجه رضوان شاه تبریزی هستند .

ع - ۳۱۷ و ۳۱۸ عزای ۶۰ .

انجام زبدة الادوار بیش از فوائده عشره :
چنانکه با هر خبیر دیگر تواند خواندن و در عمل آوردن و به حلق
ادا کند و از دساتین اوتار به نغمات ملائمه حلقی معا ادا توانند کردی تا از این علم
و عمل محظوظ باشند اعنی جامع باشند بین العلم والعمل . قوله ولنکتف بهذا القدر
فی هذا الفن ونختم الكتاب والحمد لله وحده وصلواته سیدنا محمدنا وآله الطاهربین
(نسخه نورعثمانی) .

انجام فصل ۱ فائده ۱۰ در برگ ۲۱۳ عکس دانشگاه از نورعثمانی : و این
فقیر حقیر را به نظر عنایت والتفات خاطر مبارک مخصوص فرموده و از خاک
بر گرفته و آنچه وظیفه تربیت در آن به اقصی الغایه کوشید (ملی) و قرآن را به
لفظ مبارک خود تلقین و تعلیم این بنده کرده و توفیق رفیق رفیق گشته و در این علم و عمل
آنچه وظیفه علم و عمل بوده ارشاد و تعلیم فرموده چنان شده که آن دلخواه
او شده والحمد لله علی نعمائه (گویاسپه) .
انجام نورعثمانی :

اما جناب مولانا قطب الدین را علمی بر عملی غالب بوده است زیرا که
در قواعد و مصطلحات این فن از کتاب ادوار و کتاب شرفیه مستفید شده .
رحمهم الله تعالی (در پایان فصل دوم فائده ۱ که درباره محاکمه میان فارابی و
صاحب شرفیه و قطب شیرازی است) .

* نسخه رئوف یکتاییگ موسیقی دان ترك که منیف بیگ مستشار سفارت
عثمانی در تهران بدست آورده و به او بخشیده است .
* سپهسالار تهران ۱/۱/۵۶۵ (۵ : ۱۴۱) نوشته فتح الله بن ابی یزید
شابرا نی .

* شروانی در روز یکشنبه ۲۶ شوال ۸۴۵ از روی خط مؤلف ، او
مترجم الانوار لاعمال الابرار اردبیلی است به فارسی و شارح التذکره
طوسی پس از ۸۷۵ (دانشگاه ۴ : ۹۰۷ و ۵ : ۱۸۲۵) و از اوست
رسالة فی الموسیقی (موزه بریتانیا Or. 2361/9 و طوپ قپوسرای
۳۴۴۹ A) که فارمر شناخته است .

* ملك ۱۴۷۶ نوشته ۱۶ صفر ۱۲۸۳ در نجف در قزقانچای تهران .
* ملك ۶۲۹۵ نسخ آغاز سده ۱۴ از روی خط همان شابرانی از روی
خط مؤلف .

* ملی (فیلم ۲۹۲۷ دانشگاه تهران) .
* نورعثمانی ۳۶۵۱ (فارمر ش ۳۰۳ - فیلم ۴۹۱ دانشگاه تهران)
با فوائده عشره در پایان .

در شرح ادوار مراغی (۳۶۵۱ نور عثمانی برگ ۱۱ عکس) آمده است .
اما یکی از شارحان کتاب ادوار مولانا نصرالله قاینی بود که در انواع
علوم دقیقه یدطولائی و مرتبه اعلی داشت . روزی در مجلسی در سمرقند بود و در آن
مجلس خواجه عمادالدین عبدالملک و خواجه کامل الدین عبدالاول و امیر سید شریف
و مولانا نعمان الدین خوارزمی رحمهم الله حاضر بودند .

شارح مذکور اعنی مولانا نصرالله قاینی هم حاضر بود شرح ادوار که
نوشته بودند به دست این فقییر داد و گفت که در این شرح نظر کنید تا اگر در آن
خطائی واقع شده باشد در قلم آورید تا کتاب مصحح شود . گشادم این محل بر آمد ...
و این مسئله مذکور را تفهیم حضار آن مجلس و شارح کردم همه به اتفاق گفتند که این مسئله
بر همه مشتبه بود و هم در آن محفل یکی از بزرگان اعنی . . . (سفید مانده) گفت که
صاحب ادوار مردم [را] مغلطه داده است در تقسیم دساتین . . . اما جواب شما
همان جواب است که به مولانا نصرالله گفتیم (فصل ۲) .

و این دور را در بلده خجند در حضور سلطان الاعظم نصیر الملة والدین
امیر خلیل سلطان غفرالله له مرغی قمری آواز میکرد ، آن حضرت فرمود که برین
وزن آواز این مرغ دوری بساز . بر حسب فرمان جهان مطاع این دور ساخته شد .
و این دور را حضرت سلطان جلال الدین حسین رحمه الله ابن سلطان اویس
انارالله برهانه در تبریز در باغ دولت خانه مجلسی آراسته بود در اثنای مجلس
تصنیفی خواست در دوری از ادوار ایقاعی غیر از ادوار مذکوره . بر حسب فرمان
اعلی دفعه در بدیهه بر این دایره تصنیفی ساخته به عرض رسانیدم و چون فصل
ربیع بود نام این دو را ضرب الربیع فرمود .

و نقره دیگر بر و تدرابع و سبب تألیف این دور آن بود که حضرت
پادشاه مغفور مرحوم سعید شهید سلطان مغیث الدین احمد سقی الله ثراه و جعل
الجنة مشواه در بغداد در کشتی نشسته بود و محرکان آن کشتی سی ملاح بودند که
اجرای آن کشتی میکردند . نقرات این دورا برابر (مساوی) عدد ملاحان آن کشتی
فرمودند باید که باشد بر حسب فرمان همایون همچنان ساخته شد . و بر چهار بیت
برایات شیخ جنید بغدادی قدس الله تعالی سره تصنیفی خواستند در سه گاه بر موجب
فرمان همایون مؤلف گشت .

اما زمان مانتین و زمان این دور دویست نقره است و تقطیع آن به پنجاه
فاصله یا سی و تدر و فاصلتین و سببی دیگر هم که توان کرد اما حضرت بندگی به
فواصل تقطیع فرمود و سبب ترتیب این دور آن بود که سلطان زاده عالمیان
غیاث الدین سلطان محمد نورالله مضجعه در دارالملک سمرقند در باغ نقش جهان
فرمود که دوری میخوام از ادوار ایقاعی که اطول از جمیع دو ایرایقاعی و زمان دور

آن دو بیت نقره باشد بر موجب فرمان عالی این دور مأتین مرتب شد .
در منشآت شرف‌الدین علی یزدی و قوام‌الدین محمد یزدی نام هنرمندان
آمده است. در راهنمای کتاب (۱۴ : ۷۶۳) از چهار نسخه آن یاد کرده‌ام.

۱۳ - عبدالعزیز بن خواجه کمال‌الدین عبدالقادر مراغی ، نقاوة الادوار
دارد بفارسی که در يك مقدمه و ده اصل بنام سلطان محمد ثانی فاتح بن مراد
(۸۴۷ - ۸۴۹ و ۸۵۵ - ۸۸۶) در يك مقدمه و ده اصل ساخته است .

* ایاصوفیا ش ۳۴۶۲ از سده ۱۱ (طوپ قپوسرای ش ۲۷۸ ص ۱۰۶).

* لنینگراد ۴۴۶ در ۷۶ گ (فهرست محفوظ) .

* نورعثمانی ۳۶۴۶ (دیباچه مقاصد الالحان ص ۳۸) .

آغاز : الحمد لله الذی جعل الارواح قابله لحسن الالحان والنعمة وقلوب
العشاق الجبازية راغبین الالحان والمقامات .

۱۴ - ابواسحاق بن عبیدالله کوهبنانی کرمانی در شرح دو بیت شرف‌الدین
علی یزدی تألیفیه نگاشته است (مجلس ۹ : ۵۹۳) .

* دانشگاه ۲۴۱۷/۵ و ۱۰۸۸/۱۳ (۴ : ۹۵۷) .

* مجلس ۶۳۲۱/۱۴ از عده نهم (۱۹ : ۳۱۷) .

۱۵ - نورالدین عبدالرحمن جامی (۸۱۷ - ۸۹۸) که رساله موسیقی
خود را در يك رجب ۸۹۰ پایان برده است . در آن پس از دیباچه تمهیدات در
آواز و يك فصل در تأثیر نغمات و ایقاع آن در نفس ولذت این دو سپس دو
قسم است :

۱ - در علم تألیف در احوال نغمات در چند فصل .

۲ - در علم ایقاع در احوال از مننه در چند فصل .

قزوینی در یادداشتها (۷ : ۱۶۳) از این رساله و نسخه پاریس (S.P. 822)

که از روی خط جامی نوشته شده است یاد نموده است.

متن این رساله با ترجمه و شرح و عکس نسخه بدستگیری بلیایوا
Beliyeva در تاشکند در ۱۹۶۰ بچاپ رسیده است . آقای حسین علی ملاح آنرا
شرح کرد و در مجله موسیقی (ش ۱۰۱ - ۱۰۷) نشر نموده است .

آغاز : باسمه سبحانه (بسمله) بعد از ترنم به نغمات سپاس خداوندی که
شعبه دانان مقامات بندگی را گوش امید بر آواز نوید لطایف انعام و افضال اوست ...
گوینده این راز و سازنده این نقش دل نواز که در عنفوان شباب که اوان تحصیل

۱۳ - ع ۱۵۴ عزای ص ۵۹ هنر مردم ۹۵ : ۴۵ ، برخی این کتاب را با رساله
موسیقی فتح‌الله شروانی یکی پنداشتند .

و عنوان صحیفهٔ قیل و قال بود تشحید خاطر را به تعلم علم موسیقی آهنگ کرده بودم و قواعد علمی آن را به چنگ آورده گاه در قوانین تألیفی آن لب میگشادم و گاه در موازین ایتاعی آن دستی میزدیم اما بواسطهٔ تقلب ادوار . . . خاطر از آن افسانه فراموش کرده بود و لب از آن ترانه خاموش مانده تا در این ایام از ناحیهٔ بعضی کرام که آن دستان را شنیده بود و به آن داستان آرمیده چنان تفرس کردم که . . . بر آنست که از آن افسانه حرفی بروی کار آرم و از آن ترانه صدائی بگوش روزگار گذارم . . . اقدام بر آن مرام نه به مقتضای مقام این حقیر بود و اشتغال بدان مقال نه موافق حال این حقییر اما از این معنی تجاهل کردم و روی توجه به جمع رساله آوردم از کتب این قوم ملتقط و از اصول ایشان مستنبط .

انجام اینست بیان آنچه از اصول و فروع این فن میسر شد والله سبحانه ملهم الصواب ومنه المبدء والیه المآب والحمد لله رب العالمین وصلى الله محمد وآله اجمعین وتیسر ذلك الاتمام فی غرة رجب المرجب سنه تسعین وثمانمائه .

نسخه‌ها :

- ۱ - کلیات جامی ش ۷۹۵ ملک گویا از سدهٔ ۱۰ با تاریخ تألیف ۱ رجب ۸۹۰ در این رساله که ش ۲۲ است .
- ۲ - کلیات جامی ش ۵۹۹۷ ملک از سدهٔ ۱۰ (ش ۱۰) .
- ۳ - کلیات جامی ش ۸۲۵۳ دانشگاه تهران مورخ ۹۰۹ (ش ۳) .
- ۴ - کلیات جامی S.P. 822 ملی پارس مورخ ۶ - ۸۹۵ (بلوشه ۳ : ۲۷۳ ش ۱۶۷۶ - فهرست فیلمهای دانشگاه تهران ۱ : ۱۶۳ ش ۱۰۸۰) .
- ۵ - کلیات جامی ش ۱۳۳۱ آکادمی علوم اوزبکستان نوشتهٔ محمد کاتب هروی در ۹۰۸ (فهرست نسخ آثار جامی در اوزبکستان چاپ ۱۹۶۵ ص ۱۲ - فهرست آکادمی تاشکند ۲ : ۴۱۰ ش ۱۸۰۳) .
- ۶ - نور عثمانیه ش ۷۷/۱۴ - ۳۷ مورخ ۹۸۰ .
- ۷ - نور عثمانیه ش ۴۱۷۱/۳۵ مورخ ۸۹۸ .
- ۸ - نور عثمانیه ش ۴۱۷۷/۱۳ مورخ و ۹۷۹ - ۹۸۱ .
- ۹ - اونیورسیتته ش ۴۵۵/۲۷ مورخ ۹۱۵ با تاریخ تألیف ۱ رجب ۸۹۰ (فهرست احمد آتش ش ۵۸۵ و ۵۸۸ و ۵۹۱ و ۵۹۲) .
- ۱۰ - بادلیان ش ۸۹۴/۳۴ مورخ ۹۴۱ .
- ۱۱ - بادلیان ش ۸۹۵/۳۴ مورخ ۹۶۳ .
- ۱۲ - بادلیان ش ۸۹۶/۲۱ مورخ ۹۷۹ .
- ۱۳ - بانکیپور ۲ : ۵۰ ش XIX مورخ ۱۰۱۷ در برخی از رساله‌ها، این شماره مجلد یکم است و مجلد دوم آن که شمارهٔ ۱۸۱ است در برخی از رساله‌ها مورخ

۹۷۰ است، در این دو مجلد کلیات جامی است.

۱۴ - کتابخانه سلطنتی نوشته از روی اصل با تاریخ تألیف ۱ رجب ۸۹۰ که آقای ملاح در شرح خود در قسم دوم از آن بهره برده است و نشان آن پای صفحات در مجله موسیقی (نسخه ت) است (ص ۴۷ ش ۱۰۷) در فهرست کتابخانه (ص ۲۸۱ ش ۲۲۸) از آن یاد شده و تاریخ تحریر از ۸۹۸ تا ۹۰۲ است.

۱۵ - ایا صوفیا ش ۴۲۰۶ .

۱۶ - دامادا ابراهیم ش ۴ - ۷۵۳ .

(بنوشته آقای ملاح در مجله موسیقی در آغاز شرح رساله موسیقی جامی).

۱۷ - وین N.F. 33 مورخ ۲ ع/۹۸۳ (فلوگل ۳ : ۵۴۳ ش ۹/۲۰۱۰).

۱۶ - محمود بن عبدالعزیز بن عبدالقادر مراغی در گذشته ۹۱۸ بنام بایزید

دوم (۸۸۶ - ۹۱۸) مقاصد الادوار ساخته در اصول و فروع وقواعد علم موسیقی با افزودن موسیقی چینی نیایش مراغی بنام سازچینی . در دانشمندان آذربایجان این رساله از نورالدین عبدالرحمن پسر مراغی که جامع الالحان بنام اوست در ۸۱۶ دانسته شده است .

آغاز : الحمد لمن جعل الارواح مایلة بطیب الاصوات وزینها بحسن الالحان

والنعمات .

قاهره ۲ ف ج درسی برگ ۱۷ س (طرازی ۲ : ۱۳۶) .

مدینه ش ۲۲ عارف حکمت بنام رساله در موسیقی در دوازده برگ

(نشریه ۵ : ۴۹۴) .

نور عثمانی ۳۶۴۹ (دیباچه مقاصد الالحان ص ۳۸) .

۱۷ - داود بن محمد عودی که در منشاء الانشاء نظامی از تحفه ادوار او

و شطرنج دوستی شطرنجی یاد شده است (مجله وحید ۷۱ : ۱۰۰۹) .

۱۸ - علی رویانی توضیح الالحان دارد در یک مقدمه و چهار اصل و

خاتمه که به نام شاه محمود بهمنی (۸۸۷ - ۹۲۳) پانصد سال پس از مرگ فارابی

ساخته است (هنر مردم ۴۹ : ۵۸) شاید همان نزهة الانام فی تعریف کل وزن و

مقام او که مأخذ فارسی الدرالنقی مسلم موصلی است ، نام مؤلف را «رویانی ،

ریبانی ، روبانی ، رویانی» نوشته اند . موصلی در این کتاب (ص ۱۴ و ۱۷ و ۲۷)

رویانی را استاد صفی الدین ارموی خوانده است .

دربهران المآثر علی بن عزیز الله طباطبائی (ص ۱۱۷ و ۱۳۴ چاپ ۱۳۵۵

دهلی) از محمود بهمنی گفتگو شده است .

۱۶ - دانشمندان آذربایجان ص ۲۵۴ - E I - ۴ - ۵ - هنر مردم ۹۵ : ۴۷ .

۱۹ - کاشف‌الدین محمد یزدی رسالهٔ موسیقی دارد . در جامع مفیدی از او به جالینوس الزمانی بقراط الدورانی حکیم کاشفا محمداوملا کاشف‌الدین محمد یاد شده است (۳ : ۴۸۸ - ۴۹۱ - ۵۰۳) .

نامش ابوالمحمّد کاشف‌الدین محمد پسر ابوالانوار سالک‌الدین محمد (۸۴۷ - ۹۱۵) پسر ابوالمعارف مولی نجم‌الدین محمد یزدی (۸۱۸ - ۸۸۵) است و از خاندان سعدالدین محمد حموئی بحرآبادی جوینی و در ۹۱۰ در گذشته است و جز کاشف‌الدین یزدی اردکانی باید باشد و پدرش مؤلف مجمع‌النفایس و حجة‌العرایس (ش ۱۹۷ دهخدا و ۳۶۰ سنا) است شاید هم این رساله از همان کاشف‌الدین محمد یزدی اردکانی باشد .

(نشریه ۳ : ۱۰ و ۶ : ۵۶۰ - المشیخة ۲۱۴۳ دانشگاه) .

لنینگراد مجموعهٔ Ci. 692 (فهرست عمومی ص ۲۸۳ و ۵۱۱) شمارهٔ ۱

گ ۱ - ۳ .

این یکی گویا همان انیس‌الارواح میرزا ابراهیم پسر کاشف‌الدین باشد که پس از این خواهیم دید .

۲۰ - نجم‌الدین کوکبی بخاری موسیقی‌دان زندهٔ در ۹۲۸ (ذریعه ۱ : ۹۲۶ - فرهنگ، سخنوران ص ۴۹۳) مؤلف نادره در معما بنام عبدالله خان در ۹۱۵ (دانشگاه ۳۹۰۸/۶) سلطانیه دارد که در مقام پنجم آن از الشرفیة صفی‌الدین عبدالمؤمن و نفایس‌الفنون محمدبن محمود آملی یاد شده است .

کوکبی آنرا در دوازده مقام و یک خانمه بنام خسروغازی عبیدالله‌خان به‌نثر فارسی ساخته است در آن آمده است (نسخهٔ مجلس) :
خسروغازی عبیدالله‌خان ،

از جور سپهر کوکبی جست پناه بنوشت صفیحه‌ای پر از ناله و آه

(راهنمای کتاب ۲ : ۸ و ۷ ص ۴۶۸) .

فهرست دوازده مقام :

۱ - در شرف علم موسیقی .

۲ - در بیان معنی موسیقی و نغمتین (در بیان موسیقی و تعیین موضوع

او) .

۳ - در تعریف نغمه .

۴ - در تعریف بعد و جنس و جمع و ملایمت و منافرت آن .

۵ - در بیان پرده‌های اصل .

۶ - در سبب آوازه‌ها و شعبات .

۷ - در بیان مرکبات .

۸ - در تعریف نقره

۹ - در تعریف ایقاع .

۱۰ - در وارد ..ن النغم (?) به قدرت وی میسر است (ادوار الضروب)

۱۱ - در تقسیم تصنیف اضافی که به حسب اجزاء از هم ممتازند .

۱۲ - در اقسامی که به حسب اصول از هم ممتازند .

خاتمه در رعایت حالات و تعیین اوقات و تأثیر نعمات .

آغاز : حمد بی حد و ثنای بی عد حکیم کارسازی را که سازگار عشاق به

نوای نای اوست . . .

اما بعد این چند سطر است مشتمل بر معرفت اجزاء و ارکان تصنیف و

احوال و عوارض آن مرتب در دوازده مقام و خاتمه .

انجام نسخه سپهسالار: واوچ نیز همین تأثیر دارد و هوالمؤثر والیه المصبر .

انجام نسخه مجلس که مقام نخستین و پاره ای از مقام دوم را دارد : از

حقیقت ملایمه و منافز چنانکه مذکور شد .

در هاشم این نسخه هفده بیت است در موسیقی بدینگونه :

ای برادر يك دوگاهی ساز کن از حسینی پستی آغاز کن

راست خواندن در بلندی مشکل است پنجگاهی گر بخوانی حاصل است

* سپهسالار ۲۹۳۱/۴۲ (۵ : ۶۸۸) .

* تاشکند ۴ - ۷۲۳ (۱ : ۳۱۷) .

* مجلس (۲/۲۷۳۹ در ۳ ص ۹ : ۸۷) .

* لنینگراد B 2257 فهرست عمومی ص ۲۸۳ بنام مقامات العلیة) .

همچنین نظم کوکبی درباره دوازده مقام ، از کوکبی موسیقی دان نامور

بخارا در سده ۱۰ (۲۱۶) همانکه از دو رساله او در فهرست تاشکند (۱ : ۳۱۷

س ۴ - ۷۲۳) یاد شده است .

* تاشکند ۲/۹۲۶۴ (۸ : ۲۱۵ س ۵۷۹۳) به نسخ خوش بخارایی گویا

از سده ۱۱ در ۱ ص .

رساله در موسیقی ناموب دیگری که آنهم گویا از روی رساله کوکبی

بنگارش در آمده است .

آغاز : فصل در بیان دانستن علم موسیقی و مقامات و شعبه بدانکه ارشدك الله

تعالی که هیچ علمی به موسیقی نمیرسد چنانکه حضرت امیر المؤمنین (ع)

فرموده اند هر که این علم را سیر کند تمام علمها را آموخته باشد .

مزار جلگزی و یوسف ثانی و ماه سمنانی و ساقی و باقی عراقی در مجلس آراسته چهارباغ پرزه نیم فرسخی هرات از آن امیر علی شیر نوائی گرد آمده بودند و خواجه مجدالدین محمد و مولانا عبدالواسع منشی هم در آنجا بوده‌اند (۵۲۳) .

۲۲ - فضولی شاعر در گذشته ۹۷۱ را ساقی نامه‌ایست بنام هفت جام در ۳۲۷ بیت در هفت جام که در هرجامی از یکی از افزارهای موسیقی یاد کرده است. (ذریعه ۹ : ۸۳۸ و ۱۲ : ۱۱۲ و ۱۹ : ۳۴۰ - نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه ۱ : ۲۹ - مجله ادبیات تهران ۶ - ۶۵ : ۱۶۴) .

۲۳ - سراینده‌ای بنام طرب یا نسیم یا نسیمی، نسیم طرب ساخته‌است گویا بنام پادشاهی « مظفر محمود » از روی دره التاج و آثار ارموی و عبدالقادر مراغی (۷۵۴ - ۸۳۹) مانند ادوار ارموی و رساله زواید الفواید مراغی که بدانها اشاره‌ای دارد و گویا در سده ۱۰ ساخته باشد.

نام کتاب بگواهی متن در فائده سوم « نسیم طرب » می‌باشد اگرچه در عنوان همین فایده « نسیمی » آمده است .

باید در چهل فایده و بیست مطلب باشد ولی در نسخه ۳۹ فایده و ۱۹ مطلب دیده میشود و عنوانهای برخی از مطالبها و فایده‌ها در آن یاد نشده چنانکه خواهیم دید :

فایده اول - در بیان الفاظ واحادیث اربعه که در شأن تغنی وارد شده قال رسول الله ص ما اذن الله لنبی ما اذن یتغنی بالقرآن وقال ص لیس منا من لم یتغن بالقرآن ، متفق علیه . وقال : زینوا القرآن باصواتکم فان الصوت الحسن یزید القرآن حسنا رواه احمد والدارمی.^۱

فایده دوم در بیان معانی احادیث اربعه و آنکه متعلق است بآن در شأن تغنی .

حدیث اول

که نبود بطبع سلیم اجنبی	حدیثی کنون گوش کن از نبی
بچیزی مگر صوت پیغمبری	خدا گوش را می‌ندارد گنهی
به قرآن و معنی حدیث این بود	چو پیغمبری کو تغنی کند

۱ - سه حدیث پیش در اینجا یاد شده است .

در هاشم آمده : بعضی از اینها افتراء است بر پیغمبر ص و بعضی ماول و اما آنچه افتراء است حدیث اول است که لازم دارد جسمیت (در احیاء ۲ : ۲۶۸ و صحیح ۱ : ۳۶۱) مانند این حدیث هست : لدا اشد اذنا للرجل الحسن الصوت بالقرآن من صاحب القینة الی قینة ، ما اذن الله لشی اذنه لحن الصوت بالقرآن ، ما بعث الله نبیا الا حسن الصوت ، لیس منا من لم یتغن بالقرآن) .

دربیان معنی حدیث دوم

دگریك حدیثی به حسن نغم
هر آنگونه قرآن تغنی کند

دربیان کیفیت تغنی

ولی آن تغنی که بد مستحب
چو دیگر حدیث از رسول امین
که در آخر العهد قومی شوند
بود لحن فاحش بهرجا قبیح
تغنی به معنی دگر حمل کرد
ولی از ره معرفت شافعی
ز نغمه تغنی بپاید فقط
ز معنی ظاهر به تأویل کس

بیان حدیث سوم

حدیث دگر از رسول خدا
به آواز قرآن مزین کند

بیان معنی حدیث چهارم

به تحسین اصوات و امر در آن
بآواز خوش این حدیث آورم
به وصف نغم بر حدیثی که بود
مزین شد اکنون به اینها کتاب

بدان از رسول جمیل الشیم
نباشد زما وین حدیث است فرد

نه چون قصه خوانی معدی کرب
بود امر جمعی درو این چنین
تغنی به ترجیح قرآن کنند
به تخصیص قرآن به قول صریح
یکی از رفیقان برین قول فرد
جوابی از این گفته گر قانعی
تغنی از استغنی اش شد غلط
نرفت است معنی همین است و بس

به تزیین اصوات باشد خدا
که از پرتو او به دولت رسد

حدیث صحیح آورم در بیان

.....

به اوضح بیانی ترجم نمود
گلی شد به صورت به معنی گلاب

مطلب اول در بیان نوشتن این رساله واحوال جامع او .

در آن آمده که از اهل ادوار خراسان پرسیده بودم که علم ترکیب نغم
چیست و او نمیدانست و من خود گفته بودم که چگونه است . سپس میگوید که من
درةالتاج علامه قطب شیرازی را نزد استاد خوانده بودم تا اینکه میگوید :

ز روی عمل نزد استادکار
کنون از عمل آرم از صد یکی
دو گل از گلستان فضل و کمال
صفی الانام آنکه او مؤمن است
گرفتم از او کار بالای کار
که کس را نباشد در آنها شکی
که باشند هر یک عدیم المثال
دگر عبد قادر گران معدن است

فایده سوم در بیان وجه تسمیه این رساله به (نسیمی)

زیست طربناك از هر مقام
که نام رساله ز نامم بدان

.....

فایده بیست و چهارم - در بیان کیفیت دور اساس بروجہ تفصیل در بیان کلام منشور .

مطلب دوازدهم - در بیان کیفیت نقارات دور فتح یکی ضرب الفتح و دیگری بروجہ تفصیل .

فایده بیست و پنجم - در بیان کیفیت نقرات چهار ضرب بروجہ تفصیل .

فایده بیست و ششم - در بیان کیفیت نقرات دور تقلیلی بروجہ تفصیل .

مطلب سیزدهم - در بیان کیفیت نقرات دور خفیف بروجہ تفصیل .

فایده بیست و هفتم - در بیان کیفیت نقرات دور مخمس بروجہ تفصیل .

فایده بیست و هشتم - در بیان کیفیت نقرات دور بشارت کبیر مرقوم به یازده

فصل میشود .

مطلب چهاردهم - در بیان کیفیت نقارات دور بشارت صغری مرقوم به شش

فصل میشود .

فایده بیست و نهم - در بیان نقارات دور جواجک یعنی دقاق بروجہ تفصیل .

فایده سی ام - در بیان کیفیت نقرات دور اواسط مرقوم به چهار فصل

میشود .

مطلب پانزدهم - در بیان کیفیت نقرات دور در افشان به چهار فصل میشود .

فایده سی و یکم - در بیان کیفیت نقرات دور شاهنامه .

فایده سی و دوم - در بیان کیفیت نقرات دور ترکی .

مطلب شانزدهم - در بیان کیفیت نقرات دور رملی .

فایده سی و سوم - در بیان کیفیت نقرات دور هزج و آن مرقوم است

به سه فصل .

[مطلب هفدهم] - در بیان کیفیت نقرات دور وافر مرقوم به دو فصل

میشود .

فایده سی و هشتم - در بیان کیفیت نقرات دور مجمل که به نه فصل میشود .

مطلب هژدهم - در بیان کیفیت نقرات دور نیم ثقیل به چهار فصل .

دیگر نقرات دور حجاری مرقوم به چهار فصل میشود .

فایده سی و نهم - در بیان کیفیت نقرات دور اصول عمل مرقوم به هفت

فصل میشود .

فایده سی و هشتم - در بیان کیفیت نقرات دور ضربی به چهار فصل میشود .

مطلب نوزدهم - در بیان کیفیت نقرات دور سلطان و دور ارغشتک مرقوم

به چهار فصل میشود .

فایده سی و نهم - در بیان کیفیت نقرات دور روان کبیر به چهار فصل و صغیر

به سه فصل و دورالفرح کبیر به چهار فصل و صفیر به چهار فصل .

فایدهٔ چهارم - در بیان کیفیت نقرات دور خفیف صریح ضربی مرقوم به شش

فصل .

آغاز : بسمله .

به نطق آور هر زبان در دهان
که دل را طراوت دهد از برون
بجنبش در آرد زبان چون جرس

.
همه انس و جان از ازل تا ابد
و بر آل و احباب او بالتمام
که یعنی سر خاندان قدیم
بر ابناء دولت بر ابناء دین
چگویییم به وصفش نمایم کدام
ز حلمش بهم میچرد گرگ و میش
به نتوان ندارد يك از صد هزار

.
که باشد شود در سخن رخنه ای
نمایم به وجهی که کافی بود
برای ندیمان عالیمقام
و گرهست لایق بس است این قدر
که وردم بود هر صباح و مسا
به جاه محمد رسول حمید
مرادات هر دو جهانش بر آر
که بخشد برین بندهٔ ناتوان
چو دینی که باشد برو فرض عین
حدیثی که باشد مؤید بر آن
بیارم عیان بعد از آن ترجمان

بنام خداوند هر انس و جان
در آرندهٔ هر نفس در درون
همان دم ز معنی بر آرد نفس

.
به مدح کسی کو و لیش بود
علیه الصلوة و علیه السلام
به تخصیص ظل الله کریم
جنابی که باشد مظفر یقین
صفتش چو محمود باشد تمام
ز عدلش مزین بود ملک خویش
زبانم به مدحش چو باشد هزار

.
کنون گوید احوال خود شمه ای
در ادوار نظمی که وافی بود
نو شتم من اینرا به بیت الحرام
بدستم جز این تحفه نبود دگر
چو ناید ز دستم مگر این دعا
که یارب به حق کلام مجید
که ظل ظلیلش مؤید بدار
مرادم بود از شه خاندان
به وجهی که یابد خلاصی ز دین
در امر تغنی نمایم بیان
چهار از حدیث نبی لفظ آن

انجام : در بیان کیفیت نقرات دور خفیف صریح ضربی بدانکه نقرات

دور صریح مرقوم به شش فصل میشود باین ترتیب اول يك سبب خفیف . . با يك
رقوم تن تنن - تنن تن

نباشد مرا جز تو فریادرس
مرادم بر آری به وجه حسن

در آن دم که ماند یکی از نفس
به فضل خود آری نظر سوی من

حمد و ستایش بی‌قیاس پادشاهی را که بساط اهل نشاط در نافه (مأمن حظ و حضور و مهد عیش ارباب عشرت را در مقام سکن و سرور انداخت.
 اما بعد چون سرگشته هر وادی ساکن کوی نامرادی دوره سفره‌چی
 میخواست که آنچه به قدر وسع خود در فن موسیقی از اقوال حکماء گرفته به عمل
 آورده بود تحریر کند و سه اصل (فصل) بنا نهاد :

اول در بیان دوازده مقام .
 دوم در شعبات .
 سوم در آواز .
 انجام :

تا بلبل جان نغمه‌سرا خواهد بود تا مطلب عشاق نوا خواهد بود
 بی‌زمزمه عشق نخواهم بودن تا قوت دم‌زدن مرا خواهد بود

۲۶ - عبدالمؤمن بن صفی‌الدین گرگانی بهجة الروح و قوت الارواح دارد
 در يك مقدمه و ده باب با ایاتی در موسیقی که برخی را برای فرزند خود ضیاء‌الدین
 محمد یوسف سروده است (ص ۷۳) . در خاتمه آن (۷۸) از سعدالدین یحیی آبادی
 و شمس‌الدین کازرونی و کمال‌الدین کازرونی و شیخ محمد شانگی و میر فخرالدین
 و اسحاق موصلی و سید حسین اخلاطی و ضیاء‌الدین محمد یوسف فرزند خود (ص
 ۷۳) و ابن سینا و ابن طائی و محمد امین طاوس و فخرالدین طاوس هر وی (مروی)
 و شیخ نجم‌الدین مؤلف فصوص روحانی یاد شده است .

این رساله را بنیاد فرهنگ در ۱۳۴۶ خ چاپ کرده است .

من وصف آنرا در فهرست دانشگاه (۴ - ۸۴۰) آوردم و نسخه‌های دیگری
 می‌شناسم مانند مجلس (۹ - ۱۳۸۱ و ۱۳ - ۲۹۲) و سپهسالار (۳/۲۶۱ مورخ
 ۱۰۴۶) و ملك (ش ۱۱/۶۱۹۳ مورخ ۱۲۷۹ و ۱/۸۳۳ مورخ و ۱۲۷۹ و ش
 ۵/۴۹۴ فهرست مجموعه‌ها ص ۴۵ - فهرست فیلمهای دانشگاه ص ۷۸۱) و سنا
 (۲/۲۲۴۲ - نشریه ۱/۲۳۶) و بادلیان ش ۱۸۴۱ نوشته قایم‌بن نظر علی یزدی در
 اصفهان در کوی احمدآباد پایان ذح ۱۰۳۶ و کمبریج (فهرست نیکولسون ص ۲۰۳)
 و دانشگاه ش ۱/۵۸۶۹ و دانشگاه استکهلم ش ۲ مجموعه مورخ ۱۰۹۱ (نشریه
 ۵ - ۷۱۴) .

چنین است فهرست آن :

مقدمه با دیباچه .

۱ - در بیان مبداء این علم .

۲ - از اقوال بعضی از حکماء در این علم .

۳ - در نسبت این علم به وجود انسان .

- ۴ - نسبت این علم به کواکب سبعة .
 ۵ - در بیان بحور اصل و حرکات هر يك .
 ۶ - در بیان علم ادوار موسیقی به نظم ، فصل در بحور اصول به نظم .
 ۷ - در ترکیب پرده به حسب مسیر عطار و قمر و زهره .
 ۸ - در بیان آنکه در مجالس مناسب هر کسی چه نغمه باید .
 ۹ - در بیان آنکه بر پرده و هر نغمه و هر مقامی چند بانگ باید .
 ۱۰ - سلوک صاحب این علم با خواص و عوام .
 ۱۱ - خاتمه در آنکه هر مقامی از چه استخراج کرده اند و در نسبت ها به کواکب و عناصر و فصول اربعة .

۲۷ - حسین عقیلی رستم‌داری در ریاض‌الابرار که به نام شاه تهماسب در سال ۹۷۹ ساخته است (مجله ادبیات مشهد ۷ : ۴ ص ۹۹۲) از موسیقی سخن داشته است (مجله وحید ۹۲ : ۷۴۳ - نامه آستان قدس شماره مخصوص جشنهای شاهنشاهی ص ۱۹۸) .

۲۸ - درویش علی چنگی خاقانی را رساله موسیقی است . و نسبت وی چنین است : درویش علی بن میرزا علی بن عبدالعلی بن محمد مؤمن قانونی ابن خواجه عبدالله بن خواجه محمد مروارید .

در آن تاریخ موسیقی دانان ایرانی مانند حسین کوکبی آمده است . نسخه ای از آن را در نمایشگاه تاشکند دیده ام .
 در ذریعه (۹ - ۳۲۳) از درویش علی طیب پسر پدری شماع گویا از سده ۹ و ۱۰ و در خوشنویسان بیانی (ص ۴۵۵) از درویش علی خوشنویس زنده در محرم ۸۶۹ یاد شده است، مؤلف ما نباید هیچیک از این دو باشد.

* لنینگراد D. 403 (فهرست عمومی ص ۲۸۳) .
 * تاشکند ش ۴۴۹ و ۴۶۸/۱ (فهرست سنوف ۱ : ۳۱۸ ش ۶ - ۷۲۵) .
 ۲۹ - محمد مؤمن بن ابی‌المحسن حسینی منشی گونابادی زنده در ۹۹۸ مؤلف خلاصه اللغات در ۱۰۰۶ (نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه - ۶۲۴ و ۶۶۱) تذکرة النغم دارد که در آن يك مقدمه و چهار فصل و يك خاتمه چنانکه در دیباچه آمده گذارده است اگرچه در متن آن شش فصل بی شماره آمده است بدینگونه :

- ۱ - فصل در وجه تسمیه موسیقی .
- ۲ - فصل در باب دانستن مقام .
- ۳ - فصل در شعبه .
- ۴ - فصل در آواز .
- ۵ - فصل در بحر اصول .

چند به عمل در موسیقی که بفرمان گوهر خوشاب درج سلطنت و شهریاری نور حدیقه شاهنشاهی تألیف یافته و بنابراین مختصر به مقدمه است و در پنج فصل و خاتمه .

مقدمه در پیدا کردن علم موسیقی و تعریف نغمه و ایقاع و ذکر اسامی جمعی که باین فن مشغول گردیده اند (کسانی که مربوط این فن بوده اند) .

فصل اول در ذکر بعضی حالات مقدمها و اسامی آن .

فصل ثانی در بیان آوازا و آن شش است .

فصل سیم در اسامی بیست و چهار شعبه و ذکر برخاستن هر دوازده آنها از روی

يك مقام .

فصل چهارم در خواص هر کدام و زیادتی آن که چند مخصوص دارد

و بر کدام است .

فصل پنجم در ذکر اصولها که در کتب موسیقی بنام ایقاع مذکور میشود .

انجام :

از عمر و جان سلطنت تا ظهور صاحب الامر ... بهره مند گرداناد. والسلام.
و دایره ای که موصوف باین ساز هست اینست که نمودیم و قدر علم بدانند که چقدر بایست بکاربرد والله اعلم .

آغاز نسخه ملك : بعد این مختصریست در علم موسیقی و مبنی است بر يك
مقدمه و پنج فصل و يك خاتمه .

انجام نسخه ملك : و حقیر شصت سال ریاضت کشید تا اینها را دانسته
و بیان نمود .

* بادلیان ش ۸ وینفیلد ش ۲/۲۸۲۷ (فهرست فیلمها ۱ - ۵۷۰
ش ۱۱۵۰) .

در پایان آن آمده که تصنیف میرصدرالدین محمد است . و مورخ
۱۰۰۸/۱۶۶ و بنام سلطان حسین میرزا . پس ازین فهرست دوازده مقام است و بیست و
چهار شعبه به نظم فارسی در دو بند ، دومی بروش معما در نیم صفحه . در فهرست
بستون (۳-۸۲) گمان برده شده که این رساله از صدرالدین محمد دشتکی است
و بنام سلطان حسین بایقرا درست باشد .

* منا ش ۳/۲۲۴۲ (نشریه ۲ : ۲۳۶ - فهرست فیلمها ص ۶۲۸
ش ۱۲۸۰) که در آغاز آن (نه دیباچه) به میرصدرالدین محمد نسبت
داده شده است .

* ملك ش ۶/۴۹۴ (فهرست مجموعهها ص ۴۶ - فیلم ش ۳۰۱۱
/ دانشگاه ص ۱۷۱ فهرست) با قمارنامه محمد امین میرزا .

۳۱ - میرزا محمدجان بن فخرالدین محمد که بدرخواست گو کلتاش خان تحفة الهند خود را در موسیقی هندی و هنرهای زیبای دیگر و قیافه‌شناسی و جز اینها برای آموختن محمد معزالدین جهاندارشاه پسر اورنگ زیب گویا بسال ۱۰۷۱ یا ۱۰۷۶ و در يك مقدمه و هفت باب ساخته است .

مقدمه در بیان مصطلحات حروف تهجیه هندیه و علم خط و ذکر اشکال حروف مذکوره از مفردات و مرکبات و بعضی قواعد کلیه بهاکها Bhâsâ مشتمل بر چهار فصل است .

باب يك در علم پنگال Pingala یعنی علم عروض اهل هند مشتمل بر سه فصل .

باب ۲ در علم تک Tuk یعنی علم قوافی اهل هند مشتمل بر دو فصل .
باب ۳ در علم النکار Alankâra یعنی علم بدیع و بیان اهل هند مشتمل بر دو فصل است .

باب ۴ در علم سرنگارس Sringârasa یعنی عاشقی و معشوقی، در بیان احوال عاشق و معشوق مشتمل بر دو فصل .

باب ۵ - در علم سنگیت Sangita یعنی علم موسیقی اهل هند و غیره مشتمل بر ده فصل .

باب ۶ - در علم کوک Kok یعنی معرفت اقسام زن و مرد و صحبت داشتن و مباشرت کردن با زنان بر پنج فصل .

باب ۷ در علم سامدریک Samudrika یعنی علم قیافه که علامات خیر و شر در انسان در آن معلوم شود مشتمل بر دو فصل .

خاتمه در ذکر لغات و مصطلحات و کنایات اهل هند به ترتیب تهجی که حرف نخستین باب و حرف دوم فصل است .

آغاز: الحمد لله . . . اما بعد چنین گوید مست باده هذیان بی حد میرزا محمد .

انجام: اینها به رای مفتوحه و نون نمونه و بای موحده تقلید ممدوده و آن زنی بود جمیله وهم اشو به فتح همزه .

* بادلیان ش ۱۷۶۳ .

* برلین ۱/۳۴ و ۱۰۷۳ و ۱۰۷۴ و ۱۰۷۵ ص ۳۸ و ۸۳ و ۱۰۱۹ .
و ۱۰۲۰ فهرست پرچ .

* دیوان هند ش ۲۰۱۱ مورخ ۱۱۹۴ و ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ .

* کالج شاهی کیمبریج ش ۲۱۷ .

۳۲ - حسن بن خواجه طاهر بن خواجه محمد قاضی پرگنه آنتور سرکار دولت آباد صوبه شاه اورنگ آباد که در زمان اورنگ زیب به سال ۱۰۷۴ مصباح السرور با مفتاح السرور در چهارباب در موسیقی ساخته است .

۱ - در بنیاد راگ Raga دانستن و آواز و ساز و سرود و مورچهنا Murcchana و سرت Sruti و گرام Grama و غیره .
۲ - دانستن راک و زنان و پسران و ابراک Upraca و صورت و پوشاک و وقت و غیره .

۳ - دانستن سده سیکرن یا سنکیزن Sudda Sarnga و سالنگ Saranag و غیره .

۴ - بنیاد پکهارج و دانستن ساز و وقت و ترتیب رقص و غیره .
چنین است نام برخی از بخشهان آن .

- | | |
|------------------|-------------------|
| ۱ - سنگیت رتناکر | Sangita Ratnakara |
| ۲ - روپ رتناکر | Rupa Ratnakara |
| ۳ - سنگیت بکرنند | Sangita Vakaranda |
| ۴ - بهرت سنگیت | Bharata Singita |

آغاز : سپاس بی حد و ستایش بی حد مرخالقی را سزد که نغمه پردازان قدرت .

* بنگال ایوانف ۱ : ۷۵۳ ش ۱۶۲۹ .

* برلین ش ۳۴/۲ ص ۸۴ فهرست پرچ .

۳۳ - راگ درپن Raga Darpan (یا آئینه راگها) در موسیقی هندی است به زبان سنسکریت و نام دیگر آن راگ وی بوده Raga Vibodha یا « پوتهی » است . اصل و متن آن را که « مانکتوهل » (Muncuttuhul) هم خوانده میشود « اگرنته » هندی بدستور « مان سینگه » (Man Singh) راجه گوالیار شناخته است و نایک بهنور و نایک بخشو و نایک پندوی که از سرزمین تلنگ برای غسل و شست و شوی کور کهیت آمده بود و محمود ولوهنگ باو کمک کرده و از کتابهای (بهرت سنگیت) و (سنگیت ربن) و (رتن آگر) هم در نگارش این دفتر بهره برده بودند .

فقیر الله فقیر سیف خان آن را بسال ۱۰۷۳ بدست آورده و در ۱۰۷۶ از همدی به فارسی برگردانده و ده باب در آن گذارده است .

۱ - در سبب تألیف .

۲ - در دانستن راگها .

۳ - در تعیین هر موسم که در آن موسم کدام راگ و راگنی خوانند

- و حرفهایی که منع کرده اند که در اول تصنیف نیاید .
- ۴ - در دانستن (س) ها و تصانیف هایی که در نغمه میبندند .
- ۵ - در دانستن سازها و نایک و نایکه و سکهی .
- ۶ - در دانستن عیوب گوینده .
- ۷ - در شناختن آوازه ها و رویت حنجره ها .
- ۸ - در دانستن استاد کامل .
- ۹ - در دانستن برنده و فایده برنده نمودن .
- ۱۰ - در بیان گوینده ها و سازنده ها که در زمان ما بودند و هستند .
- آغاز : حمد و سپاس بی قیاس مر آفریدگار را که از حمد و سپاس بیرون است و نعمت و محمیت بر پیغمبری را شاید . . .

انجام : والسلام علی من اتبع الهدی در ۱۰۷۶ و قتیکه از پیشگاه خلافت به خدمت صوبه دار کشمیر جنت نظیر قیام داشت صورت اتمام یافت به عنایت بی غایت جل و اعلی .

- * بادلیان ۱۸۴۷ مورخ ۱۲۰۰ .
 - * بهار هند ۲/۲۳۵ (۱ : ۱۸۶) .
 - * دانشگاه تهران ۸۰۱۸ از سده ۱۳ و ۱۴ .
 - * دیوان هند ۲۰۱۷ مورخ ج ۲/۱۱۹۶ .
- (نیز فهرست فارسی و عربی دیوان هند از دنیس راس چاپ ۱۹۰۲ ش ۷۱) .

۳۴ - غلام رضابن محمدپناه که اصول النغمات الاصفیه برای وزیر آصف در موسیقی هندی ساخته و درباره او در آن آمده است .

به آصف لقب آن سلیمان سریر به معنی است شاه و به صورت وزیر درش اصول هر یک در چند فصل با فهرست آنها در آغاز .

آغاز : نحمد و نصلی و نسلم وجدانگیر ترنمی که نور آن سینه ریشان محبت را به تملک خواباند .

- * بهار هند ش ۱/۲۳۵ (۱ : ۱۸۶) فهرست و ۳/۲۳۶ (= ۱۸۷) .
- * دیوان هند ش ۲۰۲۳ دارای نخستین فصل آن .

۳۵ - ترجمه «پری جتکا» Parijataka یا پارجاتک از میرزا روشن ضمیر که بفارسی در زمان اورنگ زیب عالم گیر ساخته است .

اصل در رقص و موسیقی هندی به زبان سنسکریت .

(یادداشت آقای شهریار نقوی - فهرست فارسی و عربی دیوان هند از دنیس راس چاپ ۱۹۰۲ ش ۷۲) .

آغاز : سردائر آمو دوائر سرود نمود زمزمه حمد.

* دیوان هند ش ۲۰۰۹ .

۳۶ - میرزا ابراهیم کاشف‌الدین محمد یزدی انیس‌الارواح دارد بنام شاه‌عباس صفوی در يك مطلع و سه مقصد و يك خاتمه با آوردن اصطلاحات موسیقی در دیباچه بروش براعت واستهلالات .

دونسخه از آن در دست هست که تنها دیباچه است . آقای گلچین معانی آن را از روی نسخه مجلس در مجله ادبیات مشهد س ۴ ش ۴ با شرح لغات آن با سفارشنامه میر سیدشریف برای حافظ ادوار چاپ کرده است.

نسخه منسوب به خود کاشف‌الدین درلنینگراد (C 692) شاید هم همین

باشد .

* سپهسالار سفینه شماره ۷۴۹۳ برگ ۱ پ - ۳۶ پ از سده ۱۱ (۲۱۷ = ۳) .

* مجلس ۲۹۵ نوشته محمدرضا در ۱۰۷۲ .

۳۷ - نظام‌الدین احمد گیلانی دکنی از درباریان قطب‌شاه و پزشک آنها و در گذشته ۱۰۵۹ شجره دانش دارد که در آن یکصد و دویست رساله باید باشد، فهرست آنها از خود اوست . در دانشگاه تهران سیزده رساله اوست که گویا باین کتاب مربوط باشد (ش ۳۲۲۳) .

یکی از رساله‌های آن در علم موسیقی و کیفیت اصل و فرع آن است .

* آصفیه ش ۳۹ مورخ ۱۰۵۵ تا پیش از ۱۰۵۹ (۲ = ۴۷۸) .

۳۸ - خواجه کلان خراسانی رساله موسیقی دارد در يك مقدمه و سه باب

و يك خاتمه با يك صفحه دایره موسیقی (دیباچه) .

دارای این عنوانها در نسخه سپهسالار :

مقدمات در باب علم به ادوار موسیقی و وجه تسمیه آن .

فصل در بیان مقدمات و شعبه .

فصل در تعداد شعبه .

فصل در تعداد آواز .

فصل در مقدمات نغمات .

فصل در اصفهان .

فصل در راتب .

فصل در حجاز .

فصل در کوچک .

فصل در نغمات و نقرات .

فصل در اصول به حرف مرقات و محسنات .

باب در چند بیت .

مقام اندر عدد بیست آمد و چهار دو شعبه هر مقامی داشت ناچار
حسینی کر مقامات است برتر دو کار آمد قرینش یا محیّر .
فصل در اوقات .

آغاز : بسمله . حمدله وبعد معروض ضمیر اعزه میگرداند بنده
حقیر فقیر کسیرالمشهر به خواجه کلانی خراسانی که در اثنای تحصیل در حفظ
کلام قیوم گاه گاه در ترنم جهت تحقیق آهنگها و دائره‌های اصولی و قواعد
موسیقی اقدام میرفت تا قدری در ضبط و ربط آمد و این رساله مشتمل است
بر مقدمه و سه باب و خاتمه .

انجام : وقت روشن شدن صبح (سپس يك دائره است) .

* دانشگاه ۷۴۹۹/۴ ص ۶۷ - ۷۹ .

* سپهسالار ۷/۲۹۱۳ ص ۳۶۰ - ۳۶۲ (۵ : ۶۸۸ فهرست) .

این نسخه تحریر دیگری است به نظم و نثر فارسی دارای يك مقدمه در
ادوار موسیقی و سه باب .

۱ - بیان مقامات و تعریف آن با عنوان فصل سوم در تعداد آوازاها .

۲ - مقدمات نغمات هر يك و کیفیت حصول شعب و آوازاها با دو فصل
درباره نغمه‌ها .

۳ - در نغمه‌ها و نقرات و بحور اصول در دو فصل .

در آن از استادان فن یاد شده و آمده که هفت آهنگ تا زمان شاه شیرویه
بوده است و استاد سعدی در هر فنی از موسیقی مهارت داشته و پرده‌ها را به
دوازده و مقامها را به دوازده برج رسانیده است تا نوبت به شمس‌الدین محمد و
کمال زمان و حسین و ابراهیم و اسحاق رسید ایشان از هر پرده شعبه‌ای ساختند و
به بیست و چهار رسید و استادان مشهور اینها ایند : خواجه صفی‌الدین عبدالؤمن
و استاد علی ستابی و استاد علی ربابی و استاد روح‌پرور و استاد حسین عودی و
خواجه عبدالقاهر تا میرسد به مؤلف (خواجه کلان) که در اثنای تحصیل علوم
و حفظ کلام قیوم گاهی در ترنم اقدام میرفت .

آغاز : مقام اندر عدد هشت آمد و چهار دو نغمه هر مقامی راست ناچار

بزرگست و رهاوی اصل شهناز شوم تا کردمش من بعد دم‌ساز

روایت است از حضرت موسی . . . با قوم خود به صحرائی رسیدند .

۳۹ - خواجه عبدالرحمن بن سیف‌الدین غزنوی (ذریعه ۹ - ۷۸۹)

رساله موسیقی دارد به نثر و نظم فارسی با شعرهایی از سلطانیه کوکبی و گرفته

از تألیفات عبدالقادر مراغی .

در آن در نسخه چاپ سنگی آمده است :

مولانا کوكبى همانا در سلطانيه آن شش آواز را اين طور بهم در آورده

است :

كَبشت مايه و گردانيه چو برخوانى نواز پرده نوروز سلمك و شهناز
اين بيتها در بهجةالروح (ص ۴۳) هم آمده است . (راهنمای كتاب

۱۲ : ۷ و ۸ ص ۴۴۸) .

در نسخه مجلس آمده است : اسامی دوازده مقام و بیست و چهار شعبه و شش
آوازه حد وسط هر دو مقام مناسب را آوازه نامند و اسامی آنها باین ترتیب است :
سلمك - اصفهان - زنگوله - گردانيه - عشاق - راست رهاوی - نوروز
عرب - نوروز عجم .

بعضی حجاز را معتدل نامند نظم :

چون شوی در عراق پرده گشای فاخته ضرب و ترك ضرب نمای
دویکست و دوچار و ضرب الفتح نیست قطعاً در آنچه گفتم قطع
و دورروان و فاخته کبیر و شاهنامه و رمل طویل از ملحقات و از تألیف
خواجه عبدالقادر است .

آغاز : نسخه دانشگاه مختصریست در بیان دوازده مقام موسیقی و بیست و
چهار شعبه و شش آوازه که دانسته شود واضع هر مقام و اسم او و تعلق بکدام برج
از بروج دوازده گانه دارد ادای آن و چه وقت و برای چه مرض مفید است ، به
جهت حکمای ابدان و اهل موسیقی با فایده است .

بسمله . چنین گوید خواجه عبدالرحمن بن سیف الدین غزنوی که در اول
هفت مقام آواز بود . هر کدام متعلق به پیغمبری که در وقت خاص ادا میفرمود .
انجام : کین ایرج ، مهرانگیز .

آغاز چاپ سنگی : بسمله . چنین گوید خواجه عبدالرحمن بن سیف الدین
غزنوی که علم موسیقی علم شریفی است دانستن آن برای اطباء و حکماء و فواید
زیاد بخشیده آنچه از کتب این علم مطالعه نموده ام مختصری بیان میشود .

آورده اند که فیثاغورس روزی به بازار آهنگران رسید از کوفتن آن با
پتك بر روی سندان آوازی شنید مطبوع طبعش گردید . همت استوار کرد عود را
وضع نمود هفت پرده برو بست به عدد هفت کوكب یکی از شاگردانش يك پرده برو
علاوه ساخت . بهمین وضع بود تا عهد سلطان اویس چهار پرده دیگر بر او افزودند
به عدد دوازده برج ، دوازده مقام در صورت برو قرار دادند .
انجام : با شعبه مغلوب و شعبه مخالف .

روی بر آسمان کرد چوماهی اگر خانی عراق چاشتگاهی
* دانشگاه تهران ش ۴/۳۸۰۶ (با شمس المناقب سروش اصفهانی) .
* مجلس ش ۳۷/۳۳۲۱ ص ۵۱۰ (۱۰ : ۹۹۵) که گویا بندیست از آن
و چنین آغاز میشود : « حد وسط هر دو مقام مناسب را آوازه نامند و اسامی آن
باین ترتیب » .

* چاپ سنگ با شمس المناقب سروش اصفهانی (مشار ۱۰۴۳) .
نیز بنگرید به راهنمای کتاب س ۱۲ ش ۷ و ۸ ص ۴۶۸ - مجله موسیقی
دوره دوم ش ۱۲ : ۴۱ - ۴۶) .

۴۰ - محمدصادق بن محمد صالح مینای آزادانی اصفهانی (۱۰۶۱-۱۰۱۸)
در شاهد صادق خود که در ۹ - ۱۰۵۴ در اکبرآباد ساخته است از وجود و سماع
و سرود ورقص سخن داشته است (فصل ۷۴) .
(دیباچه یواقیت العلوم از نگارنده ص ح - فهرست نسخه های خطی
فارسی ۶۷۳) .

۴۱ - جلال الدین محمد منجم یزدی در تاریخ عباسی در فصل هشتم
سرودهایی را که خود شاه عباس ساخته است با آهنگهای آن آورده است با عنوان
«دزدگر بعضی از اشعار و تصنیفات ترکی و فارسی تاریخ عمارت و تکیها و باغات
چهارباغ که خود به نفس همایون متوجه شده فرمودند» .

در فصل هفتم آن از حافظ جلال روزگار شاه عباس یاد شده است (ص ۶۷
و ۷۰ - ۷۴ ش ۴۲۰۴ دانشگاه تهران) .
در نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه (۷ : ۱۷۵) از نسخه های آن یاد
کرده ام همچنین در فهرست فارسی ملك (ص ۸۶ ش ۴۷۶۲) .

۴۲ - ملاشاه محمد بن محمد دارابی شیرازی متخلص به شاه و داراب گردی
و مؤلف تذکره شعراء و لطیفه غیبی در شرح دیوان حافظ میان سالهای ۱۰۳۸ و
۱۴۰۳ را مقامات السالکین است در مصطلحات موسیقی و آراء دانشمندان اسلامی
درباره روایی و ناروایی غناء با دیباچه ای شیوا از مولانا خداداد در ۱۱ ص مورخ
۵ - ۱۱۰۴ در ۵۸ برگ .

قطب الدین محمد تبریزی در فصل الخطاب از او یاد کرده است .
(ذریعه ۴ : ۳۸ و ۹ : ۴۹۷ و ۱۸ : ۳۱۷ و ۳۲۶ - فرهنگ سخنوران
۲۸۹ - فهرست دانشگاه ۴ : ۴۳۲) .

* موزه بریتانیا Or. 11005 (فهرست اونس ص ۳۳ - نشریه ۴ : ۶۶۰) .
۴۳ - مقامات السالکین از دانشمندی شیعی که نام خود را به رمز یاد کرده
است و در آن يك مقدمه و دو فصل و يك خاتمه است و از شیخ بهائی وسید داماد

و محمد امین استرآبادی و فیض کاشانی و مولی حسن فاضل گیلانی قمی یاد شده است. غناء در آن مباح دانسته شده و یکی از دلائل سماعی است که در مجلس شیخ صفی و شیخ زاهد و پیروان آنها میکرده‌اند .

او میگوید که من رسالهٔ وجدیه دارم . پیداست که او یکی از اخباریان و فقیهان و متکلمان و عارفان درباری روزگار صفویان است .

* دانشگاه ۵۷۰۲ (۲۰۲ نفیسی) فیلم ش ۲۸۱۰ (ص ۲۰۲ فهرست) .
۴۴ - فرخ السالکین در بیان و اثبات وجد و سماع و غشیت با دلیلهای

عقلی و نقلی ، دارای :

مقدمه در بیان وجد و تواجد و وجود .

فصل ۱ در بیان آیات و احادیث که دلالت بر اثبات دارد .

فصل ۲ در بیان جواز حرکت دوری از عارفان با برهان عقلی .

فصل ۳ در آداب سماع چنانکه از اکابر دین نصیحت رسید و مرضی

اعتلاء است .

خاتمه - در بعضی نصایح و مواعظ از ائمه هدی و کلام حکماء .

(فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۱۲۹۷) .

* مجلس ۵۹۲۵/۱ مورخ ۱۲۴۶ (۱۷ : ۳۱۵) .

۴۵ - ابوالحسن قیصر شاعر زنده در ۱۰۷۱ که دیوانش در کتابخانه دیوان

هند (ش ۹۳۵) است معرفة النغم دارد و او این رساله را در ۱۰۸۷ از روی کتابهای

ایرانی و هندی در یک مقدمه در دو قسم و دو مقاله و یک خاتمه ساخته است (بادلین

ش ۱۸۵۰/۲ مورخ ۱۱۷۴) .

آغاز : الحمد لصانع العالم ومبدء الخلق من العدم والصلاة على الرسول

الاعظم محمد سيد العرب والعجم اما بعد چنین گوید : بنده احقر ابوالحسن المتخلص

به قیصر .

* بادلیان ش ۱۸۵۰/۲ مورخ ۱۱۷۴ .

۴۶ - عنایة الله بن میرحاج هروی بنام اکبرشاه هند (۹۶۳ - ۱۰۱۴)

تحفة الادوار نگاشته است نیمی به ثر و نیمه دیگر به نظم در ۲۴ محرم ۱۰۷۷ .

آغاز : حمدی بیرون از دائرهٔ احصاء و سپاس افزون از احاطه و استقصاء .

* بادلیان ۱۸۴۵ ش ۳۰ اوزلی نوشتهٔ محمد امین در اکبر آباد برای شاه

قباد بن عبدالجلیل حارثی بدخشی دیانت خان مورخ ۲۴ محرم ۱۰۷۷ (فهرست

فیلمها ۱ : ۵۶) .

۴۷ - شیخ جمال محدث را اثبات سماع الغناء والرقص والدف بحکم النبى

است مورخ ۱۰۹۱ در سه باب :

- ۱ - مباح سماع الغناء فی الاحیاء للقلوب .
 - ۲ - در جواز سماع غناء ورقص به آثار صحابه .
 - ۳ - در جواز سماع غناء ورقص صحیح علماء فحول .
 - ۴ - در اقوال ولی فحول علماء طریقت .
- * ایوانف ش ۴۷۵ (۲ : ۳۳۹) به خط عارف شاه قریشی قادری حافظ در سده ۱۳ از روی اصل مورخ ۱۰۹۱ .

۴۸ - محمدعلی قزوینی رفیق توفیق یا آداب علیه دارد.
در آداب اجتماعی و اخلاقی و حکمت عملی که در زمان شاه سلیمان صفوی بسال ۱۱۰۴ (حرف ۲ ادب ۲۴ قسم ۱ در اسباب مسرات نفسانی در آداب علماء و فضلاء) در شهر اصفهان از روی اخلاق ناصری و جلالی و محسنی و طهارة الاعراق مشکویه رازی و اخبار شیعی و کتابهای حکایات ساخته است. از محاسن اصفهان هم در آن آمده است . از قلیان و قهوه و افیون هم در آن یاد شده است. بسیار شیوا و منشیانه بنگارش در آمده است.

در آن در ضمن عبارتها بروش تضمین و براءت و استهلال از اصطلاحات : شکار، سیاق، استیفاء ، حساب، موسیقی در دوجا، ضرب موسیقی، بزم باده نوب، دفتر و سیاق، نزاع و صلح و آلات جدال و جنگ، خادمان بیوتات، طب، نجوم، سلطنت، فلسفه ، علم ، شعر ، بزم و ندیمی و غناء آمده است و اصطلاحات موسیقی آن بسیار سودمند است .

پس از دیباچه در آن :

يك اتصال است در باب تهذیب اخلاق و تنزیه اعمال سپس حرف اول در اوضاع خادم و رسوم اصناف بنده و غلام در چهار باب :

- ۱ - خدمت نذماء و دانشمندان و مورخان .
- ۲ - خدمت مدیران ادویه و معاجین و اطباء و مدیران اغذیه و ناظران و کارخانه داران بیوتات و صاحب جمعان .
- ۳ - خدمت مالی و مادی بدستگیری تاجیکیه و ارباب قلم و ترکان و اصحاب شمشیر .

۴ - خدمت وزیر در بیست و چهار رسم، سپهسالار و سردار سپه، صاحب جمعان و ناظر بیوتات، دبیر و منشی، طبیب و منجم .

حرف ثانی در اوصاف مخدوم در بیست و چهار ادب، ادب بیست و چهارم آن در کسب مسرت و خوشحالی در دو قسم :

- ۱ - اسباب مسرات نفسانی .
- آداب علماء و فضلاء با اصطلاحات علمی آداب شعرا و ظرفاء به نثر و نظم .

۲ - اسباب مسرات جسمانی .

اداب ندماء .

آداب ارباب غناء با اصطلاحات موسیقی و شرح آنها زیر سطور در هاشم در شی بر گک دونسخه .

تتمه در معاش و مسلك هريك از بنی نوع انسان بارفقاء ومصاحبان و آشنایان وجدا کردن آداب مخدوم از رسومات خادم بنام (لباب) در چند لب .

* آقای احمد آرام مورخ ۱۱۰۴ (فهرست فیلمهای دانشگاه ص ۷۹۱).

* دانشگاه ش ۲۵۸۵ مورخ ۱۲۷۹ و ش ۱۴۵۰ در سده ۱۲ .

* مجلس ش ۵۷۵ مورخ ۱۱۱۳ (۲ : ۳۳۷) .

* ملك ش ۱۶۲ مورخ ۱۲۲۳ .

* ملی ش ۶۷۸

۱۷۲۸

(فهرست فیلمهای دانشگاه ص ۱۰۷ - نشریه ۱ : ۲۲۱) .

* نسخه‌ای پاکیزه به خط نستعلیق سده ۱۲ با عنوان در متن وهامش .
و نشان به شنگرف با حواشی و ترجمه عبارات عربی زیر سطور به شنگرف ، آغاز
و انجام افتاده ، ربعی .

۴۹ - محمد امین بن عبدالفتاح وقاری طبسی یزدی زنده در ۱۰۷۸ و
۱۰۸۱ و ۱۰۸۳ در گلدسته اندیشه خود سرگذشت برخی از موسیقی دانها را آورده
است .

این کتاب در دوازده برگ است و او آن را در اصفهان به سال ۱۰۸۳
ساخته است .

دونسخه از آن در دانشگاه هست (ش ۲۰۵۸ و ۳۴۰۲/۱) در مجله
هنر و مردم (۱۱۴ : ۶۸) از آن سخن داشته‌ام .

۵۰ - طغرای مشهدی در گذشته ۱۱۰۰ وجدیه دارد که مثنوی است .
در ۵۰۰ بیت و در آن از هنر موسیقی و اختراع فیثاغورس آنرا و از عطار
وعراقی ونظام‌الدین اولیاء ونظر آنها درباره موسیقی واز فرق میان سرود ایرانی
که از زبان مردان است درباره زنان و سرود هندی که از زبان زنان است درباره
مردان و از افزارهای موسیقی مانند قانون ودوتار و تنبور وعود و چنگ و نی
و کمانچه وموسیقارونی انبان و بلیان ورود وارغنون وجنتر ودف وخنجری ودایره
ومندل وتال یاد کرده است (فهرست دانشگاه ۲ : ۲۰۲) .

۵۱ - امیرخان کوبکی گرجی مطرب شاه سلطان حسین صفوی رساله
موسیقی بنام او به نظم و نثر فارسی ساخته و در آن شعرهای خود را در باره مقامها

و پرده‌ها آورده و از منظومه خود (ص ۹۲ - ۹۹ نسخه مجلس) و رساله آقا مومن معاصر شاه صفی و شاه عباس دوم در شرح تصنیفهای خود (ص ۳۸-۸۴) بندهایی گنجانده است.

او جز قبادبیگ کوکبی گرجی^۱ شاعر درگذشته ۱۰۳۳ است (کلیات او شماره ۶۰۵۴ دانشگاه) و گویا او در این مورد از تصنیفهایی که در بهجةالروح (ص ۷۳ - ۷۵) و خاتمه جامع‌الالحن مراغی آمده است بهره برده باشد. کلیات قبادبیگ گرجی در دانشگاه هست (۴۰۵۴).

دیباچه این رساله از خود کوکبی گرجی است. او میگوید که من این رساله را در ۷۸ سالگی ساختم و در کودکی جز ترکی شکسته که بزبان گرجی پیوسته است نشنیده‌ام و تا ۲۵ سالگی در موسیقی استادی ندیده‌ام (مجله موسیقی ش ۵ - ۱۰۴ ص ۳۳).

تاریخ تألیف آن چنانکه از نسخه ملك برمیآید باید ۲۵ ع ۱۱۰۸/۲ باشد. پس از دیباچه خود رساله نخستین است در چندباب و چنین آغاز میشود:

گوشه‌گیران خجسته نشاط و پرده‌نشینان حجله اختلاط عالم کون و فساد که سازندگان قاعده‌دان قانون وحدت و نوازندگان تردست و چالاک ارغنون حجتند. . اما بعد بدان ای عزیز من که استادان این علم فرموده‌اند که در عالم هر آوازی که هست داخل موسیقی است:

چنین است انجام آن: تصنیف فتح‌نامه گرجی استاد در پنجگاه.

باز نور دگر از مشرق ایمان سرزد وقت آنکه دگر ساکن میخانه شوم
در باب سوم آمده است:

مولانا کوکبی قزوینی‌الاصل که استاد این [فن] بود در بیان دوازده مقام و شش آوازه گفته‌اند:

ز راه راست گر آهنگ میکنی بججاز
ز اصفهان نظر جانب عراق انداز
ز ناله زنگوله در پرده رهاوی بند
به بوسلیک حسینی برآورد آواز

۱ - در ذریعه (۹ = ۹۲۶) و فرهنگ سخنوران (۹۴۳) از کوکبی بخارائی مروزی طالب علم و موسیقی‌دان زنده در ۹۲۸ یاد شده که جز کوکبی گرجی ما خواهد بود. در فرهنگ سخنوران از قبادبیگ کوکبی گرجی و چند کوکبی دیگر نام برده شده است. در ذریعه از چند کوکبی دیگر بجز قباد یاد گشته است.

مشو بزرگ ز راه نیاز کوچک باش
در آن مقام به عشاق بینوا پرداز
گوشت و نواز پرده نوروز سلمک و شهباز
بگوش جان شنو از کوبی که گردد راست

فهرست مطلبها :

- باب ۱ در اسامی دوازده مقام .
باب ۲ در بیان دانستن بیست و چهار شعبه که یکی از پستی و دیگری از بلندی هر مقام حاصل شود .
باب ۳ - در بیان شش آوازده که چون هر دو در مقام مایل یکدیگر شوند يك آواز درمیان حاصل آید .
باب ۴ در بیان هفده بحر اصول از قول خواجه عبدالقادر مراغه‌ای .
باب ۵ - در بیان بحر اصول قدیم از قول حکیمان فلسفه از جمله هفت اصولی که در میان نقاره‌چیان مشهور است .
باب ۶ - در بحران اصولی که علاساری نوشته .
باب ۷ - در نسبت دوازده مقام به برج دوازده گانه افلاک .
باب ۸ - در بیان آنکه هر مقام را از کدام حیوان برداشته‌اند.^۱
باب ۹ - در بیان آنکه هر اصولی چند ضرب است .
باب ۱۰ - در نسبت مقامات به فصول اربعه .
باب ۱۱ - در بیان آنکه هر اصولی را چگونه بنوازند .
باب ۱۲ - در بیان کلیات خواجه عبدالقادر .
باب ۱۲ - در بیان شد .
باب ۱۴ - در بیان آنکه در وقت روز و در هر وقت شب چه مقام باید خواند که در گوش‌های مردم خوش آیند باشد .
باب ۱۵ - در آداب سازنده دهل .
تصنیفها که در این رساله از آنها یاد شده است :
۱ - رساله و تصانیف مرحوم آقا مؤمن مصنف که از برای خسروان سلف . . . در هر وقت و مقام مناسب ساخته .
۲ - شروع در تصنیف حسینی به بحث نشستن .
۳ - تصنیف دیگر که حسب ارادت اشرف صاحب‌قرانی عاشقانه ساخته شده .

۱ - شماره بابها در نسخه مجلس آشفته است به قرینه درست کرده‌ام.

۴ - تصنیف فتح‌نامه قندهار شاه صاحب‌قران در غزال .
 ۵ - تصنیف راه‌آورد که این مورضعیف به عرض شاه صاحب‌قران رسانید.
 ۶ - تصنیف نوروزی که از جهت نواب همایون گیتی‌شناس صاحب‌قران گفته شده .

۷ - تصانیفی که از جهت پادشاه عرش‌مکان شاه صفی بسته شده .

۸ - تصنیف فتح‌نامه ایروان در نوروز .

۹ - تصنیف فرح‌آباد در حسینی .

۱۰ - تصنیف اشرف در محیر .

۱۱ - تصنیف عباس‌آباد دوگاه .

۱۲ - تصنیف بهارباب که حسب‌الامر بسته شده در مغلوب و موافق .

۱۳ - تصنیف دیگر در پنجگاه جهت خواب طفل .

در نسخه مجلس در نیمه دوم چنین آمده است :

«رساله کمترین غلامان امیرخان تفصیل اسامی اصول هفده گانه که اکنون

بین الحفاظ نوزده بحر متداول است» (ص ۹۷ - ۹۱) مانند نسخه ملک .

این بند درباره خواندن تصنیف است .

باز در آن آمده است : «چنانکه این غلام در رساله موزون عرض نموده -

بناء علیه رساله موزون مذکور نوشته میشود تا متعلمان را قدری معلوم گردد

ان شاء الله» (ص ۹۱ - ۹۹) .

آنگاه آمده است :

مقر سلطنت در اصفهان بود

شهنشاه جهان سلطان حسین شاه

که از طنبور ونای و بربط و عود

که گرد خلق را معلوم بی‌شک

چو فرمان از شهنشاه جهان بود

شاه فرمان‌روا از لطف‌الله

غلام پیر خود را امر فرمود

برون آرم گروه نغمه یک‌یک

این بند چنین میانجامد :

به هفتاد و سه بیتش ختم کردم

بسی مدت درین فن رنج بردم

سپس نثر فارسی است در تصانیف (ص ۹۲ - ۱۴۹) بدینگونه :

تصانیف ضرب گرفته از عبدالقادر : ضرب‌الفتح ، دیارات ، مخمس ،

رجعت به ضرب‌الفتح .

تصانیف :

۱ - از آقا مؤمن مصنف .

۲ - از شیخ عبدالعلی .

۳ - از کمترین غلامان امیرخان .

- ۴ - از عبدالقادر مراغی استادالمصنفین .
 ۵ - از خود امیرخان .
 ۶ - از مرتضی قلی بیگ غلام سرکار خاصه مشهور به جودت .
 ۷ - از خود امیرخان .
 ۸ - از عبدالقادر مراغی .
 ۹ - از ابراهیم گلپایگانی همشیره زاده شاه مراد مصنف .
 ۱۰ - از امیرخان .
 ۱۱ - عمل صحبت نامه استادالمصنفین مراغی (نیز بهجة الروح ص ۷۳) .
 ۱۲ - نقش در نغمه انوار شریف همدانی .
 ۱۳ - از عبدالقادر مراغی .
 ۱۴ - از امیرخان در نغمه نوروز و پنبجگاه .
 ۱۵ - از مراغی به قولی از فارابی : کار سوزناك در نغمه عراق با اصول خفیف .

در دانشمندان آذربایجان (۲۶۴) آمده است که در رساله منظوم و مشور امیرخان بعضی از تصنیفات مراغی است .

آغاز نسخه مجلس : سرود درود نامعدود و سپاس فزون از دایره قیاس سزاوار بزم بهشت آیین و مجمع رنگین پادشاهی است که بیک امر دو حرفی چندین مجلسی در طبقات ارضی و سماوی ساخته (مانند نسخه فروزانفر) .

آغاز نسخه ملك : رساله كمتري ن غلامان اميرخان تفصيل اسامي اصول هفده گانه كه اکنون بين الحفاظ به نوزده بحر متداول است (مانند نیمه دوم نسخه فروزانفر) .

انجام هر دو : مکرر اهاهی جانم بل ماه من بل .

* مجلس ش ۲۲۱۱، نوشته میرزا عیسی خان پسر میرزا مهدی خان نفرشی در ۱۰ ع ۱۳۰۵/۱۴ دارای دو بخش .

* ملك ش ۱۶۵۲ نوشته محمدصادق بن محمدعلی علی آبادی مازندرانی در ۱۳۱۵ برای احتشام الملك دارای هر دو بخش بدینگونه :

۱ - رساله موسیقی : نظر آقا که در ۲۵ ع ۱۱۰۸/۲ برای شاه سلطان حسین ساخته است .

آغاز : سرود درود نامعدود و سپاس فزون از دایره قیاس سزاوار بزم بهشت آیین و جمع رنگین پادشاهی است .

انجام افتاده : اما بعد بدان ای عزیز که استادان این فن .

۲ - رساله موسیقی امیرخان که برای شاهسلطان حسین به نظم و نثر فارسی ساخته است .

آغاز : رساله کمترین غلامان امیرخان تفصیل اسامی اصول هفده گانه که اکنون بین الحفاظ به نوزده بحر متداول است .

انجام : آها هی هی جانم بل شاه من بل .

* نسخه شادروان بدیع الزمان فروزانفر به خط نستعلیق آراسته در کاغذ متن و حاشیه شده از سده ۱۲ گویا اصل و شاهانه است ، آغاز و انجام آن درست مانند نسخه مجلس میباشد (شرح مثنوی شریف ۱ : ۱۸ - هنر مردم ۹۸ : ۳۷ س ۷۱ و ۲۷ و ۱۱۰ : ۵۱) .

۵۲ - رس برس، شمس الاصوات دارد از روی متنی بنام سنگیت در موسیقی هندی ساخته در ۱۱۰۹ (جای نغمه) در زمان عالم گیر درشش باب :

۱- در کیفیت تفاضل سر که در اصطلاح هند آنرا «سرادهیای» گویند، در ۱۴ فصل .

۲- در ذکر راگهای که در اصطلاح هند آنرا «راگ ادهیای» گویند، در دو فصل .

۳- در شرح آلات یعنی برداشتن و گردانیدن سر در راگ و دگر ارکان آن که آنرا «بر کرن ادهیای» گویند ، در هفت فصل .

۴- در شرح و تفصیل اقسام «گیت» که در اصطلاح هند آنرا «پربندهیای» (پربنده ادهیای) گویند ، در نه فصل .

۵- در شرح قوانین دستک زن که آنرا «تار ادهیای» گویند .

۶- در کلیات ساز و احوال آن که آنرا «ناد ادهیای» گویند .

آغاز : قول اول که عبارت است از حمد مخصوص حکیمی مطلق است که چون .

* دیوان هند ۲۰۲۲ مورخ ۴ شعبان ۱۱۹۶ .

(فهرست دنیس راس چاپ ۱۹۰۲ ش ۷۰ ، فهرست اته) .

۵۳ - رساله در موسیقی ترجمه از کتاب هندی پارچاتک Pârijâtâk

منسوب به اهوایل Ahobal از روشن ضمیر خنیاگر بنده زاده عالم گیر (۱۱۶۸ - ۱۱۱۸) نام اصل متن به سه شکل در آن آمده است : باجاتک ، تارجاتک ، مارچاتک . با اصطلاحات سنسکریت و دهره هندی ، در سه بخش :

۱ - گیت کاند Gitti Kanda

۲ - بادکاند Vada Kand

۳ - نرت کاند Nritya Kanda

آغاز : سرداثر آمو دواثر سرود نمود زمزمه حمد کارساز بنده نوازیست که به آهنگ وجود صاحب مقام محمود ساز کالبد را نغمه پرداز آواز ساخت و به لحن داودی روح را مانوس و دمساز گردانید .

* دیوان هند ۲۰۹ و ۲۱۰ .

* موزه بریتانیا ۷۹۳ اگرتن Egretton مورخ شعبان ۱۱۹۴ - در ۲۱۱

گک ، ۱۳ س به نستعلیق هندی (ریو ۴۸۹) .

۵۴ - عنایت خان راسخ پسر شمس الدوله لطف الله خان صادق بهادر تهور جنگ مؤلف رقعات عنایت خانی که در زمان محمدشاه (۱۱۳۱ - ۱۱۶۱) میزیسته است رساله در ذکر مغینان هندوستان دارد .

آغاز : آیینہ ضمیر منیر دانشوران صاحب نظر و مرآت باطن تجلی .

* بانکیپور ۱۸ : ۱۷۴ ش ۱۷۳۴ .

۵۵ - دیدۀ مغول تر کمان اعز خان بهادر جنگ (تزدیک سالهای ۱۱۴۴

تا ۱۱۵۱) در کلیات او رساله در کیفیت دستگاه «راگ» دیده میشود .

* گلستان ۳۱۳ (ص ۴۲۰ فهرست) .

۵۶ - میر محمد هادی فرزند میر لوحی حسینی سبزواری را اعلام الاحیاء

فی حرمة الغناء فی القرآن والدعاء است در یک مقدمه و پنج فصل به فارسی گویا

در رد رساله فیض کاشانی و ساخته ۲۳ ج ۲/۱۰۸۷ .

(فهرست نسخه های خطی فارسی ۱۲۹۲) .

* مجلس ش ۵۵۱۱ (۱۶ : ۴۱۰) مورخ آدینه دهه دوم ج ۲/۱۰۹۸

نوشته شاگردش اسماعیل بن پرویز گرجی ۱/۵۶۷۲ (۱۷ : ۱۲۴) گویا اصل و با خط خوردگی .

* ملك ۲/۵۹۱ .

۵۷ - مظهر مظفر خلاصة العیش عالم شاهی دارد ، در موسیقی هندی

ساخته زمان شاه عالم در ۱۱۷۷ و بنام او از روی مدارك هندی کهن مانند سنگیت درین

Sangit Darpan و جز آن در دو مطلب :

۱ - مزاج واحوال عضو تناسل ، در بیست باب .

۲ - درباره زنان ، در بیست باب .

در پایان آن قیافه و موسیقی با نت و تاریخ موسیقی دانان هند گذارده شده

که رو بهم ۶۴ ذکر است .

آغاز : بعد حمد کبریاء و نعت سیدالاصفیاء (ع) بر ضمیر دانشوران

دقیقه‌رس و کاملان صبح نفس .

* ایوانف ۶۱۱ (۲۶ : ۴۲۰) .

* بادلیان ۱۶۲۸ .

* دانشگاه ۸۰۳۱ .

... دیوان هند ۱۸۵۳ نوشته ۱۶ ع ۱۲۱۳/۱ .

۴۰ - رای چند احمدآبادی اصول غناء دارد که برای دال چند صاحب

در ۱۱۷۸ در سه فصل ساخته است .

آغاز : بعد از اقرار و اعتراف به عجز و قصور از لیاقت و طاقت گزارش

و ستایش و نیایش خداوندی .

* بهار هندش ۲۳۶/۱ (۱ : ۱۸۷ فهرست) .

۵۹ - حسن علی دکنی عزت مفرح القلوب نگاشته است .

در موسیقی میسور Mysor به دستور تیپو سلطان (۱۱۹۷ - ۱۲۱۳) در

۱۱۹۷ - ۱۱۹۹ با شعرهایی بزبان فارسی و ریخته بدینگونه :

مقدمه - در ذکر صدای مردنگ و آواز گردش زنگوله و آواز زنگوله

و صدای کرکر .

باب ۱ - در بیان نغمه ایض و اصولها و ضربها و غناها و طرزهای

ششگانه .

باب ۲ - در بیان نغمه اصغر و وقت سرآیدن آن و اصولهای پنجگانه آن.

باب ۳ - در بیان نغمه احمر و اصولها و ضربها .

باب ۴ - در بیان نغمه زبرجد و اصولها و ضربها .

باب ۵ - در بیان نغمه ورد و طرزهای ششگانه .

باب ۶ - در بیان نغمه عباسی و اصولها .

خاتمه - در بیان دوغزل فارسی و چندین ریخته هندی خارج از وزن

ششگانه .

آغاز : حمد صانعی که چون آفتاب جهاتتاب صبح صنعتش از افق شرق .

* دیوان هند ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ و ۲۰۲۸ و ۲۰۲۹ و

۲۰۳۱ و ۲۰۳۲ .

۶۰ - عوض محمد کامل خان در نواختن سازها و کوك کردن آنها رساله

در بیان تهاته دارد .

آغاز : در تهاته کردن راگ بهیرون و آن چنانست که تاری بر میراست

آنرا تارسرچ سر نامند و این را . . .

در پایان نسخه آمده : جدول تقسیمات به جهت تعیین مخارج نغمات که به

خط میرزا ابوالخیر پسر کامل خان دیده بود هست (مورخ ج ۲/۱۰۷۸) همچنین «وبنده درگاه ایزدی قبادبن عبدالجلیل حارثی این جدول را وضع نمود ، اعداد این ابعاد را موافق ضابطه کتب موسیقی استخراج نموده در این جدول نوشت» . در دنبال آن رساله کوچکی است بنام «اسامی سر» ، با يك ديباچه کوتاه و سه جدول «تان ، روپ ، سر ، راک» و چنین آغاز میشود: «سرج رکیب گندهار مدّهم پنجم دهیوت نگهد و به واسطه اختصار در وقت اجرای احکام برای سرها سر حروف هر اسمی را میگیرند و ترکیب از مجموع آن چنین میکنند س ر ک م پ د ن» (مورخ ۲۲ صفر ۱۰۷۹) .

* بادلیان ۱۰۴۹ ، از آن میرزا محمد رستم معتمدخان پسر قباد دیانت خان . هم از اوست رساله در عمل بین و تهاتر آگاهی هندی ، در يك مقدمه در حقیقت راگ و نود فصل در موسیقی هندی .

آغاز : اما بعد چنین گوید اقل العباد عوض کامل خانی که در وقتی از اوقات صحبت دوستان .

* بادلیان ۱۸۴۸ گویا از سال ۱۷۰۹ ، از آن میرزا معتمدخان بوده است .

۶۱ - ابوالیمین عبدالرزاق بن محمد اسحاق حسینی سورتی در شرح محاورات و مصطلحات محمد ظهوری ترشیزی مورخ ۱۲۱۲ «مقدمه فی مبانی الاغانی» گذارده است در بیان کلمات موسیقی (شماره ۳۴۳۵) .

* بنگال ۳۶۲ .

* دانشگاه ۸۰۹۷/۱ .

* دیوان هند ۱۵۰۰ .

۶۲ - محمد علی رساله موسیقی دارد و در بیته از آن از خود نام میبرد .

در آن شش باب است :

۱ - در آواز

۲ - در مقامات

۳ - در شعبه

۴ - در گوشه

۵ - در ترانه

۶ - در اصول ضرب

او آنرا بنام یکی از بزرگان بنام مهدی ساخته و از آثار عبدالقادر مراغی برگزیده است .

آغاز : حمد و سپاس و ستایش مرخدای راست که لازم بر هر شیء . . .
* بانکپور ۲۲۴۱/۳ گ ۳۵ پ - ۳۹ به نستعلیق سده ۱۳ (ذیل

۲ : ۱۵۴ .

۶۳ - محمدعلی صافی کرمانی مقامات دارد در چهارده بیت به مثنوی ،
در فرهنگ سخنوران (ص ۳۲۶) از آقا محمد صافی کرمانی و میرزا محمدعلی
صافی یزدی هر دو از سده ۱۲ یاد شده است ، این هر سه شاید یکی باشند .

آغاز :

شنیدم شبی مطرب راست کیش چنین گفت در پرده با تار خویش

انجام :

نواسازهر بار صافی چه اوست شود کار این نغمه از چوب و پوست

* سنا مجموعه ۲۲۴۲ در هامش .

۶۴ - رساله در موسیقی گویا از میرزا آقا محمدعلی گرگانی از سده ۱۳

در زمان قاجار .

* ملك ۸۰۵/۴ در مجموعه مورخ ۱۲۹۴ - ۱۲۹۰ نوشته میرزا آقا

محمدعلی گرگانی و گردآوری او .

۶۵ - محمد نورالدین (الله) بن محمد مقیم الدین عبدالغفور صابری چشتی

قدوسی رحمانی غفوری اعظم پوری جهراتونی از عارفان سده سیزدهم هند نغمه

عشاق یا ازالة القناع عن وجوه السماع دارد که آنرا در (يك الف و دو صد و با

چهل و چهار) (۱۲۴۴) ساخته و غناء را در آن روا دانسته است و آن در نولکشور لکهنو

بسال ۱۳۲۰ در ۲۱۸ ص چاپ شده است .

(مشار ۱۵۸۸ - فهرست نسخه های خطی فارسی ۱۰۲۶) .

* ایوانف ۲ : ۳۱۹ ش ۴۵۷ .

* مجلس ۹۰۰۲ فهرست شده ($\frac{۱۱۳۵۳}{۸۳۹۸}$ - ۷۸۷۱۴) نستعلیق محمد

اسماعیل بن محمد حسن در ۱۳۰۲ ، چنین است فهرست آن :

باب ۱ در اباحت سماع .

باب ۲ در روایت کتب معتبره فقهیه و اقوال ائمه دین که در اباحت غناء و

ضرب و دف و طبل و غیره و آلات مباحه وارد گشته .

باب ۳ در احادیث و روایات فقهی که مدعیان حرمت بدان استدلال

میکنند و جواب آن .

خاتمه در آثار و فواید سماع و شرایط و آداب آن .

۶۶ - شیخ عبدالکریم بن شیخ فرید انصاری جاونپوری درباره راکه ها

جواهرالموسیقیات محمدی نگاشته است .

* موزه بریتانیا Or. 12857 (فهرست اونس ص ۳۳) .

۶۷ - حکیم میرزا ابوطالب خان فرزند حاجی محمد بیگ تبریزی اصفهانی (۱۱۶۵ - ۱۲۳۱) مصطلحات موسیقی دارد که در پایان خلاصه الافکار او ساخته ۷ - ۱۲۰۶ (بانکی پور ج ۸ ش ۷۱۲ گ ۲۴۹ پ - ۲۵۷ پ و کتابخانه ملک ش ۴۳۰۳ ص ۲۲۶) آمده است. از اوست مسیر طالبی فی بلاد الافرنجی ساخته ۱۲۱۹ که در کلکته در ۱۲۲۹ (۱۸۱۲ م.) و در ۱۸۳۶ چاپ شده است (بانکی پور ۷ : ۱۷۹ - دیوان هند ش ۶۹۶) سرگذشت او در دانشمندان آذربایجان (۲۴۳) و تاریخ تذکره های فارسی (۵۶۴) و مؤلفین مشار (۱ : ۱۷۵) و ادبیات فارسی استوری (۱ : ۸۷۸) آمده است .

۶۸ - اسماعیل حکیم الممالک تهرانی عینیۀ خود را بنام علی نقی میرزا عین الملک فرمانروای سبزوار در چهارمقدمه و یک مقاله در پنج فصل و یک خاتمه در مرغزار رودخانه ششتمدکوه میش شهر سبزوار در ۱۵ ذ ح ۱۳۰۹ ساخته است . (شرح حال رجال ایران ۲ : ۴۹۸ و ۳ : ۳۱۱ و ۳۱۶ و ۳۷۶ و ۴ : ۴۰۷ و ۴۲۲) . آغاز : سپاس بی قیاس را سازنده ای برازنده و نوازنده ای طرازنده است که از یک نغمه اش چندین صدا برخواست و از یک ترانه اش این همه نواست . انجام : تا درمیانه خواسته کردگار چیست اللهم اجعل عواقب امورنا خیراً بحق محمد وآله ، بتاریخ یوم الاحد خامس عشر شهر ذالحجۀ الحرام سنه ۱۳۰۹ راقمه ابوالمجد درویش مجیدالملقب به نورعلی شاه فی سنه ۱۳۱۰ فی شهر جمادی الاولی .

* مجلس ۲۲۱۳ (بهرست ۶ : ۱۷۲) .

۶۹ - میرزا آقامحمد نصیر فرصة الدولة حسینی شیرازی (۱۲۷۱-۱۳۳۹) در ۱۳۲۲ بحورالالخان نگاشته و شاید در آن از مجالس خاتمه جامع الالخان مراغی پیروی کرده و از آن بهره برده باشد .

این کتاب در علم موسیقی است و نسبت آن به عروض و در بمبئی بسال ۱۳۲۲ و دوباره در تهران عکسی با دیباچه ای از علی زرین قلم بسال ۱۳۴۵ چاپ شده است ، بندی از آن در مجله موسیقی (۲۶ : ۱۷ - ۲۷) دیده میشود . (رجال ایران ۴ : ۱۵ مشار ۲۰۸) .

۷۰ - خان خانان حاج مهدی قلی خان بن علی قلی خان مخبر السلطنه هدایت طبرستانی (۱۲۸۰ - ۱۳۷۵) که از روی الادوار ارموی و شرح الادوار مراغی و مقاصد الالخان او و درة التاج قطب شیرازی مجمع الادوار ساخته و موسیقی ایرانی را بروش اروپایی در آورده و آن در تهران بسال ۱۳۱۷ خ به چاپ رسید . است .

- (فهرست دانشکده حقوق ص ۱۸۳ - مشار ۱۳۸۰ - مؤلفین مشار
 ۶ : ۴۵۸ - شرح حال رجال ایران ۴ : ۱۸۴) .
- ۷۱ - سلطان‌الذاکرین رساله مانندی در مسأله غناء و جبر و اختیار به
 فارسی نگاشته است .
- * ملك ۶۱۱۵/۹ ، نستعلیق شده ۱۳ .
- ۷۲ - عبدالغنی تبریزی قصیده لعنیه‌ای در مقامات دوازده‌گانه دارد .
 آغاز : ای برادر اگر هست هوای عرفانی
 رو تولابکن از جان به علی عمرانی
 انجام : آنکه خواننده این لعنیه باشد ز کرم
 دارم امید که باشد به غنی فاتحه‌خوان
- * سنا مجموعه ۲۲۴۲ درهامش .
- ۷۳ - مداح حسینی کتابی در موسیقی نگاشته است باشکل طنبور در آن .
 * مکتبه معهدالدراسات الاسلامیه العلیا در دانشگاه بغداد ش ۳۸ (نشریه
 ۵ : ۴۰۶) .
- ۷۴ - سیداحمد خواجهکی مخدوم اعظم را سماعیه است .
 (تاریخ نظم و نثر فارسی سعید نفیسی ص ۴۰۱) .
- ۷۵ - در جنگ شماره ۷۸۸۹ دانشگاه تهران اصطلاحات موسیقی فارسی
 وهندی دیده می‌شود .

نامه‌های فارسی

- ۱ - نشان امیر تیمور در سفارش خواجه کمال‌الدین عبدالقادر حافظ مراغی مؤلف مقاصدالاحان به مردم سمرقند مورخ ۱ رجب ۸۰۰ .
* ملك ۵/۸۳۲ گ ۹۱ - ۹۲ پ نوشته ۸۳۷ .
- ۲ - نشان سلطان اویس پسر حسن ایلکانی جلایری (۷۵۷ - ۷۷۷) دربارهٔ همو .
* ملك ۲/۸۳۲ گ ۹۲ پ ۹۳ به همان خط .
- ۳ - نشان سلطان احمد پسر شیخ اویس ایلکانی (۸۷۴ - ۸۱۳) دربارهٔ همو مورخ ۷۷۹ .
* ملك ۷/۸۳۲ گ ۹۳ روپ به همان خط .
* سپهسالار (دبیاچه مقاصدالاحان ص ۲۳) .
- ۴ - در دیوان و منشآت قوام‌الدین محمد یزدی (ش ۲۵۷۶ دانشگاه) از دبیاچه مرقع خواجه عبدالقادر گوینده و شرحی دربارهٔ موسیقی و نغمات و از منشور امیر ابراهیم‌زاده برای خواجه بصیر مذهب یاد شده است .
- ۵ - حکم سرکاری نوازنده به اسم محمد مؤمن سازنده گویا از خان احمد گیلانی .
- ۶ - حکم معافی استاد خضر شاه موسیقی‌دان گویا از همو .
- ۷ - رقعہ به استاد زیتون گویا از همو .

* مجموعه شماره ۱۲۳۴۹ کتابخانه مجلس سنا .
۸ - دعوت خان احمدخان گیلانی از استاد زیتون خنیاگر از تولم به

رشت .

* دانشگاه منشآت ۵۶۴۵ ش ۱۲ گ ۲۰ ر .
۹ - حکم سرکاری و کلاتتری سازنده‌ها و نوازنده برای همین استاد
زیتون و حکم سپهسالاری تولم برای وی از همان خان گیلانی .

* دانشگاه منشآت خان احمدخان گیلانی ۸۰ و ۳۳۰۱/۷۹ .
۱۰ - حکم سرکاری محمد مؤمن عودی برای سازنده‌ها از همان گیلانی .
* دانشگاه منشآت ۳۳۰۱/۴۹ .

۱۱ - پاسخ‌نامه قوالان رودسر به خواجه کمال رودسری .
* دانشگاه همان منشآت ۳۳۰۱/۵۳ .

۱۲ - رقعۀ میر صدرالدین گویا محمد سیفی قزوینی مؤلف رساله درعلم
موسیقی به یکی از ارباب نغمه دوبار با نامه بی‌عنوانی با اصطلاحات موسیقی در
پایان همایونی نامه شهاب منشی نسخه آقای سلطان‌القرائی .

۱۳ - درمنشآت شماره ۸۲۳۵ دانشگاه تهران (برگ ۱۴۲ ر) که باید از
محمد طاهر وحید قزوینی منشی درگذشته ۱۱۱۰ باشد انشائی است که در ضمن
عبارات اصطلاحات موسیقی است و آن نامه‌ایست درباره دوازده مقام و بیست‌وچهار
شعبه .

۱۴ - در جنگ ش ۵۵ قریب در دانش‌سرای عالی تهران انشائی است از
محمد کاظم در موسیقی و نستعلیق‌نویس و شطرنج‌بازی (نشریه ۵ : ۶۲۲) .

۱۵ - رقعۀ میر سید شریف علامه در سفارش حافظ ادوار به یکی از
ارباب نغمه .

* دانشگاه ۴۸۶۴/۲۱ (۲۴ - ۲۵) .

مجموعه‌های عربی و فارسی

- ۱ - مجموعه آقای کرامت رعنا حسینی در شیراز به خط نستعلیق با عنوان و نشان شنگرف ، ربعی ، دارای :
- ۱ - شرح ادوار یا زبدة الادوار که يك صفحه‌ای از آن مانده و چنین است انجام آن :
- تا از این علم و عمل محظوظ باشند اعنی جامع باشند بین العلم والعمل تمام شد شرح کتاب ادوار بعون الله وحسن توفیقه یوم الخمیس ثانی عشر ذی الحجة ستین وثمانائة ، اللهم اغفر لصاحبه وکاتبه ولمن نظرفیه آمین .
- ۲ - گویا شرح ادوار مراغی بهمان خط و انجام افتاده که در پشت آن صفحه بدین گونه آغاز میشود : و قبل از این که این شرح را بنویسیم سه کتاب در علم موسیقی تألیف کردیم .
- ۳ - مجموعه آقای دکتر حسین علی محفوظ در عراق ش ۲۷۱ که در مجله معهد المخطوطات (۶ : ۴۸) و معجم الموسيقى العربية (ص ۲۱۱ و ۲۱۲) وصف شده است ، دارای :
- ۱ - الفوائد المنثورة والفوائد المذكورة یا حاشیة الشمسية فی الحساب للنظام النیشابوری از ابواسحاق عبدالله بن عبدالله کوبنانی کرمانی که بنام امیر معزالدین عبدالکریم در ساری بسال ۸۵۷ ساخته و به خط خود در ۸۷۳ نوشته است . او شرحی بر ملخص چغمینی دارد و التالیفیه یا رساله در تناسب تألیفی مورخ رمضان ۸۶۳ در کرمان (نوشته ع ۸۶۸/۲ در جرون) در شرح برمسأله ریاضی

تناسب تألیفی حلل مطرز یزدی (دانشگاه ۲۴۱۷/۵ سپه ۵ : ۲۰۵ ش ۵۲۱) .
۲ - الرسالة الشرفية في النسب التأليفية والاوزان الايقاعية في علم التأليف الموسيقي از صفی‌الدین عبدالمؤمن ارموی بغدادی به خط همو در ۸۷۰ .
۳ - الادوار في معرفة النغم والادوار از همو ، نوشته همان کرمانی در ۸۶۳ .

۳ - نسخه آقای دکتر نورانی وصال به خط نستعلیق ، گویا همه به یک خط باشد ، عنوان و نشان شنگرف ، ۱۵ و ۲۱ س ، ربعی ، جلد قهوه‌ای نو ، با سه بند شعر فارسی میرزا قاسم گونابادی در ص ع ، از آن آقامحمدابراهیم پسر محمدتقی با مهر «متوسل به آل پیغمبر خاکسار اولیا حیدر ، ابن محمودالحسینی» در ص ۱ .
گرد آورنده این مجموعه گویا میخواست است که رساله‌های موسیقی و شرحهای ادوار را یکجا داشته باشد ، این بود که گذشته از دورساله شرفیه و ادوار و چند بندی در موسیقی بندهایی از چند شرح ادوار درهامش و در متن پی هم آورده است .

چنین است این نسخه :

۱ - الرسالة الشرفية از ارموی ، در پنج مقاله (ص ۲ - ۱۶۰) بی تاریخ ، نستعلیق .

۲ - الادوار از همو در پانزده فصل (۱۶۲ - ۲۱۷) نوشته عبدالله بن شمس‌الدین در ۲ محرم ۹۵۲ نزدیک به نسخ تحریری ، محشی .
در ص ۱۶۱ نوشته شده : « کتاب الادوار الفه صفی‌الدین عبدالمؤمن بن فاخر الارموی ، علامات مافی الحواشی :
شرح خواجه عبدالقادر المراغی : م » .

ترجمه نصیر بن احمد بن محمدالمعینی : ص » .
دومی گویا از همان شرح گمنامی باشد که در راهنمای کتاب (۱۳) :
۱۰ - ۱۲ ص ۷۴۸) بنام لطایف الاسرار لمقاصد الادوار شناسانده و از عمادالدین یحیی بن احمد کاشانی پنداشته شده است .

این دو رمز در پایان برخی از بندها و شرح ادوار که در هامش و در متن پس از این آمده است دیده میشود ، با رمز «ن» که در اواخر نسخه در دنبال بندهایی از شرح ادوار دیده میشود و شاید از این شرح نصرالله قاینی (فهرست دانشگاه ۳ : ۱۰۷) خواسته شده باشد .

۳ - بیان شعبات بیست و چهار و طریقه استخراج آنها در وتر (ص ۲۱۰ - ۲۱۸) .

از اینجا به بعد نستعلیق دیگر را میماند و گویا همه از یک نویسنده

- باشد ولی به چند قلم . در آن از قطب نقل شده است .
- ۴ - بیان طریقه استخراج ترجیعات و تقسیم نقرات برترین (۲۲۹-۳۱۹) .
- ۵ - بیان تحریرات نغم درخواندگی و گویندگی به حرکات حلق (۲۲۸ - ۲۳۰) .
- ۶ - بیان تصانیف عملیات موسیقی و طریقه ساختن آنها (۲۳۰ - ۲۳۸) .
- ۷ - بیان استخراج ادوار مشهور را از واحد درجمع تام (۲۳۸-۲۴۱) .
- ۸ - اسامی آلات الحان (۲۴۲ - ۲۴۵) در دنبال آن وصفی از شاهرود است .
- ۹ - فصل اول مولانا قطب‌الدین گفته در کتاب خود که سبب حدت مطلق استحصال متقارعین است (۲۴۵) .
- ۱۰ - فصل ۱ صاحب ادوار گفته که سعه ثقب از اسباب ثقل است (۲۴۶ - ۲۴۷) .
- ۱۱ - قوله ثم تقسم الوتر تسعة اقسام و نعلم علی نهاییة القسم الاول منه «س» وتر را که به نه قسم کرد و بر نشان کرد وتر به نه قسم شد (۲۴۸ - ۲۴۹) .
- ۱۲ - تقسیم دساتین بدین نوع که صاحب ادوار کرد در بعض نغمه بر محل خود واقع نمیشود (۲۴۹ - ۲۵۰) .
- ۱۳ - بیان تقریب بعد بقیه (۲۵۰ - ۲۵۲) .
- ۱۴ - طریقه استخراج و تحقیق مقدار بعد «ج» و سایر نغمات ثقال و حواد (۲۵۲ - ۲۵۳) .
- ۱۵ - تقسیم دساتین به نوعی دیگر (۲۵۳) .
- ۱۶ - ترجمه و شرح ادوار اموی از لطف‌الله بن محمد بن محمود بن محمد بن اسعد سمرقندی که بنام امیرزاده سیدی در ۷۹۸ ساخته است در يك مقدمه و دو قسم .
- المتقدمة معنی موسیقی به لغت یونان الحان است .
القسم الاول فی التألیف .
- فصل صوت کیفیتی است مسموعه که حادث شود از تموج هوا به سبب قرع عنیف یا قلع .
- فصل سبب حدت در نغمات حلق شدت دفع هواء است .
- فصل چون دو نغمه مختلف در حدت و ثقل با هم مجتمع شوند .
- فصل مقرر است که هر یکی انسانیه را کمالی است بدو مخصوص .
- فصل گاه باشد که بعد به بعدی مشتبه گردد .
- فصل - بعد از تخریج دساتین و تعیین ابعاد متفقه و تحقیق نسب مفهوم

شد که نغمه‌ای با ثانیه خود بعد بقیه باشد .
 فصل تألیف نغمات و جمع ابعاد متفته گاه ملائم بود و گاه منافر .
 فصل دردوروشد .
 فصل صدوپنج دائره .
 فصل تحصیل جموع و تکمیل الحان .
 فصل استخراج ابعاد و تألیف الحان ازیک وتر .
 فصل بر مبتدی لازم است که کیفیت نسبتین و رسم و وضع عود و قانون
 تحریک ید از استادی حاذق فراگیرد .
 القسم الثانی فی ایقاع .
 فصل در نقرات ازمنه .
 فصل ادوار ضروب مشهود شش است .

آغاز : بسمله والاعتصام بلطفه العمیم سبحان من تفرد بتألیف ادوار
 الافلاك الدائرة وتوحد فی ایقاع نقرات حرکاتها الازمنة المتغايرة قد جمع نغماتها
 بما یلایم من الابعاد ورفع طبقاتها بلاوتارو و اوتاد واصلی علی من وضع الطرائق و ارشد
 الخلائق الرسول الاكمل محمد المعدل فی القول والعمل وعلی ارومته واصحابه و من
 فاز کرامة اصطحابه ما ترنم طائر فی العراق و تألم خاطر العشاق .

اما بعد چون به عون عنایت احدیت . . . ذات گزیده صفات مخدوم
 معظم درة تاج الامارة قره عین الوزراة . . . امیرزاده سیدی زیدت سیادته و دامت
 سعادتیه به فرخی و بهجت برمسند عزت نشست و در مرکز دولت قرار گرفت
 علماء انام و فضلاء ایام متوجه آن قبله اقبال گشته . . . روی بدان درگاه آوردم . . .
 در اثناء مخاطبه و ملاحظه چنان فرمود که علم موسیقی فنی شریف است و ادوار
 مولینا صفی الدین عبدال مؤمن بن ابی المفاخر ارموی غفر الله له در آن فن مختصر ظریف
 لکن اگر ترجمه به پارسی میسر شود و در مقام اغلاق و اشکال مزید تحقیق و
 ایضاح اتفاق افتد و آنچه سبب تطویل و انتشار است ضبط و اختصار یابد عامه را
 فائده تامه باشد و موجب بقاء اسم و خلود رسم گردد بنده فقیر حقیر لطف الله [بن]
 محمد بن محمود بن محمد بن اسعد السمرقندی . . . بر مقتضاء اشار عالییه . . . در آن
 امر خطیر شروع نمود . . . تا در او اخر جمادی الاخره سنة ثمان و تسعین و سبعمائة
 به اتمام رسید و در مقدمه و دو قسم انقسام یافت . . .

المتقدمة معنی موسیقی به لغت یونان الحان است و در اصطلاح معرفت طرق
 تألیف نغمات از جهت مناسب و ملائمت و کمیت زمانی که میان نقرات واقع شود
 اعنی ترتیب نغم و جمیع ابعاد بر وجهی که سبب حصول لحن کرد و ایقاع ازمنه
 در میان نقرات بر نسقی که موجب کمال لحن باشد .

انجام : که پنج اول به اشاره انامل و باقی به ایقاع ضرب. تم الکلام والسلام
در اوایل رجب سنة ۹۵۴ هجریه کاتب عبداللہ بن شمس الدین از نوشتن این رساله
فراغ یافت و بعد الحمد والمنة علی توفیق اکماله .

۱۷ - مقدمه موسیقی علمی است که از معرفت تألیف نغمات و ترتیب
نقرات باشد بر وجهی که از آن ترتیب و تألیف لذتی و بهجتی نفس را حاصل
شود ص (۲۷۴) .

۱۸ - فصل ۳ قوله و اذا کان آیا بعد الخمس چون پیش از این معلوم شد
که نسبت میان نغمات تابع نسبتی است که میان اوتار ایشان باشد (۲۷۷ - ۲۷۸) .
۱۹ - قوله و اذا سمع المرتاض و صاحب ادوار میگوید چون کسی در
این صناعت مرتاض باشد ص (۲۷۸ - ۲۸۰) .

۲۰ - قوله فهذه هی الاسباب الموجبة للتنافر اینست اسباب تنافر بر وجهی که
صاحب ادوار ایراد کرده است ص (۲۸۰ - ۲۸۱) .
تا ص ۲۹۶ چندین بند است برخی با عنوان «قوله» و همه اینها حاشیه‌ها است
بر ادوار و (سؤال و جواب) هم دارد و با نشانه «ص» در پایان این بندها .
در یکی از اینها از اخوان صفاء نقل شده است.

۲۱ - «پیشرو مشتمل بر دو سر خانه و میان خانه و بازگویی بود به شرط
آنکه در وی از اشعار شعری خوانده نشود» (۲۹۸ - ۲۹۹) در آن آمده است :
طریقه - نقش ترکیب - نقش تقسیم - صورت مفرد - صوت بسیط -
تصنیف - عمل مطلق - عمل مستهل - قول مطلق - قول مرصع - عزل -
ترانه - فروداشت - مستراد - نوبت مرتب - چهار ضرب^۱ - کل الضروب -
کل النغم - کلیات - وزن خسروانی - ریخته پیشروی است از ادوار اهل هند ،
نشید عرب هم وزن خسروانی و اما نه به لفظ باید که باشد چنانکه اهل عرب
شتران را حدی کنند (۲۸۹ - ۲۹۹) .

۲۲ - فصل ۳ قوله البعد بدانکه تألیف بین النغماتین المختلفتین بالحدة
والتثقل را بعد گویند م (۳۰۱ - ۳۰۲) .

۲۳ - قوله ویسمى بعد البعد الذی بالکل مرتین (با نشان م) (۳۰۲) .

۲۴ - قوله و اذا سمع المرتاض لسماع النغمات الی قوله اذلیس التقليد
کالوقوف (با نشان م) (ص ۳۰۳) .

۲۵ - بیان اشتباه بعدی که بر نسبت مثل وسبعه اتساع باشد (با نشان م)
(ص ۳۰۴) .

۱ - اینجا ما بیاد لمن چهار ضرب صفویها میافتم .

۲۶ - فان طرح من بعد ح بعد ب الخ قانون طرح آنست (با نشان م) (۳۰۴ - ۳۰۵) .

۲۷ - قول الاول هوالتعدى من الطرف الاحد صاحب ادوار رحمة الله در سبب اول گفته (با نشان م) (۳۰۶) .

۲۸ - از آنجمله شیخ الاسلام اعظم افضل المتأخرین خواجه عمادالدین عبدالملک بن شیخ الاسلام عصام الدین بن جلال الدین بن زین بن شیخ الاسلام برهان البکری نسبا المرغینانی بر پنج از ابیات که نتایج طبع سلیم مستقیم اوست التماس تصنیفی کرد و در دایره ابتداء از آ و انتهاء از مح که در آن دایره نغمه ح موجود نباشد باوجود اخلال سبب اول از اسباب تنافر و آن دایره ملائم باشد و آن ابیات اینست .

باری دیگر به می‌کده بردیم راه را	برهم زدیم مدرسه و خانقاه را
هر جا رویم از در دلداری بگذریم	ما گم نمیکنیم درین کوی راه را
در میکشیم آتش می را وانگهی	ساقی ز باده آب دهد آن گیاه را
ابن عصام نام قلندر درست کرد	چون بر شکست قاعده مال و جاه را

در مقاصد الالحان ص ۲۴ از عمادالدین عبدالملک سمرقندی بیتی آمده است با اندکی جدائی ، در جامع الالحان هم این ابیات دیده میشود (فصل ۴ باب ۳) .

۲۹ - فصل ۵ قوله فی التالیف الملائم الی قوله ولنسمه الطبقة الاولى بیاید دانست که این صنعت ابعاد کبری را بی آنکه قسمت کنند به ابعاد صغری استعمال نکنند (با نشان م) (۳۰۷) .

سپس تا ص ۳۴۰ چند بندیست با عنوان قوله با نشان «م» و «ن» دوبار و «م» یکبار و «ن» دوبار و مربوط به فصل ۵ و ۶ و ۱۵ و ۷ و ۸ و ۹ و این یکی ناتمام مانده است.

در ص ۳۱۹ از ابونصر فارابی یاد شده و از عبارتی در معنی موسیقی و لحن آورده شده و از صاحب شرفیه و نیز از لوازم الموسیقی احمد مدائنی حداد یاد شده و از آن چنین آورده شده است :

«لفظة الموسیقی یونانیة و معناها الالحان واللحن معروف وهو ما ركب من جماعة نغم رتبت ترتیباً موزوناً مقروناً ببیت الشعر وقد یقع اسم اللحن علی غیر ذلك مجازاً . وقیل یسمى الموسیقی باسم الفلك الاعظم الذی اسمه موسیقاقیا لشرف ذلك اذ كانت هذه الصناعة یناسبه لشرفها علی سائر الافلاك (مقاصد الالحان ص ۱۳۸ - جامع الالحان - هنر و مردم ۹۴ - ۳۴) نیز از شیخ رئیس ابوعلی هم در تعریف موسیقی عبارتی آمده با نشان «م» از شرح فارسی ادوار پیداست که این بندها از زبده الادوار است (در آغاز نسخه نورعثمانی مانند اینها هست) .

در بند آخر از اعتراض قطب شیرازی بر ادوار یاد شده و گفته شده که او را عملی نبود ولی صاحب ادوار را هم علمی بود و هم عملی گویا نزدیک به آنچه که در پایان ترجمه ادوار یا زبدة الادوار مراغی نسخه نورعثمانی دیده میشود .

۴ - مجموعه‌ای که برای دیانت خان شاه‌قبادبن عبدالجلیل حارثی بدخشانی امیردربار اورنگ زیب در گذشته ۱۰۸۳ در دهلی نوشته شده است و سپس بدست میرزا محمدبن رستم‌بن معتمدخان مؤلف تاریخ محمدی رسیده است .
نامهای آنها در برگ ۲ و ۱۸ با مهر مورخ ۱۱۲۰ دیده میشود .
دو کتاب موسیقی در فهرست بادلیان ازاته (ش ۵ - ۱۸۴۴) (مقاصد-الالحن، تحفة الادوار) یاد شده که برای همین دیانت‌خان در ۱۰۷۷ نوشته شده است، هنر مردم ۹۴ : ۳۳ و ۹۸ : ۷۳) .

این مجموعه در موزه بریتانیاست به شماره Or 2361 و در فهرست عربی ریو ذیل ص ۵۵۹ ش ۸۲۳ و فهرست فارسی ریو ذیل ص ۱۱۴ ش ۱۱۶ وصف شده است ، دارای :

۱ - رساله در جمع آراء فقهاء و اختلاف آنها و تفصیل اقوال و اولیاء متصوفه در سماع الحان موسیقی از محمدبن جلال رضوی که به فارسی در ۱۰۲۸ ساخته است (۲ پ) .

۲ - رساله در جواز سماع از عبدالجلیل بن عبدالرحمن مسیحی بنام نواب مسیح الزمان به فارسی (۱۵) در دو کتاب : نخستین در تحریم موسیقی در چهار فصل ، دومی در اصطلاحات صوفیانه و شعرهایی از او .

۳ - الادوار ارموی (فهرست عربی ۷۴۶ پ ش ۱۰۲۶ از اوری) .
(۱۸ پ - ۳۲) .

۴ - شرح الادوار آغازش مانند Add 7471 ش ۲ (فهرست عربی 186 b) ، در آن پس از عنوان «قال» بندی کوتاه از متن می‌آید آنگاه «اقول» است . در مقدمه آن از علوم بحثی شده با بندهایی از فارابی درباره صوت که عبدالؤمن در شرفیه آورده است و سخن او درباره این بندها و خرده‌گیریهایی وی و پاسخ خود شارح . نسخه در ۱۰۷۴ در کشمیر مقابله شده است .
(۳۳ پ - ۶۸) .

۵ - شرح الادوار از مولانا مبارک شاه که بنام شاه شجاع (۷۶۰-۷۸۶) ساخته است درست مانند A 3438 طوپ‌قپوسرای (ج ۳) فهرست ش ۷۴۲۷ نوشته ۸۳۸ در ۶۸ گ) که در ۷۷۷ تألیف شده است و جدولهایی دارد .

آغاز : الحمد لله الذی اختار نوع الانسان بمزید اللطف والاحسان اما بعد فان الهمم فی زماننا قد تقاصرت عن تحقیق العلوم العقلية وتحصیلها .

نسخه در کشمیر در ۱۰۷۴ با اصل مقابله شده و با نسخه دیگر مورخ ۸۲۲ در ۱۰۷۸ (۶۸ پ - ۱۵۳) .

۶ - شرح یا حاشیه‌الادوار فخرالدین محمدبن ابن نصرخجندی همان رساله فی نسبة التالیف (رامپور ۱ - ۴۱۴ - دانشگاه ۶ : ۲۲۳۵) و او مؤلف اصلاح‌المکنون فی تنقیح القانون است از ابوالمکارم هبة‌الله بن جمیع اسرائیلی زنده زمان صلاح‌الدین (۵۰۷ - ۵۶۹) و این رساله هم باید ناظر به قانون باشد نه ادوار (دانشگاه) .

آغاز : قال المولی القائل افضل المتأخرین فخرالملة والدين الخجندی رحمة الله علیه لما كانت النسبة الموسیقیة نوعا من النسب .
نوشته و مقابله شده در ۱۰۷۵ (۱۵۳ پ - ۱۵۶) .

۷ - موسیقی دانش‌نامه علائی ابن سینا که ابو عبید جوزجانی آنرا به‌اتمام رسانده است Add 16830 برگ ۲۷۳ - ۲۸۳ (۱۵۷ ر) .

۸ - خبر تألیف الالحن کندی که آنرا لاکمان Lachman و محمود حفنی با شرح آلمانی در لایپزیک در ۱۹۳۱ چاپ کرده‌اند .
نوشته از روی نسخه نادرست نوشته در دمشق در پایان شوال ۶۱۲ ، آغاز افتاده (۱۶۵ ر)

۹ - رساله فی الموسیقی فتح‌الله شیروانی (طوب قپوسرای A 3449) بنام محمدبن مراد عثمانی (۸۴۷ - ۸۴۹ - ۸۵۵ - ۸۸۶) ساخته شده و از فارابی و شفاء و ادوار و شرفیه و مقاصد الالحن مراغی گرفته شده است با شعرهایی درستایش او در دیباچه که ناقص است و نسخه افتادگی دارد در اینجا و میرسد به :
«المناسبات المشهورة فی هذا العلم عشرة ثلثة منها اشهر وهی المناسبة العدیدة والمناسبة الهندسیة والمناسبة التالیفیة .

آغاز : الحمد لله الذی فضلنا علی کثیر من عباده المؤمنین . . . اما بعد فانی ایها المتوخی فی مسارح الانظار ما یروقک حلاوته المتحرى فی مطارح الافکار ما یسوقک طلاوته .
(۱۶۸ پ - ۲۱۹) .

۱۰ - الکافی فی الموسیقی : ابو منصور حسین بن محمدبن عمر بن زبیله در گذشته ۴۴۰ .

در سه فصل : نغم ، ایقاع ، تألیف اللحن (رامپور ۳۰۹۷ گ ۱ - ۱۲ در ۴۰ ص نستعلیق سده ۹ ، گویا اصل نسخه موزه بریتانیا) چاپ زکریا یوسف در قاهره از روی این دو نسخه .

نستعلیق روز چهارشنبه ۱/ج ۱۰۷۳/ مقابله شده با اصل در ۲۵ محرم

۱۰۷۴ در کشمیر (۲۲۰ ر - ۲۳۷ ر) .

۱۱ - رساله فی الموسیقی از یحیی منجم همانکه در رامپور از سده نهم (۳۰۹۷ گ ۲۵ پ - ۲۸ ر) هست و عکس آن هم در معهد المخطوطات هست .

نوشته روز پنجشنبه ۲ ج ۱ / ۱۰۷۳ و مقابله شده با اصل در روز چهارشنبه ۲۵ محرم ۱۰۷۴ در کشمیر (۲۳۶ پ - ۲۳۸ ر) .

۱۲ - المدخل فی الموسیقی از فارابی تنها يك صفحه مانده است (۲۳۸ پ) .

۱۳ - كشف الاوتار : قاسم بن دوست علی بخاری که بنام جلال الدین اکبر به فارسی ساخته است در شرح شش مقام «رساله دوازده مقام» درویش حیدر تونیانی که بنام همایون ساخته است .

آغاز : نعمات حمد کامله حکیم کارسازی را اعظم شأنه . . . اما بعد عرض میدارد فقیر حقیر شهیر به قاسم بن دوست علی البخاری هداه الله سواء الطريق .

۱۴ - کنز التحف در موسیقی در يك مقدمه و چهار مقاله ساخته بنام غیاث الدین حسینی در دیباچه و با ستایش او به فارسی در ۷۴۶ با ابیاتی چند (لیدن ۳ : ۳۰۲) در مقاله چهارم آن از افزارهای موسیقی سخن داشته شده است .

مقابله شده در ۱۰۷۹ با نسخه مورخ ۷۸۴ (۲۴۷ پ) .
آغاز : شکر و سپاس بی حد و قیاس سزاوار حضرت آن پادشاهی که از سراپرده عظمتش . . .

مقدمه در سبب تألیف این رساله است با تمثیل شعر فکر و خیال .

مقاله ها هر يك در دو قسم .

مقاله ۱ در علمی موسیقی .

مقاله ۲ در عملی موسیقی .

مقاله ۳ - در تصنیع سازات و تعدیل آن .

مقاله ۴ - در وصیتی که طالبان این فن را بکار آید . در این یکی شعرهایی

بنام مشرف الدین سعدی آمده است .

در آن این ماده تاریخ تألیف دیده میشود :

آن روز کز احداث جهان مهمل بود در آخر این رساله ام مدخل بود

اندر سنه ل ح ذو بو بیست و دوم جمادی الاول بود

کلمه «بو» را درست نمیدانیم چیست : «بو ، یو ، نو» .

پس تاریخ سال میشود ۷۴۱ یا ۷۴۹ یا ۷۸۹ باشد (ریو) .

۵ - جنگ : علی نقی خاتون آبادی در کتابخانه ملی ، به نستعلیق «متن

و هامش و آراسته که در آغاز آمده : «مجموعه نثر و نظم ، جلد مقوا ابر ساگری

سیاه آستر قرمز ، متوسط القطع ، حجیم ، به خط نسخ تعلیق مجدول ، کاغذ الوان» با فهرست در آغاز با اشاره به شماره برگها . در آن نثر فارسی است از رساله‌ها و نامه‌های روزگار صفوی ، و از آنها است :

۱ - تعریف عمارت باغ بلبل «هشت بهشت» از «میرزا طاهر نصرآبادی» (۸۵ پ - ۸۷ پ) .

۲ - منتخب بازنامه در ۲۵ باب (۱۴۲ پ - ۱۴۶ پ) .

۳ - کرامیه دوره سفره‌چی درباب معرفت موسیقی (۱۵۶ - ۱۶۰ ر هاشم) که آقای ذکاء از روی همین نسخه در یادنامه مینوی چاپ کرده است .
درسه اصل است : دوازده مقام ، شعبات ، آواز و مقامات .

دارای عنوانها : فصل در بیان هفده بحراصول ، فصل در بیان شد ، فصل در بیان شد که استادان خواهند بنوازند .

آغاز :

ای بلبل جان نغمه‌سرا از غم تو چون دائره بی‌سروپا از غم تو
عشاق همیشه بی‌نوا از غم تو درد از تو و درد را دوا از غم تو
حمد و سپاس و ستایش بی‌قیاس پادشاهی که بساط اهل نشاط در مامن
حظ و حضور .

انجام : از ترکیبات بیست و چهار شعبه والله يعلم بحقایق الامور .

۴ - باغ و بهار (۱۹۳ - ۲۰۰) در تعریف عباس آباد جدید از ظهیرالدین علی پسر مولانا مراد تفرشی که در ۱۰۷۱ همان سالی که شاه از شکارمازندران به اصفهان بازگشته بود ساخته است (ملک ۲۴۶ ر و پ) .

۵ - عمارت بلده ری (۲۴۶ ر و پ) :

نقل است که عمارات بلده ری که امیر البلاد است بر دفاتر ارباب دیوان برین وجه بوده است ، العهده علی‌الراوی :

مدرسه نه‌هزار و چهارصد باب .

حمام هزار و هشتصد و شصت و شش باب .

مساجد دوازده هزار و هفتصد باب .

طاحونه هزار باب .

کاروانسرا دوازده هزار و هفتصد باب .

منار پانزده هزار و سی باب .

عصارخانه هزار و هفتصد باب .

یخ‌چاه هزار و چهارصد و پانزده باب .

محلات نود و شش محله بوده .

هر محله چهل و شش و کوچه .
 هر کوچه چهل و شش هزار خانه .
 و در هر محله هزار مسجد .
 و در هر يك از مساجد مذکور هزار چراغ‌دان از زر سرخ سوی نقره و
 مس و غیره .

و مجموع خانه‌ها هشت هزار بار هزار هزار و هشتصد و شصت و شش
 هزار خانه که مردم نشین بوده است .

۶ - شوکت‌نامه : میرزا محمد رحیم وزیر بیگلربیگی خچورسعد
 (۲۴۷ پ ۲۷۱ پ) درباره فضايل پادشاه وقت و منشیانه است . بنام شاه سلیمان
 در شعبان ۱۰۸۴ درباره کارهای شاهانه او در ایروان و بنام خان خانان صفی‌قلی خان
 بیگلربیگی در ایروان ساخته شده است .

در دیباچه آن چنین آمده است : «سطری وانمود . . . از خصایص این
 یگانه دوران . . . فراخور دریافت قاصر تحریر و تسطیر میپذیرد چنانکه این
 شوکت‌نامه مطبوع و این کارنامه غیر مصنوع تبسم غنچه‌ایست از گلزار جمالش .
 آغاز : شوکت‌نامه عالی حضرت آصف صفاتی میرزا محمد رحیما وزیر
 بیگلربیگی خچورسعد شوکت‌افزای کتاب فصحای بلاغت‌شعار لوای حمد خداست .
 انجام : آنهم چوسرو در چمن روزگار ماند این مصرع بند زما یادگار ماند .

۶ - مجموعه بیاضی مجلس ش ۱۸۹۵۰ ($\frac{۸۱۹۳}{۷۸۵۰۹}$) به نسخ عربی سده

۱۲ ، ربعی ، جلد تیماج مشکی لایی (از آن آقای سلطان‌القرائی) .

۱ - مفتاح فتوح الاسفافی فتح باب معنی بیت‌الدفعا .

۲ - شعرهایی به عربی با آهنگهای موسیقی .

۳ - رساله محمد الطیلوی المصری الی القاضی عمر المغربی .

۴ - شعرهای عربی .

۵ - رساله فی علم الموسیقی : خلیل بن ایبک صفری .

(۶۹۶ - ۷۶۴) که در آن داستانی از صفی‌الدین عبدالؤمن می‌آورد و

یاد میکند از مجدالدین بن الاثیر و شمس‌الدین سهروردی .

آغاز : بسمله . الحمد لله المتزه عن التأخیر والتقدیم والحروف والاصوات
 واللسان فلا شیء یشبیهه ولالذة تعادله حتی یطرف الجماد والحيوان . . . وبعد لما
 کان علم الموسیقی من اشرف العلوم الرياضیة والطف الفنون الواجبیة .

فاردت ان اوضح هذا الطريق واسلك فيه منهج الموسیقی الحقیق :

الباب الاول فی ماهیة العلم الموسیقی و اشتقاقه واسمه وموضوعه و فضله و

برهانه وحكمه ووضع ومن ولع به ومن اخذ به وجمع آراء الحكماء فيه وآدابه ...

١ - فصل في ماهية الموسيقى واشتقاقه . . .

٢ - فصل في فضل الموسيقى و منافعه . . .

٣ - فصل في برهان فضل الموسيقى و تأثير فعله في النفس . . .

٤ - فصل في اول من وضع الموسيقى ومن ولع به عملاً . . .

٥ - فصل في رأى اهل الطرب فيه والتصد في وضعه . . .

فالمقامات التي هي اثنا عشر . . .

واما الاوزان فهن عندهم سبعة . . .

واما الشعب فاربع . . .

الباب الثاني :

١ - فصل ايها الطالب ان مشايخ هذا العلم ذكروا ان النغم له علو وآواز

و سودا .

٢ - الفصل الثاني بيان فردات المقامات . . .

٣ - الفصل الثالث في بيان فردات الشعب . . .

٤ - فصل في الآوازيات . . .

٥ - الفصل الرابع في بيان ربط كل شعبتين بمقامها والانغام المتناسبة

التي يحسن الانتقال من بعضها الى بعض . . .

٦ - فصل في بيان ربط كل مقامين بآوازيهما و ما يناسب ان ينتقل اليه

بعد هما .

انجام : واعلم ايضاً ان لهم غير الآوازيات الست آوازيات كثيرة تسمى

المختلفة و تسمى ايضاً الخالطة تركناها اختصاراً لما في الاشتغال بتفاصيلها من الطول

الممل و الحمد لله وحده و صلى الله على سيدنا محمد وصحبه اجمعين والحمد لله

رب العالمين .

سپس يك دايره است در آوازيهاى ايرانى به فارسى .

دراين رساله از بسيارى نامهاى فارسى مانند آواز و بزرگ و رهوى و

كوشت و راست آمده است و در پايان باب نخستين اين بيتها ديده ميشود :

الحمد لله الحكيم العالم مقسم العقول بين العالم

ومميز الالسن واللغات و واهب الانغام والاصوات

وبعد فالصوت خفى المخرج ويوقع من يحمله فى حرج

وانتى اذكر اسماء النغم مختلفا على قوانين العجم

وخذ من البحر كاروى عراق و حطه مى العراق باقى (؟)

.

صفدی در اینجا آشکارا از «قوانین العجم» یاد میکند .
این نسخه درست مانند نسخه ش We 1810/2 (گ ۱ - ۹) برلین است
(فهرست ۵۵۲۵) جز اینکه آغاز آن بدینگونه است : « الحمد لله الذی خلق الانسان
لمعرفة » .

در پایان مجموعه باز شعرهای عربی است .

۷ - مجموعه شماره ۴۱۴۸ کتابخانه ملی تهران ، دارای :

۱ - بهجة الروح در يك مقدمه و ده باب که باب دهم آن دوتا است .
در نخستین باب دهم آن سه تصنیف است از امام فخرالدین طوس هروی
و عمل قیامت در حسینی و صحبت نامه خواجه عبدالقادر و تصنیف دیگر در آهنگ
حسینی کبیر و اصول مخمس باز گو فرع و تصنیف دیگر استادان و مقدمه در بیان
آنکه هر آهنگی را از چه بر میداشته اند ، فصل در بیان آنکه نزد هر فرقه چه نغمه
باید خواند .

۲ - کرامیه دوره سفره چی مورخ ۱۲۷۹ ، هر دو شماره بیک نستعلیق ،
با عنوان و نشان شنگرف ، ربعی .

۸ - مجموعه Or. 816 موزه بریتانیا از سده ۱۲ (۱۸) (فهرست اونس
ص ۳۲ - نشریه ۶ : ۶۶۰) دارای يك رساله موسیقی که پس از راگ موسیقی
است و آن منظومه ایست در بیان راگها و راگینیاها .

۹ - مجموعه Or. 7628 موزه بریتانیا از سده ۱۲/۱۳ (۱۸ و ۱۹)
(فهرست اونس ص ۳۲ - نشریه ۶ : ۶۶۰) دارای :

۱ - گزیده ای از کتاب سماع الموحدين .

۲ - انتخاب راگ درین .

۳ - انتخاب نایکابهنید .

۱۰ - مجموعه ۷۱۴ دیوان هند (۱ : ۳۷۱) که در ش ۵ آن :

۱ - گزیده ایست از مفتاح السرور قاضی حسین بسال ۱۰۸۴ در موسیقی
هندی (فهرست پرچ ص ۸۴) .

۲ - بندی در موسیقی بدینگونه : بدانکه موسیقی تألیف است و وضع
حکماء است و نهاد آن روح است

۱۱ - مجموعه ۴۰۳۳ دیوان هند دارای :

۱ - الهام الطرب در موسیقی هندی .

آغاز : بعد نوای حمد جزیل و پس صدای قوال ثنای منعم جمیل کبوتر جان .

۲ - منفعة الطالبین در چهار باب :

۱ - در شش راگ و سی و شش راگنی .

۲ - در بیان راگ و راگنیا که مخصوص اند علی الترتیب .
۳ - در تفصیل راگ و راگنیا .
۴ - در بیان اختلاط راگ و راگنیا .
۳ - پاره‌ای از راگها و راگنیا به نظم هندی که نخستین آن راگ مالا است به زبان هندی .

۴ - فهرست نامهای راگها و راگنیا به نظم فارسی با فهرستی به نثر .
۱۴ - مجموعه ش ۱۵۵۶ عربی (۵۴۵) کتابخانه ملی باندازه بغلی در جلد تیماج حنایی مقوایی ، از آن محمد سعید لاهیجی گیلانی و خریداری عبدالرحمن بن عبدالرزاق رضوی با خط این دو ، دارای :

۱ - الرسالة الشرفية : ارموی . در پنج مقاله ، به نسخ عبدالعزیز بن ابی الغنایم محمود بن احمد بن ابی الفضایل کاشی در صفر ۶۹۳ در مدرسه مستنصریه بغداد . او راست روضه الناظر و ترهه الخاطر فی الآداب و الاشعار العربیة و الفارسیة و الحکم (چلبی - بروکلن ذیل ۲ : ۹۰۵) و رساله قلمیه ساخته ۷۰۱ و رساله سیفیه (ادبیات تهران ۱ : ۴۷۹) و شرح المفصل للزمخشری ساخته در قصر کاشان (نشریه ۴ : ۴۵۲ - فهرست فیلمها ص ۳۴۷ ش ۲۵۳۳ - روضات الجنات ص ۴۲۳ - ابن الفوطی جزو ۴ قسم ۱ ص ۲۲۲) او در شرح المفصل از کمال الدین عبدالرزاق با عبارت «دام ظلّه» یاد میکند (در تعریف کلمه در آغاز) . علی بن ضیاء الدین محمد بن یحیی بن فتح الله یحیی بن حسن بن فخر الدین امیدوار بن فضل الله بن اسحق بن فضل الله بن محمد بن ابی المکارم بن احمد بن علی بن ابی عالم بن احمد بن ابی الغنایم عقیل بن یحیی بن ذربن ابی ذر الغفاری در پایان خطاب به رفیع الدین حیدر درباره جستن این نسخه در کاشان در ۹۴۵ شرحی می آورد و باز می نویسد که نویسنده نسخه (عبدالعزیز) برادر احمد بن ابی الغنائم محمود بن احمد از نیاکان پدری من است . گویا کمال الدین عبدالرزاق بن جمال الدین احمد بن ابی الغنایم کاشانی شارح فصوص و در گذشته ۷۳۰ باید پسر همین احمد باشد .

۲ - «تحصیل اقل عدد ینقسم بالانقسامات المعروضة للوتر المفروض فی هذه الرسالة بحيث یصح منه کل نسبة مذکورة فیها بلا وقوع کسری (۳ ص) از عبدالعزیز کاشی ، به نسخ ریزتر .

۳ - الادوار : همان ارموی ، در ۵ فصل بهمان خط ش ۱ .

۴ - ۱۸ بیت بدینگونه :

مقام اندر عدد هشت آمد و چهار

دو شعبه هر مقامی راست ناچار

حسینی کز مقامات است برتر
دوگاہ آمد به پیشش با محیر

رهاوی شد به نوروز و عجم رام
به نوروز عرب بود از دل آرام

۵ - هفت بیت دیگر :
عشاق مرا قد حسینی است چو راست
در پرورده بوسلک رهاوی و نواست

بگوش جان شنو از کوبی که کردادا
به بیست و چاروده و دو مقام و شش آواز
در پایان آمده که کوبی گویا کاشی است چه در آنجا خاندان کوبی
هنوز هستند .

۶ - شرح آداب البحث ، به عربی ، به نسخ تازه تر و انجام افتاده .
مرحوم بدیع الزمان فروزان فر این نسخه را دیده و در مصباح الارواح
(ص ۹۲) از آن یاد کرده است .

۱۳ - مجموعه ش ۵۳۱ دانشکده الهیات مشهد در جلد تیماج تریاکی
لایی و کاغذ فرنگی باندازه ربعی به خط نسخ در دو شماره و نستعلیق در شماره
سوم ، از سده ۱۲ ، عنوان و نشان و شکل شنگرف ، در ص ع پراکنده ها است
و از آنها است لفظة الموسيقى یونانية معناها الالحان . واللحن معروف و هو مارکب
من جماعة نغم و رتب ترتیباً مقروناً ببیت من الشعر ، لوازم (از لوازم الموسيقى
احمد مدائنی حداد) .

در نشریه کتابخانه مرکز دانشگاه (۵ : ۷۹) از آن یاد شده است ، دارای :
۱ - الادوار فی معرفة النغم والادوار : «صفی الدین عبدالؤمن بن
فاخر الخوئی الارموی صاحب الشرفیة (۱ پ - ۲۶ پ) .

۲ - شرح الادوار ، به «قال، اقول» با آوردن پاره ای از متن درهربندی
و در آن از ردی که ارموی بر فارابی کرده است خرده گیری شده است (۲۷ پ -
۷۵ پ) درست مانند دونسخه موزه بریتانیا Or. 2361/4, Add 7471 .

آغاز : بسمله . و عليك التعويل يا كريم الحمد لله رب العالمين والصلوة
على سيدنا محمد وآله الطاهرين . قال : ورتبته . اول : قبل الخوض في المقصود

يجب ان يعلم ان لكل علم موضوعا ومبادئ ومسائل .

انجام : فليكن هذا آخر ما اردنا من توضيح هذه الرسالة والحمد لله
حمدا لا انتهاء لاعداده ولا انتضا لامداده والصلوة والسلام على المصطفين من عباده
خصوصاً على محمد وآله و اولاده و على اصحابه واتباعه الناهجين مناهج ارشاده .
۳ - شرح ادوار : لطف الله بن محمد بن محمود بن محمد بن اسعد سمرقندی
که به دستور «اميرزاده سيدی» در يك مقدمه و دو قسم (تأليف - ايقاع) هريك
چند فصل بی شماره ساخته است (۷۷ پ - ۸۶ پ) .

آغاز : بسمله . سبحان من تفرد بتأليف ادوار الافلاك و توحيد في ايقاع
نقرات حرکاتها في الازمنة المتغايرة و بعد فيقول . . . لطف الله بن محمد بن محمود
السمرقندی . . . هذه رسالة في العلم الموسيقي نظمتها تذكرة الاحباب بل تبصره لاولي
الالباب و قسمتها الى مقدمة و قسمين . . . اما بعد چون عنایت احدیت و بروفق
اراده از لیه اختر فلک اقبال از افق کمال طالع شد .

انجام : که پنج اول به اشارت انامل بود و باقی به ایقاع ضرب و الصواب
والحمد لله على من اتبع الهدى بمحمد وآله .

سمرقندی در دیباچه دوجا از خود نام می برد و میگوید که من به دستور
این امیر ادوار را به فارسی ترجمه کردم و آن را روشن ساختم . گویا او این
رساله را از روی ادوار ساخته است چه آن خود رساله جدائی است .

۱۴ - مجموعه کتابخانه ملک ش ۴۹۴ به نسخ و نستعلیق سده ۱۴
عنوان و نشان شنگرف در ش ۱ ، با فهرست رساله ها در ص ع .
۱۹۲ گ ۲۱۶۸۱۴ ، جلد میسن مشکى (عکس ۶۱۳۴ دانشگاه) .

۱ - قمارنامه : اصل از ضیاء الدین حاج میرزا محمد ابراهیم مشتری
شیرازی طوسی (۱۲۶۴ - ۱۳۰۵) که پس از حج و زیارت عتبات در تهران
در گذشته است ، در يك منصوبه و نه لعب و بیست و هفت بساط و يك نیرنگ ،
تدوین رساله از شاهزاده ابوالقهار محمد امین میرزای قاجار (پس فتح علی شاه)
زاده ۱۳۲۴ و در گذشته نزدیک ۱۳۰۹ در تهران است ، در پند به فرزند خود ، در
آن از خان قلی آقای نراد که او را وی به استادی خویش برگزیده بود یاد میکند و
حکایتها و شعرهای فارسی در آن هست (مجلس ۸ : ۱۸۶ - ملی ۳ : ۳۵۵ -
آستان قدس ۷ : ۷۶۴ ش ۹۴۴/۲ - رجال قاجار ۳ : ۳۰۱) او آنرا در ذق
۱۲۹۳ بانجام رسانده است .

در دیوان او (ش ۵۲۶۵ دانشگاه - مجلس ۸ : ۱۸۶ ش ۲۴۹۰/۴)
از بازی ترانت و ترم تو که از روس آمده بود یاد شده است .
به خط نستعلیق ، نویسنده اسماعیل بن حسین بن علی اکبر که یادداشت او

مورخ ۱۳۱۴/۱۴ در ص ع دیده میشود (۲ پ - ۸۴ پ ۱۵ س) چنین است
فهرست آن :

منصوبه در آداب کلیه قمار باختن و بیان مقاماتی که در آنها از قمار
احتراز باید کرد و شناختن اشخاصی چند که با قمار با آنها نشاید کرد .
لعب اول در پیدا شدن شطرنج و واضع و آداب و شرایط کلیه آن و
اقسام شطرنجها .

لعب دوم در آداب نرد باختن و واضع و قاعده کلیه این بازی و مقامین
است و حیللهایی که در بازی نرد کرده اند .

لعب سوم در آداب اسناس (آس) بازی و واضع آن و حيله و هفت بریها
و اشخاصی که در این قمار هنر کامل دارند در سه بساط .

لعب چهارم در آداب گنجفهبازی و بازی‌های که با گنجفه الآن معمول
است و اشخاص هفت‌برگنجفهباز و حالات ایشان در سه بساط .

لعب پنجم در آداب بیجایازی و طریقه آن و اشخاصی که به بیجای طالب
و راغب هستند در سه بساط .

لعب ششم در پیدا شدن دوزبازی و واضع آن در دو بساط .

لعب هفتم در آداب کلیه قاب بازی و واضع آن و اشخاصی که قاب‌بازند
و کلمات مضحك آنها و غذاهایی که مخصوص ایشان است در سه بساط .

لعب هشتم در بازی مغل و افغان که به مغل بیان معروف و چنک نادر
مشهور است در سه بساط .

لعب نهم در اقسام بازی‌های متفرقه و بازی که با پول سیاه میکنند و
اشخاصی که مایل این بازی هستند و تخم‌بازی و لیل‌بازی و فنجان بازی در پنج‌قسم .

نیرنگ در افعال شنیعه و گفتار قبیحه قماربازان (خاتمه در ذکر حکایات
متفرقه و نکات بدیعه متعلقه به ارباب فن) .

آغاز : ستایشی که پاکبازان نرد بندگی را شاید و نیایشی که رقعہ‌سازان
و یکه تازان صفحه شطرنج پرستندگی را باید حمد و ثنای منصوبه‌پرداز نرد وجود
ورقعہ‌ساز شطرنج موجود است .

انجام : بدان ای فرزند من این کتاب را به مقتضای رای مہرنامی شاهنشاه
جهان و دستاری و ربط دادن الفاظ و اشعار میرزای مشتری که سالها است معاشر
شب و روز من است انجام دادم که گاهی از مطالعه آن به عیبهای قمار و بی‌شانی
مقامین آگاهی یافته هیچ وقت پیرامون این اعمال نگریدی و الله بصیر بالعباد .

تمت الكتاب الموسوم بقمارخانه مستعجلا بید اقل الشعراء ابراهیم المتخلص
بمشتری الطوسی . کس نداند که پس پرده که خوب است و که زشت . فی شهر

ذی القعدة الحرام ۱۲۳۹ .

۲ - نصایح شیخ المقامرین به پسر خود (بهمان خط ۸۵ ر - ۸۸ پ) از همان مشتری ، ساخته در ۱۲۹۴ در دو قسم :
۱ - نصایح شیخ المقامرین به فرزند خود که چه کند تا ترقی و پیشرفت کند .

۲ - کنایات به سیاق رساله ده فصل یا تعریفات عبید زاکانی به ترتیب تهجی (فهرست نسخه های خطی فارسی ۱۷۰۹- آستان قدس ۷ : ۷۶۵ ش ۳/۷۴۴- مجلس ۸ : ۱۸۷ ش ۶/۲۴۶ مورخ ۱۲۹۲) .

آغاز : نصایح شیخ المقامرین به پسر خود به رسم کنایه که هر گاه بخواهی موافق سلیقه و قانون ابناء زمان که درین عهد امیر و وزیر و مشار و مشیر هستند رفتار کنی باید اینها را کاربندی به هیچ وجه ملاحظه اصالت خود را ننمایی .

انجام ناتمام : آنگاه با خانه شاگردان . . .

همیشه به آنها وعده بده .

انجام آستان قدس : وحشی ، عاقبت اندیش و آن کسی که تواند در شهر زندگی کند .

۳ - رساله فی الموسیقی : حاج محمد کریم خان کرمانی که در ۱۹ رجب ۱۲۶۲ ساخته است (نسخ اسدالله سیرجانی کرمانی در چاشت روز پنجشنبه ۲ رمضان ۱۳۰۴ ، ۹۴ پ - ۲۲۱۰۴ س) در یک مقدمه و چهار باب (فهرست مشایخ ۲ : ۲۳۱) :

مقدمه فی تعریف الموسیقی .

الباب الاول فی معرفة الصوت و فيه فصول : الصوت اما من الجمادات او من الحيوانات ، اختلاف النغم والالحن فی الغناء ، النغمة .

الباب الثاني فی حصر النسب واستخراج الابعاد ومراتبها فی الملائمة والمنافرة وهو مشتملة علی ثلاثة فصول :

الفصل الاول فی حصر النسب .

الفصل الثاني التالیف من النغمتين .

الفصل الثالث اسباب الحدة فی الاوتار القصر والرقعة والتوتیر فی ذوات النفح

الباب الثالث فی الفصل والوصل و فيه ثلاثة فصول :

الفصل الاول فی معنى الوصل و اقسامه .

الفصل الثالث فی الفصل .

الفصل الثاني فی كيفية العمل فيه .

الباب الرابع فی ذکر امور کلیة فی هذا العلم و فيه ثلاثة فصول .

الفصل الاول فى الالخان .

الفصل فى اصل النعمات من الحركات والسكنات .

الفصل الثالث فى الطبائع المختلفة للنعمات .

آغاز : بسمله . حملة . فيقول العبد الايتم كريم بن ابراهيم ان هذه كلمات

قليلة .

انجام : و نحن كتبنا هذه الرسالة لالاجل تعليم الغناء بل لظهار آية من آيات الله سبحانه كما اشرفنا الى شطر من ذلك فهذه فتنة فلا تكفر .

٤ - خطبة عيد الفطر : گویا از همو (نسخ همان اسدالله سیرجانی کرمانی

در ۱۳۰۴ ، ۱۰۴ پ - ۱۰۹ پ ۱۵ س) .

آغاز : بسمله . الحمد لله الذى مد نقطة الكينونة فى عالم البينونة بالف

الابداع .

انجام : وليوفوا نذورهم وليطوفوا بالبيت العتيق .

٥ - بهجة الروح : عبدالله المؤمن ابن صفى الدين ابن عز الدين ابن

معى الدين ابن نعمه ابن قابوس وشم گير جرجانى (١١٥-١٣٩ ر ص ١٩ س شكسته -

نستعليق ريز) به نام سلطان محمود غزنوى كه به درخواست دوستان از چند كتاب

و رساله برگزيده و در آن از استاد سراج الدين محمد غواص و شيخ صفى الدين

مراغه‌اى ياد کرده .

مقدمه در اينكه هر آوازي و گوشه‌اى و شعبه‌اى از چه چيز استخراج

نموده‌اند .

باب اول در مبداء اين علم .

باب دوم در اقوال حكماء در اين خصوص .

باب سوم در نسبت اين علم به وجود انسان .

باب چهارم در نسبت اين علم به كواكب سياره .

باب پنجم در بحور اصول و حركات هريك بقدر الحال والضرورة .

باب ششم در بيان اين علم فى النظم .

باب هفتم در تركيب پرده بحسب سير عطارد و زهره .

باب هشتم در اينكه هر كس را چه نغمه شايد .

باب نهم در اينكه از هر پرده تا پرده ديگر چند بانگ است .

باب دهم در سلوك صاحب اين فن با خواص وعوام .

خاتمه در نسبت پرده‌ها به كواكب سبعة سياره و حصول اربعة .

آغاز : . . . و بعد چنين گويد . . . (نام مؤلف) كه چون طبع سلطان -

السلاطين سلطان محمود غزنوى را راغب و مايل به علم شريف موسيقى ديد .

انجام : وهر گاه استادان خواسته باشند آزمایش کنند و قوت و قدرت يك ديگر معلوم کنند از آن معلوم کنند والسلام على من اتبع الهدى .

۶ - رساله در علم موسیقى از صدرالدين محمد، در آن یاد شده است از فارابی وقانون او و ابن سینا و فیثاغورس و صفی‌الدین عبدالمؤمن ارموی آذربایجانی و رساله ادوار او که بر آن دانشمندان شرحها نوشته‌اند و خواجه عبدالقادر مراغه‌ای و مقاصد و جامع الالحان او و استاد قطب ثانی و حافظ ادوار قزوینی و خواجه رضوان‌شاه تبریزی و خواجه مولانا شمس رومی و ضرب‌الملوک او و مولانا طاقیه‌دوز و استادشاه محمد موزه دوز هر وی و مولانا حسین کوکبی .

(بهمان نستعلیق ۲۷ ذ ح ۱۳۰۳ ، ۱۳۹ پ - ۱۴۶ پ ۱۹ و ۲۰ س) .
چنین است فهرست آن :

مقدمه در پیدا کردن علم موسیقى و تعریف نغمه و ایقاع و ذکر اسامی کسانی که مربوط به این فن بوده‌اند .

فصل اول در بیان بعضی حالات و مقدماتها و اسامی آن .

فصل دوم در بیان آوازاها .

فصل سوم در اسامی بیست و چهار شعبه .

فصل چهارم در خواص هر کدام .

فصل پنجم در ذکر اصولها که در کتب موسیقى نام ایقاع مذکور میشود .

آغاز : و بعد این مختصریست در علم موسیقى و مبنی است بر يك مقدمه

و پنج فصل و يك خاتمه .

انجام : و حقیر شصت سال ریاضت کشید تا اینها را دانسته و بیان نمود .

۷ - رساله سؤال و جواب یا پرسش و پاسخ در مطایبه و نصیحت و پند

و جز اینها با نظم و نثر از ستایش و نکوهش و غزل و قصیده و رباعی و قطعه به فارسی

از «سرگردانی» (شکسته - نستعلیق، ۱۶۱ر - ۱۶۸ر) : گویا از مشتری، در آن

از عین‌الدوله و ظل‌السلطان سلطان مسعود میرزا و بهاء‌الملک یاد شده است .

بدینگونه است :

۱ - اسباب بهادری و شرایط دلاوری در عرصه جدال و معرض قتال

چنداست .

۲ - تکلیف در نوکری چیست و شخص نوکر را چسان باید زیست .

۳ - اگر کسی از این صورت عاری است و جز نوکری کارش نیست

چه کند .

۴ - حلم را که بر رخسار شاهد خلق عارفان است (؟) چه اندازه است .

آغاز : بسمله . پس از حمد و سپاس مؤسس این اساس . . . چون بعضی

از محباب ظریف که در صحرای مردم حریف بودند گاهی کماهی وقایعات اردو را برسبیل مطایبه در مقام سؤال برمی‌آمدند و جوابی را که بیان واقع بود عرض می‌شد لهذا خواهش فرمودند که سواد جواب و سؤال را به‌رشته‌ی تحریر و تسطیر آورده و پاره‌ای از مطایبه و نصایح و تجارب از نظم و نثر از مدح و ذم از غزل و قصیده و رباعی [و] قطعه بر آن الصاق و الحاق نماید .

انجام : سر بسته باد کرده همچو انبان چون بگشودند باد خالی بودی .

در ۱۶۸ ر غزل فارسی تاراج است درشش بیت ، بدینگونه :

مصور آمد و رفتی تو را چوماه کشید قلم چوبرسر زلفت رسیده است آه کشید
۸ - ترجیع بند از میرزا عبدالله خلیج متخلص به غیرت ، در هجو همای
کتابدار و عجیب و دیگران در سیزده بند (شکسته نستعلیق ابراهیم توپچی در روز
یکشنبه ۱۶ محرم ۱۳۰۳ تخاقوی ٹیل و روز دوم عقرب ، چلیپا و راسته و درچپ و
راست ، ۱۷۰ پ - ۱۷۹ ر) .

آغاز : آمد چو هما بزی ز شیراز	در حجره سز (?) محرم راز
منزل بنموده در فضیلت	کردند بهم ترانه‌ها ساز
انجام : شه‌رود به قایل و به سامع	گفت از سرخشم در پس قال
اول پدر هما بسوزد	دوم پدر شما بسوزد

در ۱۸۰ ر شعرهای فارسی است در هجو .

۱۵ - مجموعه ادینبورگ New college نسخه خطی فارسی
O.P. 3.18, 60, 62 (فهرست دوم ادینبورگ ص ۶ - استوری ۱ : ۱۲۵۸)
دارای حکایات سلاطین و اندرزنامه نواب شیرازی و رساله‌ها و بندهای دیگر
سپس :

۱ - رساله در فن موسیقی از حاجی حسین ظهیری اصفهانی به نثر فارسی
در پنج باب و ۱۵ فصل (۱۷ گ) .

۲ - رساله منظومه در فن موسیقی (۳ گ) .

۳ - شمس‌الاصوات در ترجمه سنگیت از خوش‌حال خان در زمان
عالم‌گیر پادشاه .

۴ - رساله در فن موسیقی هندی که افتتاح آن در سه مفتاح است به فارسی .

۵ - رساله وجیزه در تقسیم تار برای استخراج نغمات موسیقی در مقدمه
و دو قسم و خاتمه به فارسی .

پس از اینها نوشته سرگوراوزلی است و نامه‌های درباری دیگر مورخ
۱۲۳۹ .

۱۶ - احمد تیمورپاشا در الموسیقی والغناء عند العرب چاپ ۱۹۶۳ مصر

دو رساله گذارده است :

۱ - الموسیقى اشرف العلوم والطف الفنون (۱۴۰ - ۱۵۱) که رساله ایست به عربی دارای عنوانهای زیر پس از خطبه :

فصل الموسیقى و منافعہ .

فصل فی اصل من وضع الموسیقى ومن ولع به عملا .

فصل فیما ذکر اهل الفلسفة من اهل هذه الصناعة .

فصل فی شرح الدائرة .

فصل فی الثمان بردات التی هی فروع الاصول الاربعة .

فصل فی ذکر الست آوازا ت .

فصل فی ذکر اجزاء السبعة بحور .

فصل فی ذکر الشواذات قاعدة (جدول است) .

واژه های فارسی در آن بسیار است . مؤلف خود را هم زمان معاصران

صفی الدین عبدالمؤمن ارموی و شمس الدین سهروردی نشان میدهد .

۲ - ارجوزة فی علم الموسیقى از شیخ عبدالرحمن حباک عودی

(ص ۱۵۲ - ۱۶۲) به عربی با واژه های فارسی فراوان . نیمه نخستین آن گزیده

و کوتاه و دارای چهار فصل :

۱ - فصل اصول اربع للنغم .

۲ - فصل فروع هذه الاصول .

۳ - فصل آوازا ت الست .

۴ - فصل البحور .

نیمه دوم شرح نیمه پیشین است و در آن آمده است «شرح هذه الرسالة»

و جاء نی خل یسالنی فی نظم هذه ذی الرسالة و شرحها» در آن شش فصل است :

۱ - فصل فی الاصول الاربعة .

۲ - فصل لما یختص کل نعمة من هذه الابعاد .

۳ - فصل فی شرح سائر الفروع .

۴ - فصل فی شرح الآوازا ت الستة .

۵ - فصل فی شرح ابحر النغمات .

۶ - فصل فی تحریر رموز ذکر فی الشرح .

در این جا باید شکلی رنگین باشد .

آثار گمنام فارسی در موسیقی هندی

- ۱ - فریدالزمان فی معرفة الالحن در موسیقی ایرانی از مؤلف غنیة المنیة و پیش از آن و به درخواست فرمانروای گجرات امیر شمس الدولة والدین ابراهیم حسن ابورجا ساخته شده است .
در فهرست سرفراز علی ضوری ص ۶۶ (انجمن ترقی اردو پاکستان) .
از نسخه‌ای از آن یاد شده است .
- ۲ - غنیة المنیة : در موسیقی هندی که در زمان ابوالمظفر فیروزشاه (فیروزالدین تغلق ۷۵۲ - ۷۹۰) بسال ۷۷۶ بدرخواست فرمانروای گجرات امیر شمس الدولة والدین ابراهیم حسن ابورجا ساخته شده و ترجمه‌ایست از سانگیت دربن Sangita Darpan که به زبان سنسکریت است .
مترجم مینویسد که من بدرخواست همو اندکی پیش از این فریدالزمان فی معرفة الالحن را که در موسیقی ایرانی است بفارسی برگردانده‌ام .
این رساله در دو قسم است :
- ۱ - در دو باب :
- الف - در معرفت سرود در چهار فصل .
ب - در معرفت مزامیر در دو فصل .
- ۲ - در دو باب :
- الف - در بیان رقص .
ب - در شرایط و آداب مجلس سرود و اصحاب محاسن و معایب بعضی

اصحاب و جزآن درهشت فصل .

* دیوان هند ۲۰۰۸ با تصاویر .

۳ - راگهای هندی : ترجمه ایست از کتاب سنسکریت در موسیقی هندی

تألیف نایک بخشاو Nayak Bakhshawa گوالیاری بنام هزار دهرید (Hazar Dahurupad) .

مؤلف از درباریان راجه مان سینگه Man Singh در گذشته نزدیک ۹۲۴ بوده و زمیندار شهر کالینجار بهادرشاه گجرات (۹۳۲ - ۹۴۳) پس از آنکه اسکندر لودی (۸۹۴ - ۹۲۳) گوالیار را گرفته بوده است .

این کتاب به فرمان شاه جهان پادشاه (۱۰۷۳ - ۱۰۶۸) ترجمه شده است .

آغاز : چون نفوس مقدسه بخرد نهاد را میل به لذات روحت بیشتر

و ادراك سرور از اموری که مستلزم

واز آنجا که در این عشرت نامه تصانیف «نایک بخشو هزار دهرید» نگارش یافته و به هندی تصانیف را هزار اسهنسر میگویند و لذت را (رس) مینامند و این مجموعه بهجت فزای لذت انگیز مشتمل بود بر هردو معنی به (سهنسر رس) موسوم گردید «هزار دهرید» چهار «راگ» و چهل و شش «راگنی» .

* بادلیان ۱۸۴۶ مورخ ۱۵ صفر ۱۰۷۸ نوشته محمد امین اکبر آبادی

در شاه جهان آباد برای شاه قباد بن عبدالجلیل حارثی بدخشی دیانت خان

و نسخه از آن میرزا محمدرستم معتمد خان پسر او بوده است .

* دیوان هند ۲۰۱۵ مورخ رمضان ۱۰۶۶ .

۴ - رساله در علم موسیقی بروش هندی گویا ترجمه فارسی اثر سنسکریت

سنگیت درپن Sangit Darpan (ش ۱۸۴۷ بادلیان) با ترجمه آینه ملودی است، بی دیباچه است .

آغاز : بدانکه علم موسیقی علمی است در غایت لطافت هر طبعی آنرا محیط

نتواند شد و هردلی آنرا مدرک نتواند گشت زیرا که کسب علم موسیقی ممکن نشود

مگر به طبع سلیم .

* بادلیان ۱۸۲۵ بی تاریخ .

۵ - رساله راگمالا Ragmala از نها کرداس در محرم ۱۱۸۸ .

آغاز : در بیان راگ و راگنی های نغمات و مقامات اهل هند .

* دیوان هند ۲۰۱۸ مورخ ۱۱۹۳/۲۴۲۵ .

۶ - بندی در موسیقی ، با عنوانهای :

باب چهارم در نواختن هر کدام راگها و راگنیها در طنبور .

باب پنجم در علم سنگیت یعنی علم موسیقی و آن مشتمل است بر ده فصل .

- * بهار هند ش ۲۳۷ (۱ : ۱۸۷) .
- ۷ - رساله در راگها و راگنیاها به زبان ریخته و پنجابی و فارسی که با عنوان «در راگ بهیدون» آغاز میشود و در پایان «قول در رامکلی راگنی» دارد .
- * دیوان هند ۲۰۱۹ .
- ۸ - رساله در راگها و راگنیاها به زبان ریخته و فارسی با عنوان «راگهای هند» در آغاز نسخه .
- * دیوان هند ۲۰۲۰ .
- ۹ - رساله موسیقی ، دربارهٔ راگها و راگنیاها هند .
- آغاز : بدانکه در ولایت ایران و غیره شش آواز علم موسیقی را شش نام مقرر کرده اند .
- * بهار هند ش ۲۳۶/۲ (۱ : ۱۸۷) .
- ۱۰ - کنزالموسیقی : در راگها و راگنیاها و دهره های به زبان هندی با «دیباچه نوباوه گلشن جنان» و شعرهای فارسی بنام معززخان .
- آغاز : صدای ستایش محمود بنام نغمه سرای کن .
- * دیوان هند ۲۰۲۱ .
- ۱۱ - سرودهای هندی : توژی ، پورپ و رام گلی ، کاموز ، سریرا که ، ساموژی ، کاپائیتی ، آسا ، بلاول و صبحی ، منمل و ران ، کیژارد (مرثیت امام حسین) .
- آغاز : پرتو و پینو هجو جرجی جالازی .
- انجام : امید ارواح بی پسندی پنی .
- * ملك ۶۳۹۲ ، نستعلیق سده ۱۳ در ۱۶۲ برگ .
- ۱۲ - دستور النغم : در چهارباب دربارهٔ طنبورزنی .
- ۱ - در ذکر (سره = e Suara) و مقام سره ها و غیر آن .
- ۲ - در ذکر راگها و راگنیاها (Ragini) و امثلهٔ آن .
- ۳ - در صورت تهاتهٔ راگها و راگنیاها درطنبور .
- ۴ - درنواختن هر کدام از راگها و راگنیاها درطنبور .
- آغاز : به جمیع دستور و اصطلاح طنبور برنگار تا ما نیز بیاموزیم .
- * برلین ش ۳/۳۴ (ص ۸۴ پرچ) .
- ۱۳ - مجموعهٔ آوازه ها Songs به روش هندی با حروف .
- مجلد یکم در اصول خفیف :
- در اصول عمل .
- در اصول اوسط .
- در اصول ضرب .

- در اصول چهار ضرب .
 در اصول ضرب الفتح .
 مجلد دوم در اصول رمل و غیره .
 الموشح الکلی جامع لجميع الالحن مرتب علی بیوت خمسة ، ساخته خواجه
 رومی در اصول ثقیل .
 * بادلیان ۱۸۵۱ ، گویا از دویست یا سیصدسال پیش .
 ۱۴ - اصول النغمات الاصفی : در موسیقی هندی به درخواست مستر
 ریچارد جانسن :
- ۱ - در بیان «سُرادهیا» در شش فصل .
 - ۲ - در بیان «راگ ادهیا» .
 - ۳ - در بیان «پرکیرن (پرکیرنگ) ادهیا» یا «کادهیا» .
 - ۴ - در بیان «تار ادهیا» .
 - ۵ - در بیان «ناد ادهیا» .
- در نسخه بهار شش اصول است .
 آغاز : نحمدونصلی . وجدانگیزتر نمّی که سوزان سینهریشان محبت .
 * بهار ش ۲۳۵ و ۲۳۶/۳ (۱ : ۷ - ۱۸۶) .
 * دیوان هند ش ۲۰۱۷ و ۲۰۲۳ * .

* برای موسیقی نوین بنگرید به :

Archives of recorded music
 Archives de la musique enregistrée.
 A Catalogue of recorded classical and traditional Indian Music.
 Catalogue de la musique indienne classique et traditionnelle enre-
 gistrée.

Aliain Danielou
 (Shiva Sharan)

آثار گمنام فارسی در موسیقی ایرانی

۱ - رساله موسیقی بدینگونه :

«سخنی چند از کلام حکماء نقل کرده اینجا بر نهیم و غالباً از کتاب اخوان الصفاء و امام فخرالدین رازی رحمه الله ترجمه کرده است بدانکه موسیقی تألیفی است از وضع حکماء و نصیب از آن ارواح راست نه اجسام و اجسام را از آن نصیبی نیست و موسیقی صنعتی است مرکب از جسمانی و روحانی و تألیف غنا و الحان از آنست.»
انجام : هیچ اشتباه نتواند کرد . تمام شد رساله موسیقی در قول حکماء ما
 تقدم بعون الله وحسن توفيقه .

* پایان نسخه ۳۶۵۱ نورعثمانیه از شرح ادوار مراغی در ۶ ص ۶ س
 (فیلم ۴۹۱ دانشگاه) .

پس از این يك صفحه «تفصیل موشك و ترقه و هوائی و غیره» است .

۲ - رساله در موسیقی

در آن آمده «چنانکه در کتاب نسبت مؤلفه یاد کردیم» .
آغاز : بدانکه موسیقی تألیفیست که حکماء ارواح حیوانی وضع کرده اند نه جسم را که جسم را از آن نصیبی نیست و موسیقی صنعتی است مرکب از حیوانی و روحانی و تألیف غناء الحان از ویست .
انجام افتاده : و این موسیقی را عظیم اصلی (ص ۳) .

- * جنگ ۱۴۴۷ حمیدیه مورخ ۷۵۰ تا ۸۱۱ ش ۴۲۶ (۶۱) .
- (فهرست فیلمها ص ۴۲۶ ش ۱۹۵) .

۳ - المختصر المفید فی بیان الموسیقی و اصول احکامه

- در مقامات و پرده‌ها بفارسی در ۱۳ س .
- * جنگ ۱۴۴۷/۵۷ حمیدیه مورخ ۷۵۰ تا ۸۱۱ .
- (فهرست فیلمها ص ۴۲۶ ش ۱۹۵) .

۴ - فائده‌ای درباره نامهای دوازده مقام و شرحی از آنها

- * سپهسالار ش ۵۶۵ برگ ۱۱۹ - ۱۲۱ .

۵ - قواعد اصول و فروع

- آغاز : در اسامی دوازده مقام اول راست دوم عراق سیم اصفهان .
- انجام : پنجگاه رهاوی نهفت غزال جمع باشند . تمام شد قواعد اصول و فروع و سیونر (?) دوازده مقام و ترکیبات جملگی والله اعلم .
- * سپهسالار ش ۵۶۵ گ ۱۲۲ ر - ۲۱۳ ر در ۳ ص بهمان خط شایرانی .

۶ - مقامات موسیقی

- نام مقامات و خوانندگان با رموز و ارقام و تنها بروش پیشینیان در آن آمده و گویا در کشور عثمانی به نگارش در آمده است و کتاب را در نسخه نامی نیست .
- چنین است مقامهای آن : عراق ، راست ، عشاق ، صبا ، بیانی ، عجم ، عجم عشیران ، سنبله ، شهناز ، حصار ، غزال ، بوسلیک ، بوسلیک عشیران ، ماهور ، نکریز ، پنجگاه ، نشابور ، رهاوی ، عرض بار ، باباطاهر ، حجاز ، زرکله ، نهفت ، زیرافگند ، بسته‌نگار ، مایه ، اصفهان ، گوشت ، سپهر .
- چنین است نام خوانندگان و سازندگان : شریف ، مضر ، ملک‌جان ، پاپا ، علی‌خواجه ، سیف‌المصر ، پری ذات ، حیدارجان ، بلبل عراق ، خنکاسپژوی ، الجی‌سپژوی ، بابا زیتون ، شیخ ، عالم‌آرا ، احمدبک ، عثمان‌پاشا ، ایوب‌لی‌محمد ، صولاف‌زاده ، احمد چلبی ، ابراهیم‌آغا ، مسکلون ، دروش‌محمد ، جاموس ، علی‌خواجه ، مصطفی ، شاه‌قولی ، قرعه فرخ ، آغارضا ، شکوفه‌زار که در فهرست دیده میشود .

نمونه‌ای از عنوانها که پس از آنها نشانه‌های ابجدی و عددی است : در مقام

عراق ضرب فتح شریف، وزن کبیر سرخانه، ملازمه، خانگانی، زیل، خانه ثالث؛ ضرب فتح مضفروزن کبیر سرخانه، خانه ثالث؛ کوچك ثقیل پاپا وزن کبیر سرخانه، ملازمه، خانه ثانی؛ خانه ثالث، دور کبیر تصنیف شریف وزن کبیر سرخانه، ملازمه، خانه ثانی، خانه ثالث.

اصل نسخه به گواهی تاریخ پایان رساله موسیقی نو نویس آغاز آن بایستی پیش از ۲۰ شعبان ۱۲۲۵ بلکه در سده یازدهم نوشته شده باشد.

* به خط نستعلیق ترکی آراسته و زرین، ربعی، جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی. این نسخه اکنون در کتابخانه ملی است و فیلمی از آن بشماره ۳۸۰۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران هست.

اصل دفترمانندی بوده که آهنگها را با رمزهای آنها در آن می نوشته اند و گویا میخواستند کامل تر سازند این بود که سفیدیها در آن برجای مانده و به دست يك شیعی رسیده و خواسته است آنها را پر کند این است که مطالبی به خط دیگر نستعلیق ریز راسته و چلیپا، در آن آمده است از اخبار شیعی و حکایتها و شعر فارسی از ظهیر فاریابی تا ابن حسام و جز اینها در متن و هامش و کتاب با اینها ویران شده است ای کاش که بهمان حال نخستین می ماند. نمونه ای از آنچه بر نسخه افزوده اند:

۱ - رساله ای در موسیقی

آغاز: بدان ایدك فی الدارین که هیچ علمی به خورده بینی علم موسیقی نمی رسد چنانکه حضرت امیر المؤمنین سیر جمیع علوم کرد چون به علم موسیقی رسید فرمود که این علم بسی عجیب است و هر که این علم را فرا گیرد پسندیده است. پوشیده نماند که از خواص این علم هزارویک ساز و نوا است:

فصل در بیان دوازده مقام که از چه چیز برداشته اند . . .

فصل در آداب و قانون این علم.

فصل در ملائکه که هر آهنگی می خوانند.

انجام: بزرگ و کوچك بکار آید.

در سه صفحه متن در آغاز نسخه به نستعلیق سید احمد مازندرانی نهمیری در ۲۰ شعبان ۱۲۲۵.

۲ - اختیارات (۲ص)

سپس اصل کتاب است. در آخر نسخه فهرستی است از مطالب موسیقی اصل کتاب در ۸ص با اشاره بشماره صفحات از ۱ تا ۳۲۳. باز در ۸ص آخر پراکنده ها است به خط تازه تر.

۷ - رساله موسیقی ، يك فصل دارد :

در آن از شمس‌الدین محمد بن حسین و ابواسحق موصلی و ابونصر فارابی یاد شده و آمده :

« این کمینه در میان دایره شش‌آوازه ساخته و آوازه‌ها هر يك به دو مقام علم افراخت » .

آغاز : بسمله . مخفی نماند که آنچه فقیر تتبع نموده است علم موسیقی از حضرت ادريس عليه السلام به‌ظهور آمده گویند در حالت خروج روحانی از صدای دور فلک فرا گرفته .

انجام : اگر طالب علم خواهد بداند والله اعلم بالصواب .

* سپهسالار ۱۶/۲۹۱۳ (۵ : ۶۸۷) (ص ۳۸۵ - ۳۵۹) .

۸ - رساله در موسیقی

باب در بیان دوازده مقام .

فصل در بیان اصول کبیر .

فصل در بیان چهار شد .

باب دوم در بیان شد سیوم .

باب در بیان شد چهارم .

فصل در بیان دوازده مقام .

فصل که صاحب سازونوا اند که از جهت هر طایفه چه مقام باید پرداخت .

آغاز : بسمله . بدان ای فرزند ایدك الله تعالی که هیچ علمی به‌خوردینی به‌علم موسیقی نمیرسد چنانکه حضرت امیر (ع) سیر هر علمی کرد و چون به‌موسیقی رسیده فرموده که عجیب و غریب مینماید .

انجام و پنجاه بکار آید . این مختصریست در بیان علم موسیقی امید که طالبان بهره‌مند گردند .

* ملك ۳۶/۴۰۷۶ گ ۲۹۰ پ - ۲۹۲ پ میان ۱۰۴۹ و ۱۰۵۸ .

۹ - رساله موسیقی

دارای این فصلها :

۱ - شش‌آوازه به‌نثر .

۲ - شش‌آوازه به‌نظم .

- ۳ - در بیان اصول این علم که مشتمل بر ۱۷ عدد آمده است .
 ۴ - در بیان نظم اصول که بیست و سه قرار داده اند .
 ۵ - در بیان آنکه هر يك از مقامات به کدام از بروج دوازده گانه تعلق دارند .

آغاز : بدانکه جمیع اشیاء به آهنگ و نغمه مشغولند که اگر يك آهنگ ایشان بی اصول بوده باشد ملال در ذات بهم میرسد .

انجام : و آخر شب عشیران و ماهور و بزرگ و کوچك بکار آید والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب .

* سپهسالار ش ۱۸/۲۹۱۳ ص ۳۶۳ - ۳۶۵ (۵ : ۶۸۷ فهرست) .

۱۰ - تعلیم النغمات و بیان الدرج و الشعب و المقامات

در آن آمده است :

هر نغمه که روح از نفس می شنود این کوس بدین خواب گران کی شنود
 در هفت فصل :

- ۱ - در بیان سطور .
 - ۲ - در بیان پرده های مقامات (اول راست و معرفت آن) .
 - ۳ - در بیان پرده های شعب (اول مبرقع چرا که او شعبه اول راست است) .
 - ۴ - در بیان پرده های آوازا و تفسیر کردن آن .
 - ۵ - در ربط دادن .
 - ۶ - در بیان آوازا که هر یکی از میان دو مقام چگونه نمایند .
 - ۷ - در بیان هفده بحر اصول و تقطیع آن .
- آغاز : سپاس بی قیاس صانعی را .
 * وین ش ۱۹۱۹ (فهرست فلوگل ۲ : ۵۹۳) .

۱۱ - رساله موسیقی

در ۱۲ باب با اسامی مقامات دوازده گانه در سه بند به نظم فارسی که آقای محیط طباطبائی از روی نسخه نوشته فتح الله خواری در ۱۰۷۵ در مجله موسیقی (س ۳ ش ۱۱ و ۱۰ ص ۱۲ - ۲۱ تاریخ ۱۳۲۰) چاپ کرده است .
 فهرست با بهای آن :

- ۱ - در بیان آنکه بیست و چهار شعبه را چگونه پیدا کرده اند .
- ۲ - در بیان شش آوازه .

- ۳ - در بیان آنکه بیست و چهار شعبه از دوازده مقام چون گرفته‌اند .
 ۴ - در بیان آنکه شش آواز را چون از دوازده مقام گرفته‌اند .
 ۵ - در بیان آنکه اصول چون پیدا کرده‌اند .
 ۶ - در بیان اصول مختلف .

۷ - در بیان آنکه شش بحر دیگر را چون زیاده کرده‌اند .

در اینجا از **خواجه صفی‌الدین عبدالؤمن و استاد روح‌پرور و مولا حسن عودی** و اصول ثقیل و خفیف و چهار ضرب و وسط و زرافشان و رمل یاد شده است .
 ۸ - در بیان زیاده کردن پنج بحر دگر ، در اینجا از **خواجه کمال‌الدین عبدالقادر و پنج بحر او** : «ضرب‌الفتح، دورشاهی، شاه‌نامه، دائرهٔ قمریه، خواجک مأتین، واز دور روان، دورچنبر، ترکی، اصل ترکی، فرع، فاختهٔ ضرب یاد شده و مؤلف خود را پیرو کلیات **خواجه کمال‌الدین عبدالقادر** میدانند . باز از **مولانا حسین واعظ** یاد میکند که باو سخن گفته است و از کلیات اختراعی خود نام می‌برد .

۹ - در بیان اصولهای مختلف .

۱۰ - در بیان رنگهای مختلف .

۱۱ - در بیان آنکه هر آهنگی که خواننده در کدام مقامها سیر کنند .

آغاز : در باب ۱ افتاده : و دوازده بخش شد و از هر بخش آوازی برآمد و ترتیب دوازده مقام آنچنانست که گذشت اما بعضی گفته‌اند که عشاق مقدم است باین دلیل :

عشاق مرا قد حسینی است چو راست در پردهٔ بوسلی رهاوی و نواست
 چون گشت بزرگ در صفاهان و عراق زنگوله حجاز و کوچک اندر برما است
 این شش بحر دیگر شد که مجموع دوازده باشد . باب نهم .

انجام : دیگر درین عمل سخن بسیار است اما به سخن همین اختصار کردیم
 والله اعلم بالصواب . اسامی مقامات دوازده گانه (شش بیت) :

در پرتگاه عشاق ای مطرب خوش‌الحن
 بنما نوا خدا را از بهر بی‌نویان
 هم در مقامات است (شش بیت) :

تو ای مطرب آهنگ‌شهناز کردی
 در عیش بر روی ما باز کردی
 هم در مقامات است (بیست و دو بیت) :

مقام اندر عدد هشت آمد و چار
 دو شعبه هر مقامی راست ناچار
 حسینی کز مقامات است برتر
 دو گاه آمد قرینش با محیر

عراق کوچک است آن اصل کز وی
 بسوی مای من آرد خرد پی

بزرگست در رهاوی اصل شهناز شده با خامشی من بعد دمساز
۱۲ - رساله در موسیقی

در پانزده فصل و يك خاتمه و پرده‌ها در آن به ترتیب اقلیمها بخش
شده است .

- ۱ - در تقسیم دستانها و تعریف ابعاد .
 - ۲ - در معرفت مبادی موسیقی .
 - ۳ - در بیان پرده‌ها .
 - ۴ - در آوازاها که آنرا شعبه خوانند .
 - ۵ - در آنچه پرده‌ها را به بروج نسبت کرده‌اند .
 - ۶ - در منسوبات پرده‌ها با کواکب سبعة .
 - ۷ - در استخراج پرده‌ها .
 - ۸ - در معرفت ایقاع اصول .
 - ۹ - در آنکه پیش هر شخصی چه ضرب باید .
 - ۱۰ - در آنکه پرده‌ها را زیاد کنی و نرم گیری چه سود .
 - ۱۱ - در معرفت سازها .
 - ۱۲ - در نواختن پرده‌ها .
 - ۱۳ - در آنکه نزد هر قوم کدام پرده مناسب باشد .
 - ۱۴ - در نسبت پرده‌ها با فصول اربعه .
 - ۱۵ - در نسبت پرده‌ها با اقالیم سبعة .
- خاتمه در تأثیر نغمات .

آغاز : بسمله . سبب تألیف این کتاب آن بود که جماعتی از اصحاب فقیر را
التماس کردند تا در علم موسیقی رساله‌ای تألیف نموده شود بنا بر ملتسم ایشان این
رساله را تألیف نمودیم امید که به نظر ایشان مقبول گردد و این مبنی است بر پانزده
فصل و خاتمه .

انجام : بینی گویند که نفوس را حزن بخشد و آنچه مناسب پرده فرح باشد
شعری گویند که مناسب آن باشد و آنچه مناسب پرده حزن باشد شعری گویند که
مناسب آن باشد و به خلاف یکدیگر گویند .

سپهسالار ۲۸/۲۹۱۱ (۵ : ۶۸۷) ، (۱۰۴ - ۱۰۶) نوشته در اجمیر
در ۱۰۹۳ .

* مجلس ش ۵/۵۱۸۰ (۱۵ : ۳۴۴) .

۱۳ - رساله در علم موسیقی ، به نثر فارسی :

- باب دوم در بیان دانستن بیست و چهار شعبه .
- باب سوم در بیان شش آواز .
- باب چهارم در بیان هفده بحر از قول خواجه عبدالقادر مراغه‌ای .
- باب پنجم در نسبت دوازده مقام .
- باب ششم هر مقام را از کدام حیوان برداشته‌اند .
- باب پانزدهم در آداب سازنده و اهل این فن و حسن سلوک وی .
- آغاز افتاده : حجاز و بوسلیک و رهاوی .
- که دارم یاد از تقریر راوی
- انجام : سم طوسی ، کنگره ، سازهای ناقص‌اند .
- * ملك ۴۴/۴۷۱۹ مورخ ۱۲۳۰ گ ۱۶۴ - ۱۷۶ .

۱۴ - رساله موسیقی

در شاتزده فصل :

- ۱ - در تعریف علم موسیقی .
 - ۲ - در قانون پرده‌ها .
 - ۳ - در وضع شعبه‌ها و اسامی آن .
 - ۴ - در مناسبت بروج دوازده گانه .
 - ۵ - در نسبت گوشه و پرده‌ها .
 - ۶ - در مزاج پرده‌ها .
 - ۷ - در استخراج پرده‌ها در ۱۴ باب .
 - ۸ - در معرفت سازها .
 - ۹ - در اینکه سه پرده را چه وقت باید خواند .
 - ۱۰ - باید زننده و کوبنده عطار صفت باشد .
 - ۱۱ - در شرایط زننده .
- آغاز : حمد و سپاس بی‌قیاس خدای را عزوجل که بنی آدم را به قدرت
کیاست آن داد که استخراج پرده‌های مختلف اما بعد چون بعضی از
عزیزان طالب علم موسیقی بودند و ازین ضعیف در هر وقت و در هر ایام سؤال
می‌فرمودند . . . ازین فقیر التماس نمودند که در این باب رساله‌ای بنویس .
انجام : زرافشان صغیر ، فاخته کبیر ، ضرب‌القدیم (تم‌الرساله) .
* ملك ۴/۳۳۲۶ گ ۱۱۳ د - ۱۱۶ ر مورخ ۱۳۲۸ .

۱۵ - رساله موسیقی

در شاتزده فصل که فصل هفتم آن در چهارده باب است .
آغاز : این مختصری است در علم موسیقی از جهت ملتسم بعضی عزیز
شاتزده فصل ترکیب کرده شد تا مرطالبان این صنعت را حظی وافر باشد .
. . . فصل اول در شرح موسیقی . . . فصل دوم قانون پرده‌ها و شعبه‌ها .
. . . فصل سوم نوروز و مبرقع و شهناز . . . فصل پانزدهم پرده راست .
. . . فصل شازدهم اوقات زندگی و خوانندگی .
انجام : ضرب القدیم فرع . والله اعلم بالصواب .
* ملك ۱/۸۹۳ نستعلیق سده ۱۱ .

۱۶ - رساله موسیقی

در يك مقدمه و هفده باب یا فصل . در پایان نسخه دانشگاه عمل وقول
با آهنگهای بسیاری از موسیقی دانهای مشهور آمده است .
فهرست بابها و فصلها آنچنانکه در دیباچه نسخه سپهسالار آمده است :

- ۱ - در مبادی این علم .
- ۲ - در تقسیم دستانها و تعریف ابعاد .
- ۳ - در بیان پرده‌ها .
- ۴ - در بیان آوازهای ششگانه .
- ۵ - نسبت پرده‌ها به روح .
- ۶ - در منسوبات پرده‌ها به کواکب .
- ۷ - در معرفت پرده‌ها .
- ۸ - در معرفت ایقاع اصول .
- ۹ - باید دانستن که در پیش هر کسی کدام پرده باید به واجب .
- ۱۰ - در آنکه هر پرده را زیادت تیز کنی و نرم سازی چه حاصل شود .
- ۱۱ - در تعریف سازها .
- ۱۲ - در معرفت نواختن سازها که مناسب وقت باید .
- ۱۳ - در معرفت آنکه هر قومی را کدام پرده باید به واجب .
- ۱۴ - در دانستن آنکه در شبانه روزی در هر وقت کدام پرده باید به واجب .
- ۱۵ - نسبت پرده‌ها به اقالیم .
- ۱۶ - در معرفت تأثیر نغمات در طباع .
- ۱۷ - در معرفت سماع و آنچه بدو منسوب باشد .

فهرست مطلبها آنچنانکه در متن نسخه سپهسالار آمده است :

- ۱ - در مبادی این علم .
 - ۲ - در تقسیم دستانها و تعریف ابعاد .
 - ۳ - در بیان پرده‌ها .
 - ۴ - در بیان آوازهای ششگانه .
 - ۵ - در معرفت آنکه ابریشم چند است .
 - ۶ - در دانستن نسبت پرده به روح .
 - ۷ - در منسوبات پرده به کواکب .
 - ۸ - در استخراج پرده‌ها .
 - ۹ - شش گونه دارالضروب .
 - ۱۰ - پیش هر کسی چه ضرب باید زد .
 - ۱۱ - در آنکه هر پرده را زیادت تیز کنی و نرم‌سازی چه حاصل شود .
 - ۱۲ - بدانکه جمله سازها عود است .
 - ۱۳ - در معرفت نواختن پرده‌ها .
 - ۱۴ - در معرفت آنکه پیش هر قومی کدام پرده باید واجب .
 - ۱۵ - در آنکه از ایام هفته و هر روز کدام باید نواخت .
 - ۱۶ - نسبت پرده‌ها به اقالیم .
 - ۱۷ - در معرفت سماع در هفت قسم :
 - ۱ - تعریف حواس خمسه .
 - ۲ - تعریف سماع .
 - ۳ - آداب سماع .
 - ۴ - احکام و حقیقت سماع .
 - ۵ - در وجد و مراتب آن .
 - ۶ - در رقص .
 - ۷ - در حرفه .
- فهرست فصل‌ها در نسخه دانشگاه در دیباچه و متن .
- مقدمه در مبادی علم موسیقی :
- ۱ - در تقسیم دستانها و تعریف ابعاد .
 - ۲ - در بیان پرده‌ها .
 - ۳ - در بیان آوازاها .
 - ۴ - در آنکه ابریشم چند بانگ است .
 - ۵ - در بیان آنکه پرده‌ها با بروج نسبت داده‌اند به قول متقدمان و متأخران معا .

- ۶ - درمنسوبات پرده‌ها با کواکب سبعة .
- ۷ - در معرفت استخراج پرده‌ها .
- ۸ - در ادوارها .
- ۹ - در آنکه پیش هر شخصی چه ضرب باید زدن .
- ۱۰ - در آنکه هر پرده که زیادت کنی و نرم کنی چه شود آن پرده .
- ۱۱ - در آنکه مادر جمله سازها چه (ام جمله سازها عود است) .
- ۱۲ - در معرفت نواختن پرده‌ها که مناسبت وقت باشد .
- ۱۳ - در بیان آنکه در نزد هر قومی کدام پرده مناسب باشد .
- ۱۴ - در شبانه‌روزی از هفته‌ها کدام پرده مناسب است .
- ۱۵ - در نسبت پرده‌ها به اقالیم سبعة .
- ۱۶ - در تأثیر نغمات در طایفه .
- ۱۷ - در معرفت سماع و آنچه بدان منسوب باشد .

و این مبنی است بر هفت قسم :

- ۱ - در تعریف خواس خمسه .
- ۲ - در تعریف سماع (متسمع ، مسمع ، سامع) .
- ۳ - در آداب سماع (زمان ، مکان ، اخوان) .
- ۴ - در احکام و حقیقت سماع .
- ۵ - در وجد و وجود و مراتب آن .
- ۶ - در رقص که به مذهب امام اعظم مباح است .
- ۷ - در خرقه درویشان و اهل دلان .

خاتمه : در اینکه ادیس موسیقی علمی و عملی را آشکار کرد و همه انبیاء این علم را نیکو دانسته و پیغمبر ما و اکثر اولیاء این علم را در غایت کمال دانسته‌اند و دارندگان روحانیت و طبع سلیم آن را نیکو میدانند و بیشتر مردم و پادشاهان و دارندگان لطف طبع و استعداد آن می‌پسندند و باید که علماء و خطباء و حفاظ آنرا بورزند و بدان پردازند و به فرزندان بیاموزند .

آغاز نسخه سپهسالار : بسمله . حمد و ثنا و درود و سپاس بر خداوندی را که آدمی را از جمله مخلوقات برگزیده . . . و نغمات طیبه بلند بلبل‌زبان را در مجمع انس در پرده عشاق گویا گردانید . . . اما بعد بر ضمیر انور ارباب دانش مخفی‌نماند که علم موسیقی علمی است به غایت شریف و دقیق و روحانی و استادان این فن کتب مطول تصنیف کرده‌اند . اگر چه علم حال به قال در نمی‌آید بهر حال مختصری از برای طالبان این فن ترتیب داده شده این رساله مبنی بر مقدمه و هفده فصل و خاتمه .

آغاز نسخه دانشگاه : حمد و ثنا و درود و سپاس بر خداوندی را که خلق

را از عدم به وجود آورد بدانکه در بیان کتاب اعلام می‌رود که علم موسیقی علمی است بی‌نهایت و کیفیتی است به طبع و روحانیت تعلق دارد و استادان این فن کتابهای مبسوط درین علم تصنیف کرده‌اند نوشته‌اند اگرچه علم در قلم نمی‌آید اما مختصری مفید درین رساله ذکر میشود مشتمل است بر هفده فصل و مقدمه .

انجام نسخه‌سپهسالار: همچنانکه جمع صحابه عمل می‌نمایند معاویه علیه‌اللعنة ساکت شد والحمد لله الذی هدانا علی سوا الطریق .

انجام نسخه‌دانشگاه: تا اثرها و نتیجه‌هایی مشاهده کند والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب (سنه ۱۲۷۳) .

* دانشگاه ۱۹۷۴ مورخ ۱۲۷۳ (۹ : ۶ - ۵۷۵) افسوس که در فهرست اشتباهی شد و از س ۱۲ ص ۵۷۶ تا س ۶ ص ۵۷۷ که در دنبال وصف نسخه ش ۱۹۷۶ آمده است مربوط به شماره ۱۹۷۴ و دنبال س ۹ ص ۵۷۵ باید قرار گیرد و چنین خوانده شود: در سلك عبارت کشید

* سپهسالار ۳۹۳۱/۱۰ (۵ : ۶۸۷) .

در نسخه ش ۱۹۷۴ دانشگاه بندبست با عنوانهای «نوبت ، قول ، عمل» با نسبت هریک از اینها یکی از موسیقی‌دانان ایرانی مانند خواجه عبدالقادر و سلطان احمد و محمد لالا و سید محمد و استاد نور و سید قطب‌الدین و استاد علی سه‌تایی با آوردن شعری به عربی و بیشتر به فارسی پس از هریک از عنوانها . چنین است :

نوبت مرتب از آن خواجه عبدالقادر در بزرگ ، نوبت خواجه عبدالقادر در ترانه ، فرو داشت ، قول دوگاه سلطان احمد ، قول راست از سلطان احمد ، عمل خواجه عبدالقادر در دوگاه ، عمل هم در دوگاه از خواجه عبدالقادر ، عمل دوگاه همو ، عمل خواجه عبدالقادر در دوگاه ، عمل خواجه در دوگاه حجاز ، بازگشت ، عمل خواجه عبدالقادر در عشیران ، عمل خواجه عبدالقادر در حسینی ، عمل خواجه در حسینی ، بازگشت ، عمل خواجه در حسینی ، بازگشت ، عمل خواجه در اصفهان ، از آن محمد لالا در اصفهان ، عمل در دوگاه حجاز از محمد لالا ، عمل خواجه عبدالقادر در نوا ، عمل سید محمد در نوا ، عمل خواجه در عراق ، عمل استاد نور شیخ در عراق ، عمل خواجه در حجاز صور پیش ، عمل خواجه در زنگله ، عمل خواجه در زوالی ، عمل در نوروزخاوا از سلطان احمد ، عمل سید قطب‌الدین در نوروز خارا ، عمل خواجه در نیریز و بازگشت ، عمل خواجه در چهارگاه ، عمل در چهارگاه از آن استاد علی سنایی ، عمل خواجه در مبرقع ، بازگشت ، عمل در مبرقع از سلطان احمد ، بازگشت ، عمل خواجه در سه‌گاه ، بازگشت (ص ۵ و ۶ س)

۱۷ - رساله در موسیقی : در مقامها و شعبه‌ها .

آغاز : بدان ای فرزند که هیچ علمی به علم موسیقی نرسد . . . باید دانست که نغمات و مقامات از وحوش و طیور برداشته‌اند . . . راست از فیل ، عشاق از خرگوش ، حسینی از اسب ، عراق از گاو ، بزرگ از کبک ، کوچک از طفل شیرخواره ، زنگوله از زنگ شتر ، حجاز از خر ، اصفهان از گوسفند ، رهاوی از کلاغ ، بوسلیک از ناله شتر ، نوا از بلبل

در بیان دوازده مقام و بیست و چهار شعبه و چهار گوشه که . . . قلمی میشود :

مقام اندر عدد هشت و چهار	دو شعبه هر مقامی راست در کار
حسینی کز مقامات است بهتر	دو گاه آمد قرینش با محیر
بدین ترتیب تا آخر نوشتم	بری بردار ازین تخمی که کشتم

. . . در بیان پست و بلندی هر مقام و شعبه .
. . . فصل در کواکب متعلقه به دوازده مقام .
. . . در بیان پیداشدن دوازده مقام .
انجام : و یکی از بلند به صورت نظم در آمد والله اعلم بالصواب .
* مجلس ۶۲۶/۵ نزدیک به ۴ ص (۲ : ۳۸۵) .

۱۸ - رساله در علم موسیقی - گویا از سده ۱۱

آغاز : رساله در علم موسیقی . پوشیده نماند که از خواص علم موسیقی هزارویک لهو و لعب و ساز و نواست و باقی محض حقیقت و شناخت ذات بی‌همتا است باید دانست که نغمات و مقامات را مجموع از وحوش و طیور برداشته چنانچه هر مقام دوازده گانه را دو شعبه و هر دو مقام را یک آوازه است و هر مقامی را چهار گوشه و سه پرده قرار داده‌اند که مجموع چهل و هشت گوشه و سی و شش پرده باشد و اصول را هفده قرار دادند .

و محمد غواص بیست و چهار اصول قرار داده و شرح داده و شرح کرده که هر مقام را از چه محل و از برای که باید خواند و هر نغمه‌ای را از چه چیز برداشته‌اند و به کدام برج نسبت دارد از بروج دوازده گانه و حقیقت دوازده مقام که هر یک را از چه برداشته‌اند بدین موجب : راست از اسرافیل ، عشاق از خروس ، حسینی از اسب ، عراق از گاو ، بزرگ از کبک ، کوچک از طفل شیرخواره ، زنگوله از پای شتر و درای زنگ او ، حجاز از الاغ ، اصفهان از گوسفند ، رهاوی از کلاغ ، بوسلیک از ناله شیر ، نوا از بلبل

فصل (۱) در بیان دوازده مقام و بیست و چهار شعبه . باید دانست که هر مقامی را دوشعبه و چهار گوشه قرار داده‌اند

فصل (۲) بدانکه هر دو مقام را يك آوازه است .

انجام : آخر شب عشیران و ماهور و حصار و بزرگ و كوچك والله اعلم بالصواب اليه المرجع والمآب .

* نسخه : نزدیک پایان جنگ شماره ۴۲۸ آقای دکتر اصغر مهدوی که من در نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه (۲ : ۷۱) شناسانده‌ام ، به خط نستعلیق ریز در ۲ ص در متن و هامش گویا مورخ ۱۲۵۹ .

۱۹ - رساله موسیقی

آغاز : بدانکه بعضی از استادان موسیقی بر آنند که حکیم افلاطون از تمام دوازده بروج فلک بگوش جان دوازده مقام شنید و جمله را ضبط کرد چنانکه مقام راست از برج حمل و مقام اصفهان از برج ثور .

انجام : مقام زنگوله : شعبه چهار گاه ارواح ، شعبه غزال از حضيض .

* سپهسالار ۲/۷۴۲۱ (۵ : ۶۸۸ - ۲۰ - ۲۱ پ) .

۲۰ - رساله در علم موسیقی

آغاز : رساله در علم موسیقی . بسمله . اما بعد بیايد که مقام چند است و شعبه چند است و اصول چند است بدانکه مقام دوازده است و هر مقامی را دوشعبه و لازم است که بیست و چهار باشد .

انجام : زنگوله حجاز و كوچك اند بر ماست والله اعلم بالصواب واليه المرجع والمآب .

* جنگ سده ۱۳ ص ۸ - ۳۳۶ (فهرست فیلمها ص ۶۴۹ ش ۲۲۱۴) .

۲۱ - رساله در موسیقی

با عنوان « فصل در بیان مقامات و غیره » و از عبارت فارابی در تعریف نغمه دران آمده است .

آغاز : علم موسیقی عبارت است از معرفت احوال .

* بادلیان ش ۲۰۱۸ .

۲۲ - در بیان پیدا شدن علم موسیقی

آغاز : بدانکه در پیدا شدن علم موسیقی اختلاف .

انجام : راست للمفارج .
* ملك ۳/۴۵۸۳ (سده ۱۳) .

۲۳ - رساله موسیقی

درباره شش دستگاه اصل و شش دستگاه فرع با دو دایره و اشعاری درباره مقامات به مثال .

آغاز : بسمله . قاعده در علم موسیقار . موسیقار بر وزن بوتیمار سازی است از نی های بزرگ به اندام مثلث سازند .
* ۸ ص در مجموعه ای از آن آقای محمد مشیری یزدی .

۲۴ - رساله در علم موسیقی

دایره شش آوازه اصل مقام ، به فارسی با شکل .
آغاز : . . . خالق بی چون که هیچ علم از علوم به خورد . . . به علم موسیقی نمی رود چونکه جناب علی بن ابی طالب سیر علم کرد .
انجام : این بود چهار دستگاه که مذکور شد .
* ملك ۱۲/۳۵۳۶ از سده ۱۱ .

۲۵ - رساله در موسیقی

آغاز : بدانکه علم موسیقی در دوازده پرده است و در هشت باب .
* سنا ۵/۲۸۴ (نشریه ۶ : ۵۱۹) .

۲۶ - منظومه در علم موسیقی

« مقام اندر عدد هشت آمد و چهار دو شعبه هر مقامی داشت ناچار »
در مجله موسیقی (س ۳ ش ۱۰ و ۱۱ ص ۲۱) آمده و در پایان نسیم طرب نیز دیده میشود .

* بادلیان Add 69 (ش ۱۲۴۱) گک ۴۵ پ ص ۲۶۶ فهرست .
(فهرست فیلمها ص ۵۸۲ ش ۱۲۳۶ و ۱۳۳۸) .

۲۷ - در بیان علم موسیقی و آداب و کیفیات و خواص آن ، به نظم فارسی .
که در پایان نسیم طرب هم آمده است .

آغاز: مقام اندر عدد هشت آمد و چار
 حسینی کر مقامات است برتر
 انجام: بدین ترتیب تا آخر نوشتم
 * ملك ۴۵۸۳/۲ (سده ۱۳) .

۲۸ - در بیان دوازده مقام و بیست و چهار شعبه

در وصف مقامها و اجزاء آن .
 * تاشکند ۱/۹۲۶۴ (۸ : ۲۱۵ ش ۵۷۹۲) به نسخ خوش بخارایی
 در کاغذ سده ۱۱ در ۱ ص ، شماره دوم مجموعه نزهةالقلوب مورخ
 ۱۰۲۶ است پس این یکی هم باید از سده ۱۱ باشد .

۲۹ - رساله در علم موسیقی

مشمول بر دوازده مقام و بیست و چهار شعبه و چهل و هشت گوشه و شش آواز
 و هفت بحر و اصول .
 آغاز : بدان ایدك الله که این رساله ایست در علم موسیقی مشتمل بر دوازده
 مقام و بیست و چهار شعبه و چهل و هشت گوشه و شش آواز و هفت بحر و اصول .
 * مجموعه آقای مولوی در مشهد (نشریه ۵ : ۸۱) .

۳۰ - دانستن مقامها در هر ردیف

علم موسیقی ار همی دانی
 باز بر پرده حسینی را
 چون سر نیزه شد آفتاب بنند
 به گه چاشت بوسلیک گزین
 استوا پرده نهاوندی
 چون بدانی که وقت پیشین شد
 وانگه اندر میانه دو نماز
 نه بود لایق نماز دگر
 شام را پرده مخالف خواه
 چون در آید نماز خفتن زود
 نیم شب وقت زیر افکندست
 گرچه این قول بوعلی سینا است

صبح دم بر ره رهاوی ساز
 کن به وقت طلوع صبح آغاز
 پرده خوب راست را بنواز
 پس بشادی و لهو سر بفراز
 طلب از مطربان خوش آواز
 راه عشاق جوی و محرم راز
 دلکش آید عظیم نوع حجاز
 جز طریق عراق ای طنناز
 با حریف موافق دم ساز
 عزم تأخیر کن به دولت و ناز
 باده گیر و در طرب کن باز
 لیک شد نظم بدان ای ناز

در گوشه صفحه پس از عنوان یادشده آمده : منشی شهاب‌الدین منشی تحریراً
فی‌سنه ۹۶۲ .

* ص ۱ نسخه همایون‌نامه شهاب منشی محمدبن جمال‌الاسلام شماره ۵۷۶۰
دانشگاه که باید در سده ۱۰ نوشته شده باشد و یا اینکه همین ۹۶۲
تاریخ نوشته شدن آنست .

۳۱ - در بیان دوازده مقام و دوازده شعبه به نظم در دوازده بیت :

هم مرقع باشد و هم پنجگاه تو ز نیریز و نشابورک خبر تا مخالف پیش من مغلوب شد شعبه‌اش ركب و بیاتی گفته است تا شنیدم از همایون و نهفت تا سه‌گاه آمد حصار اهل ساز از عشیران تا سه‌گاه آرد پیام زابل از اوج محبت یافته در دوگاه و در محیر مانده‌ام چارگاه از بردن غزال خواند گوشه‌ای نیکوتر از ماهور نیست شد دو نروز این عرب اینک عجم	راست‌خوان و راست‌رو ای مرد راه رو به اصفهان ^۲ که یابی ای پسر در عراقم ^۳ دشمنان منکوب شد آنکه گوهرهای کوچک ^۴ سفته است در بزرگ ^۵ آخر گل و قتم شکفت حاجیان را گشت آهنگ حجاز ^۶ بوسلیک ^۷ آهنگ ساز ای نیک نام نال ^۸ عشاق ^۹ تا دریافته از حسینی ^۹ تا حدیثی خوانده‌ام نغمه ^{۱۰} زنگوله کاهل حال خواند از نوا ^{۱۱} نروز خارا دور نیست از رهاوی ^{۱۲} پیش ارباب نغم
--	---

* نزدیک به پایان جنگ شماره ۴۸۲ آقای دکتر اصغر مهدوی (نشریه
۲ : ۷۱) گویا مورخ ۱۲۵۹ .

۳۲ - منظومه‌ای در موسیقی در ۱۵ بیت بفارسی .

آغاز : دو علم موسیقی

عشاق مرا قد حسینی است چو راست
حضیض اوج حضیض اوج حضیض اوج
زابل عوج دوگاه محیر موقع پنجگاه
در پرده بوسلی رهاوی و نواست^۱
حضیض اوج حضیض اوج حضیض اوج

۱ - در پایان کرامیه دوره سفره‌چی آمد «در پرده بوسلیک شادی و نواست» .
(نسخه حقوق)

مقام اندر عدد هشت آمد و چار دو شعبه هر مقامی راست ناچار
انجام: نوا کاند رجهان افتاد از آن شور بود نوروز خارا فرع ماهوز
* الهیات ۱ : ۱۵۸ س ۱۲۴/۴ ج ۲۲ پ - ۲۳ ر مورخ ۱۲ رجب ۱۳۱۱ .

۳۳ - منظومه در موسیقی

دارای این عنوانها :

۱ - در بیان آنکه هر مقامی از چند نغمه حاصل و به کدام برج منسوب است.
۲ - در بیان آنکه هر مقامی به کدام وقتی از اوقات منسوب است .
۳ - در بیان بیست و چهار شعبه که خواندن هر یکی در کدام ساعت مناسب است .

۴ - در بیان حرفهای موسیقی .

۵ - در بیان سازهای مختلفه .

آغاز : هذا رساله در بیان علم موسیقی . بسمله .

در شیوه موسیقی سخن بسیار است از جمله وجود هر سخن ادوار است
غافل منشین ز نغمه داودی کین قول یقین ز سالک اطوار است
در بیان آنکه هر مقامی را دو شعبه است و هر شعبه ای نغمه ای چند است
و هر شعبه شعبه کدام است .

مقامی را دو شعبه هست پیدا ز پستی و بلندیش هویدا
ز اول شعبه پستی را بیاری بلندی را ز آخر شعبه آری
انجام : هر نغمه که او نمود از عود بگذشت ز نغمه های داود
ای جنگ خطایی ثناخوانش بخت آمده بر سرود دندانش

(سپس غزلی است) .

باز این بی سروسامان سودای کسی دارد
باز این دل هر جایی جای هوسی دارد
از کوی بتان شاهی گم ره برگشتن
کین بادیه همچون تو آوازه بسی دارد

* سپهسالار ش ۱۴۲/۲ در ۱۳ ص از برگ ۸۸ و در ۱۲۱ بیت (۴ : ۴۸
و ۵ : ۶۸۶ فهرست) .

۳۴ - رساله در موسیقی به نظم فارسی درباره ۱۲ مقام و ۲۴ شعبه .

با دیباچه نثر.

آغاز : بعد حمد خدا و صلوات بر رسول و اصحاب او بیاید دانست که علم موسیقی علمی است .

* بادلیان ۱/۱۸۵۰ .

۳۵ - در بیان شعبهای هر مقام

* تاشکند ۷۲۸ (۱ : ۳۱۹) .

۳۶ - دایره مقامات که هر یک به جانوری نسبت داده شده است .

* دانشگاه ۸۳۴۸ در یک برگ به نستعلیق سده ۱۴ .

۳۷ - رساله در موسیقی

* موزه بریتانیا Or 6270 (فهرست اونس ۹۱ نشریه ۴ : ۶۵۹) .

۳۸ - در جنگ ش ۲۱۲۵/۳ ملک نوشته محمد حسین قاینی در ۱۰۹۶ با تاریخهای ۱۱۴۷ و ۱۱۱۸ دیباچه ایست بر رساله موسیقی محمد قاسم بن عبدالقادر تونی

۳۹ - رساله در مصطلحات موسیقی

آغاز : حمدله . صلاه اما بعد بدانکه موسیقی لفظ سریانی است .
* قاهره ۲۸ مجامع فارسی طلعت گ ۲۸ - ۳۴ پ در ۱۲ س ۱۲×۱۷
نستعلیق حسین رضا بن عصمت پاشای وزیر در ۱۳۱۸ (طرازی ش ۹۳۰) .

۴۰ - ساز قطعات چینی (دانشمندان آذربایجان ص ۲۶۰) .

در پایان آن جدولی است .

آغاز : بیان قطعات چینی به ترتیب اصل و فرع مشتمل بر مجموع نغمات معالحواد (؟) بدو مضراب باید قرع کردن آن مضراب از هر جسمی که ارادت ضارب که مباشر آنست .

انجام : در وتروکاسها نیز همچنان نغمات از وتروکاسه حاصل می شود .

* ملک ۸۳۲/۲ برگ ۸۸ پ - ۸۹ به خط ۸۳۷ .

۴۱ - ساز الواح فولاد ، باچند لوح .

آغاز : ساز الواح را از فولاد سازند و چون دراز باشد و عریض ثقیل اعی بی باشد و اینها سبب نرمی آن باشد .

انجام : اما چون چشم روشنی نمی دهد بدین مقدار اکتفاء نمودیم .

* ملك ۸۳۲/۳ برگ ۸۹ پ - ۹۰ ر به خط ۸۳۷ .

۴۲ - سازغابی ، با شکل این ساز .

آغاز : این سازغابی چنانست که آن را از دور وضع کرده باشند چنانکه در زیرزمین ریسمان را کشیم اوتار آن در ادوار می آیند و نغمات جلیه از آن مسموع گردد .

انجام : که مضراب را در حرکت می آورد و بر اوتار می رساند .

* ملك ۸۳۲/۴ برگ ۹۰ پ به خط ۸۳۷ .

۴۳ - آداب آوازها و ذکرها ای که در منابر و جز آن خوانده میشود

بفارسی در ده باب :

- ۱ - آداب مقامات و رنگ و گوشه و شعبه و آوازهای مختلفه .
- ۲ - آداب آوازی که در چه وقت باید خوانده شود .
- ۳ - آداب آوازی که پیغمبران میخواندند .
- ۴ - آداب علاج امراض .
- ۵ - آداب وحش و طیر که چه آوازه میخوانند .
- ۶ - آداب مرثیه محتشم در منبرها خوانند .
- ۷ - آداب ذکرهای که در پای منبرها خوانده میشود .
- ۸ - آداب ذکرهایی که در گلدسته خوانده میشود .
- ۹ - آداب ذکرهایی که در ویشان و صوفیان خوانند .
- ۱۰ - آداب تصنیفات که در مجلس اهل طرب خوانده میشود .

آغاز : پس از فهرست یاد شده : و از جمله ده باب است : باب اول در آداب مقامات و گوشه ها و شعبه ها و آوازی که هر يك اسمی دارد و این است :

راست گویان حجازی به نوا میگویند

که چنین گشته شد از بهر مخالف به عراق

انجام : ذکر عشیران

کو حسینم کو حسینم کو حسینم کو شهیدم کو شهیدم کو شهیدم
* ملك ۲/۲۸۳۰ گ ۳۰ پ - ۵۳ ر شکسته نستعلیق علی رضا بن حسین بن
اسماعیل قاینی بیرجندی که الادوار ارموی را در ۱۲۷۵ درهمین
مجموعه (ش ۱) نوشته است .

نتیجه

چون بیشتر موسیقی‌دانها و خنیاگرانی که از آنها یاد کرده‌ایم یا نژاد ایرانی دارند و یا در سرزمین ایران شهر و قلمرو زبان فارسی پرورده شده‌اند و اندیشه ایرانی در سر آنها بوده است و چون بیشتر اطلاعات عملی و علمی موسیقی در آثار عربی و فارسی از دوران جاهلیت تا کنون فارسی است و نام افزارها هم بسیاری به فارسی است و با ساخت فارسی این الفاظ در کتب عربی دیده میشود؛ پس در موسیقی اسلامی از آغاز تا کنون عنصر موسیقی ایرانی بوده و این رشته هیچگاه گسسته نشده است.

اگر ما بخواهیم تاریخ این هنر را در ایران و قلمرو اسلامی و سرزمینهای فارسی‌زبان و آنجاها که از این موسیقی متأثر شده است بنویسیم بایستی:

- ۱ - آثار یونانی ترجمه شده به زبان عربی را در موسیقی گرد بیاوریم .
- ۲ - آثار عربی و فارسی و ترکی و اردو در موسیقی و غناء از چاپی و خطی را فراهم سازیم و به دقت بدانها بنگریم .
- ۳ - اصطلاحات عربی و فارسی و ترکی موسیقی را به ترتیبی علمی برشمریم و با ریشه‌های پهلوی و معادل‌های یونانی و هندی آن بسنجیم .
- ۴ - چنین کاری را هم درباره نام افزارهای موسیقی بکنیم .
- ۵ - سرگذشت موسیقی‌شناسان و مغنیان و خنیاگران و مصنفان را از کتابهای موسیقی و تواریخ و تذکره‌ها و مقالات و گفتارها و رسالات دانشمندان ایرانی و اروپایی در زبانهای گوناگون بیرون بیاوریم .
- ۶ - نام آوازاها و آهنگها را در لهجه‌ها پیدا کنیم و ریشه پهلوی آنها را بیاوریم .

- ۷ - سرودها و تصنیفها را از کتابهایی مانند جامع‌الالحان و رسالهٔ موسیقی امیرخان کوکبی گرجی و بحورالالحان شیرازی و جاهای دیگر و از زبان تودهٔ مردم گرد بیاوریم .
- ۸ - ریشهٔ یونانی و اسرائیلی و ایرانی افسانه‌هایی که در کتابها دربارهٔ پیدایش موسیقی گفته‌اند بیابیم .
- ۹ - در روش نوشتن آهنگها و نغمات ترد پیشینیان بیندیشیم و کلیدی برای نشان دادن آهنگهای گذشتگان بیابیم .
- ۱۰ - آنچه که در کتابهای موسیقی آمده‌است با یکدیگر بسنجیم و ببینیم که متأخران از پیشینیان چه اندازه برداشته‌اند و ارزش کار آنها چیست .
- ۱۱ - با جدا ساختن دو روش ریاضی و تجربی در موسیقی دریابیم که موسیقی‌دانهای ایرانی و اسلامی از کدام روش پیروی کرده‌اند .
- ۱۲ - در این نکته بیندیشیم که چرا در آثار مؤلفان اخیر رساله‌های عربی و فارسی در موسیقی آن نظم علمی آثار کندی و فارابی و ابن‌سینا و ابن‌زیله و قطب شیرازی و آملی و ارموی و مراغی نیست و چرا در این علم و هنر به انحطاط گراییده‌اند .

تصحیحات

صحیح	سطر	صفحه
عازف	۹	۹
اعشی	۲۵	۱۱
جمیله	۲۳	۱۹
«عصرالموسیقی وما افترت و ما ئیته»	۱۴ و ۱۵	۳۴
الایقاع	۱۸	۳۹
الشعریه	۱۰	۴۴
زهها	۹	۴۵
۳۹۰ - فهرست	۱۰	۵۰
فقرأ	۲۵	۵۴
آستانه ۹۵۳	۳۱	۵۵
زما فنا	۳۰	۵۸
ونسخه ای	۲۸	۶۲
حموی	۹	۶۴
الرسائل	۲۴	۶۵
رقم ۲ در آغاز سطر زائد است	۲	۷۴
معتزلی	۲۲	۷۴

صفحه	سطر	صحیح
۷۵	۲۲	دیباچه
۷۶	۷	جنید
۷۶	۲۰	در دو باب
۷۸	۶	عبدالعزیز
۸۰	۱۹	فرغینانی
۸۱	۹	مغنیان
۸۷	۱۵	عبادالله
۸۸	۲۱	احمدالله
۹۰	۲	(ش ۲۵۵ فهرست هیئتس ۱ : ۲)
۹۱	۲۵	۵ - شرح الادوار
۹۲	۱۵	۸۳۱/۲
۱۰۹	۱۵	الادوری
۱۱۸	۳۰	۲۲۸
۱۳۱	۵	نسخنی
۱۳۱	۱۵	در کتاب خسرو شیرین زبان به زبان اردو از اقبال صلاح الدین چاپ ۱۳۸۹ لاهور ص ۱۸۴ از هنر موسیقی خسرو سخن به میان آمده ولی از نسخه رساله او در آن نشانی ندیده‌ام.
۱۳۱	۲۳	امیر خضر مالی قرمانی نویسنده نسخه پاریس از کنزالتحف است نه مؤلف آن چنانکه در مجله هنر و مردم تحقیق کرده‌ام.
۱۳۸	۱	Or 271,1 (۳ : ۵ - ۳۰۲)
۱۳۸		پس از سطر (۳) افزوده شود : مدراس ۵۲۰ (۱ : ۵۳۲)
۱۳۹	۲۱	* شایرانی شروانی در روز یکشنبه
۱۴۰	۲۴	این دور را
۱۴۱	۳ و ۲	شماره ۱۳ است و بر شماره‌های بعدی باید یکی افزوده شود.
۱۴۱	۱۵	سده نهم
۱۵۵		میان سطر ۱۲ و ۱۳ افزوده شود : این رساله از روی جنگ علی نقی خان خاتون آبادی نسخه کتابخانه ملی (گ ۱۵۶ -

صفحه	سطر	صحیح
		۱۶۰ (ر) فیلم ۳۸۴۹ دانشگاه به کوشش آقای یحیی ذکاء در نامه مینوی (ص ۱۸۹ - ۱۹۸) چاپ شده است.
۱۶۳	۲۴	انگیز
۱۶۴	۱۱	۳۶ پ (با چیزهای دیگر)
۱۶۴	۱۲	مجلس ۲۳۲۷ نوشته محمد رضا در ۱۰۷۲ ص ۶۹۹ (۸ : ۱۸) (منزوی ۳۸۸۷).
۱۶۵	۷	کلان
۱۶۶	۱۷	آغاز نسخه دانشگاه :
۱۶۸	۷	فرح السالکین
۱۶۸	سطر آخر	در چهار باب :
۱۷۴	۱۴	منثور
۱۸۰	۱۹	جمادی الاولی (مجلس)
۱۸۰		میان سطر ۲۰ و ۲۱ : * مفتاح ۱۱۸۱/۱ نوشته علی غریب در شب دوشنبه ۲۶ ۲۴ / ۱۳۱۱ (نشریه ۷ : ۲۶۹).
۱۸۴	۵	نوازندها
۱۸۸	۲۶	اشاره عالیة
۱۹۱		در پایان سطر ۳ افزوده شود : (نیز بنگرید به هنر و مردم ۱۱۰ : ۵۰).
۱۹۱	۱۴	(رسالة جمع الاقوال فی قول القوال).
۱۹۱	۱۶	(۲ پ) (انوار ۳ : ۳۴۴ - منزوی ۳۸۹۲).
۱۹۲	۷	(دانشگاه) نسخه آستان قدس (۸ : ۴۸۲ و ۴۸۴) هم باید همین باشد).
۱۹۲	۱۲	رسانده است
۲۰۳	۴	الائیم
۲۰۸	۳	راکهای هندی در فهرست مخطوطات شفیع (ص ۳۳۵) «راك مالاً» خوانده است (نیز منزوی ۳۸۹۶).
۲۰۸	۹	(۱۰۶۸ - ۱۰۳۷)

صفحه	سطر	صحیح
۲۱۰	۷	اصول النغمات الاصفی از غلامرضا فرزند محمد پناه است (منزوی ۳۸۸۶).
۲۱۵	۲۸	در این نسخه باب یکم نیست و از باب دوم آغاز می‌شود پس باب یکم در این کتاب باب دوم نسخه است و باب یازدهم باید دوازدهم به‌شمار بیاید.
۲۳۳	۴	بیشتر اصطلاحات عملی و علمی.

